



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

پانچ حدیث شریف (۲)

حدیث

پہنچتے عالم جلالی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ حدیث شیعه 2 (عصر غیبت)

نویسنده:

محمد کاظم طباطبایی یزدی

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۷	تاریخ حدیث شیعه ۲ (عصر غیبت)
۱۷	مشخصات کتاب
۱۷	اشاره
۳۳	مقدمه ناشر
۳۵	پیش گفتار
۳۵	اشاره
۳۶	تقدیر و تشکر
۳۶	نکته
۳۹	درس اول: حدیث در سده چهارم و زنجم
۳۹	اشاره
۴۱	درآمد
۴۱	نگاهی به فضای سیاسی این دوران
۴۱	اشاره
۴۲	آل بویه ۳۳۴-۴۴۸
۴۴	فاطمیان ۵۶۷-۲۹۶ هـ
۴۵	حمدانیان ۳۹۲-۲۹۳
۴۵	مساعده بودن فضای فرهنگی و اجتماعی
۴۸	تلاشهای حدیثی در سده های چهارم و پنجم
۴۹	گونه های نگارش حدیثی
۴۹	اشاره
۴۹	۱. جامع نگاری
۵۰	۲. تک نگاری
۵۰	۳. امالی

۵۱	۴. مسند نویسی
۵۲	۵. نگارشهای ذوقی و هنری
۵۲	۶. تفسیر مأثور
۵۳	۷. کلام نقلی
۵۴	۸. غیبت نگاری
۵۵	۹. فضایل و مناقب
۵۶	۱۰. تاریخ و سیره
۵۷	۱۱. دعا و زیارت
۵۷	۱۲. فقه الحدیث
۵۸	۱۳. رجال
۵۹	۱۴. فهرست
۶۰	۱۵. اخلاق
۶۰	پرسش و پژوهش
۶۱	درس دوم: مشهورترین حدیث نگاران سده سوم و چهارم
۶۱	اشاره
۶۳	درآمد
۶۳	۱. ثقة الاسلام کلینی م ۳۲۹ هـ
۶۴	۲. ابن بابویه م ۳۲۹ هـ
۶۵	۳. محمد بن حسن بن ولید م ۳۴۳ هـ
۶۶	۴. ابن قولویه م ۳۶۸ هـ
۶۷	۵. جعفر بن احمد قمی متوفای نیمه دوم قرن چهارم
۶۸	۶. شیخ صدوق م ۳۸۱ هـ
۷۰	۷. ابن خزاز قمی متوفای نیمه دوم قرن چهارم
۷۰	۸. عیاشی متوفای نیمه اول قرن چهارم
۷۲	۹. ابو عمرو گشی متوفای نیمه اول قرن چهارم
۷۲	۱۰. علی بن حسین مسعودی متوفای نیمه اول قرن چهارم

۱۱. محمد بن ابراهیم نعمانی متوفای نیمه دوم قرن چهارم ۷۳
۱۲. هارون بن موسی تلکبری م ۳۸۵ ه ۷۴
۱۳. محمد بن جریر طبری ۷۴
۱۴. حسین بن حمدان خصیبی م ۳۳۴ ه ۷۵
۱۵. ابن شعبه حزانی ۷۵
۱۶. محمد بن محمد بن أشعث کوفی ۷۶
۱۷. قاضی نعمان مغربی م ۳۶۳ ه ۷۶
۱۸. سید رضی م ۴۰۶ ه ۷۷
۱۹. شیخ مفید م ۴۱۳ ه ۷۸
- ۷۸ اشاره
- ۸۰ شیخ مفید و کتاب إختصاص
- ۸۱ ۲۰. سید مرتضی م ۴۳۶ ه ۸۱
- ۸۱ ۲۱. نجاشی م ۴۵۰ ه ۸۱
- ۸۲ ۲۲. شیخ طوسی م ۴۶۰ ه ۸۲
- ۸۴ ۲۳. کراچکی م ۴۴۹ ه ۸۴
- ۸۶ درس سوم: مدرسه حدیثی قم ۱ ۸۶
- ۸۶ اشاره ۸۶
- ۸۸ حوزه های حدیثی شیعه ۸۸
- ۹۰ قم اولین پایگاه خالص شیعی ۹۰
- ۹۳ ویژگیهای مدرسه حدیثی قم ۹۳
- ۹۳ ۱. میراث داری ۹۳
- ۹۵ ۲. نص گرایی ۹۵
- ۹۵ ۳. پرهیز از رأی و اجتناب از عقل گرایی ۹۵
- ۹۷ ۴. برخورد شدید با نقل احادیث ضعیف ۹۷
- ۹۷ ۵. مبارزه با متون غلوآمیز ۹۷
- ۹۹ چند نکته ۹۹

۱. تعریف غلو در مدرسه حدیثی قم ۹۹
۲. برخورد متفاوت با متهمان به غلو و یا ناقلان از راویان ضعیف ۱۰۰
۳. مراتب غلو ۱۰۱
۴. رویکرد دوگانه ۱۰۱
۵. کثرت نگارش ۱۰۲
- درس چهارم: مدرسه حدیثی قم ۲ ۱۰۴
- اشاره ۱۰۴
- محدثان مشهور مدرسه حدیثی قم ۱۰۶
- اشاره ۱۰۶
۱. احمد بن محمد بن عیسی ۱۰۷
۲. زکریا بن آدم ۱۰۷
۳. ابراهیم بن هاشم ۱۰۸
۴. علی بن ابراهیم قمی ۱۰۸
۵. سعد بن عبدالله اشعری ۱۰۹
۶. احمد بن اسحاق قمی ۱۰۹
۷. احمد بن محمد بن خالد برقی ۱۱۱
۸. محمد بن یحیی العطار ۱۱۲
۹. عبدالله بن جعفر حمیری ۱۱۲
۱۰. محمد بن حسن صفار م ۲۹۰ هـ ۱۱۳
۱۱. محمد بن حسن بن ولید ۱۱۳
۱۲. جعفر بن محمد بن قولویه ۱۱۴
- خاتمه ۱۱۴
- آثار ماندگار ۱۱۴
- هماهنگی سازمانی میان ارکان مدرسه حدیثی قم ۱۱۵
- اشاره ۱۱۵
- عناوین دیگر مدرسه حدیثی قم ۱۱۶

- ۱۱۷ بررسی انتقادات
- ۱۱۹ درس پنجم: مدرسه حدیثی بغداد
- ۱۱۹ اشاره
- ۱۲۱ درآمد
- ۱۲۱ اشاره
- ۱۲۱ شیعیان بغداد
- ۱۲۲ حوزه حدیثی بغداد
- ۱۲۵ مرکزیت علمی
- ۱۲۶ بنیان گذار مدرسه بغداد
- ۱۲۶ مدرسه حدیثی بغداد
- ۱۲۶ اشاره
- ۱۲۷ ۱. تصرف بغداد
- ۱۲۷ ۲. ظهور شیخ مفید
- ۱۳۰ اصول و مبانی مدرسه بغداد
- ۱۳۰ اشاره
- ۱۳۰ ۱. اهتمام به عقل و تعقل
- ۱۳۲ ۲. اعتدال در عقل گرایی یا محدودیت عقل
- ۱۳۴ ۳. آفرینش شیوه ای منطقی و صحیح در جمع بین عقل و نقل
- ۱۳۶ ۴. تثبیت هویت مستقل مکتب اهل بیت علیهم السلام
- ۱۳۷ محدثان مشهور و آثار ماندگار مدرسه بغداد
- ۱۳۹ درس ششم: حوزه های حدیثی
- ۱۳۹ اشاره
- ۱۴۱ درآمد
- ۱۴۲ تقسیم بندی حوزه های حدیثی
- ۱۴۲ اشاره
- ۱۴۲ حوزه های حدیثی خراسان

- ۱۴۲ اشاره
- ۱۴۳ ۱. سمرقند
- ۱۴۵ ۲. نیشابور
- ۱۴۵ قَتال نیشابور یو روضة الواعظین
- ۱۴۶ حوزه طبرستان و دیلم
- ۱۴۸ حوزه ری
- ۱۴۹ حوزه مصر
- ۱۵۳ درس هفتم: حدیث در سده های ششم و هفتم
- ۱۵۳ اشاره
- ۱۵۵ وضعیت علم حدیث، حوزه ها و دانشوران حدیث در سده های ششم و هفتم
- ۱۵۷ برخی ویژگیهای فعالیت‌های حدیثی این دو سده
- ۱۵۷ رواج فضایل نگاری
- ۱۵۸ مبادلات حدیثی
- ۱۵۸ ظهور خاندانهای دانشور
- ۱۵۸ فعالیت حدیثی شهرهای کوچک و ظهور دانشورانی برجسته در آن
- ۱۵۹ برخی از محدثان سرشناس این دوره و آثار حدیثی آنان
- ۱۵۹ اشاره
- ۱۶۰ خاندان طبرسی
- ۱۶۲ ابن شهر آشوب ۵۸۸ هـ ۴۸۹ هـ
- ۱۶۳ سید بن طاووس
- ۱۶۶ احمد بن موسی م ۶۷۳ هـ
- ۱۶۷ پرسش و پژوهش
- ۱۶۹ درس هشتم: حدیث در سده هشتم و نهم
- ۱۶۹ اشاره
- ۱۷۱ درآمد
- ۱۷۴ حوزه های مهم حدیثی شیعی در قرن هشتم

- ۱۷۴ ۱. حوزه جله
- ۱۷۴ ۲. حوزه جبل عامل
- ۱۷۵ ۳. حوزه ایران و عراق
- ۱۷۵ رخدادهای حدیثی
- ۱۷۷ آشنایی با برخی از محدثان سده هشتم
- ۱۷۷ اشاره
- ۱۷۷ علامه حلی
- ۱۸۰ شهید اول ۷۸۶ ۷۳۴ هـ
- ۱۸۱ سید حیدر آملی و نگارش احادیث عرفانی
- ۱۸۳ تاریخ حدیث شیعه در قرن نهم
- ۱۸۷ درس نهم: حدیث پژوهی در قرن دهم
- ۱۸۷ اشاره
- ۱۸۹ درآمد
- ۱۹۰ نگاهی به اوضاع سیاسی این دوران
- ۱۹۰ اشاره
- ۱۹۲ مهاجرت عالمان شیعی به ایران
- ۱۹۴ حدیث نگاران مشهور قرن نهم
- ۱۹۴ اشاره
- ۱۹۴ ۱. ابن ابی جمهور أحسانی
- ۱۹۶ ۲. شهید ثانی
- ۱۹۷ ۳. حسین بن عبدالصمد حارثی ۹۸۴-۹۱۸ هـ
- ۱۹۸ ۴. حسن بن زین الدین ۱۰۱۱-۹۵۸ هـ
- ۲۰۱ درس دهم: حدیث پژوهی در سده های یازدهم و دوازدهم
- ۲۰۱ اشاره
- ۲۰۳ درآمد
- ۲۰۳ اشاره

- تکثیر نسخه ها ۲۰۴
- تک نگاری ۲۰۵
- جامع نویسی ۲۰۶
- شرح نویسی و فقه الحدیث ۲۰۸
- تفسیر مأثور ۲۱۰
- ترجمه فارسی نویسی ۲۱۲
- علوم پیرامونی حدیث رجال، درایه و... ۲۱۳
- درس یازدهم: کحدثان شاخص سده های یازدهم و دوازدهم ۲۱۷
- اشاره ۲۱۷
- درآمد ۲۱۹
- اشاره ۲۱۹
- قاضی نورالله شوشتری ۱۰۱۹-۹۵۶هـ ۲۱۹
- ملا عبدالله شوشتری م ۱۰۲۱هـ ۲۲۰
- شیخ بهایی ۱۰۳۱-۹۵۳هـ ۲۲۱
- ملازمین استرآبادی م ۱۰۳۶هـ ۲۲۲
- محمدباقر حسینی استرآبادی، مشهور به میرداماد م ۱۰۴۱هـ ۲۲۲
- صدرالدین محمد شیرازی، مشهور به ملاصدرا ۱۰۵۰-۹۷۹هـ ۲۲۳
- علامه محمدتقی مجلسی م ۱۰۷۰هـ ۲۲۴
- ملاصالح مازندرانی م ۱۰۸۶هـ ۲۲۶
- شیخ فخرالدین طریحی م ۱۰۸۷هـ ۲۲۷
- فیض کاشانی ۱۰۹۱-۱۰۰۷هـ ۲۲۷
- محمد بن حسن حرّ عاملی ۱۱۰۴-۱۰۳۳هـ ۲۲۸
- سید هاشم بحرانی م ۱۱۰۷هـ ۲۲۹
- علامه محمدباقر مجلسی م ۱۱۱۲هـ ۲۳۰
- آقا جمال خوانساری م ۱۱۲۲هـ ۲۳۱
- خاتمه ۲۳۱

۲۳۳	درس دوازدهم: اخباریان ۱
۲۳۳	اشاره
۲۳۵	درآمد
۲۳۵	اشاره
۲۳۵	ظهور و پیدایش اخباریگری
۲۳۸	زمینه های پیدایش اخباریگری
۲۳۹	آشنایی با ویژگیهای تفکر اخباریگری
۲۴۳	نقد و بررسی مبانی اخباریگری
۲۴۳	اشاره
۲۴۳	الف قرآن
۲۴۴	ب عقل
۲۴۵	ج اجتهاد و تقلید
۲۴۷	درس سیزدهم: اخباریان ۲
۲۴۷	اشاره
۲۴۹	درآمد
۲۵۰	عالمان مشهور اخباری
۲۵۰	اشاره
۲۵۰	ملازمین استرآبادی
۲۵۰	علامه محمدتقی مجلسی
۲۵۱	ملا محسن فیض کاشانی ۱۰۹۱-۱۰۰۷ هـ
۲۵۳	شیخ حرّ عاملی ۱۱۰۴-۱۰۳۳ هـ
۲۵۵	شیخ یوسف بحرانی ۱۱۸۶-۱۱۰۷ هـ
۲۵۷	میرزا محمد اخباری ۱۲۳۲-۱۱۷۸ هـ
۲۵۸	دیگر عالمان اخباری
۲۵۸	اشاره
۲۵۸	علامه مجلسی؛ اخباری یا اصولی؟

- ۲۵۹ نحوه تعامل علامه مجلسی با مبانی تفکر اخباریگری -
- ۲۶۲ فرجام اخباریگری
- ۲۶۳ وحید بهبهانی ۱۲۰۵-۱۱۱۷ هـ
- ۲۶۷ درس چهاردهم: تاریخ حدیث شیعه در قرن سیزدهم
- ۲۶۷ اشاره
- ۲۶۹ درآمد
- ۲۶۹ اشاره
- ۲۶۹ تحولات سیاسی
- ۲۷۱ تحولات فرهنگی
- ۲۷۳ تحولات اجتماعی
- ۲۷۴ دانشمندان شیعه و میراث حدیثی آنان در قرن سیزدهم
- ۲۷۴ اشاره
- ۲۷۴ وحید بهبهانی م ۱۲۰۵ هـ
- ۲۷۴ علامه محمد مهدی بحر العلوم م ۱۲۱۲ هـ
- ۲۷۵ سید عبدالله شبر م ۱۲۴۲ هـ
- ۲۷۶ شیخ احمد احسائی م ۱۲۴۱ هـ
- ۲۷۷ میرحامد حسین م ۱۳۰۶ هـ
- ۲۷۹ درس پانزدهم: حدیث در سده چهاردهم
- ۲۷۹ اشاره
- ۲۸۱ درآمد
- ۲۸۲ برخی از شیوه های حدیث پژوهی سده چهاردهم
- ۲۸۲ ۱. احیای تراث بازآفرینی متون کهن
- ۲۸۳ ۲. ترجمه
- ۲۸۳ ۳. حاشیه نویسی علمی و منتقدانه
- ۲۸۴ ۴. نگارشهای رجال
- ۲۸۴ ۵. پیرایش و نقد حدیث

۲۸۵	-----	مکتب تفکیک
۲۸۶	-----	آشنایی با برخی از پژوهشگران حدیثی این دوره و آثار آنان
۲۸۶	-----	اشاره
۲۸۶	-----	میرزا حسین نوری م ۱۳۲۰هـ
۲۸۸	-----	شیخ عبدالله مامقانی م ۱۳۵۱هـ
۲۸۸	-----	شیخ عباس قمی ۱۳۱۹/۱۳۵۹ش
۲۸۹	-----	علامه سید محسن امین عاملی ۱۳۳۱/۱۳۷۱ش
۲۹۰	-----	آیت الله بروجردی م ۱۳۴۰ش
۲۹۱	-----	علامه شعرانی م ۱۳۵۲ش
۲۹۱	-----	علامه شوشتری م ۱۳۷۴ش
۲۹۳	-----	درس شانزدهم: حدیث شیعه و انقلاب اسلامی
۲۹۳	-----	اشاره
۲۹۵	-----	مقدمه
۲۹۵	-----	ویژگیهای حدیث پژوهی در دوره معاصر
۲۹۵	-----	۱. عمومی شدن حدیث
۲۹۷	-----	۲. نگاه علمی به حدیث
۲۹۸	-----	۳. نگارشهای نو
۲۹۹	-----	۴. نگاه کاربردی به حدیث
۳۰۰	-----	۵. پژوهش گروهی
۳۰۰	-----	۶. احیای تراث
۳۰۱	-----	۷. معجم نگاری لفظی و موضوعی
۳۰۲	-----	۸. استفاده از رایانه
۳۰۳	-----	۹. پیدایش مراکز تخصصی حدیث
۳۰۴	-----	۱۰. رواج علوم پیرامونی حدیث
۳۰۵	-----	۱۱. ارتباط فرهنگی صمیمانه تر شیعه و اهل سنت
۳۰۵	-----	۱۲. توجه مستشرقان به ویژه نسل جدید آنان به منابع شیعی

۳۰۶ خاتمه

۳۰۷ فهرست منابع و مآخذ

۳۲۲ مجلات

۳۲۳ درباره مرکز

تاریخ حدیث شیعه 2 (عصر غیبت)

مشخصات کتاب

سرشناسه: طباطبائی، سیدمحمدکاظم، 1344 -

عنوان و نام پدیدآور: تاریخ حدیث شیعه 2 (عصر غیبت) / محمد کاظم طباطبائی .

مشخصات نشر: قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث: دانشکده علوم حدیث، 1388 - 1390.

مشخصات ظاهری: 304 ص .

شابک: 39000 ریال 7-370-530-964-978 ؛ 140000 ریال: ج. 2: 7-565-493-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی : The History of Shiite Hadith

یادداشت: کتابنامه .

موضوع: حدیث -- تاریخ

موضوع: احادیث شیعه -- تاریخ

شناسه افزوده: دانشکده علوم حدیث

شناسه افزوده: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر

شناسه افزوده: پژوهشگاه قرآن و حدیث

رده بندی کنگره: 5/BP106/ط2ت2 1388

رده بندی دیویی: 297/29

شماره کتابشناسی ملی: 1755861

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3

تاریخ حدیث شیعہ 2 (عصر غیبت)

محمد کاظم طباطبائی

ص: 5

فهرست

ص: 7

فهرست

ص: 8

فهرست

ص: 9

فهرست

ص: 10

حفظ، ثبت و نشر دستاوردهای علمی در عرصه حدیث، بخشی از رسالت سنگین دانشکده علوم حدیث است. در ادای این وظیفه، معاونت پژوهشی با همکاری مرکز آموزش های الکترونیک دانشکده، متن ارائه شده استادان مبرز و متخصص در هر حوزه را طی فرآیندی طولانی و البته لازم، برای چاپ و توزیع آماده می کند. در آغاز، متن اولیه ای متناسب با سرفصل های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در هر درس، از سوی یکی از استادان و متخصصان آن موضوع نگاشته می شود و با همکاری آموزشیاران ورزیده تکمیل می گردد. در مرحله دوم، این متن به وسیله برخی از استادان و کارشناسان، نقادی می شود که مؤلف محترم با توجه به نقدها، نوشته خود را اصلاح می نماید. این متن به صورت «درسنامه» در می آید و پس از تدریس مکرر و با توجه به پرسش ها و گفتگوهای دانشجویان و مخاطبان کتاب، دوباره نقد، تکمیل و اصلاح می شود. در مرحله ویراستاری محتوایی نیز متن، اندکی فشرده و در قالب کتاب های درسی آماده نشر می شود.

نوشته حاضر که به تاریخ حدیث شیعه در عصر غیبت پرداخته، یازدهمین کتاب از این سلسله درس نامه هاست. مؤلف این کتاب که از قدیم ترین همکاران مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث (از بدو تأسیس) و از محققان و استادان توانا و فرزانه در عرصه علوم اسلامی است، توانسته با پژوهشی گسترده و بهره گیری از همکاری برخی از استادان و دانشجویان ممتاز دانشکده علوم حدیث، متنی در خور و قابل اعتماد را فراهم آورد. این نوشته، اگر چه اولین کار در این عرصه نیست، اما می توان آن را یکی از بهترین کتاب ها در زمینه تاریخ حدیث شیعه دانست. این متن برای دانشجویان

عزیز در رشته های الهیات و معارف اسلامی و به ویژه رشته های علوم قرآن و حدیث و نیز طلاب گرامی حوزه های علمیه سراسر کشور و به ارزش دو واحد درسی قابل استفاده است. دانشکده علوم حدیث امید دارد بتواند تمام دانش تولید شده در عرصه پرگستره علوم حدیثی را پیراسته و آماده کند و آن را در اختیار علاقه مندان قرار دهد.

معاون پژوهشی دانشکده علوم حدیث

عبد الهادی مسعودی

ص: 18

با آغاز دوره غیبت، حدیث شیعه وارد مرحله جدیدی شد که با دوره پیشین متفاوت بود. دوره حضور آشکار امام در میان مردمان به «انجام» رسیده بود و صدور حدیث به پایان خویش نزدیک می شد. پس از اتمام دوره غیبت صغری و توقف توقیعات صادر شده از ناحیه مقدسه، مجموعه روایات شیعی به کمال خویش رسید. اکنون دیگر امام معصوم، در میان مردم حضور نداشت و عالمان شیعه و راویان حدیث، جانشین امام علیه السلام در میان مردم و مرجع آنان در رفع مشکلات سیاسی، اجتماعی و معرفتی بودند.

تدوین حدیث که از دوره حضور آغاز شده بود اکنون به صورت گسترده تری پیگیری می شد. حوزه های حدیثی که در گوشه و کنار پدید آمده بودند، به تدریج به مراکز بزرگ حدیثی تبدیل شدند و گاه، مکتب حدیثی خاصی پدید می آمد که دارای مبانی ویژه بود.

عالمان شیعی، افزون بر تدوین تک نگاری های حدیثی در موضوعات متفاوت، جوامع حدیثی زیبا و کارآمدی پدید آوردند که تاکنون بر تارک معارف بشری می درخشند.

در این سال های طولانی که نزدیک به دوازده قرن استمرار یافته است، حدیث شیعه دوره های گوناگون و پرفراز و نشیبی را پشت سر گذارده است. گاه در اوج بوده و هواخواهان، مروّجان و مؤلفان بسیار داشته و گاه در محاق رفته و از اقبال مردمان، بی بهره بوده است.

سده های چهارم، پنجم، یازدهم و دوازدهم هجری و نیز دوره معاصر و به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران، از دوره های رشد و رونق حدیث شیعی محسوب می شوند.

آگاهی از مجموعه پُر برگ و بارِ تلاش های حدیثی عالمان شیعی و نگاشته های آنان، نیاز به فرصتی بیش از این مجال و حوصله ای فراتر از حوصله مخاطبان این نگاشته دارد. از این رو در این نوشته به اختصار به مباحث مربوط به تاریخ حدیث شیعه در دوره غیبت، اشاره و نگاشته های گوناگون آن عصر را به ایجاز، معرفی کرده ایم.

تقدیر و تشکر

این اثر، همانند جلد نخست آن، با پیگیری عزیزان مرکز آموزش های الکترونیک در دانشکده علوم حدیث پدید آمده است. همراهی و تلاش آقایان سید حمید حسینی و مهدی کمانی را در پدیدآوری اولیه اثر ارج می نهم.

همچنین از تمام عزیزانی که در مراحل پسین کار، انتشار این اثر را پیگیری کرده اند، به ویژه از دوست گرامی و دانشمندم حجة الاسلام و المسلمین عبد الهادی مسعودی، معاون پژوهشی دانشکده علوم حدیث سپاس گزارم.

موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، نقشی پویا و قابل ستایش در تدوین این اثر و سایر مطالعات حدیثی در روزگار معاصر داشته است. امید که مؤسس محترم آن، حضرت آیه الله ری شهری، جزا و تقدیر خویش را از صاحبان اصلی حدیث و ولی نعمتان ما، به ویژه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، به نیکوترین وجه، دریافت کند.

همراهی همسر و فرزندانم در پیشبرد فعالیت های حدیثی و آموزش و نگارش این اثر، جایگاهی اساسی دارد و بدون یاری آنان به انجام رساندن این کار و دیگر کارهای پژوهشی این بنده میسر نبود. خداوند متعال به آنان جزای خیر دهد.

نکته

برای آگاهی بیشتر از زندگی شخصی و علمی و آثار محدثان شیعه، می توان به کتاب های سرگذشت نامه نویسی (رجال و تراجم)، مراجعه کرد که به گونه معمول، بر اساس نام اشخاص، مرتب شده اند، کتاب هایی مانند رجال النجاشی، رجال الشیخ الطوسی، از پیشینیان و اعیان الشیعة تألیف سید محسن امین و روضات الجنات نوشته خوانساری از پسینیان.

درباره کتاب ها و نگاشته های عالمان، نیز می توان به کتاب الذریعة نگاشته مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی مراجعه نمود که ترتیب آن بر اساس نام کتاب هاست.

چند کتاب با عنوان تاریخ حدیث شیعه، ولی ناظر به سده های متفاوت، به وسیله پژوهشکده علوم و معارف حدیث (دار الحدیث) منتشر شده است که منبع بسیار خوبی برای گسترده تر در برخی از مباحث این کتاب اند.

گفتنی است که در مقدمه بسیاری از کتاب های حدیث، محققان و تصحیح کنندگان آنها، صفحاتی را به شرح زندگی مؤلف و توضیح درباره آن کتاب، اختصاص داده اند.

برنامه نرم افزاری «جامع الأحادیث» (نور 2) نیز در بخش کتاب شناسی خود، اطلاعات با ارزشی در باره کتاب های حدیثی ای که منبع بحار الأنوار به شمار می آیند، گرد آورده است.

بمنه و کرمه

سید محمد کاظم طباطبایی

بهمن 1389

ص: 21

درس اول: حدیث در سده چهارم و زنجیر

اشاره

ص: 23

از منظر تاریخ حدیث، سده های چهارم و پنجم هجری دورانی مهم و نقش آفرین برای حدیث و دیگر معارف شیعی به شمار می رود. پژوهشگران و دانشوران بزرگ حدیث شیعه، همچون شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، سید رضی و شیخ طوسی در این دوره می زیستند، کتب اربعه حدیثی شیعه در این دوران نگارش یافتند، علاوه بر آن صدها کتاب حدیثی و پیرامون حدیثی دیگر نیز محصول این دوران هستند. اکنون باید دید این پدیده خجسته، یعنی فزونی، تنوع و گرمی بازار تلاشهای حدیثی و به بار نشستن آنها، چگونه حاصل شده است و چرا پس از نیمه دوم سده پنجم (450 هجری به بعد) این پدیده استمرار نیافت. به نظر می رسد که مهم ترین عامل در این زمینه، مساعد بودن شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن دوران است که بستری مناسب برای این گونه تلاشها فراهم کرده بود.

نگاهی به فضای سیاسی این دوران

اشاره

با سپری شدن سده سوم و آغاز سده چهارم از اقتدار، ابهت و عظمت خلافت عباسی کاسته شده و دوران ضعف و سستی ارکان آن فرا رسید. قدرت اجرایی در اختیار وزیران قرار گرفت و وزرات دستخوش فساد دولتیان شد؛ به گونه ای که این پست با پرداخت رشوه به خلیفه یا نزدیکان او قابل دست یابی بود و از این رو در آغاز سده چهارم، وزیران به بهانه های گوناگون برکنار یا منصوب می شدند. (1) رقابت میان درباریان برای احراز این پست روز به روز شدیدتر می شد که کمترین پیامد آن بی نظمی و بی ثباتی در کار مدیریت کشور پهناور اسلامی بود. در چنین اوضاع آشفته ای حکومت های محلی کوچک و

ص: 25

بزرگ از گوشه و کنار سرزمینهای اسلامی سر بر آوردند که برخی از آنها توانستند به قدرتهای بزرگی تبدیل شوند. دولت آل بویه در ایران، دولت فاطمیان در شمال آفریقا و دولت حمدانیان در شمال عراق و سوریه، نمونه ای از این دولتهای قدرتمند هستند. آل بویه با گسترش قلمرو خود از مرکز ایران به سمت غرب بر خوزستان و بغداد نیز استیلا یافتند و قدرت سیاسی را از خلیفه ستاندند. آنان با در اختیار گرفتن بیت المال و پرداخت حقوق به خلیفه او را تحقیر کردند (1) و عزل و نصب وزیران و مدیران اجرایی را خود به عهده گرفتند. این سه دولت مقتدر و برخی دولتهای کوچک دیگر، گرایش شیعی یا نزدیک به شیعه داشتند و در ترویج معارف شیعی کوشا بودند. البته مقصود از شیعه در اینجا تمامی فرقه های منتسب به این مذهب، اعم از زیدیه و اسماعیلیه، است. در چنین فضایی عالمان شیعی برای ترویج و گسترش معارف و عقاید خود نه تنها با مانعی رو به رو نبودند، بلکه بعضی از آنان از کمک و پشتیبانی حکومت نیز برخوردار بودند و بدین ترتیب امکان تبلیغ معارف شیعی در چنین دورانی بیش از پیش فراهم شد. آشنایی اجمالی با برخی از دولتهای محلی یادشده می تواند در تحلیل صحیح و بازیابی دلایل اجتماعی و سیاسی گسترش حدیث در این دوران کمک شایانی نماید. لذا در ادامه بحث ابتدا با هر یک از این دولتها آشنا می شویم. لازم به ذکر است که در این گزارش، گستره تأثیرگذاری به ترتیب تاریخی مقدم شده است.

آل بویه 334-448

(2)

حکمرانان آل بویه در سرزمینی چشم به دنیا گشودند که حوزه نفوذ تفکر شیعه به شمار می آمد و پیشینه چند دهه حکومت سادات زیدی مذهب را در حافظه

ص: 26

1- (1). ابن اثیر در این باره می نویسد: «معزالدوله نخستین امیر آل بویه در بغداد تمام اموال و داراییهای خزانه دولت مرکزی را در اختیار گرفت و برای خلیفه روزانه پنج هزار درهم مقرر کرد»؛ الکامل فی التاریخ، ج 5، ص 269-268، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، 1414 .

2- (2) برای آگاهی بیشتر از دولت آل بویه به منابع ذیل مراجعه کنید: تاریخ آل بویه، مرحوم علی اصغر فقیهی، انتشارات سمت؛ آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، علی اصغر فقیهی؛ آل بویه حامیان فرهنگ تشیع، سید سیف الله نحوی؛ احیای فرهنگی در عهد آل بویه، جوئل ل. کرومر، ترجمه محمدسعید ضیائی؛ مقاله مدخل «آل بویه» در دائرة المعارف بزرگ اسلامی؛ مقاله مدخل «آل بویه» در دائرة المعارف تشیع.

تاریخی خود به یادگار داشت. (1) طبرستان سرزمینی بود که به دلیل وجود کوههای بلند و صعب العبور و جنگلهای زیاد، محل امنی برای انقلابیون به شمار می آمد. گروه زیدیه به رهبری سادات حسنی و زیدی از استعداد طبیعی این سامان سود جست و به تبلیغ مذهب خود در این سرزمین پرداختند و سرانجام توانستند با رهبری داعی بزرگ، حسن بن زید، حکومت علویان را در این منطقه تشکیل دهند (250 ه). هرچند که بعد از سه دهه، در سال 278 هجری، با هجوم سامانیان این دولت سقوط کرد، ولی داعی صغیر (ناصر اطروش) توانست دوباره بر این نواحی استیلا یابد (301 ه). جانشینان او تا زمان ظهور آل بویه بر بخشهایی از طبرستان حاکمیت داشتند.

علی، حسن و احمد فرزندان بویه ماهی گیر در چنین سرزمینی رشد یافتند. ایشان ابتدا در سیمت فرماندهی دولت محلی مرداوین خدمت می کردند (2) تا اینکه زمینه قدرت یافتن آنها فراهم شد و با گشودن دروازه های اصفهان و شیراز پایه های دولت خود را پی ریزی کردند و سپس با فتح خوزستان و بغداد (332 ه) قلمرو خود را گسترش دادند. ورود فاتحانه برادر کوچک تر (احمد) به بغداد، دولت آنان را به اوج اقتدار رساند. خلیفه عباسی، المستکفی، نیز با بخشیدن القاب عمادالدوله به علی، رکن الدوله به حسن و معزالدوله به احمد، قدرت آنان را به رسمیت شناخت. در این دوران همه امور به اراده و خواست سلطان بویه ای اداره می شد و خلیفه هیچ اختیاری نداشت و از خلافت جز نامی باقی نمانده بود. ابن کثیر در این باره می نویسد:

خلافت آن سان ضعیف شد که خلیفه توانایی صدور هیچ فرمانی را نداشت و نمی توانست وزیری را تعیین یا برکنار نماید، تمامی امور حکومت در اختیار معزالدوله بود. آل بویه، بنی عباس را غاصب می دانستند و از این رو، حتی زمانی معزالدوله تصمیم گرفت که اساس خلافت عباسی را براندازد و به جای آنان فردی از علویان را به خلافت منصوب کند، ولی به خاطر برخی ملاحظات سیاسی از این کار خودداری ورزید (3).

ص: 27

1- (1). رسول جعفریان، تاریخ اسلام از طلوع طاهریان تا غروب خوارزم شاهیان، صفحه 97 به بعد (روزگار علویان طبرستان)، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

2- (2). آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، ص 88.

3- (3). البداية و النهایه، ج 11، ص 240.

شیعیان اسماعیلی در دوره پایانی سده سوم هجری در عراق و یمن دست به تلاشهایی برای قیام و براندازی خلافت عباسی زدند که نتیجه ای در پی نداشت، اما آنان با قطع امید از نواحی نزدیک به پایتخت به سرزمینهای دوردست چشم دوختند. در این میان شمال آفریقا زمینه مناسب تری برای دعوت و قیام آنان داشت. رهبران این گروه با انتساب خود به اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام خود را فاطمی و علوی معرفی و برتری خویش را بر خلفای عباسی اثبات می کردند. قیام فاطمیان در محدوده سرزمین تونس امروزی با ادعای مهدویت از سوی رهبر این گروه، ابوعبدالله المهدی، آغاز شد (296ه) که با موفقیت همراه بود. او توانست حکومت خود را در این سرزمین پی ریزی کند. جانشینان بعدی او در سال 361 توانستند بر مصر و شامات نیز استیلا یابند. خلیفه فاطمی پیش از ورود به مصر دستور ساخت پایتخت جدیدی را صادر کرد که «قاهره» نام گرفت. نخستین دانشگاه با عنوان «الأزهر» نیز در این دوران ساخته شد. از آنجا که فاطمیان خود شیعه بودند، به مذهب تشیع رسمیت بخشیدند. آنان در حوزه های گوناگون سیاست، فرهنگ، معاملات، حقوق و قضا، بر اساس مذهب اسماعیلیه رفتار می کردند و در این راستا بود که قاضی نعمان مغربی، کتاب دعائم الاسلام را نگاشت تا برای افراد و نهادهای حکومتی ای که می خواهند بر اساس اندیشه های اسماعیلیه رفتار کنند، مرجع مناسبی باشد. شیرازه اصلی این کتاب روایات رسیده از معصومین تا امام صادق علیه السلام است. او نگاشته حدیثی دیگری با عنوان شرح الاخبار در زمینه شرح احادیث دارد. این دو کتاب، که امروزه در فهرست کتب حدیثی شیعه به شمار می آیند، از جمله میراث علمی به جای مانده از دولت فاطمیان است که بر اساس اندیشه شیعه اسماعیلی نگاشته شده است.

ص: 28

1- (1). برای آگاهی بیشتر از دولت فاطمیان به منابع ذیل مراجعه کنید: تاریخ الخلفاء الفاطمیین بالمغرب، ادریس عمادالدین (872)، لبنان، بیروت، دار الغرب الاسلامی، 1985م، چاپ اول؛ الخطط المقریزیه، مقریزی (م 845)، مکتبه الثقافیه الدینیة؛ فاطمیان در مصر، عبدالله ناصری، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، 1379ش.

ابو الهیجاء عبدالله در سال 293 از سوی خلیفه عباسی به امارت موصل و توابع آن منصوب شد. پس از مرگ او در سال 317 فرزندش حسن ناصرالدوله، جانشین پدر شد و برادرش علی سیف الدوله به امارت حلب و حمص در شامات رسید. این دو برادر در عمل دولت مستقلی بنا نهادند. ایشان به دلیل گرایش به تشیع، زمینه ساز ترویج و گسترش فرهنگ شیعی شدند که افزایش شمار شیعیان را نیز در پی داشت. ظاهراً ابن شعبه حرانی از محدثان حلبی در این دوران است. کتاب حدیثی تحف العقول یادگار او است. نعمانی نیز کتاب الغیبة خود را در این دوران و در این شهر نگاشت. همچنین خاندان ابن زهره حلبی که در معارف شیعی صاحب اثر و تألیف هستند، در فضای فرهنگی به یادگار مانده از این دولت پرورش یافتند. (1)

مساعده بودن فضای فرهنگی و اجتماعی

پیدایش فضای سیاسی بیان شده، فضای فرهنگی اجتماعی جامعه را برای تلاش دانشمندان شیعی مناسب ساخت. هرچند پیش از این دوران نیز، تعصبات خشک و بی منطق گذشته نسبت به شیعیان رو به کاهش بود اما آل بویه نیز با دوری گزیدن از تعصبات مذهبی، آزاد گذاشتن اندیشوران مذاهب گوناگون در بیان عقاید خود و ارج گذاری به دانشمندان همه مذاهب و فرق و ادیان، حتی اندیشمندان غیر مسلمان در جامعه، فضای ستایشگری از فرهیختگان و دانشوران را پدید آوردند که این امر حاکمیت فضای علمی و شکوفایی دانش را در پی داشت. این آزاداندیشی حاکمان بویه ای در کنار همسانی و هم رنگی توده مردم با آنان در دوری گزیدن از تعصبات مذهبی، بستری مناسب برای ترویج مبانی اعتقادی تمام فرقه ها فراهم کرد.

گفتنی است: سلیقه اجرایی این گروه در احترام به عقاید مردم و پاسداشت باورهای گوناگون مذهبی آنان و برخورداری از روحیه گذشت و منش بزرگوارانه و مردم پسند و آلودگی کمتر به آفات قدرت، پایگاه مردمی نیرومندی به ایشان بخشید و بر اقتدارشان افزود.

ص: 29

1- (1). از دیگر شخصیت‌های شیعی این سامان، ابوصلاح حلبی (زنده در طول سالهای 447 374ه) نویسنده الکافی فی الفقه است.

آل بویه ترویج فرهنگ و شعائر شیعه را در دستور کار خود داشتند، اما برخی ملاحظات ایشان را از رسمی کردن مذهب تشیع باز داشت. [\(1\)](#) صدور فرمانها، اجازه ها و کارهای ذیل در راستای همین هدف و برنامه ایشان بود:

صدور فرمان عزاداری علنی برای امام حسین در روز عاشورا (352 هـ)؛ [\(2\)](#)

صدور فرمان شادمانی عمومی روز عید غدیر برای به امامت رسیدن امام علی (352 هـ)؛ [\(3\)](#)

صدور فرمان نوشتن کتیبه هایی با مضامین شعائر شیعی بر مساجد بغداد (352 هـ)؛ [\(4\)](#)

اجازه دادن به شیعیان برای گفتن عبارت «حی علی خیر العمل» و «أشهد أنّ علیاً ولی الله» در اذان؛ [\(5\)](#)

بازسازی حرمهای امامان شیعه. [\(6\)](#)

گرایش به تشیع و علاقه مندی به ترویج شعائر آن در کنار روحیه دانش دوستی و فرهیخته پروری، حاکمان آل بویه را به گزینش وزیرانی رهنمون ساخت که از لحاظ مذهبی، شیعی یا متمایل به اهل بیت و از لحاظ علمی، دانش آموخته علوم رایج روزگار خویش باشند. از این رو دانشوری چون محمد بن عمید یگانه عصر خویش در فلسفه، نجوم و ادبیات از سوی رکن الدوله (حاکم ری) به وزارت برگزیده شد [\(7\)](#) و شاگرد او صاحب بن عباد دانش اندوخته حدیث، کلام و ادب، وزیر مؤید الدوله [\(8\)](#) و

ص: 30

1- (1). شواهدی بر گرایش آل حمدان به ویژه سیف الدوله به تشیع وجود دارد که یکی از آنها کتیبه موجود بر سردر مشهد الحسین در حلب است. برای آگاهی بیشتر به مقدمه کتاب غنیة النزوع ابن زهره حلبی، نشر مؤسسه امام صادق علیه السلام مراجعه کنید. نسخه ای از این کتاب در نرم افزار معجم فقهی نیز موجود است. همچنین برای آگاهی بیشتر از تاریخ این دولت به کتاب دولت حمدانیان، تألیف فیصل سامر و ترجمه علی رضا ذکاوتی از انتشارات نشر حوزه و دانشگاه قم مراجعه کنید.

2- (2). البداية و النهایه، ج 11، ص 276؛ المنتظم، ج 14، ص 150 به بعد.

3- (3). همان.

4- (4). همان.

5- (5). نشوار المحاضره، ج 2، ص 133. [1]

6- (6). آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، ص 481.

7- (7). تتمه المنتهی، ص 312.

8- (8). ریاض العلماء، ج 1، ص 84.

«ابوعلی سینا» وزیر شمس الدوله و شاپور بن اردشیر مؤسس کتابخانه هشتاد هزار جلدی بغداد وزیر بهاء الدوله شدند.

نزدیک شدن مردان سیاست و علم به یکدیگر و حضور دانشمندان و دانش دوستان در ارکان قدرت و پیرو آن ارج گذاری به دانشوران و فرهیختگان، بالندگی علمی و رواج روحیه دانش جویی و دانش آموزی را در بین توده مردم در پی داشت. در چنین دورانی اهل دانش در تمامی شاخه ها از احترام و حمایت حکومت بهره مند بودند و با پدید آمدن فضای علم دوستی و دانش جویی در جامعه، زمینه شکوفایی و رونق علمی فراهم گردید تا آنجا که به شکل یک نهضت درآمد؛ چیزی که امروزه و در دوران معاصر با عنوان رنسانس اسلامی از آن یاد می شود.

در چنین دورانی، شاهد بزرگداشت محدث بزرگ، شیخ صدوق از سوی وزیری دانشور، یعنی صاحب بن عباد هستیم. (1) شیخ صدوق نیز کتاب عیون الاخبار خود را برای اهداء به او می نویسد تا زینت بخش کتابخانه بزرگ، عمومی و مشهورش گردد. (2) در بغداد عضدالدوله، امیر بویه ای، شیخ مفید را ارج می نهد و با حضور بر بالین او و عیادتش، به وقت بیماری شیخ (3) و کمکهای مالی به او نمونه دیگری از بزرگداشت عالمان شیعی را به نمایش می گذارد. (4) گفته اند عضد الدوله گاه به ایشان می گفت: «از هر که خواهی شفاعت کن تا ما آن را پذیرا باشیم». (5)

فضای آزاد پدید آمده در زمینه فرهنگ و مذهب، ترویج بیشتر معارف و فرهنگ شیعی را در پی داشت، چراکه شیعیان فرصت یافتند در مجامع رسمی باورهای خود را ابراز نمایند، در جلسات مناظره و گفتگو شرکت کنند و با پاسخ گویی به پرسشها و شبهات، منطق نیرومند، استحکام اندیشه و حقانیت باورهای خود را هویدا کنند.

ص: 31

1- (1). آل بویه حامیان فرهنگ تشیع، ص 105.

2- (2). عیون اخبار الرضا، ص 3، مقدمه نویسنده.

3- (3). ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج 5، ص 368، بیروت، نشر مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، 1390.

4- (4). روضات الجنات، ج 6، ص 159.

5- (5). سیر اعلام النبلاء، ج 17، ص 224.

شیخ صدوق در ری، نیشابور و بغداد (1) و شیخ مفید در بغداد (2) به تشکیل این گونه جلسات همت گماردند، که البته توفیق شیخ مفید بیشتر بود، (3) چنان که خطیب بغدادی (4) و عبدالجبار معتزلی بدان اعتراف کرده اند. (5) او که پراکنجی، توانایی علمی، پویایی اندیشه، منطق نیرومند، کوشایی، پشتکار و تلاش خستگی ناپذیر را در کنار پارسایی و زیرکی با هم جمع کرده بود، توانست بهترین و بیشترین بهره را از فرصت به دست آمده، ببرد و پیرو آن، توفیق زیادی بیابد و رشک و خشم مخالفان متعصب را چنان برانگیزد که برخی، به روز مرگ شیخ، جشن بگیرند و به تهنیت بنشینند. (6)

تلاشهای حدیثی در سده های چهارم و پنجم

پیدایش این فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در این دوران، بیش از همه عالمان شیعی را به تلاش افزون تر، واداشت. ایشان از فرصت به دست آمده بیشترین و بهترین بهره را بردند و با تلاش خستگی ناپذیر به طرح اندیشه های مذهب خود در شاخه های گوناگون علوم اسلامی پرداختند. این تلاشها در قالب کتابها و رساله هایی که ساختار اندیشه شیعی را واگویه می کردند، به بار نشست و برای

نسلهای بعد به یادگار ماند. در این میان، سهم آثار حدیثی بیش از دیگر شاخه ها بود، چرا که حدیث، مادر و مرجع و محور بسیاری از علوم آن دوران بود و جویندگان و عرضه کنندگان آن فزون تر از دیگر دانشها بودند و چنین بود که بر شمار و گونه های نگارشهای حدیثی و معرفتی شیعه در قم، ری و بغداد افزوده شد و مدرسه های حدیثی قم و بغداد گسترش یافتند و پایه ها و مبانی روشنی از خود بر جای نهادند. (7) تلاشهای حدیثی

ص: 32

1- (1). رجال نجاشی، ص 392، الرقم 1049؛ مجالس المؤمنین، ج 1، ص 456؛ نمونه ای از مناظرات شیخ صدوق را می توانید در کتاب کمال الدین، ص 87، ببینید که در حضور رکن الدوله بوده است و امیر اعتقاد خود را به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) در آن کتاب بیان می کند.

2- (2). الرسائل العشرة، ص 35.

3- (3). برای آگاهی بیشتر مراجعه کنید به ترجمه ابن نقیب سنی (عبیدالله بن عبدالله) در البداية و النهایه، ج 12، ص 22.

4- (4). تاریخ بغداد، ج 3، ص 231.

5- (5). روضات الجنات، ج 6، ص 159. [1]

6- (6). ر. ک: درس پنجم، مدرسه حدیثی بغداد.

7- (7). در مبحثی خاص ویژگیهای این دو مدرسه را بررسی خواهیم کرد.

شیعیان، منحصر به نگارشهای حدیثی نبود، آنان علاوه بر نگارشهای عمیق، زیبا و ماندگار متون حدیثی، نگارشهای زیبایی در علوم پیرامونی حدیث نیز سامان دادند. بهترین نگاشته‌های رجال شیعه در این دوران پدید آمده است. نگارشهای متفاوت در زمینه غریب الحدیث، فقه الحدیث و نقد الحدیث نیز در این دوران تألیف شده است. فهرست نگاریهای جامع از مصنفات حدیثی نیز یادگار این دوران است. گزارش اجمالی از گونه‌های نگارشی این دوران را در پی می‌آوریم.

گونه‌های نگارش حدیثی

اشاره

(1)

1. جامع نگاری

جامع نگاری با گردآوری مجموعه‌ای از احادیث ناظر به هم در ذیل عنوانها و موضوعات گوناگون فقهی، به وسیله یاران امام رضا علیه السلام آغاز گردید و تا سده‌های چهارم و پنجم که جوامع بزرگی نگارش یافتند، سیر تکاملی خود را پیمود. جوامع مشهور شیعی که به کتب اربعه معروف اند و تا امروز بر تارک علم و اندیشه شیعه می‌درخشند، یادگار تلاش اندیشمندان زبردست و پرکار این دوران است.

الکافی: شیخ کلینی (م 329) و پرورش یافته مدرسه حدیثی قم، با نگارش این کتاب مهم‌ترین جامع حدیثی شیعه را تدوین نمود. دو جلد نخست این مجموعه هشت جلدی با عنوان اصول، درباره موضوعات اعتقادی و کلامی و پنج جلد آن با عنوان فروع در زمینه موضوعات فقهی و جلد آخر آن با عنوان روضه در موضوعات پراکنده است. این کتاب گرچه ثمره مدرسه حدیثی قم بود، ولی زمینه نشر و نسخه برداری آن در بغداد، که دارای امکانات فراوان نشر بود، فراهم شد.

من لا یحضره الفقیه: این کتاب جامع احادیث فقهی است که شیخ صدوق (م 381) یکی از مؤلفان برجسته مدرسه حدیثی قم، آن را نگاشته است.

تهذیب الأحکام: این کتاب را شیخ طوسی در شرح کتاب المقنعه استاد خود شیخ مفید (م 413) نگاشته است. از آنجا که استاد و شاگرد هر دو پرورش یافته

ص: 33

1- (1). گونه‌های نگارشی در این مبحث به اجمال معرفی شده‌اند. نمونه‌های مورد اشاره نیز محدود به این دو قرن هستند. آشنایی بیشتر با این گونه‌ها و نمونه‌ها در درس سبک‌شناسی و جوامع حدیثی صورت خواهد گرفت.

مدرسه حدیثی بغداد هستند، این اثر که در زمان خود جامع ترین کتاب حدیثی فقهی است از ثمرات مدرسه حدیثی بغداد به شمار می آید. شیخ طوسی پس از مدتی گزیده ای از این اثر را با عنوان الاستبصار عرضه کرد که در ردیف کتب اربعه به شمار می آید.

جوامع حدیثی دیگری نیز در این دوران نگارش یافتند که اکنون در اختیار ما نیستند، مانند الجامع محمد بن حسن بن ولید (استاد شیخ طوسی) و مدینه العلم شیخ صدوق.

2. تک نگاری

تک نگاریها موضوعات گوناگونی دارند. هر موضوع اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و کلامی، می تواند دست مایه نگارش یک کتاب حدیثی در آن موضوع باشد. شمار تک نگاریهای این دوران به صدها عنوان می رسد. فضای علمی حاکم بر جامعه و مجموعه مباحثات پدید آمده بین عالمان، رواج و افزایش این گونه نگارشها را در پی داشت. شیخ صدوق را می توان طلایه دار این گونه نویسندگی دانست. او نزدیک به سیصد رساله و کتاب حدیثی دارد، که بیشتر آنها تک نگاری در موضوعات خاص هستند، مانند کتاب التوحید در زمینه الهیات، کمال الدین در امامت و مهدویت و ثواب الاعمال و عقاب الاعمال در برشماری آثار کارهای نیک و بد.

3. امالی

این شیوه از نگارش حدیثی، خود محصول نوع خاصی از عرضه حدیث و دریافت آن است، که در آن استاد احادیث گوناگون را از حافظه یا کتابهای خود، برای شاگردان می خواند و املا می کند و شاگردان آن را می نویسند. به مجموعه نوشته شاگرد که به صورت کتاب درمی آمد، امالی آن استاد می گفتند. در این شیوه معمولاً تاریخ جلسه خواندن حدیث (املا) و مکان آن یادداشت می شد.

چهار کتاب امالی مشهور شیعه یعنی امالی صدوق، امالی مفید، امالی طوسی و امالی سید مرتضی از نگارشهای این دوران هستند که به جز کتاب آخر، همگی نگاشته حدیثی هستند.

در بین زیدیه نیز الأمالی الحَمِیسَیَّة و الأمالی الإثنییة به نگارش در آمد که گردآوری احادیث خواننده شده یحیی بن حسین شجری گرگانی (م 479ه) در روزهای پنجشنبه و دوشنبه است.

4. مسند نویسی

در این شیوه احادیث نقل شده از یک راوی در کنار هم و با محوریت او گردآوری می شوند و موضوع احادیث نقشی در ترتیب آنها ندارد. (1) این شیوه نگارش در بین شیعیان، که در گردآوری روایات موضوع محور بودند و به موضوع آنها اهمیت می دادند، جایگاه چندانی نیافت برخلاف سنن که این شیوه را بیشتر می پسندیدند.

در این دوران نمونه هایی از مسند نویسی با شیوه خاص شیعی گزارش شده است. تحف العقول را می توان نمونه ای از مسند نویسی شیعی برشمرد. ابن شعبه حرّانی در این کتاب روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام را در سیزده باب مرتب کرده است. گفتنی است که او روایات هر امام را در یک مجموعه گرد آورده است. ترتیب موضوعی احادیث و همچنین نقل روایت امام علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله برای او اهمیت نداشته است.

عیون اخبار الرضا علیه السلام نیز نمونه ای از مسند نویسی شمرده می شود. این مجموعه تمامی احادیث منقول از امام رضا علیه السلام را دارا است. علاوه بر آن روایاتی را که درباره امام رضا علیه السلام نقل شده است، نیز جمع آوری کرده است. این گونه نگارش با مسند نویسی معمول سنن متفاوت است؛ زیرا آنان روایات یک راوی را در کنار هم گردآوری می کنند در حالی که در دو کتاب یادشده روایات یک معصوم و روایاتی که درباره آن معصوم علیه السلام است، در کنار هم گرد آمده است و هیچ توجهی به راوی حدیث نشده است.

گفتنی است در زمانهای پسین جلال الدین سیوطی (م 911) یکی از نویسندگان اهل سنت، به این گونه مسند نویسی روی آورد و مسند حضرت فاطمه و برخی دیگر از صحابه را بدین شیوه نگاشت.

ص: 35

1- (1). برای آگاهی بیشتر درباره مسند نویسی، به کتاب مسند نویسی در تاریخ حدیث تألیف دکتر کاظم طباطبایی و مقاله «مسند و مسند نویسی» نگاشته علی مختاری در مجله علوم حدیث، ش 4، صفحه 44 مراجعه کنید.

5. نگارشهای ذوقی و هنری

رونق بازار دانش آموزی، آموزش، پژوهش و نگارش در این دوران تا آنجا پیش رفت که اصحاب دانش به شیوه های رایج تألیف بسنده نکردند، بلکه برخی بر اساس علاقه، سلیقه و ذائقه خود و مخاطبان، یا برای تنوع در گونه ابلاغ معارف، شیوه های تازه ای را برای نگارش برگزیدند که نمایانگر ذوق هنری آنان بود. دسته بندی احادیث بر اساس اعداد موجود در آنها یکی از این شیوه ها است که ابو عبدالله برقی با نگارش القرائن پیشگام این گونه نگارش است. شیخ صدوق با نگارش الخصال و ابوالفتح محمد بن علی کراجکی (م 449ه) با نگارش معدن الجواهر در ردیف پس از او جای دارند.

دسته بندی احادیث در نگارش حدیثی بر اساس نوع سند نیز شیوه دیگری از این گونه تألیفات است؛ جعفر بن احمد قمی با گردآوری احادیثی که با تعریف درایه ای، سند آنها مسلسل به شمار می آمد، کتاب المسلسلات خود را نگاشت چنان که پیش از او عبدالله بن جعفر حمیری (م 300) با گردآوری احادیث کوتاه سند، کتاب قرب الأسناد را عرضه کرد.

6. تفسیر مأثور

تفسیر نقلی یا تفسیر مأثور، گونه ای از گردآوری روایات است که در آن احادیث رسیده از معصومان، در شرح و تفسیر آیات قرآن، بر محوریت آیه ها و به ترتیب آیات و سوره های قرآن جمع آوری می شوند. پیشینه این شیوه نگارشی به زمان حضور امامان علیهم السلام می رسد. در سده چهارم و پنجم نیز این گونه نگارشها مشاهده می شود. سه تفسیر ذیل از مشهورترین تفاسیر نقلی این دوره هستند که اکنون در دسترس ما هستند:

تفسیر فرات کوفی (اوایل قرن 4ه)؛

تفسیر علی بن ابراهیم قمی (اوایل قرن 4ه)؛

تفسیر عیاشی (پس از سال 320ه).

برخی از این قبیل آثار نیز با گذشت زمان ناپدید شده اند و دیگر در دسترس نیستند، مانند تفسیر شیخ صدوق، تفسیر علی بن بابویه و تفسیر محمد بن حسن بن ولید.

شایان ذکر است تفسیر مأثور از همان ابتدا مورد توجه سنیان قرار گرفت با این تفاوت که آنان، اقوال صحابه و تابعین را نیز در شرح و تفسیر آیات بسان قول معصوم می آوردند. از این رو چنانچه اقوال صحابه و تابعین را از تفاسیر نقلی بزرگ ایشان، مانند تفسیر طبری و الدر المنثور سیوطی، حذف کنیم بخش ناچیزی باقی خواهد ماند.

7. کلام نقلی

شمار زیادی از نگاشته های این دوران در موضوعات کلام نقلی، نگارش یافته اند. باورهای شیعی در حوزه عقاید با سایر مسلمانان، که اکثریت پیروان را دارا بودند، تفاوت داشت، از این رو با هجوم فکری و فشار سیاسی و فرهنگی مخالفان رو به رو بود. این هجوم، عالمان شیعی را وادار می داشت تا از فضای باز فرهنگی و مذهبی این دوران سود جویند و با پاسخ گویی به شبهات، مکتوب کردن آنها و نگارشهای گوناگون در شاخه کلام نقلی، از باورهای شیعی پاسداری نمایند و استواری، استحکام و منطق نیرومند اندیشه شیعی را نمایان و توده شیعیان را در برابر آفات و آسیبهای اعتقادی بیمه کنند. در این راستا بدیهی می نمود که در کنار توجه به مباحث توحید، صفات الهی، مبدأ، معاد و نبوت، بیشترین سهم را به نگارشهایی در موضوع امامت، به ویژه امامت امام علی علیه السلام، که نقطه تمایز شیعیان با دیگران بود، اختصاص دهند. در این نگاشته ها از روایات سنیان فراوان استفاده می شد تا بتوان آنان را به حقانیت مذهب شیعه معترف ساخت. کتابهای ذیل نمونه هایی از این دست نگارشها هستند:

المسترشد فی إمامة أمير المؤمنين از محمد بن جریر طبری شیعی؛

فضائل أمير المؤمنين از ابن عقده زیدی مذهب؛

الإمامة و التبصرة من الحيرة از ابن بابویه قمی؛

إثبات الوصية از علی بن الحسین مسعودی؛

كفاية الأثر از علی بن محمد خزاز قمی؛

تفضیل أمير المؤمنين از شیخ مفید؛

الاستنصار فی النص علی الأئمة الأطهار از ابوالفتح کراچکی؛

دلایل الإمامة از محمد بن جریر بن رستم طبری. (1)

برخی از این نگاه‌ها در گذر زمان ناپدید شده و به دست ما نرسیده‌اند، مانند کتابهای ذیل از شیخ صدوق که نجاشی آنها را در فهرست آثار او آورده است (2) ولی اکنون در دسترس ما نیستند:

إثبات النص علی الأئمة؛

إثبات النص علی أميرالمؤمنین علیه السلام؛

إبطال الاختیار و إثبات النص؛

إثبات الخلافة لأئمةالمؤمنین.

مطالعه اجمالی کتابهایی که مصنفات اصحاب را نام برده‌اند، همانند رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی کثرت تعداد این گروه نگاه‌ها را نمایان می‌سازد.

8. غیبت نگاری

موضوع غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از جمله مباحثی است که حتی پیش از تولد حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه) و در عصر حضور معصومان علیهم السلام مورد توجه شیعیان به ویژه دانشوران و نویسندگان بوده و دست مایه نگارش برخی آثار قرار گرفته است. طبیعی است، در این دوره که هر دوگونه غیبت، یعنی غیبت صغری و غیبت کبری در حال تجربه است و برای شیعیان به ویژه در رویارویی با سنیان دغدغه آفرید و نویسندگان به نگارش در این زمینه رهنمون شدند و نگاه‌ها در این موضوع پدید آمد. سه کتاب ذیل که مرجع، مصدر و محور غیبت نگاری در سده های بعد هستند، از یادگارهای این دوران است که با تکیه بر احادیث و محوریت آنها نگارش یافته‌اند. اگر چه کتاب آخر نیز در بردارنده استدلال و نتیجه گیری است.

کتاب الغیبة (نعمانی)؛

ص: 38

1- (1). مؤلف دلایل الإمامة اگرچه همانام با مؤلف المسترشد فی الإمامة است، ولی فردی دیگر است. هم چنین این دو نفر با محمد بن جریر طبری سنی صاحب کتاب تاریخ طبری و تفسیر طبری متفاوت هستند، اگرچه هر سه هم نام و معاصر بوده و در یک محدوده جغرافیایی زندگی می‌کرده‌اند.

2- (2). رجال نجاشی، ج 1، ص 389، ش 1049.

9. فضایل و مناقب

(1)

در این شیوه نگارشی مجموعه ای از احادیث بازگوکننده برتریها و شایستگیها و افتخارات امام علی علیه السلام و گاه دیگر معصومان گردآوری می شود. در حقیقت این نوع نگارش، برآیند شکاف و اختلافی است که بر سر رهبری جامعه در پی انحراف از واقعه غدیر پدید آمد. شیعیان پیوسته در کنار اثبات امامت علی بن ابی طالب علیه السلام با ادله گوناگون از قرآن و حدیث، به بیان برتریها و شایستگیهای ایشان نیز می پرداختند.

در سده چهارم و پنجم که دوره رونق علمی و گرمی بازار نگارشهای حدیثی به شمار می آید، شاهد نگارش پر برگ و بارتر مجموعه فضایل نگاری هستیم؛ به گونه ای که به خاطر فراوانی و تنوع نسبت به دوران پیشین و پسین خود بی مانند است. از این گروه فضیلت نگاریها می توان به کتب زیر اشاره کرد:

فضائل امیرالمؤمنین از ابن عقیده (ابوالعباس احمد بن محمد)؛ (2)

مناقب الامام امیرالمؤمنین از محمد بن سلیمان کوفی زیدی؛ (3)

نوادر الأثر بعلي خیر البشر از جعفر بن احمد قمی؛

شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار از قاضی نعمان (ابوحنیفه نعمان بن محمد تمیمی مغربی)؛

ص: 39

1- (1). فضایل، جمع «فضیلة» به معنای برتری است و مناقب جمع منقبة است. به آنچه که مایه افتخار و مباهات برای فرد است، منقبت گفته می شود.

2- (2). آقابزرگ طهرانی در الذریعه (ج 5، ص 102، ش 424) از این کتاب با عنوان جزء فی فضائل علی علیه السلام و از نویسنده آن با نام ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید بن عقده الکوفی (م 333) یاد می کند.

3- (3). او متولد 255 هجری در کوفه و درگذشته به سال 322 در یمن است. او پس از برپایی دولت زیدیه در یمن به رهبری یحیی بن حسین معروف به امام هادی عهده دار پست قضاوت آنان شد و تا زمان جانشینان او، ناصر و مرتضی، بر این پست باقی ماند. کتاب مناقبش بیش از سه هزار حدیث دارد که بیشتر رجال اُسناد آن، از رجال صحاح شش گانه سنیان است. (ر.ک: مقاله «کتابهای حدیثی منتشر شده از زیدیه»، تألیف سید علی موسوی نژاد، مجله علوم حدیث، شماره 25، صفحه 170).

الأربعون حديثاً عن الأربعين في فضائل أمير المؤمنين از ابوسعید محمد بن احمد بن حسین نیشابوری. (1)

گفتنی است که بسیاری از کتابهای فضایل و مناقب نیز به دست ما نرسیده اند که برخی از کتابهای شیخ صدوق از این گروه هستند.

10. تاریخ و سیره

تاریخ نویسی در سده چهارم با پشت سر گذاشتن نگارشهای تاریخی بزرگی مثل تاریخ طبری (م 310ه)، نظر اهل قلم را به خود جلب کرده بود. در میان شیعیان نیز کسانی بودند که به تاریخ نگاری علاقه نشان می دادند، اما گزینه نخست آنان در موضوعات و مطالب تاریخی، سیره معصومان و بیان تاریخ زندگی آنان بود، چیزی که سخت مورد بی مهری تاریخ نگاران اهل سنت بود. از این رو شیعیان بیش از هر موضوع تاریخی به گزارش این گونه امور همت می گماردند و بدیهی بود که در این راه پیش از هر گزارشی به متون حدیثی گزارش کننده گزاره های تاریخی روی آورند و به آنها بها دهند. شایان ذکر است که جایگاه نگارشهای تاریخی و سیره با تکیه بر احادیث، پس از نگارشهای مبحث امامت و فضایل نگاری و مانند آنها قرار دارد.

به بیان سیره معصومان در سده های پیشین نیز توجه شده است. برخی از نگاشته های شیعی در این باره به این قرار است:

عیون اخبار الرضا (شیخ صدوق 381 305)؛

خصائص أمير المؤمنين (سید رضی 406 359)؛

الجمال (شیخ مفید، م 413)؛

الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد (شیخ مفید)؛

المصابيح في سيرة الرسول و آل البيت (احمد بن ابراهیم زیدی)؛

تيسير المطالب (یحیی بن حسین بن هارون)؛

الهداية في تاريخ النبي و الأئمة و معجزاتهم (حسین بن حمدان خصیعی). (2)

ص: 40

1- (1) ر. ک: میراث حدیث شیعه دفتر ششم، [1] صفحه 105 تا 236 به کوشش آقایان مهدی مهریزی و علی صدرایی خوبی.

2- (2) حسین بن حمدان از جمله غالیان است و نگرش انحرافی دارد.

از این مجموعه کتابهای فراوانی در دسترس ما نیست. مقتل الحسین و الجمل، التاريخ و چندین کتاب دیگر از کتابهای شیخ صدوق از جمله این مجموعه است.

11. دعا و زیارت

شیعی بودن بسیاری از دولتهای این دوران، سفرهای زیارتی دولتیان به همراه رسیدگیهای مالی آنان به حرم امامان، آزادی سفر به این مکانها، افزایش شمار زائران و دفعات سفر زیارتی آنان را در پی داشت. این امر نیاز بیشتر، به نگاشته های دعایی و زیارتی را نمایان می ساخت. فضای علمی پدیدآمده در این دوران و پدیدار شدن تنوع نگارشی، بستر خوبی را برای پاسخ گویی بدین نیاز فراهم کرد و نگارنده های دعایی و زیارتی پرفایده، ماندگار و ارزشمندی از این دوران به یادگار گذاشت. یادآور می شویم که در کنار نقل زیارت نامه ها و دعاهایی که برای حرم امامان توصیه می شد، به امور مستحبی دیگر، مانند اعمال عبادی و آداب مستحبی روزانه، نیز پرداخته می شد. کتابهای زیر نمونه ای از این نگاشته ها هستند که باقی مانده اند:

کامل الزیارات (ابن قولویه قمی)؛

کتاب المزار (شیخ مفید)؛

مصباح المتهجد (شیخ طوسی)؛

فضل زیارة الحسین (ابوعبدالله محمد بن علی شجری زیدی).

کتابهای فراوانی نیز در دسترس ما نیستند، که اسامی برخی از آنها در کتابهای فهرست آمده است، همانند:

زیارات قبور الائمه (شیخ صدوق)؛

کتاب المزار (جعفر بن حسین بن علی قمی)؛

کتاب المزار (ابونضر محمد بن مسعود عیاشی)؛

الزیارات (حسین بن علی الخزاز القمی).

12. فقه الحدیث

در این دوران به فهم دقیق حدیث، غریب الحدیث، آسیب شناسی و اختلاف حدیث و... توجه شد. کتاب معانی الاخبار شیخ صدوق نمونه خاص و زیبایی از مبحث غریب الحدیث است. برخی از تألیفات شیخ مفید، همانند رساله فی معنی المولی، رساله فی خبر ماریه، نحن معاصر الأنبياء هم این گونه هستند.

نقد حدیث در کتابهای مختلف شیخ مفید به شیوه منطقی و صحیح به چشم می خورد. رساله تصحیح الاعتقاد، که به تبیین و تصحیح معارف حدیثی و نقد نظرات شیخ صدوق پرداخته است، کهن ترین نمونه نقد صحیح حدیث است.

سید مرتضی در کتاب امالی خود به مواردی از تبیین و تأویل حدیث دست یازیده و نمونه ای جالب و خواندنی ارائه کرده است. سید رضی نیز در کتاب المجازات النبویه، نمایی زیبا از سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله ارائه نموده است.

در این میان مهم ترین کتابی که به اختلاف حدیث و راههای جمع میان احادیث به ظاهر متفاوت، پرداخته کتاب الاستبصار فیما اختلف من الأخبار شیخ طوسی (رحمه الله) است.

این مؤلف و فقیه گرانمایه، ابتدا کتاب تهذیب الاحکام را به شیوه شرح حدیثی کتاب المقنعه شیخ مفید نوشت. اهتمام او در این شرح، نقل اخبار متنافی و جمع میان آنها بود.

کتاب استبصار، گزیده کتاب تهذیب الاحکام است و تنها به اخبار اختلافی نظر دارد. این کتاب، تنها در بردارنده روایات فقهی است. از این رو در جمع اخبار مختلف، از روش فقهی سود جسته است.

در این زمینه کتابهای دیگری نیز نگاشته شده است که در گذر زمان مفقود شده اند. دو کتاب جواب المسائل فی اختلاف الأخبار و المزورین عن معانی الاخبار (1) از شیخ مفید از جمله این آثار هستند.

13. رجال

علم رجال در میان علوم پیرامونی حدیث، پیشینه دارترین آنها است، با این حال قدیمی ترین کتابهای رجالی که امروزه در دسترس ما هستند، از یادگارهای این دو سده اند و نگاشته های پیش از این دوران یا ناپدید شده اند و یا اینکه مطالبشان در کتب رجالی این دوران به کار رفته و خود به مرور از بین رفته اند.

رجال کشی و رجال طوسی از مشهورترین کتابهای رجالی این دوره هستند. فهرست نجاشی و فهرست شیخ طوسی نیز مطالب رجالی فراوانی داشته اند و در توثیق

ص: 42

راویان حدیث نقش اساسی دارند. ظاهراً نویسندگان این دو کتاب، افزون بر یادکرد نگاشته‌های شیعه، هدف رجالی تعدیل و تضعیف راویان را نیز پیش رو داشته‌اند. رجال ابن غضائری نیز از جمله کتابهای مهم و تأثیرگذار است که در این دوران نگاشته شده و تا قرن‌ها مورد استفاده عالمان بوده و سپس ناپدید شده است. این کتاب به صورت بازبایی شده از کتابهای رجالی دیگر چاپ شده است. (1) ثقة الاسلام کلینی نیز کتابی با نام رجال داشته است که به دست ما نرسیده است. (2) شیخ صدوق نیز مجموعه‌ای رجالی به نام المصابیح (در 15 جزء) داشته است. (3) همچنین دو کتاب المصابیح و الزیادات علی ابی العباس بن سعید فی رجال جعفر بن محمد نگاشته‌ای احمد بن علی بن العباس بن نوح سیرافی استاد نجاشی (4) از جمله این نگارشها هستند.

14. فهرست

موضوع فهرست نگاری کتابها و رساله‌های حدیثی و معرفی بزرگان شیعه، از جمله مباحثی بود که در این سالها اندیشمندان به آن توجه کردند. ریشه این توجه را باید در هجوم فرهنگی مخالفان به شیعیان دید. چنانچه گذشت، فضای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی این دوران به سود شیعیان بود و آنان فرصت یافتند تا باورهای خود را آزادانه ابراز کرده و از آنها، به شیوه‌ای درست، منطقی و عقل‌مدارانه دفاع کنند. مخالفان که در گذشته همواره از فشارهای سیاسی و حکومتی برای سرکوب شیعه سود می‌جستند، با ایجاد شبهات فرهنگی، سعی در مقابله با شیعیان داشتند. هرچند که آنان در گذشته، به خاطر بهره‌مندی از قدرت سیاسی نیاز چندانی به برخورد فرهنگی و علمی نمی‌دیدند، اما در این دوران به ناچار، به حمله‌های فرهنگی روی آوردند. یکی از اشکالاتی که مخالفان بر شیعیان وارد می‌کردند آن بود که شیعیان گروهی بی‌ریشه‌اند و پیشینه‌ای ندارند. در پاسخ گویی به این شبهه، شیخ مفید، سردمدار دفاع از ارکان تشیع، به شاگردان خود توصیه نمود که نگاشته‌های

ص: 43

1- (1) ر.ک: رجال ابن غضائری، تصحیح محمد رضا حسینی جلالی.

2- (2) رجال نجاشی، ص 377.

3- (3) همان، ص 390.

4- (4) همان، ص 86، ش 209.

شیعی را فهرست کنند و برای آگاهی دیگران آنها را منتشر کنند تا پیشینه علمی شیعیان بر دیگران روشن شود.

بنابراین توصیه، دو کتاب مهم و پراهمیت، که تأثیر مهمی در تاریخ حدیث نگاری شیعه و حتی در علم رجال داشت، به نگارش درآمد. فهرست أسماء مُصنِّفی الشیعه معروف به رجال نجاشی و الفهرست، نوشته شیخ طوسی دو کتابی است که به این مهم پرداخته اند. این دو نویسنده اسامی حدیث نگاران شیعه را جمع آوری کرده و وثاقت آنها را بررسی کرده اند، همچنین اسامی کتابهای آنان و طریق خود در استفاده از آن کتابها را نیز یاد کرده اند. این قولیه نیز کتابی به نام الفهرست داشت، که اثری از آن نیست.

15. اخلاق

نگارش احادیث اخلاقی بیشتر به گونه تک نگاری در بعضی موضوعات اخلاقی در میان محدثان رایج بوده است. نمونه های فراوانی از اسامی این کتابها در دست است. ثقة الاسلام کلینی جلد دوم اصول کافی را به این موضوع اختصاص داده و با عنوان ایمان و کفر بسیاری از فضایل و رذایل اخلاقی را تبیین کرده است. ابن شعبه حرانی در کتاب تحف العقول همت خود را در بیان احادیث اخلاق و آداب صرف کرده است. شیخ صدوق نیز در برخی از نگارشهای خویش، همانند صفات الشیعه، مصادقة الأخوان و حتی کتاب امالی و خصال به این موضوع توجه داشته است. کتاب التمهیح اسکافی نیز از این دست است.

از این گونه نگارشها کتابهای فراوانی به دست ما نرسیده است؛ کتاب الزهد شیخ صدوق از این گروه است.

پرسش و پژوهش

1. از دیدگاه شما تلاشها، تبلیغات و نفوذ معنوی سادات در مناطق شمال ایران، چه نقشی در پرورش دولت مردان شیعی در سده چهارم و پنجم داشت؟
2. به نظر شما حضور اندیشمندان شیعی در جلسات مناظره و گفتگو چه نقشی در ترویج فرهنگ تشیع داشت؟
3. چرا شیعیان به مسندنویسی به شیوه سنیان علاقه نشان نمی دادند؟

درس دوم: مشهورترین حدیث نگاران سده سوم و چهارم

اشاره

ص: 45

سده های سوم و چهارم هجری، آکنده از وجود راویان و محدثان مشهوری است که با آثار خویش ماندگار شده اند. آن گونه که از بررسی تاریخ و کاوش در مصنفات شیعی به دست می آید، این دوران فضای خاصی داشته است؛ که پیامد آن تربیت شاگردان و رواج محدثین و نگارشگران حدیث بوده است (در درس قبل، با نمای اجمالی این دوران آشنا شدید).

کتاب اربعه شیعه، که مهم ترین مرجع حدیثی شیعیان است، در این دوران نگارش یافته و ماندگار شده است. ارکان مباحث رجالی (یعنی کتاب اربعه رجالی) نیز در این دوران نگارش یافته است. بنیان ماندگار تفسیر مآثور، از این دوران به جا مانده است و... این دوران آن سان زیبا و تأثیرگذار است که انسان را به حیرت وادار می دارد. از این رو، تنها به یادکرد مشهورترین و تأثیرگذارترین محدثان این دوره بسنده می کنیم؛ یعنی افرادی که در زمان خویش با نگارش اثری مهم، تأثیری شگرف بر فرهنگ و معارف شیعی گذاشته اند. بزرگوارانی چون ثقة الاسلام کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید رضی و شیخ طوسی در این گروه قرار می گیرند. به جز این گروه، از دیگر محدثان و مؤلفانی که به گونه ای از آوازه و شهرت برخوردارند نیز یاد خواهد شد. بنابراین از یادکرد بسیاری از افراد دیگر صرف نظر می کنیم.

1. ثقة الاسلام کلینی م 329 ه

ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، در ری متولد شد و در شهر مقدس قم به تحصیل پرداخت. استادان حدیثی معروف او، علی بن ابراهیم قمی و محمد بن یحیی العطار بوده اند. نزدیک به هشتاد درصد احادیث کتاب کافی از این دو استاد حدیث نقل شده است.

به غیر از کتاب کافی، پنج کتاب دیگر نیز به شیخ کلینی منتسب است (1) که اکنون در دسترس ما نیستند. این کتابها عبارت اند از:

الرد علی القرامطه؛

رسائل الأئمة عليهم السلام؛

تعبیر الرؤیا؛

کتاب الرجال؛

ما قیل فی الأئمة عليهم السلام من الشعر.

سید ابن طاووس (م 664ه) در کتابهای کشف المحجبه، فلاح السائل و فتح الأبواب برخی از روایات کتاب رسائل الأئمة را نقل کرده است.

(2)

کتاب کافی علاوه بر روایات فقهی، شامل روایات بنیادین معارف، چون «عقل و علم»، «حجت و ایمان و کفر» نیز است که در دو جلد آغازین کتاب اصول کافی قرار دارند.

در طول تاریخ حدیث شیعه، از کتاب کافی و مؤلف آن مدح و ستایش فراوانی شده است، همچنین شرحها و حاشیه های گوناگونی نیز بر آن نوشته شده است.

توضیحات مفصل درباره این کتاب و مؤلف آن، در دروس دیگر بیان خواهد شد. (3)

2. ابن بابویه م 329 ه

علی بن حسین بن موسی قمی، پدر و استاد شیخ صدوق و از پایه های استوار حدیثی قم است. او با ثقة الاسلام کلینی هم طبقه بوده است و اساتید او نیز همانند اساتید کلینی هستند. منابع رجالی شیعه نزدیک به بیست کتاب را به او نسبت داده اند. (4)

کتاب الإمامة و التبصرة من الحیره، از جمله کتابهای او است که درباره آن بحث و تحقیق انجام شده است. نسخه ای از این کتاب نزد علامه مجلسی بوده که به نظر ایشان، از

ص: 48

1- (1). رجال نجاشی، ص 377.

2- (2). خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 275.

3- (3). ر.ک: درس جوامع حدیثی شیعه.

4- (4). رجال نجاشی، ص 262، ش 684؛ شیخ طوسی، الفهرست، ص 157، ش 392.

آن ابن بابویه بوده است، (1) اما محدث نوری (2) و برخی دیگر (3) این نظر را نمی پذیرند. در سالهای اخیر آقای محمد رضا حسینی جلالی به نسخه خطی این کتاب دست یافت و آن را به صورت تصحیح شده و همراه با مستدرکات آن، به جامعه علمی عرضه کرد. ایشان در مقدمه مفصل خویش تمامی اشکالات را بررسی کرده و به آنها جواب داده است. متون حدیثی این کتاب در کتابهای پس از آن، همچون کمال الدین، نقل شده است.

برخی از محققان، کتاب فقه الرضا را نیز به ابن بابویه نسبت داده اند. شباهتهای موجود بین این کتاب و رساله ابن بابویه به پسرش، با عنوان کتاب الشرایع، (4) این نظریه را پدید آورده است. (5) لازم به ذکر است که انتساب این کتاب به امام رضا علیه السلام اشتباه است. (6)

3. محمد بن حسن بن ولید م 343 ه

او از معاصران ابن بابویه و استاد شیخ صدوق است. افکار و نظریه های او در حدیث و رجال با پذیرش و پیروی پسینیان در مدرسه حدیثی قم رو به رو شده است.

بیش از همه شاگردش، شیخ صدوق، از او تأثیر پذیرفته است؛ چنان که می گوید: «هر روایتی که استاد ما بر آن صحه نگذارد در نزد ما متروک و غیر صحیح است.» (7) همان گونه که در نظریه کلامی «پذیرش وقوع سهو از معصومان علیهم السلام جز در موارد ابلاغ معارف دینی» با استاد خود هم باور گشته است. (8)

ص: 49

-
- 1- (1). بحار الانوار، ج 6، ص 261.
 - 2- (2). خاتمة مستدرک الوسائل، ج 3، ص 282.
 - 3- (3). الذریعة علی تصانیف الشیعه، ج 2، ص 341.
 - 4- (4). از این کتاب در بحار الانوار، ج 80، ص 142 و ج 81، ص 156، مطالبی نقل شده است.
 - 5- (5). برای آگاهی بیشتر رجوع کنید به مقدمه کتاب فقه الرضا و کتاب چهل مقاله، رضا استادی، مقاله اول، نشر کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، سال 1371.
 - 6- (6). علی بن حسین بن موسی گاه با نام علی بن موسی از او یاد شده و آن نام نیز به حضرت امام رضا علیه السلام تبدیل شده است.
 - 7- (7). من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 90، ذیل حدیث 1817. این رفتار شیخ باعث شد که در میان عالمان از زبان او چنین سخنی شهرت یابد: هر حدیثی را که استادمان محمد بن حسن بن ولید، صحیح بشمارد، صحیح می شماریم. (شیخ محمدتقی، هدایة المسترشدین، م 1248، ص 400).
 - 8- (8). من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 360.

نمونه دیگر، پیروی راوی شناسان (رجالیان) از او، در اعتماد نداشتن به برخی از راویان کتاب نوادر احمد بن محمد بن عیسی است، تا آنجا که در کتابهای رجالی از این گروه با عنوان «مستثنیات کتاب نوادر» یاد شده است و از این رو، مورد اشکال قرار گرفته اند. (1)

او کتاب حدیثی با نام کتاب الجامع داشته که در اختیار شیخ صدوق و شیخ طوسی بوده است و این دو، روایات بسیاری از این کتاب، در نگاشته های خود نقل کرده اند.

4. ابن قولویه م 368 ه

جعفر بن محمد بن جعفر مشهور به ابن قولویه از محدثان و فقیهان قم است. او شاگرد کلینی و استاد شیخ مفید است. ابن قولویه در قم تحصیل و به برخی از شهرهای دیگر هم مسافرت کرده است. آثار او را در حدود بیست کتاب دانسته اند. (2)

کتاب کامل الزیارات تنها اثر باقی مانده از او است که منبع و مصدر قابل اعتماد عالمان در سده های پس از او بوده و بسیاری از زیارات ائمه علیهم السلام از آن نقل شده است.

افزون بر نقل زیارات و ادعیه، از جهت رجالی نیز به این کتاب توجه شده است. ابن قولویه در مقدمه کتاب یادآور شده که فقط از افراد ثقه و مورد اعتماد روایت نقل کرده است. از این رو برخی عالمان با استناد به این سخن، تمامی راویان ذکرشده در این کتاب را ثقه شمرده اند.

(3)

شمار راویان موجود در این کتاب به بیش از هفتصد راوی و شمار روایات نقل شده در آن به هفتصد و پنجاه روایت می رسد.

ص: 50

1- (1). احمد بن محمد بن عیسی، از محدثان بزرگ قم است و کتابی با نام نوادر داشته است. این کتاب جامع، در بر دارنده بسیاری از متون حدیثی به نقل از راویان گوناگون است و دست مایه محدثان و فقیهان بود. محمد بن حسن بن ولید، برخی از آن راویان را خوش نمی داشت و ثقه نمی دانست. او روایات این افراد را از کتاب استثنا کرده و بقیه روایات کتاب نوادر را پذیرفت. این افراد با عنوان «مستثنیات کتاب نوادر» شناخته می شوند. در روزگاران بعد بسیاری از عالمان شیعه، نظر رجالی محمد بن حسن بن ولید را پذیرفتند.

2- (2). رجال نجاشی، ص 123.

3- (3). معجم رجال الحدیث، ج 1، ص 50. البته آیت الله خویی در پایان عمرش از این نظر عدول کرده اند. (کلیات فی علم الرجال، ص 301 به بعد).

5. جعفر بن احمد قمی متوفای نیمه دوم قرن چهارم

او در شهرهای قم و ری سکونت داشته است و از محدثان خوش ذوق سده چهارم به شمار می آید. معاصر شیخ صدوق (م 381ه) است و هر دو از یکدیگر، حدیث نقل کرده اند. (1) آثار او را، دو بیست و بیست کتاب دانسته اند. (2) رساله های کوچک حدیثی باقی مانده از او، بیانگر هنر او در نگارش است. برخی از نگاشته هایش عبارت اند از:

جامع الأحادیث

مجموعه ای در حدود هفتصد روایت است که شبیه جامع الصغیر سیوطی (م 911ه) و غرر الحکم آمدی (م 550ه)، بر اساس حرف اول متن مرتب شده است. این کتاب و پنج اثر دیگر این مؤلف در یک مجموعه چاپ شده است. (3)

المسلسلات

مجموعه ای از روایات است که با عنوان درایه ای حدیث مسلسل (4) همخوان است. به عنوان مثال یک حدیث به دلیل آنکه، نام بیشتر افراد زنجیره سند فاطمه است، به حدیث فواطم شهرت یافته است. (5)

ص: 51

- 1- (1). به عنوان نمونه شیخ صدوق در معانی الاخبار، ص 6، ح 3 و التوحید، ص 188، ح 1، و ص 417، ح 1، [1] از او حدیث نقل کرده و او نیز در المسلسلات از شیخ صدوق روایت نقل کرده است.
- 2- (2). الذریعه، ج 21، ص 21، ش 3751 و ج 22، ص 355، ش 7414.
- 3- (3). این مجموعه با تصحیح و تحقیق سید محمد حسینی نیشابوری و از سوی انتشارات آستان قدس رضوی به چاپ رسیده است. (چاپ اول، سال 1371) از این رو شماره صفحات از کتاب جامع الاحادیث که در آغاز این مجموعه آمده، شروع شده است.
- 4- (4). مسلسل به روایتی گفته می شود که تمام راویان زنجیره سند، یک عنصر مشترک به عنوان مثال در نام یا حالت یا گفتار داشته باشند، مانند اینکه نام همه محمد باشد یا همه با سوگند نقل حدیث کرده باشند.
- 5- (5). «بکیر بن أحنف قال: حدثنا فاطمة بنتُ علي بن موسى الرضا عليه السلام قالت: حدثتني فاطمة و زينب و أم كلثوم بنتُ موسى بن جعفر عليهما السلام قُلْنَ حدثتنا فاطمة بنت جعفر بن محمد عليهما السلام قالت: حدثتني فاطمة بنت محمد بن علي عليهما السلام قالت: حدثتني فاطمة بنت علي بن الحسين بن علي عليهما السلام عن أم كلثوم بنت علي عليه السلام عن فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله قالت: سمعتُ رسولَ الله صلى الله عليه وآله يقول: لَمَّا اسْرَى بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَإِذَا أَنَا بِقَصْرِ مِنْ دُرَّةٍ بِيضَاءَ مُجَوَّفَةٍ، وَعَلَيْهَا بَابٌ مُكَلَّلٌ بِالذُّرِّ وَالْيَاقُوتِ، وَعَلَى الْبَابِ سِتْرٌ فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا مَكْتُوبٌ عَلَى الْبَابِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى وَلى الْقَوْمِ.» [2] حضرت فاطمه زهرا عليها السلام می فرمایند: از رسول خدا شنیدم که می فرمود: آن هنگام که مرا به آسمان بردند وارد بهشت شدم ناگهان قصری از دُرّ سفید و شفاف دیدم که درِ دُرّ و یاقوت نشان داشت و بر در آن پرده ای آویخته، چون سرم را بلند کردم دیدم بر سردر آن نوشته: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى وَلى الْقَوْمِ.

در بخشهایی از کتاب المسلسلات، از شیخ صدوق نیز روایت نقل شده است. (1)

کتاب الغایات

در برگیرنده روایاتی است که با تعبیری مثل «برترین، نیکوترین، زیرک ترین، زشت ترین و منفورترین و...» به کامل ترین وصفها اشاره دارند. روایات این کتاب همه مرسل اند.

کتاب العروس

این رساله مربوط به فضائل و آداب روز جمعه است. نگارنده با الهام از حدیث اول کتاب، که در آن، روز جمعه به عروس تشبیه شده، اثر خود را العروس نامیده است:

الإمام الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال: إذا كان يومُ القيامة بعثَ اللهُ الأيَّامَ في صُورٍ يعرفُها الخلقُ أنَّها الأيَّامُ، ثمَّ يبعثُ اللهُ الجُمُعَةَ أُمَامَهَا يُقدِّمُها كالعروسِ ذاتِ جمالٍ وكمالٍ تُهدى إلى ذى دِينٍ و مالٍ. (2)

امام صادق علیه السلام فرمودند: چون روز رستاخیز فرا رسد خداوند روزها را در هیئتهایی برانگیزد که مردم خواهند فهمید آنها روزهای هفته هستند. آن گاه پروردگار روز جمعه را پیشرو روزها قرار دهد، چون عروسی زیبا و کمال یافته که عازم خانه دامادی با دین و ایمان است.

6. شیخ صدوق م 381 ه

محمد بن علی بن حسین مشهور به شیخ صدوق، از مشهورترین روایان و حدیث نگاران شیعه است. او در پی دعای امام مهدی علیه السلام متولد شد. مشهورترین اساتید او، پدرش و محمد بن حسن بن ولید هستند. به دعوت رکن الدوله از قم به ری مهاجرت کرد. سفرهای گوناگون او به سرزمینهای مختلف جهان اسلام مایه شگفتی است. این سفرها سبب شده است که او استادان فراوان و گوناگونی از فرقه های مختلف مذهبی، داشته باشد.

ص: 52

1- (1). المسلسلات، ص 261، 250، 245، 241 و 264.

2- (2). العروس، ص 145.

اسامی نزدیک به دویست و پنجاه شیخ حدیثی او اکنون در دست است. شیخ طوسی درباره او گفته است: «در میان اساتید قم، از نظر قدرت حافظه و کثرت علم همانند او دیده نشده است».⁽¹⁾

همت اصلی او نگارش حدیث است. می توان گفت در تمام حوزه های معارف نقلی آن روزگار همچون فقه، اخلاق، کلام نقلی، دعا، تاریخ، فضائل و مناقب و فقه الحدیث، نوشته های حدیثی دارد.

سلیقه و ذوق هنری او نیز از گونه های نگارشی او هویدا است. هرچند شمار اندکی از نوشته های او، برای ما باقی مانده است، اما از همین مقدار نیز می توان به ذوق، سلیقه و زاویه دید او در نحوه انتقال معارف حدیثی پی برد. در درس پیشین به برخی گونه های نگارشی او اشاره کردیم.

نگاشته های او نزدیک به سیصد اثر بوده است. شیخ صدوق در مقدمه کتاب من لا یحضره الفقیه تعداد نوشته های خویش را تا آن زمان دویست و چهل و پنج اثر برشمرده است.⁽²⁾ امروزه، تنها شمار اندکی از این مجموعه بزرگ آثار، در دسترس ما هستند و اکثر آنها در سده های پیشین ناپدید شده اند. کتابهای رجالی و بسیاری از کتابهای کلامی با موضوع امامت و کتابهای فقهی ایشان از این گروه اند. برخی گفته اند کتاب مدینه العلم حتی تا سده نهم هجری در دسترس عالمان بوده است. این کتاب فقهی از من لا یحضره الفقیه بزرگ تر بوده است.

از نگاشته های شیخ صدوق، اکنون این کتابها در دسترس هستند:

1. اکمال الدین و اتمام النعمه (یا کمال الدین)

2. الأمالی (المجالس)

3. التوحید

4. ثواب الأعمال

5. عقاب الأعمال

6. عیون أخبار الرضا

ص: 53

1- (1). شیخ طوسی، الفهرست، ص 237، ش 125.

2- (2). من لا یحضره الفقیه، ج 1، مقدمه مؤلف.

7. علل الشرايع

8. الخصال

9. معانى الأخبار

10. من لا يحضره الفقيه

11. فضائل الشيعة

12. صفات الشيعة

13. فضائل الأشهر الثلاثة

14. الاعتقادات

15. مصادقة الأخوان

16. المواعظ (1)

17. المقنع

18. الهداية

دو کتاب آخر، فقهی بوده و جزء نوشته های حدیثی به شمار نمی آیند. هرچند روایات متعددی در بر دارند.

درباره هر یک از این کتابها می توان مفصل سخن گفت، اما از محدوده بحث ما خارج است.

7. ابن خزاز قمی متوفای نیمه دوم قرن چهارم

او شاگرد شیخ صدوق و از متکلمان قم است. در کتاب مشهور خویش کفاية الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر به جمع آوری روایاتی پرداخته است که بر دوازده امام دلالت دارند. بسیاری از اسناد این روایات به وسیله سنیان نقل شده است.

8. عیاشی متوفای نیمه اول قرن چهارم

محمد بن مسعود عیاشی از عالمان خراسان و استاد کشی است. او در

ابتدا سنی مذهب بود. در جوانی به شیعه گرایش پیدا کرد و در نزد عالمان شیعی

1-1) این کتاب در سالهای اخیر یافت شده و انتساب این نسخه به شیخ صدوق، ثابت نیست.

تحصیل نمود. نجاشی او را از شخصیت‌های برجسته شیعیان دوازده امامی می‌داند، اما با این حال یادآور شده که او در بسیاری از موارد، از راویان ضعیف روایت نقل کرده است. (1)

تألیفات او را بیش از دویست عنوان برشمرده اند که بیشتر آنها فقهی هستند. (2) از این مجموعه عظیم، تنها جزء ناقصی از تفسیر او باقی مانده است. نسخه بردار این کتاب برای مختصر نمودن آن، اسناد کتاب را حذف و روایات آن را مرسل کرده است. این کتاب از مصادر مهم تفسیر مأثور و قابل توجه مفسران و محدثان بعد از خود بوده است. اگرچه در برخی از موارد، از دقت لازم برخوردار نیست، زیرا با نقل از راویان ضعیف، متونی شاذ و غیر قابل قبول را بدان وارد کرده است.

9. ابو عمرو و کشی متوفای نیمه اول قرن چهارم

او از دانشوران خراسانی (سمرقند) است. شاگرد عیاشی و استاد محدثانی بزرگ چون ابن قولویه و تلّکبری است. کتاب رجال او معروف بوده است. شیخ طوسی گزیده ای از این کتاب را عرضه کرده که تاکنون نیز باقی مانده و عنوان اختیار معرفة الرجال (3) را یافته است. در این مجموعه، راویان شیعی بر حسب طبقه مرتب شده اند و روایاتی در شناخت، ستایش و یا نکوهش آنها نقل شده است.

10. علی بن حسین مسعودی متوفای نیمه اول قرن چهارم

از مشهورترین نویسندگان سده چهارم هجری است. آزادمنشی او در نقل گزارشهای تاریخی، بر شهرت او افزوده است. اگرچه درباره شخصیت و عقاید او اختلاف نظر وجود دارد زیرا شخصی دیگر نیز با همین نام برخی کتابهای تاریخی را نگاشته است که مشهورترین آن کتاب مروج الذهب است. مؤلف کتاب إثبات الوصیه نیز همین نام و عنوان را دارا است. با وجود آنکه هر دو کتاب در حدود سالهای 332

ص: 55

1- (1). رجال نجاشی، ص 350، ش 944.

2- (2). رجال نجاشی، ص 351؛ شیخ طوسی، فهرست، ص 212، ش 604.

3- (3). آنچه امروزه به عنوان رجال کشی در دسترس ما است، همین کتاب است.

هجری نگاشته شده اند نگارش مروج الذهب در سال 332 آغاز شده (1) و اثبات الوصیه نیز در همین دوران نوشته شده است. (2) ولی شیوه نگارش و باورهای این دو کتاب کاملاً با یکدیگر متفاوت است. مؤلف اثبات الوصیه، انسانی شیعی با باورهای عمیق امامی است و اعتقاد خود به دوازده امام را به طور صریح ابراز کرده و امام علی علیه السلام را به عنوان وصی بلافصل پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرده است. در حالی که مؤلف مروج الذهب شخصی سنی می نماید که اگرچه فضائل امام علی علیه السلام را می ستاید، ولی امامت ایشان را باور ندارد.

از زمانهای کهن درباره شیعه یا سنی بودن مسعودی بحث شده است. هر گروه برای ادعای خویش دلایلی آورده و به یکی از دو نگاشته او استناد کرده اند. (3) برخی از محققان معتقدند که مؤلف این دو کتاب، دو نفر هستند که همنام بوده و در یک عصر، ولی در دو منطقه جغرافیایی می زیسته اند. این نظریه با توصیف نجاشی از مسعودی در کتاب رجال نجاشی منافات دارد، زیرا نجاشی تمامی کتابهای مشهور را به علی بن حسین مسعودی شیعی نسبت می دهد. (4) نجاشی او را تا 333 هجری زنده می شمارد. عبدالله الصاوی در مقدمه اخبار الزمان، مسعودی مورخ را معتزلی، شافعی و تا 345 یا 346 هجری زنده می داند و هیچ یک از کتابهای نجاشی را جزء کتب او برنمی شمرد. (5)

11. محمد بن ابراهیم نعمانی متوفای نیمه دوم قرن چهارم

از زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست. او در بغداد از محضر ثقة الإسلام کلینی استفاده کرده و سپس به شام رفته است. (6)

ص: 56

-
- 1- (1). مروج الذهب، ج 2، ص 332.
 - 2- (2). اثبات الوصیه، ص 231.
 - 3- (3). خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 116.
 - 4- (4). رجال نجاشی، ص 254.
 - 5- (5). مقدمه اخبار الزمان، ص 18 و 20.
 - 6- (6). مقدمه آقای علی اکبر غفاری بر کتاب الغیبه نعمانی، ص 11. این مقدمه در بر دارنده اطلاعات ارزشمند دیگری درباره این کتاب و مؤلف آن است.

چندین کتاب به او نسبت داده شده است، کتاب الغیبه مشهورترین کتاب باقی مانده از او است. نعمانی کتاب الغیبه را برای محکم کردن پایه های اعتقادی شیعیان درباره امام مهدی علیه السلام نگاهشته است. درباره این کتاب در درس پیشین توضیح مختصری دادیم.

12. هارون بن موسی تلعبری م 385 ه

از محدثان مشهور و پر روایت است. بسیاری از اصول و مصنفات اصحاب ائمه علیهم السلام را روایت کرده و به نسلهای پس از خویش انتقال داده است، بدین جهت می توان او را نقطه اتصال بسیاری از مصنفات دانست. شیخ طوسی درباره او گفته است:

وی شخصیتی ارزشمند، مورد اطمینان، پر روایت و بی مانند است. همچنین او روایت کننده تمام اصول و مصنفات حدیثی است (1).

بنا به گفته نجاشی او کتابی به نام الجوامع فی علوم الدین داشته است، (2) که اکنون در دست نیست. سید ابن طاووس دعای سحر ابوحمزه شمالی را از طریق او نقل می کند. (3) از این رو آقا بزرگ تهرانی، راوی این دعا را ایشان می داند. (4)

او بیش از همه، از ابن همام روایت نقل کرده و رابطه نزدیکی با او داشته است. استاد مهم دیگرش ابن عقده است. (5) نجاشی و ابن غضائری نیز از شاگردان او هستند.

13. محمد بن جریر طبری

در قرن چهارم هجری، سه نفر محدث با نام محمد بن جریر طبری یافت می شوند که از شمال ایران و منطقه طبرستان برخاسته اند. مشهورترین آنها محمد بن جریر

ص: 57

1- (1). رجال شیخ طوسی، ص 449، ش 6386.

2- (2). رجال نجاشی، ص 439، ش 1184.

3- (3). اقبال الاعمال، ج 1، ص 157.

4- (4). الذریعه، ج 8، ص 187. [1]

5- (5). مقاله «سال شمار آموزشی هارون بن موسی تلعبری»، سید محمد جواد شبیری، مجله علوم حدیث، ش 32، ص 10. شایان ذکر است که این مقاله با تفصیل بیشتری در شرح حال این راوی، در دانش نامه جهان اسلام، ج 8، ص 91، موجود است.

طبری، نویسنده کتاب تاریخ طبری و تفسیر طبری است. او سنی مذهب است. دو همنام دیگر او شیعه مذهب بوده اند. اولی نویسنده کتاب المسترشد فی الإمامه است. او در این کتاب به اثبات امامت امام علی علیه السلام و شایستگی ایشان پرداخته است. شیخ طوسی در معرفی او نوشته است: «لیس بصاحب التاریخ» (1) محمد بن جریر طبری دیگر، نویسنده کتاب دلائل الإمامه است که علاوه بر اثبات امامت به شرح حال امامان و مناقب و معجزات آنان نیز پرداخته است. (2)

کتابهای دیگری چون مناقب فاطمه و ولدها، نوادر المعجزات و کتاب الرجال نیز به محمد بن جریر نسبت داده شده است.

14. حسین بن حمدان خصیبی م 334 ه

او از سران غالیان فرقه نصیری است. در حلب می زیسته است و ابن عقده و تلکبری از او روایت نقل کرده اند. رجالیان او را به فساد عقیده متهم کرده و تضعیف کرده اند. (3) او کتابی در تاریخ ائمه علیهم السلام داشته است که گزیده ای از آن با نام الهدایة الکبری اکنون چاپ شده است. متأسفانه تفکر اشتباه و آمیخته به غلو حسین بن حمدان در برخی از کتابهای پس از او نیز تأثیر گذاشته است. محققان باید همیشه در ریشه یابی متون غلوآمیز و اخذ و نقد آن متون دقت و توجه کنند.

15. ابن شعبه حرانی

حسین بن علی معروف به ابن شعبه مؤلف کتاب تحف العقول است. از زندگی او آگاهی چندانی در دست نیست. تا قرن نهم هجری ذکری از او و کتاب او نشده است. قرینه هایی بر اینکه او در قرن چهارم زندگی می کرده و معاصر با شیخ صدوق بوده است، اقامه کرده اند (4) که اثبات آنها محتاج دلایل بیشتری است. کتاب تحف العقول

ص: 58

1- (1). شیخ طوسی، الفهرست، ص 712.

2- (2). آقای علی موسی الکعبی، درباره طبری ها و اشتراک و تفاوت آنان و آثار علمی ایشان، مقاله ای دارند با عنوان «الطبریون نظرة فی المتفق و المفترق» که در مجله علوم الحدیث عربی، شماره های 16 و 17، به چاپ رسیده است.

3- (3). رجال نجاشی، ص 67؛ رجال ابن غضائری، ص 54، ش 40، نشر دار الحدیث، سال 1380.

4- (4). خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 187.

به سبب قوت متن و دارا بودن نظم خاص شایان توجه بوده و ستایش شده است. موضوع محوری آن اخلاق و آداب است و سخنان هر یک از معصومین علیهم السلام را در بابتی مجزا ذکر کرده است. اگرچه اسناد کتاب حذف شده، ولی زیبایی و استواری متن آن موجب شهرت و مقبولیت آن گشته است. برخی از خطبه ها و نامه های امام علی علیه السلام که به گونه تقطیع شده در نهج البلاغه و کتب دیگر آمده است، به صورت پیوسته و کامل تر در این کتاب ذکر شده است.

16. محمد بن محمد بن أشعث کوفی

از راویان شیعی است که ساکن مصر بوده است. نجاشی او را قابل اعتماد دانسته است. (1) تلعهکبری در سال 313 بخشی از روایات او را که با عنوان اشعثیات شناخته می شده با واسطه محمد بن داود بن سلیمان کاتب، دریافت کرده است. (2) کتاب اشعثیات یا کتاب جعفریات، را به او منسوب می دانند. فضل الله راوندی بسیاری از احادیث این کتاب را در نوادر خویش آورده است. محدث نوری نیز بر این کتاب اعتماد داشته و آن را رواج داده است. (3)

17. قاضی نعمان مغربی م 363 ه

او از مبلغان و مؤلفان مشهور فاطمیان مصر است. درباره مذهب او اختلاف است. محل زندگی، آثار نگارشی و اظهار عقاید او دلالت بر آن دارد که اسماعیلی است، اما محدث نوری تأکید می کند که او امامی بوده و به تقیه رفتار می کرده است. (4) این نظر به هیچ عنوان قابل دفاع نیست.

نوشته های او درباره امام مهدی علیه السلام و تطبیق آن بر فاطمیان، حتی با پوشش تقیه نیز قابل توجیه نیست. (5)

ص: 59

-
- 1- (1). رجال نجاشی، ص 379.
 - 2- (2). رجال طوسی، ص 444، ش 6325.
 - 3- (3). خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 30.
 - 4- (4). خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 129.
 - 5- (5). شرح الاخبار، ج 3، ص 355 به بعد. همچنین رجوع کنید به مقاله آقای امیر جوان آراسته با عنوان «قاضی نعمان و مذهب او» در فصلنامه هفت آسمان، سال سوم، شماره نهم و دهم، ص 83-47، بهار و تابستان، سال 1380.

کتاب دعائم الإسلام که از جمله آثار او است، قانون و منبع احکام اسماعیلیه بوده است. در این کتاب روایات فراوانی از امام صادق علیه السلام گرد آمده است. محدث نوری بدان اعتماد کرده و احادیث آن را در کتاب مستدرک الوسائل نقل کرده است. از این طریق، احادیث این کتاب در کتاب جامع احادیث شیعه نیز وارد شده است. اگرچه محققان شیعی به این کتاب اعتماد ندارند.

کتاب دیگر او شرح الأخبار است که فضائل امامان شیعه، تا امام صادق علیه السلام، را بازگو کرده است. تفکر اسماعیلی مؤلف از مجموعه روایاتی که درباره امام مهدی علیه السلام آورده است، قابل دست یابی است. (1)

18. سید رضی م 406 ه

محمد بن حسین موسی معروف به سید رضی، شاعر، ادیب، محدث و مفسر یگانه و برادر سید مرتضی است. والدین او از اشراف و بزرگان شیعه بودند. سید رضی مقام نقابت شیعیان را به عهده داشت و مورد احترام آل بویه و وزیران آنها بود. او در زمانه خویش به فرزاندگی و بزرگواری معروف و مشهور بود. سید رضی شاگرد شیخ مفید و مؤلف نهج البلاغه است. وجود کتابخانه های بزرگ و غنی بغداد این امکان را در اختیار سید رضی قرار داد تا زیباترین و ماندگارترین نگارش از سخنان امام علی علیه السلام را ارائه کند.

سید رضی ابتدا کتاب خصائص الأئمة را نوشت. او در این اثر سعی در معرفی و توضیح زندگانی و سیره امامان علیهم السلام داشت. پس از نگارش سخنان امام علی علیه السلام، به تقاضای عده ای تصمیم گرفت تا این قسمت از کتاب را تکمیل و سخنان بلاغی امام علی علیه السلام را جمع آوری کند. نهج البلاغه در ماه رجب سال چهارصد هجری پایان یافت. نسخه های فراوان خطی از این کتاب در دست است. (2)

نهج البلاغه به عنوان کتابی سیاسی، اخلاقی و اجتماعی، مشهورترین کتاب حدیثی شیعه در میان غیر شیعیان است. شرحهای فراوانی بر این کتاب نوشته شده

ص: 60

1- (1). شرح الاخبار، ج 3، ص 355 به بعد (جزءهای چهارده و پانزده کتاب).

2- (2). کتاب نهج البلاغه عبر القرون از سید عبدالعزیز طباطبایی. این کتاب به صورت مقاله و با عنوان «فی رحاب نهج البلاغه» در فصلنامه عربی تراننا، ش 29، سال هفتم و ش 35 و 36، سال نهم، 1414، ص 161-168 نیز منتشر شده است.

است. امام خمینی (رحمة الله عليه) نهج البلاغه را افتخار شیعیان بر شمرده است. (1)

چون تمامی احادیث نهج البلاغه مرسل است در سالهای اخیر برای مستندسازی آن کوششهایی انجام شده است. مصادر نهج البلاغه، تألیف سید عبدالزهراء الخطیب و نهج السعاده اثر محمد باقر محمودی از مشهورترین این تلاشها است.

کتاب حدیثی دیگر سید رضی، المجازات النبویه نام دارد. او پس از نگارشی درباره مجازهای قرآن، متوجه وجود این صنعت ادبی در احادیث نبوی شد و بر آن شد تا در کتاب جداگانه ای به گردآوری و شرح و تفسیر آنها پردازد.

او در بررسی احادیث این کتاب، ذوق خود را در کاوش از شیوه های هنری نمایان ساخته است. (2) توضیحات او در ذیل احادیث، این کتاب را به منبع خوبی در برخی زمینه های فقه الحدیث، تبدیل کرده است.

19. شیخ مفید م 413 ه

اشاره

محمد بن محمد بن نعمان معروف به ابن المعلم و شیخ مفید، نابغه بزرگ شیعی و هدیه الهی بر آنان است. او مهم ترین و پرآوازه ترین شخصیت کلامی شیعی در این دوران است. نبوغ و ذوق خارق العاده او موجب شد که شیعه از شکل یک اقلیت مطرود و غضب شده تبدیل به گروهی شود که با قوت استدلال خویش، هر سدی را از پیش پا برمی دارد. پشتکار و همت والای او در تبیین آرای منطقی شیعی، تطابق آنها با عقل و نقل، همچنین استفاده از عنصر عقل در نقد احادیث مخالفان و احادیث شیعی و بالاخره بهره گیری از فرصتهای پدید آمده که با یاری زمانه و احترام حاکمان آل بویه همراه بود همه و همه از عوامل پیروزی او در طرح این عقاید بود. نظرات مبتکرانه او هنوز هم قابل توجه و بررسی است و این نشانه پیشی جستن او بر زمانه است. به راستی که جامعه شیعی مدیون زحمات این مرد بزرگ است.

ص: 61

1- (1). وصیت نامه امام خمینی، ص 4.

2- (2). گرایش او به ادبیات و صنایع ادبی و هنرهای موجود در این حوزه، از ویژگیهای بارز شخصیت علمی سید رضی است به گونه ای که بر دیگر ابعاد شخصیتی اش سایه انداخته است. اشعار فراوان او که دیوان شعرش او را تشکیل می دهند همچنین صاحب نظر بودنش در ادبیات گواه بر این امر است.

فعالیت‌های حدیثی او در انتقال روایات و کتب روایی از نسل قبل به نسل پسین و نگارش مجموعه‌های زیبا در حدیث، فقه الحدیث، تاریخ و سیره، دعا و زیارات و کلام نقلی است. شیخ طوسی شمار کتابهای ایشان را نزدیک به دویست عنوان می‌داند (1) که بیشتر آنها در زمینه‌های یادشده است. مقام و موقعیت شیخ مفید، اقتضا می‌کند که بسیار بیش از این بدو پرداخته شود، ولی ما حیات او را به اجمال و می‌گذاریم و به معرفی خلاصه برخی کتابهای حدیثی او می‌پردازیم.

أمالی

این کتاب مجموعه‌ای از چهل و دو مجلس حدیثی شیخ مفید است که از سال 404 تا 411 هجری و بیشتر در ماه رمضان و در روز شنبه برپا می‌شده است. در مجموع سیصد و هشتاد و هفت روایت مسند در این کتاب آمده است. روایات کتاب، متونی قوی و استوار دارد و بیشتر در ارتباط با موضوعات کلامی و به خصوص امامت است. در مقایسه با کتابهای امالی دیگر، امالی مفید از دقت بیشتری برخوردار است.

الإرشاد

نام کامل آن الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد است که به تاریخ زندگی، فضائل و سیره امامان معصوم پرداخته است. بیش از نیمی از کتاب درباره امام علی علیه السلام، فضائل و سخنان ایشان است که به گونه مبسوط نقل شده است. کتاب ارشاد کهن ترین و معتبرترین کتاب تاریخ امامان علیهم السلام است. چاپ جدید آن در دو جلد عرضه شده است.

المزار

مجموعه زیارات معصومین علیهم السلام است که با اقبال عالمان شیعه مواجه شده است.

الجمال

روایاتی امام علی علیه السلام با عایشه، طلحه و زبیر را می‌توان مهم ترین فتنه در سده اول هجری نامید. شیخ مفید در دو نگاهشته کلامی و تاریخی خویش به این مهم

ص: 62

1- (1). شیخ طوسی، الفهرست، ص 238، ش 711. نجاشی نیز نام 174 عنوان کتاب او را در رجال خود آورده است. (رجال نجاشی، ج 2، ص 327، ش 1068)

پرداخته و حقانیت امام علی علیه السلام را اثبات کرده است. اکنون این دو نگاهش در یک مجلد و با عنوان الجمل در دسترس است.

مجموعه رساله های فقه الحدیثی و نقد الحدیثی

نزدیک به بیست عنوان از رساله های کوچک شیخ مفید، به ارزیابی برخی از متون و دقت و تأمل در آنها پرداخته است. این مجموعه، تطبیق نظرات فقه الحدیثی شیخ مفید است که دارای اهمیت فراوانی است.

تصحیح الاعتقاد مهم ترین نوشته در این مجموعه است. این رساله حاشیه ای نقادانه بر کتاب الاعتقادات شیخ صدوق است و اختلافات مبانی این دو عالم بزرگوار را در موارد فراوانی نشان می دهد. قوت و دقت استدلال شیخ مفید و شیوه او در مواجهه با نگرش شیخ صدوق در این رساله به خوبی روشن می شود.

این کتاب، کهن ترین نگارش، و قوی ترین آنها، در مبانی و مصادیق فقه الحدیث و نقد الحدیث است.

بعضی دیگر از رساله های فقه الحدیثی شیخ مفید از این قرارند:

رسالة فی معنی المولی؛

مسألة فی معنی قول النبی «أصحابی كالنجوم»؛

رسالة حول خبر ماریه؛

تزویج أمير المؤمنین بنته من عمر؛

ایمان ابی طالب؛

جوابات أهل الموصل فی العدد و الرؤیه.

کتاب آخر در نقد روایاتی است که ماه رمضان را همیشه سی روز برشمارند. این متون در مدرسه حدیثی قم پذیرفته شده بود، ولی شیخ مفید آنها را مردود دانست.

شیخ مفید و کتاب اختصاص

رجالیان در فهرست کتابهای شیخ مفید، نامی از کتاب اختصاص نیاورده اند، لیکن در مصادر متأخر از قرن دهم، از کتاب اختصاص به عنوان نگاهش شیخ مفید نام برده

شده است. (1) درباره این کتاب و مؤلف آن اختلاف جدی وجود دارد. با توجه به اسناد روایات و متن آنها می توان اطمینان یافت که این کتاب نگارش شیخ مفید و حتی انتخاب او از کتابی دیگر نیست و به اشتباه، به شیخ مفید نسبت داده شده است. (2)

20. سید مرتضی م 436 ه

علی بن حسین بن موسی مشهور به سید مرتضی و علم الهدی، از چهره های شاخص فقه و معارف در قرن پنجم است. او برادر بزرگ سید رضی، شاگرد شیخ مفید و استاد شیخ طوسی است و در بسیاری از علوم صاحب نظر است. کتاب الذریعة إلی اصول الشریعة که تصنیف او است را می توان به عنوان آغازین نگارش اصول فقه و فقه الحدیث شیعی موجود برشمرد.

وجاهت شخصیت او مورد تأیید شیعه و سنی است. سید مرتضی نزدیک به هفتاد کتاب نوشته، که بیشتر آنها در فقه، کلام و ادب بوده است. کتاب حدیث خاصی ندارد ولی در برخی کتابهای خود به برخی زمینه های فقه الحدیثی همانند تأویل و نقد حدیث پرداخته است. کتاب أمالی او حاوی نکات نغز و فراوانی در این زمینه ها است. (3)

21. نجاشی م 450 ه

ابوالعباس احمد بن علی نجاشی، از مشهورترین رجال تاریخی شیعه، شاگرد شیخ مفید و احمد بن حسین غضائری است. نگارش مشهور او در فهرست أسماء مصنفی الشیعه، دست مایه عالمان رجالی است. نکته سنجی و سخت گیری او در نقل از اساتید سبب شده است که اساتید بی واسطه او موثق شمرده شوند. تخصص او در رجال نیز

ص: 64

1- (1). خاتمة مستدرک الوسائل، ج 1، ص 209.

2- (2). ر.ک: مقاله «شیخ مفید و کتاب الإختصاص» از سید محمدجواد شبیری که در مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید به چاپ رسیده است. (المقالات و الرسائل، ش 9، أربع مقالات حول الشيخ المفید المقالة الرابعة، ص 134). یادآور می شویم در مجموعه شماره 9 که چهار مقاله جناب شبیری چاپ شده است، اطلاعات ارزشمند دیگری نیز درباره شیخ مفید آمده به خصوص مقاله سوم که درباره سایر آثار شیخ مفید است.

3- (3). برای آشنایی بیشتر مراجعه شود به مجله علوم حدیث، ش 34، مقاله «منابع و ابزارهای فقه الحدیث در امالی سید مرتضی»، نوشته علی نقی خدایاری.

موجب شده است که اقوال او بر قول شیخ طوسی مقدم شمرده شود. (1) او کتابهای دیگری هم داشته که به دست ما نرسیده است. (2)

22. شیخ طوسی م 460ه

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، شیخ الطائفة، از مشهورترین چهره های شیعی است. فقه، حدیث، تفسیر، کلام، رجال و اصول از زمینه های تخصص و تألیف او است. او در سال 385 در طوس به دنیا آمد و در سال 408 به بغداد رفت و در محضر شیخ مفید و سپس سید مرتضی شاگردی کرد.

دوران طولانی زعامت سید مرتضی این فرصت را در اختیار شیخ طوسی قرار داد تا ماندگارترین نوشته های خویش را در علوم مختلف عرضه کند. به غیر از فقه که تخصص اصلی شیخ طوسی است و بدان نیز شهرت یافته است نگارشهای دیگری هم دارد. التبیان فی تفسیر القرآن، عدة الأصول (العدة فی أصول الفقه) و تلخیص شافی از جمله آثار او است. ماندگارترین آثار او، در زمینه حدیث و علوم پیرامونی آن است. کتاب تهذیب الأحکام و الإستبصار، نمونه ای از کارهای حدیثی فقهی ایشان است.

او پس از درگذشت سید مرتضی در سال 436 در بغداد، رهبری شیعیان را به عهده گرفت. در سال 447، پس از هجوم سلجوقیان و سقوط آل بویه، مدرسه و کتابخانه او مورد هجوم قرار گرفت و ناچار به نجف هجرت کرد و حوزه نجف را بنیان نهاد. در نهایت شیخ طوسی در سال 460 هجری در نجف درگذشت و در نزدیکی مرقد امام علی علیه السلام به خاک سپرده شد. (3)

گزارش اجمالی از برخی کتابهای شیخ طوسی

تهذیب الأحکام

شیخ طوسی با هدف جمع آوری و حل روایات مختلف، به شرح کتاب المقنعه، نگارش شیخ مفید، پرداخته و احادیث مربوط به هر فرع فقهی را جمع آوری کرده

ص: 65

1- (1). سید بحر العلوم در الفوائد الرجالیه، ج 2، ص 212.

2- (2). برای آشنایی بیشتر به کتاب «آشنایی با کتب رجال شیعه» نگاشته محمد کاظم رحمان ستایش مراجعه شود.

3- (3). درباره شیخ طوسی و نوشته های مهم حدیثی او، به کتاب «جوامع حدیثی شیعه» نگاشته هادی حجت مراجعه شود.

است. مؤلف به احادیث اختلافی و چگونگی جمع میان آنها اهتمام خاص دارد. بیش از سیزده هزار و پانصد حدیث فقهی در این کتاب گردآوری شده است. از این رو، بزرگ ترین مجموعه احادیث فقهی، در زمان خود به شمار می آمده است. نگارش این کتاب قبل از سال 413 هجری آغاز شده است. شیخ طوسی در آن زمان کمتر از بیست و هشت سال داشته است. مشیخه کتاب تهذیب الاحکام نیز اهمیتی خاص در شناسایی راویان، طبقات و مصنفان شیعه دارد.

الإستبصار فیما اختلف من الأخبار

این کتاب گزیده التهذیب است و تنها به اخبار اختلافی و وجه جمع آنها اشاره کرده است. از این رو، این کتاب در زمره کتابهای تطبیقی فقه الحدیث قرار می گیرد. در مبحث پیشین درباره این کتاب سخن گفتیم.

أمالی الطوسی

این کتاب با نام أمالی ابن الشیخ هم معرفی شده است. این اثر، مجموعه مجالس حدیثی شیخ طوسی است که در اواخر عمر و در نجف برگزار شده است. در مجموع چهل و شش مجلس و هزار و پانصد و سی و هفت حدیث دارد که دارای موضوعاتی مختلف در کلام، تاریخ و اخلاق است. گزارشهای تاریخی در این کتاب نقشی پررنگ دارند. قسمتی از أمالی شیخ مفید نیز در این کتاب آمده است.

کتاب الغیبه

هدف اصلی این کتاب، پاسخ نقلی و عقلی به شبهات مربوط به مهدویت، شفاف سازی موضوع غیبت و انحصار (1) امام مهدی علیه السلام است. پردازش دیدگاههای فرقه های شیعی و پاسخ گویی بدانها، هسته اصلی کتاب را تشکیل می دهد. تاریخ زندگی امام مهدی و حوادث آینده، قسمتهای دیگر کتاب است. شیخ طوسی کتاب خویش را تکمیل کننده کتاب غیبه نعمانی می شمارد.

ص: 66

1- (1). منحصر کردن مهدی موعود (عج الله تعالی فرجه) در دوازدهمین امام شیعیان.

کهن ترین کتاب دعایی شیعه است که اکنون در اختیار و دسترس ما قرار دارد. این اثر از زمان تألیف با توجه و اقبال دانشمندان شیعه مواجه شده است. اعمال و دعاهاى روز، هفته و ماه همراه با زیارات معصومین علیهم السلام در این کتاب ذکر شده است. این کتاب یکی از مصادر اصلی کتب ادعیه متأخر شیعه است. شیخ طوسی خلاصه ای از این کتاب را نیز نوشته است.

کتابهای رجالی

سه کتاب رجالی از شیخ طوسی در دست است. رجال طوسی، فهرست طوسی و اختیار معرفة الرجال، گزیده رجال کشی.

کتاب فهرست شیخ طوسی در مباحث رجالی، بیشتر مورد استفاده است. زیرا تعدیل و تضعیف آن دربارهٔ راویان بیش از کتاب رجال طوسی و رجال کشی است. رجال طوسی برای شناخت طبقات راویان در عصر ائمه علیهم السلام مفید است چراکه بر این اساس مرتب شده است. اختیار معرفة الرجال یا رجال کشی منتخبی از مجموعه روایات است که کشی به گونهٔ مسند نقل کرده و وضعیت برخی از راویان را نیز معلوم کرده است. بیشترین متون روایی دربارهٔ غالیان و طرد آنها، در این کتاب آمده است. شیخ طوسی در اواخر عمر خویش، در نجف، گزیده رجال کشی را بر شاگردان خویش خوانده است.

نکتهٔ مهم و قابل تأمل، در مجموعه آثار شیخ طوسی آن است که بهترین کتابهای حدیثی شیخ طوسی در رابطه با احادیث فقهی، در دوران جوانی او نوشته شده است. کتابهای دوران کهنسالی این شخصیت عظیم القدر و بلندمرتبه همانند آمالی یا مجالس، در رتبهٔ پایین تری نسبت به کتاب تهذیب الأحکام قرار دارد.

23. کراچکی م 449 ه

محمد بن علی کراچکی از نویسندگان پرکار در قرن پنجم است. او شاگرد شیخ مفید و سید مرتضی است که در علوم مختلف صاحب نظر و دارای تألیفاتی بوده است.

تألیفات او را حدود هفتاد جلد و حتی نود و هفت عنوان برشمرده اند (1) که بیشتر آنها در دسترس ما نیست. برخی کتابهای او از این قرار است:

کنز الفوائد

مجموعه ای از رساله های کوچک است که علاوه بر حدیث، مباحث کلامی و غیر آن را نیز در بر دارد. مباحث فقه الحدیثی نیز در آن یافت می شود.

معدن الجواهر

مجموعه ای از احادیث عددی است که بر اساس اعداد مرتب شده و بر حسب ترتیب معصومان سامان یافته است. سخنان برخی از حکما و بزرگان هم در پایان آمده است.

التعجب فی أغلاط العامة فی مسألة الإمامه

مؤلف به برخی از خطاهای آشکار سنیان، در مبحث امامت اشاره کرده است. او با ابراز تعجب از اشتباه فاحش آنان، آن موارد را نقد و بررسی کرده است. رویکرد کلامی، نقد الحدیثی مؤلف در این کتاب آشکار است.

ص: 68

1- (1). بر اساس شمارش کتاب مکتبه العلامة الکراچکی که نوشته یکی از معاصران و شاگردان او و شامل ترجمه و فهرست آثار کراچکی است. محقق و مصحح این کتاب، مرحوم سید عبدالعزیز طباطبایی است که در مجله تراثنا، سال یازدهم (1374 شمسی، برابر با 1416 قمری)، ش 43 و 44، ص 367 به بعد آمده است.

درس سوم: مدرسه حدیثی قم 1

اشاره

ص: 69

حدیث در سیر گذار خود پس از زمان صدور، مکانها و زمانها را درمی نوردید و در لابه لای جانها، جای می گرفت. گروهی سخن معصوم را در مدینه، کوفه، خراسان و سامرا می شنیدند و در سرزمینی دیگر به افراد مشتاق می رساندند. تلاشهای نخستین در نشر حدیث با ابتکار و سلیقه خود راویان و بدون ساختار و نظم ویژه ای در گوشه و کنار شهرهای اسلامی انجام می گرفت. اما در برخی شهرها با گذشت زمان، نشر حدیث و نحوه عرضه و دریافت آن به گونه ای نظم و سازمان می یافت و آن شهرها را به حوزه های کوچک حدیثی تبدیل می کرد.

رونق و شور حدیث آموزی در حوزه های حدیثی، روز به روز بر پویایی آنها می افزود و سلیقه ها، حساسیتها و ابتکارات گوناگون را در شیوه دریافت و عرضه حدیث نمایان می ساخت. بر این اساس و به مرور زمان برخی از حوزه های حدیثی با شیوه ها و دستور خاصی در عرصه حدیث فعالیت می کردند. بروز این ویژگیهای خاص آنها را با دیگر حوزه ها متمایز می ساخت. این گروه از حوزه های حدیثی در مسیر رشد و کمال خود مدرسه حدیثی نام گرفتند. (1) مدرسه حدیثی معمولاً مکان جغرافیایی خاصی را شامل می شود؛ همانند مدرسه حدیثی بصره در میان اهل سنت و مدرسه حدیثی بغداد در میان شیعیان.

ص: 71

1- (1). اصطلاح مکتب حدیثی نیز در این مجموعه استفاده می شود که اشاره به مکتب فکری خاصی است که در منطقه جغرافیایی ویژه ای قرار نمی گیرد؛ همانند مکتب اخباریگری که نزدیک به دویست سال در نقاط مختلف ایران و عراق و بحرین فعالیت می کرد.

نخستین حوزه حدیثی شیعه، مدینه بود، زیرا امامان علیهم السلام تا زمان امام جواد علیه السلام در این شهر استقرار داشتند. شیفتگان به دانش اهل بیت علیهم السلام از شهرهای گوناگون سرزمین پهناور اسلامی خود را بدین شهر مقدس می رساندند تا از خرمن فیض آن بزرگواران خوشه برچینند و حدیث ایشان را به ارمغان ببرند.

محمد بن مسلم طائفی، محدث بزرگ و عالی مقام شیعی، چهار سال در این شهر اقامت کرد تا از محضر امام باقر علیه السلام بهره برد. (1)

دومین حوزه حدیثی شیعه، حوزه کوفه است، شهری که در آن گرایشهای شیعی سابقه ای کهن حتی پیش از حضور امیرالمؤمنین علیه السلام در آن شهر دارد. (2)

هجرت امام علی علیه السلام به کوفه پس از جنگ جمل و حضور چهار ساله در این شهر حوزه حدیثی کوفه را غنی و نیرومند ساخت. حضور طولانی مدت یاران بزرگوار ایشان همانند حُجر بن عَدی، کَمیل بن زیاد، رُشید هجری، اصْبَغ بن نُباته و... در این شهر حوزه حدیثی شیعه را پررونق نمود.

سومین حوزه حدیثی شیعه، خراسان بود؛ منطقه ای که در زمان حضور بیش از دو سال امام علی بن موسی الرضا علیه السلام با معارف اهل بیت علیهم السلام بیشتر آشنا شد. حوزه حدیثی قم منطقه دیگری بود که در همین دوران شکل گرفت. این حوزه نوپا با سود جستن از شرایط مساعد، رشد و گسترش پیدا کرد و شخصیت‌های بزرگی در آن پرورش یافتند. حوزه حدیثی قم نخستین یا از نخستین حوزه های حدیثی است (3) که

ص: 72

1- (1). معجم رجال الحدیث، ج 8، ص 266.

2- (2). حضور افرادی همچون عمار بن یاسر، مالک اشتر، زید بن صوحان، صعصعة بن صوحان، عبدالله بن بدیل، کَمیل بن زیاد، حجر بن عَدی و... در کوفه موجب رواج تفکر شیعی در این شهر شد. هسته اصلی معترضان عثمان بن عفان را این گروه تشکیل می دادند. عثمان همه این گروه را تبعید کرده بود که پس از آغاز شورش به کوفه بازگشتند.

3- (3). تردید در آغازین مدرسه حدیثی شیعه به جهت مشخص نبودن موقعیت حوزه حدیثی کوفه است. در مورد اینکه آیا از مبانی، دستور و شیوه خاصی در دریافت و عرضه حدیث برخوردار بوده است یا نه. باید گفت که بدیهی است حوزه حدیثی کوفه قدمتی بیش از حوزه حدیثی قم دارد. بنابراین اگر ثابت شود این حوزه از چنین ویژگی‌هایی برخوردار بوده نخستین مدرسه حدیثی شیعه مدرسه حدیثی کوفه خواهد بود و اما اگر مشخص شود که فقط مجموعه ای بوده است که راویان و محدثان در آنجا همدیگر را یافته و اطلاعات حدیثی خود را رد و بدل می کردند نخستین مدرسه، مدرسه حدیثی قم خواهد بود. به نظر می رسد شهر کوفه هیچ گاه این جایگاه خاص حدیثی را نیافته است.

به مدرسه حدیثی تبدیل شد و برکات و ثمرات فراوان و دامنه داری از خود بر جای گذاشت. از این رو مدرسه حدیثی قم شایستگی آن را دارد که با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار گیرد.

قم اولین پایگاه خالص شیعی

قم و مناطق پیرامونی آن را سپاه اسلام در سال بیست و سه هجری به فرماندهی ابوموسی اشعری فتح نمود.

برخی گفته اند که قم شهری اسلامی است و پیش از فتوحات مسلمانان پیشینه ای نداشته است. (1) این نظریه با مخالفت برخی دیگر رو به رو شده و هر دو گروه برای خود دلایلی داشته و به نقد مخالفان پاسخ داده اند که در برخی کتابها به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. (2)

آنچه درباره شهر قم مهم می نماید آن است که برخی از عربهای مهاجر، که بسیاری از آنان با حکومت مخالف بوده و با آنان معارضه داشتند، در اواخر قرن اول هجری به قم مهاجرت کرده و در آنجا ساکن شدند. این گروه از خانواده سائب بن مالک اشعری و یا سعد بن مالک بودند (3) که در گذشته از خاندانهای شیعی ساکن کوفه و از مخالفان بنی امیه به شمار می آمدند.

اجتماع این گروه شیعه در این شهر در سالهای پسین قرن اول هجری موجب رواج تفکر شیعی و مهاجرت دیگر شیعیان شد؛ به گونه ای که شهر قم اولین مرکز خالص شیعی در ایران گشت که هیچ فردی از اهل سنت در آن وجود نداشت. (4) از این رو بود که در کلام امامان معصوم علیهم السلام از قم با عنوان پناهگاه شیعیان یاد شده است (5)؛ زیرا اظهار و ابراز عقاید شیعی در آن آزاد بود.

دوری از مرکز خلافت و نداشتن امتیاز خاص اقتصادی و جغرافیایی موجب گشت

ص: 73

1- (1). معجم البلدان، ج 4، ص 397.

2- (2). گنجینه آثار قم، ج 1، ص 80-74.

3- (3). رجال نجاشی، ص 81.

4- (4). معجم البلدان، ج 4، ص 397.

5- (5). بحار الانوار، ج 57، ص 214.

این شهر مورد هجوم حاکمان قرار نگيرد و عالمان آن بتوانند در فضايی آرام به تبیین، گسترش و روشمند کردن عقاید شیعی بپردازند.

افرادی از خانواده اهل بیت عليهم السلام که منطقه مرکزی عراق را برای خود ایمن نمی یافتند به قم مهاجرت کرده و در این منطقه سکنی گزیدند. وجود آرامگاه چهارصد امامزاده در قم و پیرامون آن از فزونی روند هجرت ایشان حکایت دارد.

روایات فراوانی در مدح قم و اهالی آن از امام صادق علیه السلام و ائمه دیگر صادر شده است که برخی ناظر به زمان صدور بوده و برخی نظر به آینده دارند. (1) حضور حضرت معصومه (سلام الله علیها) و سپس وجود بارگاه ایشان در سالهای آغازین قرن سوم هجری، حرکت شیعی قم را سرعت بیشتری بخشید.

زکریا بن آدم قمی، از اولین دانشمندان قم است که در متون حدیثی و رجالی مورد توجه قرار گرفته و توثیق صریح امام رضا علیه السلام نسبت به او نقل شده است. (2) شیخ طوسی او را به عنوان وکیل ممدوح امامان عليهم السلام معرفی کرده است. (3) وکالت او در آن زمان نشانگر فزونی شمار شیعیان قم است که انتخاب وکیل مستقلی را لازم و ضروری می نموده است. شیخ طوسی او را از یاران امام صادق علیه السلام تا امام جواد علیه السلام دانسته است. (4) احمد بن اسحاق قمی، نواده سعد بن مالک نیز وکیل امامان متأخر در قم بوده است.

(5)

مدرسه حدیثی قم شهرت خویش را وامدار احمد بن محمد بن عیسی اشعری است. وی بر کسانی که در باور او احادیث غلوآمیز نقل می کردند و یا در نقل احادیث سهل انگاریهایی داشتند سخت می گرفت و حتی برخی را بدین اتهام از شهر اخراج کرد. برخورد وی با این دسته از راویان زمینه رونق نوع خاصی از شیوه عرضه و دریافت حدیث را که با باورهای او در نحوه فعالیت حدیثی همخوانی داشت فراهم کرد و از آن پس فعالیتهای حدیثی بر اساس این شیوه نظم گرفت که باعث تمایز

ص: 74

1- (1). بحار الانوار، ج 57، ص 221-212.

2- (2). رجال کشی، ج 2، ص 859-857.

3- (3). الغیبه، ص 348. [1]

4- (4). رجال طوسی، ص 375، 358، 210.

5- (5). معجم رجال الحدیث، ج 2، ص 52.

حوزه حدیثی قم با دیگر حوزه های حدیثی شد و اصطلاح مدرسه حدیثی قم را پدید آورد و این گونه است که نام این مدرسه همواره با آن بزرگ همراه است.

این مدرسه حرکت رو به کمال خویش را، که در حدود سال دویست هجری، آغاز کرده بود، تا سالهای پایانی سده چهارم ادامه دارد. یعنی در حدود دویست سال مرکز حدیثی مهم شیعه محسوب می گشت. در طول این مدت نسلهای پیاپی از دانشمندان محدث شیعی پدید آمده و آثار ماندگاری از خود بر جای نهادند.

مدرسه حدیثی قم نقش مهم و تأثیرگذاری در انتقال معارف حدیثی و گره زدن حوزه حدیثی کوفه با مدرسه حدیثی بغداد ایفا کرد.

حوزه حدیثی کوفه در دوران امامان علیهم السلام، مهم ترین حوزه حدیثی شیعه به شمار می آید. پیدایش غالیان در آن شهر و دست درازی آنان به حدیث موجب گشت که این حوزه حدیثی دچار آسیب جدی شود؛ این آسیب در مدرسه حدیثی قم ترمیم شد. محدثان بزرگ و بزرگوار کوفه به قم رفتند و میراث حدیثی خویش را در اختیار عالمان آن سامان قرار دادند. سخت گیری عالمان قم موجب گشت تا متون منتقل شده به قم از پیرایه ها پیراسته و به متون شفاف و حیانی نزدیکتر شود.

جمعیت همگون شیعی در قم، وجود تعداد نسبتاً زیاد عالمان و محدثان، دور بودن از تعدی و ظلم خلفای عباسی، پدیدار شدن روحیه دانش گستری و دانش آموزی و... موجب شد تا این مدرسه روز به روز بالنده تر گشته و به سوی کمال و شکوفایی رو کند و در این دوران نگاشته های متعدد و گوناگون در آن تألیف شد که برخی از آنها هنوز نیز بر تارک نگاشته های حدیثی شیعه جای دارد.

مشهورترین ویژگی عالمان قم نص گرایی شدید بود که برای پرهیز از افتادن در دام اصحاب رأی و نظر و پیراستگی معارف الهی شیعی از معارف غیر مطمئن بشری صورت می گرفت. مخالفت جدی برخی از عالمان شیعی با نقل احادیث ضعیف گونه ای دیگر از مبارزه آنان با مبادی معرفتی غیر قابل اعتماد بود.

اهمیت این مدرسه چنان زیاد بود که حسین بن روح، نایب سوم امام مهدی علیه السلام، کتاب التادیب خود را برای بازبینی عالمان این دیار به این سامان فرستاد تا آنان نظر

خود را درباره این کتاب بیان کنند. (1)

این ویژگیها مدرسه حدیثی قم را دارای وجهه ای مشخص و گران قدر کرده است. نگارش مهم ترین جامع حدیثی شیعه (کافی) در این حوزه حدیثی نشانگر میزان اعتماد پسینیان بر این مدرسه است.

این ستایشها بدان معنا نیست که این حوزه حدیثی هیچ گونه نقص و کاستی نداشته و محتاج نقد و بررسی نیست. انتقادهایی راجع به شیوه، روش و نگرش مدرسه حدیثی قم از همان دوران تاکنون وجود داشته که برخی از آنها متین و قابل قبول است.

اکنون ضمن بررسی ویژگیهای مدرسه حدیثی قم برخی از انتقادهای آن را نیز برمی کاویم.

ویژگیهای مدرسه حدیثی قم

(2)

مدرسه حدیثی قم در طول دوران دویست ساله حیات خویش ویژگیها و خصوصیات را دارا بود که آن را از دیگر حوزه ها متمایز می ساخت. برخی از مشخصات این مدرسه حدیثی نیز با مدرسه حدیثی کوفه یا بغداد مشترک است.

1. میراث داری

هجرت گروهی از راویان و محدثان حوزه های دیگر حدیثی به قم و مسافرت و رحله های حدیثی محدثان بزرگ موجب شد که مجموعه ای غنی و دراز دامن از نگاشته ها و گزارشهای راویان مختلف در قم اجتماع کند.

ص: 76

1- (1). شیخ طوسی، الغیبه، ص 390.

2- (2). برای اطلاعات بیشتر درباره مدرسه حدیثی قم می توانید به منابع ذیل مراجعه کنید: 1 مکتب حدیثی قم، محمدرضا جباری؛ 2 شرح لمعه شهید ثانی با تصحیح و پاورقی آقای کلانتر که در مقدمه به مدارس حدیثی شیعه و تطور دانش فقه شیعی پرداخته است. بخش مربوط به مدرسه حدیثی قم و ری در صفحات 53 43 جلد یکم این مجموعه ده جلدی آمده است. 3 در میان مقالات کنگره شیخ مفید نیز مقاله ای به بررسی مدرسه بغداد پرداخته که ضمن آن به تناسب، مدرسه حدیثی قم به وسیله بغدادیان نقد شده است. 4 مقاله «شجره علمی خاندان اشعری قم»، محمد حاج تقی، فصلنامه علمی تخصصی علوم حدیث، شماره پنجم، پاییز 1376؛ 5 مدرسه قم و بغداد، اندرو نیومن، ترجمه سید صادق آگاه اشکوری، نشر زائر قم.

مهم ترین قسمت این مجموعه فراهم آمده از حوزه حدیثی کوفه بود. آوردیم که هسته اصلی دانشمندان حدیثی قم مهاجران شیعی کوفی بودند که حوزه قم را بنیان گذاری کردند. این افراد شالوده اصلی علمای حدیث را در قم تشکیل می دادند.

ابراهیم بن هاشم از مهاجران کوفه به قم است؛ نجاشی درباره او گفته است:

او نخستین کسی بود که حدیث کوفیان را در قم منتشر کرد (1).

حسین بن سعید اهوازی، مشهورترین نگارشگر کتابهای ثلاثین، (کتابهای سی گانه احادیث فقهی) انتقال دهنده دیگر حدیث به قم است. کتاب او را که شاگردش، احمد بن محمد بن عیسی، در قم منتشر کرد به شاگرد وی منسوب و به نوادر احمد بن محمد بن عیسی مشهور شد. برخی از محققان نوادر احمد بن محمد بن عیسی را همان کتاب حسین بن سعید می دانند. (2)

در آن دوران رحلات (مسافرت‌های) حدیثی نیز برای عرضه و دریافت حدیث مرسوم بود. بسیاری از محدثان قم به شهرهای کوچک و بزرگ مسافرت کرده، احادیث آن دیار را شنیده و روایات خویش را برای آنان بازگو می کردند.

نسل اول این محدثان به مدینه، مکه، کوفه و مَرُو مسافرت کردند. نسلهای بعد نیز رخت سفر به بغداد، بصره، سامرا، اهواز، نیشابور، سمرقند و حتی شام و مصر بستند. (3) برخی از محدثان این سرزمینها نیز با مسافرت خویش به قم، گسترش حدیث در قم و بهره گیری از میراث حدیثی قم را در آنجا توأمان به انجام می رساندند.

شیخ صدوق سرآمد محدثان اهل قم در فراوانی سفرهای حدیثی است. وجود نام بیش از دویست نفر از غیر قمیان در فهرست مشایخ او و تصریح به مکانهای گوناگون

ص: 77

1- (1). رجال نجاشی، ص 16.

2- (2). این کتاب از سوی مؤسسه الامام مهدی در سال 1408 به چاپ رسیده است. مصحح محترم آن، جناب آقای ابطحی اصفهانی، در مقدمه کتاب (ص 10-12) به اختلاف نظر درباره اینکه کتاب از احمد بن محمد بن عیسی یا حسین بن سعید بن حماد اهوازی است اشاره کرده و با استناد به کلام شیخ حر عاملی در حاشیه نسخه خطی این کتاب آن را از آن شاگرد، یعنی احمد می دانند.

3- (3). ر.ک: محمدرضا جباری، شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم از آغاز تا قرن پنجم هجری، ص 102-131.

جلسات املائی حدیث در کتاب امالی وی گویای درستی این ادعایند. بیش از پانزده حوزه حدیثی در آثار شیخ صدوق مورد اشاره قرار گرفته است. (1)

2. نص گرای

مهم ترین ویژگی مدرسه حدیثی قم نص گرایی و اعتماد به متون نقلی است. آنان سعی می کردند تنها در محدوده تقلیات کاوش و جستجو کنند و از دخالت مستقل و جسورانه عقل در تحلیل و تأویل خبر پرهیزند. اگر شیخ صدوق را نماینده مدرسه حدیثی قم بشماریم و از زاویه دید او به اخبار، کلام نقلی و عقاید بنگریم تفاوت آشکار این مدرسه با مدرسه حدیثی بغداد را بهتر شاهد خواهیم بود.

پرهیز از دخالت ندادن هر چه جز حدیث در ساماندهی فکری و باورهای دینی موجب گشت مباحث اعتقادی، کلامی و فقهی از مستقلات عقلی دوری گزیند و در مباحث نقلی تبلور یابد و حتی نگاشته های فقهی نیز نقل مضمون روایات معصومین علیهم السلام بود. چیزی که اکنون با عنوان فقه مآثور از آن یاد می شود. کتابهای الهدایه و المقنع (در فقه) و الاعتقادات (در عقاید) نمونه شفاف نص گرایی مدرسه حدیثی قم است. شیوه فقه مآثور به حوزه های حدیثی دیگر شیعه نیز گسترش یافت.

3. پرهیز از رأی و اجتناب از عقل گرایی

شیوه و روش اهل رأی، که سردمدار آن ابوحنیفه (فقیه سنی کوفه) بود مورد مخالفت شدید ائمه علیهم السلام قرار گرفت و استفاده از تمثیل (2) و استحسان (3) در یافتن احکام شرعی و فقهی مردود اعلام گشت. بدیهی است که آگاهی یافتن از اعتباریات شارع مقدس از طریق استحسان و قیاس (تمثیل) به هیچ وجه ممکن نیست.

نتیجه طبیعی تفکر نص گرایی مدرسه قم آن بود که از تفکر عقل گرای رایج در آن زمان دوری جوید. آنان نه تنها قیاس در احکام فقهی را مردود می دانستند، بلکه دیگر حوزه های معرفتی را نیز با فقه همراه کردند. آنان گمان می کردند هر گونه

ص: 78

1- (1). رجوع کنید به مقدمه کتاب کمال الدین، نگاشته استاد علی اکبر غفاری، ص 6.

2- (2). تمثیل، به معنای همانند سازی دو حکم به سبب شباهت موجود در آنان با یکدیگر است.

3- (3). انتساب حکم به شارع به سبب ملاحظات و مناسباتی که فقیه به دلخواه خود استنتاج نموده و آن را برتر می شمرد بدون آنکه دلیل شرعی بر آن وجود داشته باشد (رجوع کنید به اصطلاح الاصول: ص 32).

اجتهاد و استنباط، حتی در حوزه‌هایی که در قلمرو فقه و اعتباریات شارع نیست، ملحق به قیاس و مردود می‌باشد و بدین ترتیب دایره قیاس و استنباط مذموم را که محدوده خاصی داشت گسترش دادند. این گونه بود که عالمان و دانشمندان قم از روش نقد تعقلی در سایر حوزه‌های فکری نیز خودداری کردند.

شیخ صدوق با استناد به روایاتی که در آنها از جدل و کلام انتقاد شده است (1) جدل و بحث درباره خدا و امور دین را ممنوع می‌شمارد. (2) تفکر حاکم بر مدرسه بغداد برخلاف مدرسه قم این گونه نگرش را بر نمی‌تافت.

موضوعگیری شدید و منتقدانه شیخ مفید و شاگردانش موجب شد که این طرز تفکر به کناری نهاده شود. تندترین انتقادات شیخ مفید از شیخ صدوق و طرز تفکر عالمان قم در دو کتاب تصحیح الاعتقاد و رساله حول العدد آمده است.

شیخ مفید درباره تفکر نص‌گرا و پرهیز از خردورزی برخی محدثان می‌نویسد:

لكن أصحابنا المتعلقين بالأخبار أصحاب سلامة و بعد ذهن و قلة فطنة يمرّون على و جوههم فيما سمعوه من الأحاديث و لا ينظرون في سندها و لا يفرقون بين حقها و باطلها و لا يفهمون ما يدخل عليهم في إثباتها و لا يحصلون معاني ما يطلقونه منها (3)

اما [متأسفانه] محدثان نص‌گرای امامیه افرادی پاکدل، کم‌دقت و کم‌درایت هستند؛ در احادیثی که می‌شنوند چندان دقت نمی‌کنند، در اسناد آنها نمی‌نگرند، سره و ناسره آنها را از هم تشخیص نمی‌دهند، پیامدهای پذیرش آنها را در نمی‌یابند و مفاهیم احادیثی را که نقل می‌کنند نمی‌پالایند.

خضوع قمیها در مقابل روایات و اجتناب از تحلیل و نقد آن موجب شد که برخی از آنان به سبب وجود پاره‌ای از روایات، سهو پیامبر صلی الله علیه و آله را در امور غیر مربوط به ابلاغ رسالت بپذیرند. همچنان که به جهت نقل پاره‌ای از احادیث، ماه رمضان را همیشه سی‌روزه بدانند و دخالت اعتبار در امور تکوینی را بپذیرا باشند.

ص: 79

1- (1). شیخ صدوق، التوحید، ص 459، ح 26.

2- (2). الاعتقادات، ص 42.

3- (3). تصحیح اعتقادات الإمامیه، ص 88.

4. برخورد شدید با نقل احادیث ضعیف

گونه مواجهه عالمان قم با روایان ضعیف و روایات آنان مشهور است. اخراج برخی از روایان مشهور و صاحب کتاب از قم، تنها به این دلیل صورت گرفت که آنان از احادیث ضعیف روایات زیادی نقل کرده بودند. احمد بن محمد بن خالد برقی، صاحب کتاب محاسن، به دستور هم نام خود، احمد بن محمد بن عیسی، تنها به همین دلیل از قم اخراج شده است. (1)

برخوردی چنین شدید و غیر متعارف نشان دهنده رواج فرهنگ نقل حدیث از افراد معتمد و ثقه در قم است.

محمد بن حسن بن ولید، استاد شیخ صدوق، نیز برخوردی مشابه با روایان ضعیف داشته است. او افراد چندی از جمله روایان موجود در کتاب نوادر الحکمه را تضعیف و روایات این گروه را غیر معتبر شمرده است. او همچنین با آن که همه کتابهای محمد بن حسن صفار را نقل کرده، اما کتاب بصائر الدرجات او را نقل نکرده و گویی نسبت به آن بی اعتماد بوده است. (2)

نکته مهم آن است که مدرسه قم در تمامی دورانها برخوردی این چنین نداشته است و روایانی همچون سیّاری که فردی حدیث ساز و دروغ پرداز بوده است، نیز در روایان قم به چشم می آیند، همچنین در میان استادان حدیثی شیخ صدوق روایان توثیق نشده فراوانی وجود دارند که در مقایسه با استادان حدیثی شیخ مفید بسیار بیشتر می نمایند. بنابراین اگرچه برخی از زمانها حضور روایان ضعیف در قم سخت بوده است، ولی در اوقات دیگر نقل از روایان ضعیف به خصوص اگر در شهر دیگری ساکن بودند امری عادی به شمار می رفته است.

5. مبارزه با متون غلوآمیز

آنچه مدرسه حدیثی قم را شهره ساخته و آوازه آن را در آفاق پراکنده برخورد شدید و نسبتاً بدون مسامحه عالمان قم در برابر خطر غالیان و تفکر غالیانه بود. تعریف تقریباً خاص قمیها از غلو، موجب رواج گستره مفهوم و در بر گرفتن افرادی

ص: 80

1- (1). معجم رجال الحدیث، ج 3، ص 49.

2- (2). همان، ج 16، ص 264.

گشت که در مکتبها و حوزه های دیگر غالی شمرده نمی شدند. علاوه بر آن به جهت یکدست بودن شهر قم و اقتدار عالمان شیعی در آن، گروندگان به تفکر غالیانه به شدت مجازات می شدند. برخی از محدثان مشهور به اتهام غلو از شهر قم اخراج و امکان حضور در مجامع علمی و حدیثی آن را از دست دادند.

سهل بن زیاد از این گروه به شمار می رود. نجاشی درباره او نوشته است:

كان ضعيفاً في الحديث، غير مُعْتَمَدٍ عليه فيه؛ و كان أحمد بن محمد بن عيسى يَشْهَدُ عليه بِالْغُلُوِّ وَالْكَذِبِ، و أُخْرِجَهُ مِنْ قُمْ إِلَى الرِّيِّ وَكَانَ يَسْكُنُهَا (1).

وی در حدیث ضعیف و غیر قابل اعتماد است؛ احمد بن محمد بن عیسی به غلو و دروغ پردازی وی گواهی می داد و [سرانجام] او را از قم اخراج و به ری فرستاد. [بدین ترتیب] سهل مدت‌ها در ری زیست.

ابن غضائری نیز اخراج او را این گونه گزارش نموده است:

أَخْرَجَهُ عَنْ قُمْ و أَظْهَرَ الْبِرَاءَةَ مِنْهُ وَ نَهَى النَّاسَ عَنِ السَّمَاعِ مِنْهُ و الرِّوَايَةِ عَنْهُ (2).

همچنین گفته اند: محمد بن حسن بن ولید، سهل بن زیاد را از مستثنیات کتاب نوادر الحکمه معرفی کرده و روایات او را معتبر نشمرده است. (3)

برخوردی این چنین با ابوسمینه نیز صورت گرفته است. او از کوفه به قم مهاجرت کرد و میهمان احمد بن محمد بن عیسی گشت. آنگاه که غالی بودن او شهرت پیدا کرد میزبان، نه تنها او را از منزل خویش بلکه از شهر قم اخراج نمود. (4)

حسین بن عبیدالله قمی، علی بن محمد بن شیرة قاشانی، قاسم بن حسن بن علی بن یقظین، احمد بن حسین بن سعید اهوازی و... از کسان دیگری هستند که

ص: 81

1- (1). رجال نجاشی، ص 185.

2- (2). معجم رجال الحديث، ج 9، ص 356. [1]

3- (3). رجال نجاشی، ص 348؛ کتاب نوادر الحکمه، یکی از گسترده ترین و معروف ترین نگارشهای جامع حدیثی آن دوران است. محمد بن حسن بن ولید، ضمن تأیید اصل کتاب و راویان آن، بیش از بیست نفر از افرادی که در این کتاب از آنان نقل حدیث شده است را ضعیف شمرده است. این افراد با اصطلاح مستثنیات کتاب نوادر الحکمه معرفی می شوند.

4- (4). معجم رجال الحديث، ج 17، ص 319.

به اتهام غلو مورد بی مهری قرار گرفته اند. (1) برخی از متهمان به غلو تا مرحله اعدام نیز پیش رفته اند. درباره محمد بن اُورمه (استاد ابوسمینه) نوشته اند:

ذَكَرَهُ الْقَمِيونَ وَعَمَرُوا عَلَيْهِ وَرَمَوْهُ بِالْغُلُوِّ حَتَّى دَسَّ عَلَيْهِ مَنْ يَفْتِكُ بِهِ، فَوَجَدَهُ يُصَلِّي مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ إِلَى آخِرِهِ فَتَوَقَّفُوا عَنْهُ. وَحَكَى جَمَاعَةٌ مِنْ شُيُوخِ الْقَمِيينَ عَنْ ابْنِ الْوَلِيدِ أَنَّهُ قَالَ: "مُحَمَّدُ بْنُ أَوْرَمَةَ طُعِنَ عَلَيْهِ بِالْغُلُوِّ، وَكُلُّ (فَكْلٌ) مَا كَانَ فِي كِتَابِهِ مِمَّا وَجَدَ فِي كِتَابِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ وَغَيْرِهِ قُلُّ بِهِ، وَ مَا تَفَرَّدَ بِهِ فَلَا تَعْتَمِدُهُ"، وَقَالَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا: "إِنَّهُ رَأَى تَوْقِيعاً مِنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَهْلِ قَمٍ فِي مَعْنَى مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ وَبِرَائِهِ مِمَّا قُلِّفَ بِهِ" (2).

اهل قم وی را به بدی یاد کرده اند، او را مورد طعن قرار داده و به وی نسبت غلو داده اند؛ آن سان که شخصی برای ترور وی به کمین نشست. در این حال مشاهده کرد که از آغاز شب تا پایان شب نماز می خواند و بدین ترتیب [از سوء قصد به او] دست نگه داشتند. جماعتی از بزرگان قم از قول ابن ولید آورده اند که گفت: "محمد بن اُورمه متهم به غلو است؛ لذا روایات کتب وی را که در کتابهای حسین بن سعید و دیگران نیز موجود است بپذیر و به آنچه تنها او نقل کرده اعتماد مکن". یکی از محدثان امامیه می گوید که وی توقیعی از امام رضا علیه السلام خطاب به مردم قم در ارتباط با محمد بن اُورمه دیده که امام علیه السلام وی را از اتهاماتی که به او نسبت داده اند بری دانسته است.

چند نکته

درباره مواجهه قمیها با غالیان و متون غالیانه، چند نکته شنیدنی است:

1. تعریف غلو در مدرسه حدیثی قم

تعریف غلو در نزد محدثان قم بسیار وسیع و گسترده بوده است. شیخ صدوق (رحمه الله) درباره سهو النبی صلی الله علیه و آله نوشته است:

إِنَّ الْغُلَاةَ وَالْمُقَوِّصَةَ، لَعَنَهُمُ اللَّهُ، يُنْكِرُونَ سَهْوَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَيَقُولُونَ: "لَوْ جَازَ أَنْ يَسْهُوَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ لَجَازَ أَنْ يَسْهُوَ فِي التَّبْلِيغِ..." وَكَانَ شَيْخُنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، رَحِمَهُ اللَّهُ، يَقُولُ: "أَوَّلُ دَرَجَةٍ فِي الْغُلُوِّ نَفْيُ السَّهْوِ"

ص: 82

1- (1). ذیل نام این افراد به رجال نجاشی و معجم رجال الحدیث رجوع شود. بسیاری از این افراد در کتاب ابن غضائری یاد شده اند.

2- (2). رجال نجاشی، ص 329.

عن النبي صلى الله عليه وآله، ولو جازاً أن تُردَّ الأخبار الواردة في هذا المعنى لجازاً أن تُردَّ جميع الأخبار" (1).

غالیان و اهل تقویض، که لعنت خدا بر آنان باد، سهو النبی را انکار می کنند و می گویند اگر جایز باشد که پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز دچار سهو (خطا و اشتباه) شود، جایز خواهد بود که در ابلاغ رسالت نیز دستخوش لغزش شود...". استاد ما، محمد بن حسن بن احمد بن ولید (که خدا وی را رحمت کند) می فرمود: "اولین مرحله غلو، انکار سهو النبی است و اگر جایز باشد که روایات رسیده در این باره را رد کرد جایز خواهد بود که همه روایات را پذیرفت.

این دیدگاه در مقایسه با دیدگاه مشهور شیعیان، پس از شیخ مفید (رحمه الله)، که پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان را از سهو و نسیان در همه امور منزّه می شمارند عجیب می نماید.

2. برخورد متفاوت با متهمان به غلو و یا ناقلان از راویان ضعیف

ظاهراً برخوردهای تند با متهمان به غلو در تمامی سالهای رواج مدرسه حدیثی قم یکسان نبوده است؛ برای نمونه سهل بن زیاد با این اتهام از قم اخراج شد، ولی بیش از دو هزار حدیث به نقل از او در کافی، مهم ترین کتاب حدیثی شیعه و افتخار مدرسه حدیثی قم، نقل شده است. (2) به نظر می رسد تنها در دوران ریاست احمد بن محمد بن عیسی با متهمان به غلو و یا ناقلان از راویان ضعیف برخوردهای بی محابا شده است، ضمن آنکه روشن نیست سخت گیریهای احمد بن محمد بن عیسی حتی نسبت به برقی و ابوسمینه به جهت باور وی به خطای ایشان بوده باشد. محتمل است که او در اندیشه نهادینه کردن اصول مورد نظر خود، مبنی بر عدم اعتماد به احادیث غالیان و نقل از راویان ضعیف، چنین رفتار کرده است، همان گونه که اظهار پشیمانی پسین او می تواند نشانه این سیاست باشد. شیخ صدوق نیز از سهل بن زیاد نقل روایت کرده است، حتی برخی گزارشهای سیاری و ابوسمینه نیز در کتاب کافی موجود است. (3)

ص: 83

-
- 1- (1). من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 360-359.
 - 2- (2). اگرچه تعداد زیادی از این روایات، سند و طریق دیگری به غیر از سهل بن زیاد نیز دارند، ولی ذکر و یاد سهل بن زیاد در این کتاب نشانه اهمیت دادن به وی است.
 - 3- (3). کافی، ج 1، ص 24، 74، 369، 414 و 453؛ ج 2، ص 250، 624 و....

3. مراتب غلو

گفتیم که عاملان ترور محمد بن اورمه، آن گاه که نماز خواندن مستمر او را مشاهده کردند او را غالی نشمرده و از ترور او صرف نظر کردند. از این سخن معلوم می شود که از منظر آنان مرحله نهایی غلو که شخص را مستحق قتل می ساخته آن بوده است که غلو در ذات داشته و از انجام تکالیف و دستورات دینی سرپیچی کند؛ بنابراین مبارزه آنان با کسانی که غلو در صفات داشته و معصومان علیهم السلام را افرادی با ویژگیهای خاص و ماورائی می دانستند بدان معنا نبود که آنها را از مسلمانی نیز خارج بدانند. نهایت آنکه چون غلو در صفات مقدمه ای برای پیدایش غلو در ذات بود از ترویج این عقاید جلوگیری می کردند. (1)

4. رویکرد دوگانه

شیخ صدوق همانند استاد خویش (ابن ولید) سهو النبی را می پذیرد و انکار آن را اولین مرحله غلو می شمارد. (2) با این وجود او راوی (ناقل) اصلی زیارت جامعه کبیره است. (3) شاید اگر شیخ صدوق این متن زیبای امام شناسی را نقل نمی کرد ما نیز اکنون از فیض این معارف محروم بودیم. (4)

سؤال اساسی این است که چگونه کسی که عدم سهو النبی را نمی پذیرد و آن را نشانه غلو می شمارد فزایهای بلند زیارت جامعه را، که بسی بالاتر و مهم تر از عدم السهو است، باور دارد و آنها را در کتابهای خویش نقل می کند. به نظر می رسد علت قبول نظریه سهو النبی تنها بدان جهت است که عالمان قم و از جمله شیخ صدوق نقد احادیث را با دلایل غیر قطعی، خصوصاً دلایل عقلی، نمی پذیرفتند و گمان داشتند در صورت رد این گونه احادیث با نقد عقلی ممکن است تمام روایات نقد و رد شوند؛ زیرا عقل توانایی درک تمام امور مطرح شده در احادیث را ندارد و ممکن است با پی نبردن به حقیقت، آنها را رد کند؛ چنان که شیخ صدوق می نویسد:

ص: 84

1- (1) ر.ک: نعمت الله صفری، غالیان.

2- (2) من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 359.

3- (3) من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 609؛ عیون اخبار الرضا، ج 1، ص 305.

4- (4) شیخ طوسی در تهذیب الاحکام این روایت را به نقل از شیخ صدوق نقل کرده است، تهذیب الاحکام، ج 6، ص 95.

ولو جازاً أن تُردَّ الأخبارُ الواردةُ في هذا المعنى لجازاً أن تُردَّ جميعُ الأخبارِ (1).

بنابراین راز پذیرش سهو النبی از یکسو و نقل متن زیارت جامعه کبیره از سوی دیگر چیزی جز نص گرایی و اخبارگرایی شدید قمیان نیست. (2) آنان همان گونه که روایات سهو النبی را قبول داشتند فرازهای زیارت جامعه کبیره را نیز می پذیرفتند. گفتنی است که شیخ صدوق (ره) نظریه اسماء النبی را مطرح کرده و از آن دفاع کرده است. از منظر ایشان، خدای تعالی فراموشی را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) پدید آورد تا تسهیل و آسان سازی در کار مومنان باشد.

5. کثرت نگارش

مدرسه حدیثی قم از جهت کثرت نگارشهای حدیثی و مرتبط با حدیث، مدرسه ای نمونه و مثال زدنی است. نگارشهای متفاوت در موضوعات گوناگون حدیثی در سالهای مختلف تألیف شده است. یکی از محققان نزدیک به هزار کتاب حدیثی را از مدرسه قم از کتابهای فهرست استخراج نموده است. (3) می دانیم که تنها شیخ صدوق نزدیک به سیصد نوشته حدیثی داشته است که اسامی تمام آنها نیز در اختیار ما نیست. بسیاری از این آثار و مؤلفان آنها نیز در کتابهای رجالی یاد نشده اند. بنابراین مدرسه حدیثی قم عالمانی بزرگ و مؤلفانی گرانقدر داشته است که حتی اسامی تمامی آنها نیز برای ما آشنا نیست.

در ادامه، به برخی مشاهیر حدیثی و همچنین برخی آثار ماندگار آنان خواهیم پرداخت.

ص: 85

1- (1). من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 360-359.

2- (2). شیخ صدوق و قمیان چون در برخی روایات نقل شده، دیده بودند که خطای پیامبر در غیر از موارد ابلاغ معارف دینی پذیرفته شده آن را قبول کرده و بدان ایمان داشتند؛ از این رو در رویارویی با بغدادیان، که پیامبر را حتی در موارد عادی و شخصی زندگی مصون از خطا و معصوم می دانستند و دلیل آن را عقل می شمردند، آنان را به غلو متهم می کردند.

3- (3). محمدرضا جباری، شناخت و تحلیل مدرسه حدیثی قم، ص 248-193.

درس چہارم: مدرسۂ حدیثی قم 2

اشارہ

ص: 87

مدرسه حدیثی قم در طول نزدیک به دوست سال پناهگاه و مکان امید بسیاری از محدثان شیعی بوده است. کتابهای رجال و فهرست نام نزدیک به سیصد و پنجاه نفر از دانشمندان و محدثان قم را ذکر کرده اند.

با اینکه بسیاری از محدثان مشهور از شاگردان این مدرسه اند، ولی با عنوان قمی معرفی نشده اند؛ بنابراین شمار محدثان قم بسیار فراتر از این تعداد است؛ به عنوان مثال تأمل در اساتید ثقة الإسلام کلینی در کتاب کافی معلوم می شود که نزدیک به 95 درصد احادیث کتاب کافی از استادان و مشایخ قم نقل شده است. بنابراین شیخ کلینی را نیز می باید از ثمرات مدرسه حدیثی قم دانست؛ هر چند او هیچ گاه با عنوان القمی توصیف نشده و تنها کلینی یا رازی خوانده شده است. برای تبیین عظمت مدرسه حدیثی قم تنها ذکر این مطلب کافی است که یکی از محققان، نام سیصد و پنجاه نفر از محدثان قم تا پایان قرن چهارم هجری را یاد کرده است. (1) اکنون به اجمال برخی از مشهورترین محدثان قم را معرفی می کنیم. (2)

ص: 89

1- (1). محمدرضا جباری، شناخت و تحلیل مدرسه حدیثی قم (رساله دکتری).

2- (2). اصطلاح شیخ القمیین: نجاشی در رجال خود از هفت نفر به عنوان شیخ قمیان یاد کرده است. برخی از آنان با یکدیگر هم‌دوره اند. ظاهراً منظور او این است که در میان قمیان فرد مورد اشاره از بزرگان شهر است نه آنکه تنها مصداق این عنوان باشد. احمد بن محمد بن عیسی اشعری (رجال نجاشی، ص 81) عبدالله بن جعفر الحمیری، ابوالعباس القمی (همان، ص 219) علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی (همان، ص 261) محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک الأشعری، ابوعلی (همان، ص 338) محمد بن علی بن محبوب الأشعری القمی، ابوجعفر (همان، ص 349) محمد بن أحمد بن داود بن علی، ابوالحسن (همان، ص 384) محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید، ابوجعفر (همان، ص 383). هر چند که درباره قمی بودن نفر آخر تردید داشته است: شیخ القمیین و فقیههم و متقدمهم و وجههم و يقال: انه نزيل قم و ما كان أصله منها؛ و می گویند او تنها ساکن قم بوده و اصالتاً قمی نبوده است.

1. احمد بن محمد بن عیسی

او از اصحاب امام هشتم، امام نهم و امام دهم علیهم السلام است. ریاست مقتدرانه او بر حوزه قم سبب شهرت این مدرسه و معروفیت آن به دقت در عصر خود شده است. نجاشی او را شیخ قمیان و فقیه آنان معرفی کرده است. (1)

ذهبی، از دانشمندان سنی، نیز او را «بزرگ شیعیان در قم و برخوردار از شهرت و تألیفات» دانسته است. (2)

سؤالات او از امام رضا علیه السلام در کتاب المسائل جمع شده است. او کتابهای حدیثی دیگری نیز داشته است. دوران ریاست او بر قم به سبب سخت گیری و احتیاط بسیار زیادش با اخراج برخی از محدثان مشهور همانند: برقی، سهل بن زیاد و... همراه بود؛ هرچند که به نظر می رسد این تندروها در دوره پایانی عمرش کاهش یافته است. احمد بن محمد بن ادریس تا اواخر قرن سوم هجری زنده بود. از او بیش از دو هزار و سیصد روایت در کتب اربعه نقل شده است. (3)

2. زکریا بن آدم

او از اصحاب امام صادق، امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام (4) و مورد اعتماد و توثیق امام رضا علیه السلام است. علی بن مسیب می گوید:

خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم: «من از شما دورم و همیشه به شما دسترسی ندارم. به نظر شما دانشهای دینی ام را از چه کسی دریافت کنم؟» ایشان فرمودند: «از زکریا بن آدم که در امور دنیا و آخرت فردی امین و مورد اعتماد است.» (5)

ص: 90

1- (1) رجال نجاشی، ص 82.

2- (2) لسان المیزان، ج 1، ص 260.

3- (3) معجم رجال الحدیث، ج 3، ص 90.

4- (4) رجال طوسی، ص 358، 210 و 375.

5- (5) رجال کشی، ج 2، ص 857.

ظاهراً او وکیل امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام در قم بوده است. (1) هنگامی که زکریا بن آدم تصمیم خود را مبنی بر ترک خاندانش (ظاهراً مقصود مردم قم است)، به دلیل نارضایتی از آنان، با امام رضا علیه السلام در میان گذاشت امام رضا علیه السلام به او فرمود:

این کار را نکن؛ چرا که به برکت وجود تو بلاها از خاندانت برطرف می شود، همان گونه که به برکت موسی بن جعفر بلاها از اهل بغداد برطرف می شود (2).

3. ابراهیم بن هاشم

او از دانشمندان و راویان پرحدیث کوفی است که به قم مهاجرت کرده است. درباره ابراهیم بن هاشم گفته اند: «او نخستین کسی است که احادیث کوفیان را در قم منتشر کرد.» (3) بیشترین روایات او از طریق فرزندش، علی بن ابراهیم گزارش شده است. بیش از شش هزار و چهارصد روایت به نقل از او در کتب اربعه آمده است. (4)

4. علی بن ابراهیم قمی

او از فرزندان ابراهیم بن هاشم و از مشهورترین راویان قم و پرروایت ترین آنها در دوران غیبت صغری است. بیش از هفت هزار و صد روایت او در کتب اربعه نقل شده است. (5) او استاد شیخ کلینی و ابن بابویه، پدر شیخ صدوق است. علی بن ابراهیم قمی کتابهای بسیاری نگاشته که تفسیر علی بن ابراهیم از کهن ترین تفاسیر روایی در دسترس از آن جمله است. (6) نجاشی درباره او گفته است:

ثقة في الحديث، ثبت، (7) مُعْتَمَدٌ، صَحِيحُ الْمَذْهَبِ، سَمِعَ فَأَكْثَرَ وَ صَنَّفَ كُتُباً وَ

ص: 91

1- (1). همان، ص 859.

2- (2). همان، ص 857.

3- (3). رجال نجاشی، ص 16.

4- (4). معجم رجال الحديث، ج 1، ص 291.

5- (5). همان، ج 12، ص 213.

6- (6). رجال نجاشی، ص 260.

7- (7). ثبت همانند الفاظ دیگری که در این متن به کار رفته برای تعدیل و توثیق راوی است. مرحوم کلباسی در سماء المقال، ج 2، ص 187 می نویسد: «در کتب شرح حال نویسی راویان، منظور از واژه ثبت این است که راوی در نقل حدیث مورد اعتماد است و متن را با دقت نقل می کند.»

(1) فی وسطِ عمره (2).

5. سعد بن عبدالله اشعری

نجاشی او را چنین ستوده است:

شیخُ هذه الطائفةِ و فقیهها و وجهها (3).

و شیخ طوسی درباره او گفته است:

جلیلُ القدر، واسعُ الأخبار، کثیرُ التصانيف، ثقةٌ (4).

او شاگرد احمد بن محمد بن عیسی و استاد شیخ کلینی است. نگارشهای حدیثی او نیز در کتابهای فهرست یاد شده است. سعد بن عبدالله اشعری کتابی با نام بصائر الدرجات (5) داشته است که برخی متون آن در مختصر بصائر الدرجات آمده است. او در حدود سال 299 هجری وفات نموده است.

در کتاب کمال الدین شیخ صدوق گزارشی بیان شده است مبنی بر آن که او امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در محضر امام عسکری علیه السلام ملاقات کرده است. (6)

6. احمد بن اسحاق قمی

او از گرامی ترین و شناخته شده ترین راویان قم است که افتخار مصاحبت با امام جواد، (7) امام هادی (8) و امام حسن عسکری علیهم السلام (9) را داشته و توفیق دیدار امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نیز به دست آورده است. (10)

ص: 92

1- (1). اضر در اینجا به معنای از دست دادن بینایی چشم است.

2- (2). رجال نجاشی، ص 260؛ ترجمه: او از شیعیان امامیه، ثقه و در نقل حدیث مورد اعتماد است؛ احادیث بسیار زیادی نقل کرده و کتابهایی هم تصنیف کرده است. در وسط عمرش نابینا شد.

3- (3). رجال نجاشی، ص 177.

4- (4). فهرست شیخ طوسی، ص 135.

5- (5). لازم به ذکر است که این کتاب، به غیر از کتاب بصائر الدرجات، نگاشته محمد بن حسن صفار قمی است که معاصر سعد بن عبدالله بوده است. کتاب بصائر الدرجات که اکنون موجود است، نگاشته صفار است.

6- (6). کمال الدین، ص 454؛ متن اشاره شده اشکالاتی دارد که موجب می شود اعتماد به آن کاهش یابد.

7- (7). رجال طوسی، ص 373؛ رجال نجاشی، ص 91.

8- (8). همان.

9- (9). رجال طوسی، ص 373؛ رجال نجاشی، ص 91.

10- (10). فهرست شيخ طوسى، ص 70؛ كمال الدين و تمام النعمه، ص 442. [1]

او وکیل امام حسن عسکری علیه السلام بر موقوفات منطقه قم و رابط مردم با آن حضرت بود؛ همچنان که در دوران غیبت صغری نیز او رابط مردم قم با نایب اول و نایب دوم امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود. (1)

رجالیان کهن او را با این تعابیر ستوده اند: ثقة، (2) الشیخ الصدوق، (3) کبیر القدر، (4) شیخ القمیین، (5) وافی القمیین، (6) صالح، (7) خاصه اُبی محمد علیه السلام، (8) کرامته علی الله و علی حُججه. (9)

7. احمد بن محمد بن خالد برقی

خانواده او ساکن کوفه بودند و در زمان امام صادق علیه السلام به قم مهاجرت کرده و در منطقه برق رود سکنی گزیدند. احمد بن محمد، همانند پدرش، از روایان و محدثان قم بود. نجاشی او را توثیق کرده، ولی به دلیل اعتماد بر احادیث مرسل و نقل از روایان ضعیف از او انتقاد کرده است. (10)

او یکی از پرتألیف ترین نگارندگان حدیث در دوران خویش است. بیش از صد نگاشته از او ذکر شده است. کتاب المحاسن او، که تنها قسمتی از آن اکنون در

ص: 93

-
- 1- (1). دلانل الإمامه، ص 503.
 - 2- (2). رجال طوسی، ص 397؛ الغیبه طوسی، ص 417.
 - 3- (3). دلانل الإمامه، ص 503؛ الغیبه، ص 287.
 - 4- (4). فهرست شیخ طوسی، ص 70.
 - 5- (5). همان.
 - 6- (6). همان؛ رجال نجاشی، ص 91. (قيل في تفسيره: إنه الذي كان يأتي الأئمة لأخذ العلم عنهم (م ت)؛ تفرشی، نقد الرجال، ج 1، ص 105، [1] پاورقی یعنی اهل قم او را به نمایندگی خود نزد معصوم علیه السلام می فرستادند).
 - 7- (7). اختیار معرفة الرجال، ج 2، ص 831.
 - 8- (8). رجال نجاشی، ص 91؛ فهرست شیخ طوسی، ص 70؛ از خواص (یاران ویژه) حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است.
 - 9- (9). کمال الدین، ص 384؛ یعنی شایسته تکریم پروردگار و حجت‌های (ائمہ علیهم السلام) اوست.
 - 10- (10). رجال نجاشی، ص 76.

اختیار است، تمامی انواع نگاشته های او را در بر دارد. (1) ذوق نگارش خاص و سلیقه چیش زیبا و بدون پیشینه از جمله ویژگیهای او است. شیخ صدوق بسیاری از گونه های نگارشی خویش را همانند او به انجام رسانده است. (2)

احمد بن محمد بن عیسی، برقی را، به جرم نقل گسترده احادیث مرسل و گزارش از راویان ضعیف، از قم اخراج کرد. پشیمانی احمد بن محمد بن عیسی از این عمل و حضور با پای برهنه در تشییع جنازه برقی در کتابهای رجالی گزارش شده است. احمد بن محمد بن خالد برقی در حدود سالهای 274 یا 280 هجری درگذشت. (3)

8. محمد بن یحیی العطار

او از بزرگان قم در زمان خویش و استاد شیخ کلینی است. بیش از پنج هزار روایت به نقل از او در کتاب کافی نقل شده است. او معاصر سعد بن عبدالله اشعری و محمد بن حسن صفار بوده است. نجاشی درباره او نوشته است: «شیخ أصحابنا فی زمانه، ثقة، عین، کثیر الحدیث، له کتب». (4)

9. عبدالله بن جعفر حمیری

مؤلف کتاب مشهور قرب الأسناد و از اصحاب امام هادی (5) و امام عسکری علیهم السلام است. (6) او نگارشهای فراوانی داشته است که نام آنها در کتابهای فهرست ذکر شده است. (7)

کتاب قرب الأسناد، مجموعه روایات عالی السندی است که از امام صادق تا امام رضا علیهم السلام در اختیار او بوده است. او در سالهای پایانی قرن سوم هجری به کوفه رفته و در آنجا نقل حدیث کرده است. نجاشی درباره او چنین نوشته است:

ص: 94

1- (1) رجال نجاشی، ص 77.

2- (2) به عنوان کتاب الخصال، برگرفته از شیوه کتاب القرائن در نگارش احادیث عددی است.

3- (3) رجال نجاشی، ص 77.

4- (4) همان، ص 353.

5- (5) رجال طوسی، ص 389.

6- (6) همان، ص 400.

7- (7) فهرست شیخ طوسی، ص 167.

شیخُ القمیین و وجْههم قَدیمَ الکوفَة سنةَ نِیف و تسعینَ و مائینَ و سَمِعَ أهلها مِنْه فأَکثروا و صَنَّفَ کُتباَ کثیرةً (1)

بزرگ اهل قم و فرد شاخص آنان، سال دویست و نود و اندی وارد کوفه شد، مردم آن دیار از او روایت شنیدند و بسیار نقل کردند. او کتابهای بسیاری به رشته تحریر درآورده است.

10. محمد بن حسن صفار م 290ه

او از مشهورترین راویان مدرسه حدیثی قم است. نجاشی او را این گونه ستوده است:

کان وجهاً فی أصحابنا القمیین، ثقةً، عظیم القدر، راجحاً، قلیل السقط فی الروایه (2) در میان محدثان امامیه اهل قم فردی برجسته، ثقه و عظیم القدر بود، بر دیگران برتری داشت و در امر حدیث به ندرت دچار لغزش می شد.

او از صحابه امام عسکری علیه السلام است. (3) محمد بن حسن صفار غیبت صغری را درک نموده و در سال 290 رحلت کرده است.

(4) او کتابهای متعددی تألیف کرده است که از جمله آنها می توان به کتاب بصائر الدرجات اشاره کرد که اکنون نیز در دسترس ما قرار دارد. نام او در بیش از هشتصد سند از اسناد روایات کتب اربعه مشاهده می شود. (5)

11. محمد بن حسن بن ولید

او استاد شیخ صدوق و از چهره های شاخص مدرسه حدیثی قم است. درباره او چنین گفته اند:

شیخُ القمیین و فقیههم و مُتقدّمهم و وجههم، ثقةٌ ثقةً، عینٌ، مسکونٌ إلیه، (6)

ص: 95

1- (1). رجال نجاشی، ص 219.

2- (2). رجال نجاشی، ص 354.

3- (3). الفهرست شیخ طوسی، ص 219.

4- (4). رجال نجاشی، ص 354.

5- (5). معجم رجال الحدیث، ج 16، ص 272، ش 10555 و [1] ج 24، ص 91 و....

6- (6). رجال نجاشی، ص 383.

«جلیل القدر بصیر بالفقه»، (1) «عارف بالرجال، موثوق به، له کتب...» (2).

محمد بن حسن بن ولید حدوداً با ثقة الإسلام کلینی و علی بن حسین بن بابویه معاصر بوده و در سال 343 درگذشته است. (3) درباره او پیش تر سخن گفتیم.

12. جعفر بن محمد بن قولویه

نجاشی ضمن توثیق او به سرآمد بودن در زیباییها، اعتبار و دانش فقه او نیز اشاره می کند:

مِنْ ثِقَاتِ أَصْحَابِنَا وَأَجَلِّئِهِمْ فِي الْحَدِيثِ وَالْفَقْهِ... وَكُلُّ مَا يُوصَفُ بِهِ النَّاسُ مِنْ جَمِيلٍ وَثِقَةٍ وَفَقْهِ فَهُوَ فَوْقَهُ، لَهُ كِتَابٌ حِسَانٌ (4).

نگاشته های حدیثی او فراوان و به عدد ابواب فقه بوده است. کتاب مشهورش به نام کامل الزیارات، کهن ترین کتاب زیارتی در دسترس است.

او در سال 367 در بغداد رحلت کرد (5) و در کنار حرم امام کاظم علیه السلام دفن شد.

خاتمه

سه نفر از بزرگ ترین محدثان قم که مشهورتر از آن اند که در این خلاصه ذکر شوند عبارتند از؛ محمد بن یعقوب کلینی، علی بن الحسین بن بابویه (پدر شیخ صدوق) و محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق) که در درس پیش به اجمال معرفی شدند. (6)

آثار ماندگار

نگاشته های مدرسه حدیثی قم بسیار فراوان بوده است. نام نزدیک به هزار کتاب از این نوشتارها ذکر شده است. اما متأسفانه تعداد بسیار کمی از این مجموعه اکنون در دسترس است. بیشتر این آثار در گردش روزگار از میان رفته و به ما رخ ننموده است.

ص: 96

1- (1). رجال شیخ طوسی، ص 439.

2- (2). فهرست شیخ طوسی، ص 237.

3- (3). رجال نجاشی، ص 383.

4- (4). رجال نجاشی، ص 123.

5- (5). رجال طوسی، ص 418.

6- (6). زندگی نامه مفصل ثقة الإسلام کلینی و شیخ صدوق در کتاب جوامع حدیثی شیعه آمده است.

نزدیک به سی کتاب از این مجموعه عظیم در دسترس است که پانزده عنوان آن از نگاشته های شیخ صدوق است. فهرست اجمالی این آثار عبارت اند از:

1. محاسن برقی، 2. بصائر الدرجات صفار، 3. تفسیر علی بن ابراهیم، 4. قرب الأسناد، 5. کافی، 6. الإمامة و التبصرة، 7. کامل الزیارات، 8. من لا یحضره الفقیه، 9. التوحید، 10. معانی الأخبار، 11. علل الشرایع، 12. خصال، 13. ثواب الأعمال، 14. عقاب الأعمال، 15. کمال الدین، 16. عیون أخبار الرضا علیه السلام، 17. فضائل الشیعه، 18. صفات الشیعه، 19. مصادقة الإخوان، 20. فضائل الأشهر الثلاثة، 21. الأملی، 22. کفایة الأثر، 23. جامع الأحادیث، 24. الغایات، 25. المسلسلات، 26. الأعمال المانعة من الجنة، 27. العروس، 28. نوادر الأثر فی علی خیر البشر، 29. مائة منقبة.

برخی از این کتابها اجزایی دارند؛ مثلاً کتاب محاسن موجود کتابهای (ابواب) چون کتاب السفر، کتاب القرائن، کتاب ثواب الأعمال، کتاب عقاب الأعمال، کتاب الصفوة و النور و الرحمة، کتاب مصابیح الظلم، کتاب العلل، کتاب المآکل، کتاب الماء، کتاب المنافع و کتاب المرافق را در بر دارد. فضائل الأشهر الثلاثة نیز به سه کتاب درباره ماههای رجب، شعبان و رمضان تقسیم شده است.

برخی از نگاشته های این مجموعه اهمیتی فراوان یافته اند. کتاب کافی و کتاب من لا یحضره الفقیه از جمله کتب اربعه اند که در طول تاریخ شیعه در نزد تمامی عالمان شیعی اهمیتی خاص داشته اند. (1) محاسن برقی به عنوان کهن ترین جامع حدیثی در دسترس شیعه، بصائر الدرجات با عنوان مشهورترین اثر حدیثی ماندگار در باب امامت، تفسیر علی بن ابراهیم با وصف کهن ترین تفسیر متأثر شیعی، کامل الزیارات با ویژگی قدیم ترین کتاب درباره زیارت ائمه علیهم السلام و مجموعه کتابهای حدیثی شیخ صدوق اکنون در دسترس محققان و پژوهشگران حدیث قرار دارد.

هماهنگی سازمانی میان ارکان مدرسه حدیثی قم

اشاره

ویژگیهای چندگانه ای که برای حوزه حدیثی قم گفته شد امری دائمی و بی استثنا نبوده است و این حوزه حدیثی بخش عمده آنها را در زمان احمد بن محمد بن

ص: 97

1- (1). درباره این دو کتاب به تفصیل در کتاب جوامع حدیثی شیعه بحث شده است.

عیسی در بر داشته است؛ با این حال به نظر می‌رسد اندیشه این راوی بزرگ در شکل‌گیری نظام فکری محدثان قمی تأثیر خود را گذاشته است و پدیدآور مکتبی شده است که ارکان سازمانی آن با هم سازگار و میان آنها ارتباط منطقی برقرار بوده است. تأمل در ویژگی‌های یادشده مکتب حدیثی قم ارتباط منطقی میان ارکان این سازمان فکری را روشن می‌سازد. اگر حوزه حدیثی قم از عقل‌گرایی رایج آن دوران به دلیل نگرانی از غلطیدن در وادی خطرناک رأی‌گرایی و قیاس‌دوری می‌گزیند، از سوی دیگر با سخت‌گیری در پذیرش متون غلوآمیز و روایات راویان ضعیف به گونه‌ای از نفوذ روایات ساختگی، ضعیف و آلوده به افراط‌گری جلوگیری می‌کرد. معلوم نیست اگر قمیان چنین سخت‌گیریهایی نداشتند، چه بلایی بر سر مجموعه روایات شیعی این حوزه می‌آمد و آیا باز هم ما شاهد میراث پرگوهر درخشنده‌ای مثل کافی بودیم یا نه؟ به ویژه آنکه حوزه حدیثی قم محیطی بسته و شیعی خالص بوده و به دلیل روبه‌رو نبودن با انتقاد دیگر نحله‌ها به گونه‌ای طبیعی در معرض چنین آفاتی، به ویژه غلو، قرار داشته است.

نکته:

عناوین دیگر مدرسه حدیثی قم

مدرسه حدیثی قم را مدرسه نقلی نیز نامیده‌اند؛ چرا که آنان حتی در اعتقادات، که استناد به دلیل عقلی در آن جایگاه بسیار مهمی دارد، به روایات نقل شده بسنده می‌کردند؛ چنان که این نکته در دو اثر اعتقادی شیخ صدوق، الاعتقادات و التوحید نیز مشاهده می‌شود. پدر شیخ صدوق نیز در مقدمه کتاب فقهی خود، الرساله می‌نویسد:

آنچه در این کتاب آمده برگرفته از امامان هدایت است؛ بنابراین، متونی که در ظاهر به معصوم نسبت داده نشده و حکمی را بیان کرده است در حقیقت روایتی است که به صورت مرسل آمده و متن پیش روی اجتهاد، استنباط و نظر فقهی نویسنده نیست (1).

ص: 98

برخی محققان نص گرای و اخباریگری قمیان را نتیجه طبیعی فراوانی محدثان و روایات موجود در قم می دانند که پاسخگوی نیازهای آنان بوده است و اجتهاد و استنباط در جایی نیاز بوده که به دلیل نبود دلیل روایی، دانشوران و عالمان دینی به ناچار به اجتهاد و دلیل عقلی رو می آوردند، (1) اما این سخن نمی تواند درست باشد؛ زیرا مدرسه حدیثی قم خود وامدار محدثان عراقی، به ویژه کوفیان، بوده و نمی توان گفت شمار احادیث در دسترس محدثان عراق و بغداد کمتر از احادیث قمیان بوده است. احتمال دارد که وجود مجتهدان بزرگ اهل سنت در عراق همچون ابوحنیفه و شافعی در پیشینه مکتب بغداد و کوفه بر وارد کردن رأی و نظر و به گونه ای عقل، استحسانات و مصالح و سلم در مذهب آنان تأثیر داشته است و همچنین ممکن است که مسائل بیشتری در عراق مطرح بوده و نزدیکی پایتخت و نیز اختلاف مذهبی موجود ذخیره و میراث نقلی را پاسخگو نمی دیده است.

بررسی انتقادات

مدرسه حدیثی قم در اواخر دوران خود، با انتقادات شدید مدرسه حدیثی بغداد رو به رو شد. انتقادات مطرح شده به دلیل دو ویژگی خاص مدرسه حدیثی قم یعنی نص گرایی افراطی و پرهیز از نقد عقل گرایانه بر این مدرسه وارد شده است. برآیند طبیعی این دو ویژگی، اعتقاد به مباحثی بود که با برداشتهای مدرسه حدیثی بغداد ناهمگون می نمود. آینده نگری شیخ مفید همراه با وجاهت فوق العاده ایشان باعث شد که برخی برداشتهای ساده و بسیط مدرسه حدیثی قم از مجموعه باورهای شیعی حذف شود و اندیشه عقل مدارانه شیخ مفید جایگزین آن شود. این تفکر شیعیان را قادر می ساخت در مجامع فرهنگی با توان و نیروی افزون تری به رقابت با دیگر اندیشه ها پردازند و از حریم باورهای خود پاسداری کنند. شاید به جهت اهمیت این موضوع است که انتقادات شیخ مفید از شیخ صدوق و مدرسه حدیثی قم بسیار سخت و شدید بوده است. با آنکه او از شاگردان شیخ صدوق بوده اما چنان به تفکر او حمله کرده است که برخی آن را برخلاف انتظار دانسته و در اثبات آن نگاشته ها به

ص: 99

شیخ مفید تردید کرده اند. (1) مهم ترین انتقاد شیخ مفید از شیخ صدوق به عنوان نماینده مدرسه حدیثی قم روش اخبارگرایی محض و خالص او بود. کتاب تصحیح الاعتقاد، مهم ترین کتاب در بررسی انتقادات شیخ مفید است، که نویسنده در آن بر روش اهل حدیث خرده گرفته است. (2)

شیخ مفید همچنین به نبود روحیه ژرف نگری در شیخ صدوق و مدرسه حدیثی قم اعتراض می کند. او در بحث اراده و مشیت نوشته است:

الذی ذکَرَهُ الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي هَذَا الْبَابِ لَا يَتَّحَصَّلُ وَمَعَانِيهِ تَخْتَلِفُ وَتَتَنَاقَضُ وَالسَّبَبُ فِي ذَلِكَ أَنَّهُ عَمِلَ عَلَى ظَوَاهِرِ الْأَحَادِيثِ الْمُخْتَلِفَةِ وَلَمْ يَكُنْ مِمَّنْ يَرَى النَّظَرَ، فَيَمَيِّزُ بَيْنَ الْحَقِّ مِنْهَا وَالْبَاطِلِ وَيَعْمَلُ عَلَى مَا يُوجِبُ الْحُجَّةَ. وَمَنْ عَوَّلَ فِي مَذْهَبِهِ عَلَى الْأَقَاوِيلِ الْمُخْتَلِفَةِ وَتَقْلِيدِ الرُّوَاةِ كَانَتْ حَالُهُ فِي الضَّعْفِ مَا وَصَفْنَا (3).

آنچه شیخ صدوق در این فصل (اراده و مشیت خداوند) بیان کرده است، اثبات شدنی نیست و مطالب آن با یکدیگر تخالف و تناقض دارند؛ علت آن است که او بر پایه ظواهر احادیث متناقض عمل کرده و بسان کسانی نبوده است که نظر می کند و درست و نادرست را از هم جدا می کنند و بر پایه آنچه از حجت برخاسته است عمل می کنند و کسی که در رویکرد خویش بر سخنان گوناگون و تقلید از راویان تکیه می کند ضعف او آنسان است که شرح دادیم.

ص: 100

1- (1). مکتب حدیثی قم، ص 408.

2- (2). کتاب الاعتقادات شیخ صدوق بر اساس نص گرای و اخبارگرایی در عقلانی ترین موضوع دینی یعنی حوزه عقاید نوشته شده است و نص گرای شیخ صدوق در این کتاب بیش از دیگر آثار او هویدا است. انتقادهای تند شیخ مفید در تصحیح الاعتقادات بهترین نمونه برخورد با اخباریگری و نص گرای در آن دوران است.

3- (3). همان، ص 49.

هدف از این پژوهش، بررسی ویژگیها و مبانی مدرسه ای است که شیخ مفید (413-336ه) آن را در بغداد پایه گذاری کرد و به دست شاگردانی مانند سید مرتضی

(م 435) و شیخ طوسی (م 460ه) به اوج خود رسید. این مدرسه به گونه ای جامع طراحی شده بود و فقه، کلام و تاریخ را نیز در بر می گرفت. هر چند در این درس ما تنها به آموزه های حدیثی این مدرسه توجه خواهیم کرد.

تأثیر مدرسه بغداد بر تفکر شیعی، به ویژه در حدیث، کلام و فقه، بسیار عمیق و گسترده است؛ به گونه ای که می توان تفکر شیعی را ادامه تفکر مدرسه بغداد به شمار آورد.

شیعیان بغداد

بغداد شهری با سابقه (1) در ساحل دجله است که به دستور منصور دوانیقی (م 158ه) ساخته شد و از همان آغاز بنا، پایتخت خلافت اسلامی شد. انتخاب مکان، سازماندهی تأسیس، طراحی بافت شهری و سایر پیش بینی های لازم برای ساماندهی نیازهای مرکز خلافت، از ویژگیهای متمایز این شهر نسبت به شهرهای دیگر عربی است. (2)

شیعیان از ابتدای تأسیس بغداد، در این شهر سکونت یافته و محله کرخ را پایگاه خویش ساختند. علاوه بر کرخ، برخی محلات دیگر بغداد نیز شیعه نشین بود.

حرم مطهر امام کاظم و امام جواد علیهما السلام موجب جلالت شیعه در این شهر شد. افراد شاخصی همانند خاندانهای علی بن یقطین، نوبختی، علویان و... نیز در این شهر ساکن بوده و روزگار گذرانیده اند. حضور نایبان چهارگانه امام مهدی (عجل الله تعالی

ص: 103

1- (1). دانش نامه جهان اسلام، ج 3، ص 539.

2- (2). ر.ک: زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد، ص 48-19. [1]

فرجه الشریف) در بغداد، سبب اهمیت بیشتر این شهر نزد شیعیان شد. تسلط امیران آل بویه بر بغداد (447-334ه) سبب شد شیعیان آزادی عمل یابند. در طول این دوران، مرکز خلافت اسلامی، به محلی برای آمد و شد عالمان شیعه تبدیل شده بود و به این وسیله بذر علوم و معارف اهل بیت در این شهر پراکنده می شد.

این وضعیت تا سال 447 هجری بسامان بود، اما پس از هجوم سلجوقیان و برافتادن آل بویه، وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شیعیان نابسامان شد؛ با این حال منطقه کُرخ بر وضعیت شیعی خویش باقی ماند، چنانکه تاکنون نیز این موقعیت را حفظ کرده است.

حوزه حدیثی بغداد

حوزه حدیثی شیعی بغداد را می توان همزاد این شهر دانست. از ابتدای تأسیس شهر به دست منصور، شیعیان به این شهر منتقل شدند. بسیاری از این مهاجران از گروه محدثان و عالمان بودند. برخی از آنان اصالتاً کوفی بودند و روایات خود را در کوفه و مدینه شنیده بودند و بعضی دیگر نگارنده کتابهای حدیثی بودند. تجمع این گروه نسبتاً گسترده و سرشناس، موجب شد که هسته علمی جامعه شیعه همچون هسته اجتماعی آنان در بغداد جلوه گر شود.

گروهی از اصحاب امام صادق علیه السلام هم در بغداد مستقر شده و به نشر حدیث پرداختند؛ از جمله این افراد می توان به ابوالیسع کُرخِی بغدادی، (1) قاسم بن عروه، (2) ظریف بن ناصح، (3) حفص بن البختری، (4) عبدالرحمن بن حجاج، (5) یحیی بن حجاج کُرخِی (6) و هشام بن حکم (7) اشاره کرد.

ص: 104

1- (1). رجال نجاشی، ص 296.

2- (2). همان، ص 314.

3- (3). همان، ص 209.

4- (4). همان، ص 134.

5- (5). همان، ص 237.

6- (6). همان، ص 55.

7- (7). همان، ص 433.

بعضی از این افراد، در بغداد به تجارت مشغول بودند که هشام بن حکم صحابی بزرگ و متکلم مشهور شیعی از این افراد است.

در سالهای بعد، شیعیان متولد بغداد، افزون شدند. تأمل در راویان بغدادی نشان می دهد که نسل بعدی محدثین شیعی، مشهورتر و استوارتر هستند. این ابی عمیر، برجسته ترین فرد از این گروه است. نجاشی درباره او می نویسد:

بَغْدَادِيُّ الْأَصْلِ وَالْمَقَامِ، لَقِيَ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ سَمِعَ مِنْهُ أَحَادِيثَ كَثَاةً فِي بَعْضِهَا فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: "يَا أَبَا أَحْمَدَ"، وَ رَوَى عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، جَلِيلُ الْقَدْرِ، عَظِيمُ الْمَنْزِلَةِ فِينَا وَ عِنْدَ الْمُخَالَفِينَ... وَ كَانَ حُبْسَ فِي أَيَّامِ الرَّشِيدِ، فَقِيلَ لَيْلَى الْقَضَاءِ... وَقِيلَ بَلْ لِيُدَلَّ عَلَى مَوَاضِعِ الشَّيْعَةِ وَأَصْحَابِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ (1).

اصالتاً بغدادی و ساکن آنجا است. با ابوالحسن، موسی بن جعفر علیه السلام، دیدار داشته و از ایشان احادیثی نقل کرده است که آن حضرت وی را در شماری از آنها با کنیه خطاب کرده اند و فرموده اند: ای اباحمد. وی از امام رضا علیه السلام نیز روایت نقل کرده است. سترگ مرتبه است؛ در میان امامیه و مخالفین [امامیه] جایگاه والایی دارد... وی در روزگار هارون الرشید عباسی زندانی شد. گویند برای اینکه مسند قضاوت را بر عهده بگیرد... و یا برای اینکه پایگاههای شیعیان و یاران موسی بن جعفر علیه السلام را افشا کند.

بسیاری از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهما السلام نیز در بغداد متولد شده و در آن شهر به تحصیل و تدریس مشغول شدند.

بر خلاف طبقه پیشین از محدثین بغداد، که معمولاً در کوفه تحصیل کرده بودند، این گروه، دانش آموخته حوزه حدیثی بغداد بودند.

علاوه بر آن، برخی از آنان در امور حکومتی مربوط به خلافت عباسیان نیز اشتغال داشتند. برای نمونه علی بن یقطين بغدادی (182-124). در سیمت وزارت هارون الرشید به فعالیت پرداخت. او از اصحاب خاص امام کاظم علیه السلام است. عبدالله بن سنان، از مشهورترین راویان شیعی است که مسئول امور مالی در خلافت بنی عباس بود. فضل بن سلیمان بغدادی نیز کاتب منصور و مهدی عباسی بوده و از شاگردان امام صادق و امام کاظم علیهما السلام است.

ص: 105

اسامی بسیاری از راویان شیعی که بغدادی بوده و در اواخر قرن سوم در کوفه می زیسته اند، در رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی آمده است.

حضور نایبان خاص امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بغداد، اهمیت فوق العاده ای به این حوزه حدیثی بخشیده بود. بغداد در فاصله سالهای 260 تا سال 329 هجری، پناهگاه و جایگاه نایبان خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و مرکز ثقل جامعه شیعی محسوب می شد. هجرت مسلمانان شیعی از تمامی نقاط جغرافیایی به این شهر یا بازدید از آن در این دوران، فراوان در منابع مختلف گزارش شده است.

علاوه بر شیعیان دوازده امامی، گروههای دیگر نیز در بغداد حضور علمی داشتند که از آن میان می توان به معتزله، اشاعره، زیدیه، اهل حدیث، عثمانیه و... اشاره کرد. از این رو، گفتگوهای علمی بین مذہبی در بغداد، رایج بوده است. حتی معتزله نیز، که در بسیاری از موارد با شیعیان موافق بودند، با آنان به بحث می پرداختند. (1)

ظاهراً فضای عمومی حدیث شیعی، در این دوران به قدری پر رونق بود که ثقة الاسلام کلینی، نگاشته جامع خویش را از قم و ری به بغداد آورد و آن را در آن شهر منتشر نمود و همان جا آن را بر راویان شیعه خواند و به آنان اجازه نقل روایت داد. پدر شیخ صدوق نیز در سال 328 هجری به بغداد آمد و اجازه روایت کتابهایش را به عالمان بغداد اعطا کرد. (2)

در سالهای پس از آن (352 هجری به بعد) شیخ صدوق نیز به بغداد مسافرت کرد و برای عالمان آن دیار حدیث گفت.

برخی دیگر از عالمان مشهور قم، همانند ابن قولویه (م 369ه) و ابن داود قمی

(م 368ه) نیز از وطن خویش به بغداد مهاجرت کردند و در آن سکنی گزیدند. طبیعی است که پیدایش حکومتهای مستقل شیعی در ایران و عراق و حمایت آنان از دانش و دانشمندان و ایجاد فضای باز سیاسی و فرهنگی برای طرح مسائل حساس و مهم دینی و مذہبی نقش بسزایی در این مهاجرتها داشته است.

ص: 106

1- (1) ر.ک: مناسبت فرهنگ معتزله و شیعه از آغاز تا شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، جزوه شماره 710.

2- (2) رجال نجاشی، ص 261.

آنچه تاکنون گفته شد، تصویری از حوزه حدیثی بغداد، در فاصله سالهای 160 تا 350 هجری بود. اکنون به بررسی مدرسه حدیثی بغداد و بنیان گذار نابغه آن، مرحوم شیخ مفید (رحمة الله علیه)، می پردازیم.

مرکزیت علمی

بغداد در درازنای تاریخ، دوره های گوناگون و پرتلاطمی را پشت سر گذاشته است. در سده های چهارم و پنجم، شهر بغداد گونه های مختلف علمی و ارائه نظریه های متفاوت را در شاخه های گوناگون علوم تجربه کرد.

در این دوران، ادیبان، شاعران، فیلسوفان، فقیهان، منجمان، اهل کلام، مفسران و دیگران در بغداد حضور داشتند و به تربیت دانش پژوهان و مباحثه با یکدیگر مشغول بودند.

در میان همه نحله های فکری، محدثان جایگاه ویژه ای داشتند. خطیب بغدادی، نام بیش از پنج هزار نفر از محدثان سنی را که در این سالها در بغداد سکونت داشته یا به این شهر سفر کرده اند، در کتاب خویش ذکر کرده است. [\(1\)](#)

از دیگر نشانه های رواج تفکر حدیثی در بغداد، عزیمت محدثانی بزرگ چون ثقة الاسلام کلینی و ابن قولویه یا مسافرت شیخ صدوق بدان شهر برای نقل حدیث است.

تفکر معتزله در بغداد، جایگاه ویژه ای داشت. معتزله بغداد، مبانی و نظریه های خاصی داشتند که آنان را از دیگر متفکران معتزله، از جمله معتزله بصره، متمایز می ساخت. رواج تفکر اعتزال در این سرزمین، سبب پیدایش تفکر عقل گرایانه و مواجهه و مباحثه دانشمندان شد. [\(2\)](#)

شماری از ملحدین و غیرمسلمانان نیز در بغداد حضور داشتند و به ترویج عقیده خویش می پرداختند. حتی برخی از این افراد با دانشمندان مسلمان و شیعه، دوستی عمیق و رابطه ای صمیمانه داشتند. ابراز علاقه ابوالعلاء معری به سید مرتضی و سید رضی و دوستی متقابل این دو دانشمند شیعی با او، نشان دهنده فضای علمی باز بغداد است. [\(3\)](#)

ص: 107

1- (1). ر.ک: عبدالقادر عطا، مقدمه تاریخ بغداد، ج 1، ص 22.

2- (2). ر.ک: رسول جعفریان، مناسبات فرهنگی معتزله و شیعه، ص 29.

3- (3). الغدیر، ج 4، ص 272.

طبیعی است که این فضا و موقعیت، به برخوردی دقیق، عمیق و همه جانبه با تمامی گرایش های فکری نیازمند است. مبانی علمی دقیق و معیارهای اصولی صحیح، موجب سالم ماندن تفکر شیعی از گزند گرایش های دیگر و تمایز این تفکر از نحله های فکری دیگر می گردید.

بنیان گذار مدرسه بغداد

مدرسه بغداد با نام بزرگ مردی گره خورده است که حق زیادی بر گردن تفکر ناب شیعی دارد. یادکرد فعالیت های شیخ مفید (رحمة الله علیه) و مدرسه حدیثی و کلامی بغداد، به گونه ای ادای دین به ساحت آن شخصیت بزرگوار شیعی است.

شیخ مفید در سلسله عالمان امامیه، تنها یک متکلم و فقیه سرآمد و برجسته نیست، بلکه فراتر از این، او مؤسس و سرحلقه جریان علمی رو به تکاملی است که در دو رشته کلام و فقه، تا امروز در حوزه های علمی شیعه امتداد یافته و با وجود تأثیرپذیری های گوناگون تاریخی و جغرافیایی و مکتبی، ویژگی های اصلی و خطوط اساسی آن همچنان بر جای مانده است. (1)

شیخ مفید کسی است که علوم گذشتگان، با همه تکامل خود، در او جمع شده بود و به برکت چنین شخصیت چندبعدی و همه جانبه ای که داشت، حوزه علمی بغداد را پایه گذاری کرد. این حوزه قرن ها پس از آن دوام یافت و در آن فقه، کلام، اصول، ادب، حدیث و رجال در کنار و مکمل یکدیگر تدریس و تحقیق می شد. (2)

زندگی شخصی و شخصیت فردی شیخ مفید (رحمة الله علیه) را در مباحث پیشین بررسی کردیم؛ بنابراین، در این قسمت تنها به بیان نقش بنیان گذاری ایشان در مدرسه بغداد بسنده می کنیم.

مدرسه حدیثی بغداد

اشاره

به نظر می رسد که پس از پایان دوره غیبت صغری (سال 329ه) شهر و حوزه حدیثی بغداد اهمیت خود را در میان شیعیان از دست می دهد، اما دو حادثه ویژه

ص: 108

1- (1) همان، ص 5. [1]

2- (2) همان، ص 11.

موجب اشتهاار بیش از پیش این حوزه حدیثی شیعه شد و نام آن را در تفکر شیعی ماندگار ساخت.

هر چند این دو واقعه در آغاز، هیچ ارتباطی با هم نداشتند، ولی برآیند پدیدآمده به وسیله آن دو، نتیجه ای بسیار نیکو بود.

1. تصرف بغداد

واقعه اول، تسلط سرداران آل بویه بر شهر بغداد در سال 334 هجری بود. این اتفاق سبب شد که تفکر شیعی موجود در شهر بغداد رخ بنماید و قدرت عرض اندام و هماوردی پیدا کند. شیعیان در این دوران به اقلیتی قدرتمند و بااراده تبدیل شده بودند. حمایت سیاسی آل بویه از شیعیان، موجب دلگرمی آنان شد و نگاه ایشان را به آینده ای روشن تر امیدوار کرد. سال 352 هجری اولین سالی بود که عزاداری عاشورا و جشن عید غدیر به گونه ای علنی و در سطحی وسیع برگزار می شد.

بغداد در فاصله سالهای 367 تا 372، که دوران امارت عَصَدُ الدوله بود، رونق افزون تری یافت. او علاوه بر خدمات فراوان در آبادانی بغداد، عالمان را به تحقیق و پژوهش در رشته های مختلف تشویق کرد و از این رهگذر به رشد و اعتلای دانش کمک فراوان نمود.

2. ظهور شیخ مفید

واقعه دوم، تولد نابغه بزرگ شیعی، محمد بن محمد بن نعمان، مشهور به شیخ مفید، در سال 336 هجری در عُنْکَبْرَا (منطقه ای در شصت کیلومتری بغداد) بود. مدرسه حدیثی بغداد مرهون شخصیت، تفکر و اقدامات این بزرگ مرد شیعی است. بدین سبب، زندگی، عقیده و کوشش های او به تفصیل مورد بررسی قرار می گیرد.

شیخ مفید در یازدهم ذیقعده سال 336 هجری متولد شد. [\(1\)](#) پدر او معلم بود و به این سبب او را ابْنُ المَعْلَمِّ نامیدند. وی در کودکی به همراه پدر به بغداد آمد و در حوزه بغداد به تحصیل پرداخت. برخی از مشایخ حدیثی او پیش از دوازده سالگی او

ص: 109

رحلت کرده اند. (1) وی در سن نوزده سالگی از شیخ صدوق، که در سال 355 هجری به بغداد آمده بود، حدیث شنید. (2)

بیشتر اساتید او از محدثان یا متخصصان علم کلام هستند و فقها و مورخان در فهرست اساتید او چندان به چشم نمی خورد.

سطح بالای دانش شیخ مفید و قدرت او در مباحثه با مخالفان، موجب شهرت سریع وی شد و شاید از همین رو در سن جوانی به مفید ملقب شد. (3) او 35 ساله بود که رهبری شیعیان بغداد را به عهده گرفت. مقام علمی و موقعیت اجتماعی او چنان بود که عضد الدوله، امیر دانش دوست آل بویه، به عیادت او می رفت و شفاعتش را در حق دیگران پذیرا می شد. (4) شیخ مفید در زمان مرگ عضد الدوله تنها 36 سال داشت. او تمامی کتابهای مخالفان را در حافظه خود داشت تا بتواند شبیه های آنان را پاسخ گوید. (5) وی همچنین در خانه خویش، مجلس بحث و مناظره بر پا می ساخت. در آن مجالس، عالمان مذاهب گوناگون حضور می یافتند و او با تمامی آنان به بحث می پرداخت. (6)

تیزهوشی، حاضر جوابی، علم سرشار، زبان نیکو و قدرت تحمل او از مجموعه مباحثه هایش هویدا است. (7)

ابو یعلی جعفری، داماد شیخ مفید، در توصیف او گفته است:

وی به جز پاسی از شب در بستر نمی خفت و سپس از جای برخاسته و نماز می خواند و مطالعه و تدریس می کرد و یا قرآن تلاوت می نمود. (8)

ص: 110

1- (1) ر.ک: گذری بر حیات شیخ مفید، ص 11. [1]

2- (2) ناگفته هایی از حیات شیخ مفید، ص 65.

3- (3) ر.ک: معجم الابداء، ج 14؛ تاریخ بغداد، ج 12، ص 16، این دو کتاب جریان شرکت شیخ مفید در مجلس درس علی بن عیسی زُمانی را نقل کرده اند. سؤال و جواب شیخ مفید موجب در ماندگی استاد معتزلی شد و او را به لقب شیخ مفید ستود. طبیعی است که این واقعه مربوط به دوران جوانی او بوده است.

4- (4) سیر اعلام النبلاء، ج 17، ص 344.

5- (5) همان.

6- (6) المنتظم، ج 8، ص 11.

7- (7) ر.ک: الفصول المختاره، ص 88، 69، 53، 31 و....

8- (8) لسان المیزان، ج 5، ص 368.

صداقت او بسیار و خشوع و فروتنی او نیکو بود. زندگی بسیار ساده و لباسی خشن داشت. (1)

مهم ترین اقدام شیخ مفید، تشکیل مدرسه های علمی برای شیعیان و آموزش و تربیت کودکان شیعه و جذب نخبگان بود. وی در مکتب خانه ها و کارگاههای بافندگی جستجو می کرد و کودکان تیزهوش و مستعد را در نظر می گرفت و با دادن پول به والدین آنان، آنها را به مکتب من برد و به آنان دانش می آموخت. (2) به این سبب، شاگردان تیزهوش بسیاری در محضر او گرد آمدند و به تحصیل مشغول شدند.

ظاهراً آموزشهای او تنها به فقه و حدیث محدود نمی شد. او به مباحث اعتقادی، به ویژه امامت، اهتمامی ویژه داشت. تلاش او در زدودن شبهه های مخالفان در مجموعه رساله های کوچک و بزرگ او هویدا است. نوشته های او بیش از دویست اثر است. غنای آثار، استواری اندیشه و تأثیر شگرف او در آرا و نظرات دانشمندان متأخر شیعی چنان بود که درباره وی گفته اند: «او را برگردن هر دانشمند و پیشوایی حق و منت است». (3)

دانشمندان بزرگی در حوزه درسی شیخ مفید حضور یافتند و به مقامات بلند علمی راه پیدا کردند. این گروه، مدرسه علمی بغداد را رونق بخشیدند و موجب تداوم مباحثات علمی آن شدند. مشهورترین افراد این گروه عبارتند از:

1. سید مرتضی (436-355ه)؛

2. شیخ طوسی (460-385ه)؛

3. سید رضی (406-359ه)؛

4. ابوالعباس نجاشی (450-372ه)؛

5. ابوالفتح کراچکی (449ه)؛

6. سلار دیلمی (448ه).

در پایان مناسب است که گفتار ابن ابی طیّ (م 630)، مؤلف خوشذوق شیعی، را نیز درباره وی نقل کنیم که جامع تمامی گفتارها است:

ص: 111

1- (1). العبر، ج 2، ص 225؛ سیر اعلام النبلاء، ج 17، ص 344.

2- (2). سیر اعلام النبلاء، ج 17، ص 344.

3- (3). لسان المیزان، ج 5، ص 368.

در تمامی گونه های علم از جمله قرآن، حدیث، فقه، تاریخ، رجال، تفسیر، نحو و شعر یگانه و سرآمد او بود. با صلابت و جلال در دوران آل بویه با پیروان هر عقیده مناظره می کرد و مرتبتی بالا نزد خلفا داشت. او بر خود مسلط بود و با دیگران بسیار نیک. خشوع فراوان داشت، نماز و روزه اش بسیار بود. لباس خشن می پوشید و همواره به مطالعه و آموزش دیگران مشغول بود. از پر حافظه ترین مردمان بود. درباره او گفته اند که هیچ کتابی از مخالفین شیعه وجود نداشت که در حافظه اش نباشد و به این گونه توانست که شبیه افکنی آنان را درباره شیعه پاسخ گوید (1).

اصول و مبانی مدرسه بغداد

اشاره

وجود نحله های گوناگون فقهی، کلامی، حدیثی و تفسیری در بغداد و مباحثات فراوان میان فرقه ها، سبب شد شیخ مفید (رحمة الله علیه)، به طراحی روش و منهج فکری جامعی بپردازد که تمامی این علوم را پوشش دهد و آنها را در یک مجموعه مسنجم گرد آورد. اصول و مبانی این مدرسه باید دقیق بنا می شد تا بتواند تمامی شبهات وارد شده از طرف گروه های مختلف فکری را پاسخ گو باشد و در عین حال استقلال فکری مذهب شیعه را به نمایش بگذارد، از طرف دیگر قادر به گفت و گو و مباحثه با دیگر فرقه های فکری باشد و شایستگی آن را داشته باشد که به ابطال مبانی فکری و باورهای ذهنی گروه های مخالف بپردازد.

اصول و مبانی فکری حاکم بر مدرسه شیعی بغداد را این گونه می توان تصویر کرد:

1. اهتمام به عقل و تعقل

عقل، به عنوان منبع معرفت و تعقل، به عنوان روش دست یابی به معارف، در مکتب بغداد نقش اساسی دارد. اهمیت بخشیدن به عقل در مباحث اساسی و بنیادین معارف، امری است که در قرآن کریم و روایات شیعی به آن تأکید شده است. (2)

موقعیت شهر بغداد و وجود گروه های مختلف فکری اقتضا می کرد که مشترکات و مقبولات گروه های فکری، در مباحثات مورد توجه قرار گیرد. عقل، به عنوان هدیه

ص: 112

1- (1). سیر اعلام النبلاء، ج 17، ص 344.

2- (2). رجوع کنید به آیات فراوان قرآن که به تعقل، تفکر و تدبیر توصیه کرده است؛ همچنین کتاب «العقل و الجهل» را در مصادر حدیثی شیعی همچون کافی و بحار الأنوار مطالعه کنید.

الهی مشترک بین انسانها، از این منظر مورد توجه بود. گرایش عقلی معتزله در بغداد طرفداران زیادی داشت که لازمه آن اهتمام عالمان شیعی به عقل و تعقل بود.

از منظر دیگر، در شهر بغداد اقبال به مباحثات کلامی و عقایدی بسی بیشتر از مباحثات فقهی بود. گرایش به فقه توجه به منابع نقلی را می طلبد، اما مباحثات کلامی به اعتبارات شرعی و جعل و رفع حکم وابسته نیست. بنابراین، عقل گرایی در مدرسه بغداد بسی گسترده تر از مدارس دیگر حدیثی اعم از کوفه، قم و حله بود.

در مدرسه شیعی بغداد شیوه عقل گرایانه و عقل مدار کاملاً هویداست. شیخ مفید در تبیین معیارهای نقد حدیث می نویسد:

إِنْ وَجَدْنَا حَدِيثًا يُخَالِفُ أَحْكَامَ الْعُقُولِ، أَطْرَحْنَاهُ لِقَضِيَةِ الْعَقْلِ بِفَسَادِهِ (1).

اگر حدیثی را بیابیم که با احکام عقلانی در تضاد است، آن را به سبب حکم عقل به فسادش، رد می کنیم.

ایشان پس از بحث درباره روح و بررسی دقیق معانی آن، به نقد شیوه اصحاب حدیث می پردازد و می نویسد:

لَكِنَّ أَصْحَابَنَا الْمُتَعَلِّقِينَ بِالْأَخْبَارِ أَصْحَابُ سَلَامَةٍ وَبُعْدِ ذَهْنٍ وَقَلَّةِ فِطْنَةٍ يَمُرُّونَ عَلَى وَجْهِهِمْ فِيمَا سَمِعُوهُ مِنَ الْأَحَادِيثِ وَلَا يَنْظُرُونَ فِي سَنَدِهَا وَلَا يَفْرُقُونَ بَيْنَ حَقِّهَا وَبَاطِلِهَا وَلَا يَقْتَضُونَ مَا يَدْخُلُ عَلَيْهِمْ فِي إِثْبَاتِهَا وَلَا يُحْصِلُونَ مَعَانِيَ مَا يُطْلَقُ مِنْهَا (2).

اما [متأسفانه] محدثان نص گرای امامیه، افرادی پاکدل، کم دقت و کم درایت هستند. در احادیثی که می شنوند، چندان دقت نمی کنند و در اسناد آنها نظر نمی کنند و سره را از ناسره تشخیص نمی دهند و پیامدهای پذیرش آنها را در نمی یابند و مفاهیم احادیثی را که نقل می کنند، نمی پالایند.

سید مرتضی، این شیوه را به گونه ای شدیدتر اعمال کرده است. ایشان در پاسخ به سؤالی درباره قدرت خداوند بر امر محال و قرار دادن جهان در یک تخم مرغ و استناد این سخن به روایتی در کتاب کافی نوشته است:

ص: 113

1- (1). تصحیح الاعتقاد، ص 149.

2- (2). تصحیح اعتقادات الإمامیه، ص 88.

إِنَّ الْحَدِيثَ الْمَرْوَى فِي كُتُبِ الشَّيْعَةِ وَكُتُبِ جَمِيعِ مُخَالَفِينَا يَنْصَبُ مَنْ ضَرَبَ الْخَطَأَ وَصُنُوفَ الْبَاطِلِ... وَلِهَذَا وَجَبَ نَقْدُ الْحَدِيثِ بِعَرَضِهِ عَلَى الْعُقُولِ فَإِذَا سَلَّمَ عَلَيْهَا عُرِضَ عَلَى الْأَدِلَّةِ الصَّحِيحَةِ كَالْقُرْآنِ وَمَا فِي مَعْنَاهَا إِذَا سَلَّمَ عَلَيْهَا جُوزَ أَنْ يَكُونَ حَقًّا وَالْمُخْبِرُ بِهِ صَادِقًا (1).

این حدیث، که در کتابهای شیعه و مخالفان ما نقل شده، دارای خطا و بخشهای باطل است... بنابراین، باید با عرضه بر عقل سنجیده شود و چنانچه تسلیم عقل باشد، بر معیارهای صحیح قرآنی عرضه می شود و اگر [باز] تسلیم آنها باشد، حق است و راوی آن راستگو.

همچنین درباره میزان اعمال، (2) سی روز بودن ماه رمضان (3) و موارد دیگر نیز بر سنجش حدیث با عقل تأکید کرده است.

2. اعتدال در عقل گرایی یا محدودیت عقل

برخی به اشتباه گمان کرده اند که مکتب بغداد، خردگرایی محض را انتخاب کرده و دست از نقل کشیده است. این گروه، عالمان شیعه را تحت تأثیر معتزله بغداد می شمردند و حتی گاهی، برخی از آنان را معتزلی می خوانند. سید مرتضی (رحمة الله علیه) به شدت با این اتهام مواجه شده است و برخی از تراجم نویسندگان او را معتزلی شمرده اند. (4)

حتی این اتهام متوجه شیخ مفید هم شده است. شیخ در المسائل الصاغانيه به این مطلب اشاره کرده است. (5)

زمینه بروز این اتهام به دوران پیش از شیخ مفید برمی گردد. گرایش به قیاس در فقه ابن جنید واقعیتی است که همه بر آن اذعان دارند. (6) خاندان نوبختی، از دانشمندان بزرگ کلامی شیعه، به گرایش های معتزلی دچار شدند و در فهم مباحث

ص: 114

1- (1). رسائل الشریف المرتضی، ج 1، ص 410. [1]

2- (2). همان، ص 114.

3- (3). جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیه، ص 22.

4- (4). ر. ک: مقدمه رسائل المرتضی، ج 1، ص 9.

5- (5). المسائل الصاغانيه، ص 41.

6- (6). ابن جنید (زنده در سال 340 هجری) از فقهای قدیم شیعه است که سابقه سنی دارد. روش فقهی او، برگرفته از افکار پیشین اوست و گاه فراتر از نصوص به قیاس و استحسان می انجامد.

کلامی به عقل گرایی افراطی روی آوردند. حتی برخی از عالمان، مانند صاحب بن عبّاد، خود را شیعی و معتزلی خوانده اند (؟!!) یا برخی دیگر پاره ای از اصول معتزله را پذیرفتند. (1) اما باید گفت که مدرسه بغداد در سایه سار تفکر شیخ مفید (رحمة الله علیه)، از این آفت مصون ماند. کتاب النقص علی ابن الجنید برای روشن کردن محدوده عقل و استفاده نکردن از قیاس در استنباطهای فقهی نگاشته است.

شیخ مفید در موارد فراوان تصریح می کند که عقل به خودی خود قدرت فهم و درک بسیاری از مسائل کلامی را ندارند و به دلیل نقلی محتاج است. ایشان در ابتدای کتاب اوائل المقالات می نویسد:

القول فی أنّ العقل لا ینفک عن سَمْعٍ وأنّ التّکلیف لا یصلحُ إلاّ بالرُّسُلِ علیهم السلام: واتّقتِ الإمامیةُ علی أنّ العقلَ مُحْتَاجٌ فی عمله وبتأیجه إلى السَّمْعِ وأنّه غیرُ مُنْفَکٍّ عن سَمْعٍ یُنَبِّهُ العاقلَ علی کیفیةِ الاستدلالِ وأنّه لا یبدّدُ فی أولِ التّکلیفِ وابتدائه فی العالمِ من رسولٍ؛ ووافقهم فی ذلك أصحابُ الحدیثِ وأجمعتِ المُعتزلةُ والخوارجُ والرّیذیةُ علی خلافِ ذلك ورَعَمُوا أنّ العُقُولَ تَعْمَلُ بِمُجَرَّدِهَا مِنَ السَّمْعِ وَالتَّوْقِيفِ (2).

گفتار در اینکه عقل از قرآن و سنت قابل تفکیک نیست و تکلیف جز به وسیله فرستادگان [الهی] بایسته نیست:

امامیه هم داستان اند که عقل در عملکرد و دستاوردهایش به قرآن و سنت نیازمند است و عقل از نصّی که فرد اندیشمند را بر نحوه استدلال آگاه سازد، تفکیک ناشدنی است و عقل در آغاز تکلیف و [حتی] در آغاز پیدایش خود در عالم هستی گریزی از یک پیام رسان ندارد.

اصحاب حدیث نیز در این باب با امامیه هم داستان اند، اما معتزله، خوارج و زیدیه با آنان مخالف اند و پنداشته اند که عقل می تواند مستقل از قرآن و سنت و اوامر توقیفی عمل کند.

و در مورد دیگر می نویسد:

إنّ استحقاقَ القَدیمِ، سُبْحانَهُ، بِهذه الصِّفَاتِ (أعنی کونه تعالی سَمیعاً بَصیراً ورائیاً ومُدْرِکاً) کُلِّهَا مِنْ جَهَةِ السَّمْعِ دُونَ القِیاسِ وَدَلائِلِ العُقُولِ (3).

ص: 115

1- (1). رجال نجاشی، ص 381؛ درباره محمد بن بشر حمْدُونی.

2- (2). اوائل المقالات، ص 44. [1]

3- (3). همان، ص 59. [2]

اینکه خداوند قدیم، سبحانه، بایسته این صفات، یعنی سمیع و بصیر و بینا و مُدرک، است بر پایه قرآن و سنت است، نه بر اساس قیاس و دلایل عقلی.

و در مورد بدهاء تصریح می کند:

قَوْلُ الْإِمَامِيَّةِ فِي الْبَدَاءِ طَرِيقَةُ السَّمْعِ دُونَ الْعَقْلِ (1).

باور امامیه در خصوص بدهاء از راه نص است نه عقل.

به این سبب برخی از محققین پس از اشاره به برخی از نکات بالا نوشته اند:

وارد شدن عنصر سَمْع در بنای مکتب کلامی شیخ مفید، موجب آن شده است که به مدد بیانات ائمه علیهم السلام بسیاری از مباحث دشوار، که دست یافتن به سخن حق در آن مسیری طولانی را می طلبد، به آسانی در مجموعه کلامی آن بزرگوار جای گیرد و خط سیر کلامی شیعه را پس از مفید، از انحرافها و اضطرابهای فکری نجات بخشد (2).

به این سبب شیخ مفید به عنوان تثبیت گر هویت مستقل مکتب تشیع معرفی شده است. (3)

3. آفرینش شیوه ای منطقی و صحیح در جمع بین عقل و نقل

گفتیم که معتزله، نسبت به نقل بی اعتنا بودند و به استنتاجات عقلی خویش تکیه داشتند. این شیوه، پیشینه ای کهن داشت و به اصحاب رأی در کوفه و بصره منتهی می شد.

در مقابل، شیوه اهل حدیث و اخبارگرایان سنی و شیعه این بود که به متون نقلی بها می دادند و نسبت به استنتاجات و نظرات عقل بی اعتنا بودند.

افراط و تفریط در دو سوی این روشها هویدا است. اما دانش وران مدرسه بغداد، به ویژه بنیان گذار آن شیخ مفید (رحمة الله علیه)، سعی در تعادل و توازن بین عقل و نقل داشتند و این شیوه را، هم در فقه و هم در کلام، به کار برده اند.

عدول از شیوه فقیهان قدیم، که تنها به فقه مأثور می پرداختند، در مدرسه بغداد شکلی جدی به خود گرفت و با شیخ طوسی به اوج رسید. البته این شیوه موجب

ص: 116

1- (1). تصحیح الاعتقاد، ص 65.

2- (2). ر.ک: پیام رهبر معظم انقلاب به کنگره شیخ مفید، ص 42.

3- (3). همان، ص 12؛ مطالعه پیام نغز و پربار رهبر معظم انقلاب اسلامی به کنگره شیخ مفید برای شناخت ایشان در مکتب فکری بغداد لازم است.

نشد که عالمان مدرسه بغداد همانند ابن جنید و ابن ابی عقیل عمّانی در ورطه اهل رأی و نظر نیز بیفتند.

شیخ مفید در تبیین این روش و نقد دو روش پیشین نوشته است:

لا يجوز لأحد من الخلق أن يحكم على الحق فيما وقع فيه الإختلاف من معنى كتاب أو سنة أو مدلول دليل عقلي إلا بعد إحاطة العلم بذلك... والذي رواه أبو جعفر (رحمة الله عليه) فليس يحب العمل بجميعة، إذا لم يكن ثابتاً... وأصحاب الحديث ينقلون الغث والسمين ولا يقتصرون في النقل على المعلوم... فأما كتب أبي علي، [محمد] بن الجنيد فقد حشاها بإحكام عمل فيها على الظن واستعمل فيها مذهب المخالفين في القياس المزدل (1).

جایز نیست که کسی در معنای قرآن یا سنت یا مدلول دلیل عقلی، که در آنها اختلاف آرا وجود دارد، بدون احاطه علمی بر آنها حکم به حقانیت کند... و در صورتی که [صدور] آنچه شیخ صدوق (رحمة الله عليه) روایت کرده است، اثبات نشده باشد، لازم نیست به هیچ یک عمل شود... زیرا اصحاب حدیث سره و ناسره را نقل می کنند و در نقل روایات بر آنچه به [صدور] آن علم است، اکتفا نمی کنند... ابوعلی و ابن جنید کتابهای خویش را از احکامی آکنده کرده اند که در آنها بر پایه ظن عمل کرده اند و از قیاس ناپسند، که روش مخالفان است، بهره برده اند.

با توجه به این مبانی، این سخن بسیار صحیح خواهد بود که:

هر یک از دو جریان [پیشین] از جهتی ناقص است؛ در جریان اول، فتوا همان متن روایت است، بدون تفریع و ردّ فرع بر اصل و بحث و مناقشه و نقد و استنتاج. اجتهاد به معنای مصطلح آن، در فقاهت دخالت و تأثیری ندارد و در جریان دوم اگر چه استدلال و نظر هست، لیکن گویا، آن نیست که به اقتضای تعالیم مکتب اهل بیت علیهم السلام باید باشد، است... .

فقه مفید از این هر دو عیب پاک و دارای هر دو مزیت است؛ یعنی هم بر روشهای معتبر نزد امامیه تکیه دارد و هم از اجتهاد مصطلح و دخالت دادن عنصر استدلال و استنباط نظری در فقه بهره مند است. بنابراین، او همان کسی است که قالب علمی مقبول و معتبر را نزد شیعه به دست آورد و موارد مأثور و اصول متلقات را نظم علمی بخشید و آن را در حوزه فقاهت شیعه باقی گذارد. (2)

ص: 117

1- (1). المسائل السرويه، ص 73. [1]

2- (2). از پیام رهبر انقلاب به کنگره شیخ مفید، ص 31.

این شیوه در علم کلام، دقیق تر و شیواتر مورد عمل قرار گرفت. دخالت عنصر سمع، که به معنای شنیدن متون و حیانی از معصومین علیهم السلام است، در کنار معیار و مبنای عقل در حوزه مباحث کلامی،

از ویژگیهای مدرسه حدیثی بغداد است. شیخ مفید در آثار خویش به این واژه فراوان توجه دارد. (1)

4. تثبیت هویت مستقل مکتب اهل بیت علیهم السلام

خطر بزرگی که پس از آغاز دوران غیبت کبری تفکر شیعی را تهدید می کرد، نفوذ تفکرات بیگانه با این مذهب در درون آن بود. در زمان حضور امامان علیهم السلام، امام به عنوان مرزبان بیدار و هوشیار، نگهبان این تفکر بود. پس از آغاز غیبت، این وظیفه مهم بر عهده دانشمندان شیعه قرار گرفت. آنان باید با استفاده از میراث ارزشمند ائمه علیهم السلام، به تبیین چارچوب دقیق فکری شیعه، به عنوان یک نظام فکری و عملی، می پرداختند به گونه ای که بتوانند هم از انحراف و خروج از حیطه مبانی مذهب جلوگیری کنند و هم آزادی فکری درون مذهبی را محدود نکنند تا تشیع بتواند به نیازهای زمانه پاسخ گوید و در مواجهه با مشکلات فکری و عملی سربلند بیرون آید.

مدرسه حدیثی قم، در قبال انحراف بیرونی به شدت و بی ملاحظه واکنش نشان می داد، ولی قدرت پاسخ گویی به نیازهای زمانه را نداشت؛ به این سبب گرایش های معتزلی در میان متفکران شیعی پیدا شد. (2)

مبارزه حذفی با خطر غلو؛ یعنی اخراج و تبعید متهمان به غلو، با تعریف خاص قم نیز مشکل را حل نکرد.

اما مدرسه بغداد، به رهبری شیخ مفید (رحمة الله علیه) هویت مستقلی برای پیروان مکتب اهل بیت تثبیت کرد. این امر در بغداد و در حضور نحله های فکری

ص: 118

1- (1). مراجعه شود به آثار شیخ مفید که دهها بار این واژه را به کار برده و گاه آن را تنها طریق دست یابی به شناخت هستی دانسته است؛ برای نمونه: «والکلام فی عذاب القبر: طریقته السَّمْعُ دونَ العقل...»؛ المسائل السرویه، ص 62. [1] سید مرتضی (رحمة الله علیه) نیز این واژه را به کار برده است؛ ر.ک: به کتاب تنزیه الانبیاء، ص 58 و...).

2- (2). خاندان بنی نوبخت نمونه خوبی از شیعیان متمایل به تفکر اعتزال هستند. ابن جنید نیز نمونه فقهی این گرایش است.

متفاوت بسیار با اهمیت می نمود.

تأسیس فقه تفریعی شیعه با استفاده از اصل اجتهاد و با بهره برداری از سرمایه حدیث اهل بیت علیهم السلام، از ثمرات مدرسه بغداد است که تاکنون ادامه دارد.

نگارش اولین کتابهای اصولی، همانند التذکره باصول الفقه، نگاشته شیخ مفید (رحمة الله علیه)، الذریعه، به قلم سید مرتضی (رحمة الله علیه) و عدة الاصول نوشته شیخ طوسی (رحمة الله علیه) از ثمرات این تفکر است. همچنین نگارش کتابهای کلامی چون بسیاری از کتابها و رساله های شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و کراچکی نیز در این راستا است.

شیخ مفید (رحمة الله علیه)، در کتاب اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات به بیان تفاوت میان شیعه و معتزله پرداخته و آنها را بر فراز آورده است.

تبیین نظر شیعه در برخی از مسائل، همانند صفات خدا، عصمت و امامت از ویژگیهای این مکتب فکری است.

تفکر حاکم بر مدرسه بغداد را می توان، تفکری منطقی و روزآمد و در خلاف جهت تفکر حاکم بر اخباریان (1) به شمار آورد.

محدثان مشهور و آثار ماندگار مدرسه بغداد

در مباحث پیشین، مهم ترین محدثان و شخصیت‌های تأثیرگذار مدرسه بغداد را مورد بررسی قرار دادیم. شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی و سید رضی، چهار نفر از سرشناس ترین عالمان این مدرسه هستند که با توجه به شهرت این افراد و اشاره هایی که در درسهای پیشین به زندگی نامه های ایشان داشتیم، از توضیح بیشتر درباره این افراد صرف نظر می کنیم.

کتابهای تهذیب الأحکام، الإستبصار، نهج البلاغه، امالی مفید، امالی طوسی و الغیبه از مشهورترین آثار ماندگار حدیثی مدرسه بغداد هستند که در درسهای پیشین این کتابها و آثار دیگر این مدرسه را مورد بررسی قرار دادیم.

ص: 119

دقت و تأمل در متون حدیثی و تاریخی مربوط به سده های چهارم و پنجم، بیانگر این است که علاوه بر مدرسه های حدیثی قم و بغداد، حوزه های کوچک و بزرگ حدیثی شیعی فراوانی نیز در گوشه و کنار سرزمینهای اسلامی وجود داشت. تعدد و تنوع این حوزه های حدیثی، مرهون گستردگی جغرافیای مناطق شیعی و تلاش عالمان و حدیث پژوهان در شهرهای گوناگون بود.

با نگاه به سازمان وکالت ناحیه مقدسه، (1) تنوع جغرافیایی مناطق شیعه نشین در این دو سده، روشن تر می شود. در ابتدای سده چهارم و در سالهای پایانی غیبت صغری، وکیلان مستقیم و یا باواسطه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در شهرهای گوناگون پراکنده بودند، به طوری که شهرهایی چون بغداد، قم، آوه، ری، همدان، نیشابور و... هر کدام وکیلی خاص برای ناحیه خود داشتند. طبیعی است که تعداد شیعیان این شهرها و احتیاج علمی و درآمد اقتصادی آنها به حدی بوده است که می بایست شخصی خاص، متولی این امور گردد. این گونه شهرها، حوزه حدیثی و

ص: 123

1- (1). «سازمان وکالت» اصطلاحی است که به تشکیلات منظم وکلای امامان معصوم اشاره دارد. پیدایش وکیلان از آغاز دوران امامت و گسترش این افراد در دوران پس از امام باقر علیه السلام، اقتضای آن داشت که سازمانی تشکیلاتی به این افراد و رابطه بین آنها برآورد. این تشکیلات منظم در زمان امام هادی و امام عسکری علیهما السلام، شاکله نهایی خود را پیدا کرده و برای هر منطقه شیعه نشین، فرد یا افرادی را به عنوان «وکیل ناحیه مقدسه» معرفی نمود. آقای دکتر محمدرضا جباری در کتاب دراز دامن سازمان وکالت، تحقیق مفصلی در مورد این وکیلان انجام داده است.

معارفی نیز داشتند و هر مقدار شهر و تعداد شیعیان ساکن در آن گسترده تر و بیشتر می شد، حوزه حدیثی آن نیز قدرتمندتر می شد.

تقسیم بندی حوزه های حدیثی

اشاره

به منظور آشنایی دقیق تر با حوزه های حدیثی، آنها را به چند گروه اصلی تقسیم و حوزه ها را در گروه های کوچک تر بررسی می کنیم.

منطقه ایران؛ شامل حوزه های: خراسان بزرگ (سمرقند، کش و نیشابور)، جبل (طبرستان و قزوین)، مرکزی (قم، ری، کاشان و همدان) و جنوب (اهواز و فارس).

منطقه عراق؛ شامل حوزه های: بغداد و کوفه.

منطقه شامات؛ شامل حوزه های: مصر، شام و حلب.

حوزه های حدیثی خراسان

اشاره

خراسان، منطقه ای بزرگ در شرق سرزمینهای اسلامی است که در دوران خلیفه دوم و سوم و در زمان امامت امام علی علیه السلام به تصرف مسلمانان درآمد. خراسان آن روزگار، علاوه بر خراسان موجود در زمان ما، کشورهای شرق دریای خزر، قسمتی از افغانستان و بخشی از کشورهای آسیای میانه را نیز در بر می گرفت. (1)

بیشتر مناطق خراسان محل سکونت اهل تسنن بود و حوزه های حدیثی سنی نیز در آن دیار پررونق بود. شیعیان در بعضی از شهرهای خراسان، همانند سبزوار، اکثریت داشتند و در شهرهای دیگر نیز رابطه خوبی با اهل سنت داشتند. سنّیان منطقه خراسان به علت همجواری با بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام و دوری از منطقه شام و حجاز، در برخورد با شیعیان و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام تعصب کمتری داشتند. وجود روایانی با عنوان خراسانی، مروزی، هروی، (2) بلخی و... در میان اصحاب امامان علیهم السلام، (3) بیانگر رواج تفکر شیعی در این منطقه است.

ص: 124

1- (1) ر.ک: معجم البلدان، ج 2، ص 350.

2- (2) مروزی، یعنی کسی که در مرو زندگی می کرده است. لقب هروی نیز برای ساکنان و منسوبان به هرات به کار می رفته است؛ همانند: ابوالصلت هروی.

3- (3) ر.ک: رجال نجاشی، ص 25، 72، 189، 139، 407.

ارتباط محدثان سنی و شیعه، نسبتاً مناسب بود و گاه برخی از محدثان یک فرقه از محدثان فرقه دیگر حدیث نقل می کردند. شیخ صدوق اساتید سنی فراوانی داشت که بسیاری از آنان خراسانی بودند؛ وی به شهرهای بلخ، سرخس، ایلاق، سمرقند، فرغانه و مشهد سفر کرده (1) و در ایلاق تصمیم گرفت که کتاب من لا یحضره الفقیه را بنا به درخواست ابوعبدالله نعمت، تألیف کند. (2)

خراسان حوزه های حدیثی گسترده و متنوعی داشت که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم:

1. سمرقند

منطقه ای در شمال خراسان و از شهرهای باستانی بود که پیشینه ای علمی داشت. عالمان شیعه در سمرقند حوزه علمی قابل توجهی بنیان گذاردند.

محمد بن مسعود عیاشی و ابوعمر و کشی، دو تن از مشهورترین عالمان این حوزه حدیثی هستند.

نجاشی درباره ابونضر عیاشی (3)، که خانه اش را به مدرسه ای علمی تبدیل کرده بود، نوشته است:

داره التي كانت مرتعاً للشيعة وأهل العلم (4).

خانه اش مرتع (محل رفت و آمد و بهره گیری) شیعیان و دانشمندان بود.

همچنین افزوده است:

أنفق أبو النضر على العلم والحديث تركةً أبيه سائرهما و كانت ثلاثمائة ألف

ص: 125

1- (1). مقدمه معانی الاخبار به قلم علی اکبر غفاری، ص 17 25.

2- (2). ر.ک: من لا یحضره الفقیه، ج 1، مقدمه شیخ صدوق.

3- (3). وی قبل از گرویدن به تشیع بر مذهب اهل سنت بود. نجاشی او را «ثقة، صدوق، عین من عیون هذه الطائفة» خوانده است، که اساتیدی از کوفه، بغداد و قم داشته است. وی حدوداً هم طبقه کلینی با اندکی تقدم و فردی کثیر التالیف بود. شیخ طوسی و ابن ندیم کتابهای او را بیش از دوست عنوان دانسته اند. (فهرست شیخ طوسی، ص 212؛ فهرست ابن ندیم، ص 244) نجاشی نام یکصد و هفتاد کتاب او را ذکر کرده است که تفسیر عیاشی، تنها کتاب باقیمانده از اوست و از مهم ترین منابع تفسیر مأثور شمرده شده که بیش از دو هزار حدیث دارد (ر.ک: مقدمه تفسیر عیاشی به قلم علامه طباطبایی، ص 15).

4- (4). رجال نجاشی، ص 372.

دینار و کانت داژه کالمسجد بین ناسخ او مقابل او قاری او معلق مملوءة من الناس (1).

ابونضر [محمد بن مسعود، معروف به عیاشی] تمام ارث پدرش را، که سیصد هزار دینار بود، در راه علم و حدیث صرف کرد. در خانه اش یا ناسخان بودند و یا مقابله گران، قاریان و حاشیه نگاران، و همچون مسجد، آکنده از مردمان بود.

ابوعمر و کشی (2) عالم دیگر این دیار حدود ده تن از عالمان این حوزه را شاگردی کرده است که نام آنان در کتاب رجال او ذکر شده است.

از عالمان دیگر این دیار می توان به افراد زیر اشاره کرد:

1. حسین بن اشکیب مروزی، که در سمرقند و کش ساکن بوده است؛ (3)

2. جعفر بن احمد بن ایوب، استاد عیاشی؛ (4)

3. محمد بن مسعود بن مزید کشی؛ (5)

4. محمد بن ابراهیم وراق سمرقندی؛ (6)

5. حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی؛ (7)

6. جعفر بن محمد بن مسعود عیاشی (8)؛ که راوی تمام کتب پدرش بوده است.

ص: 126

1- (1). همان، ص 351.

2- (2). محمد بن عمرو کشی از محدثان مشهور سمرقند است که شاگرد عیاشی و استاد تلکبری بوده است. نجاشی درباره وی نوشته است: کان ثقة عیناً و روى عن الضعفاء كثيراً و صدح العیاشی و أخذ عنه. مردی معتبر و متشخص (عین) است. وی از روای ضعیف بسیار نقل کرده، شاگرد عیاشی بوده و از وی کسب علم کرده است. وی حدوداً هم طبقه ثقة الاسلام کلینی با اندکی تأخر است. کتاب رجال او آنقدر شهرت داشته که شیخ طوسی منتخبی از آن را با نام اختیار معرفة الرجال ارائه کرده که در دسترس است. مهم ترین امتیاز این کتاب، نقل مسند روایات و اخبار مربوط به راویان آن است. این شیوه در کتابهای دیگر رجالی رعایت نمی شود.

3- (3). رجال نجاشی، ص 44.

4- (4). همان، ص 121.

5- (5). رجال کشی، ص 551 و [1]

6- (6). همان، ص 817 و.... [2]

7- (7). فهرست شیخ طوسی، ص 120.

8- (8). همان، ص 215 به بعد.

شیخ طوسی بیش از چهل نفر دیگر از محدثان این دیار را نام برده است. (1) بسیاری از عالمان این منطقه با عنوان شاگردان و یا غلمان (2) عیاشی توصیف شده اند.

2. نیشابور

نیشابور در سده های اولیه تاریخ اسلام، یکی از حوزه های حدیثی مشهور سنّیان بود. مسلم نیشابوری، صاحب کتاب صحیح مسلم، و حاکم نیشابوری، مؤلف کتاب المستدرک علی الصحیحین، از مشهورترین محدثان آن دیار هستند. عبور امام رضا علیه السلام از نیشابور و درخواست عالمان آن دیار برای شنیدن روایت از ایشان، بیانگر کم بودن تعصب در میان محدثان سنی آن دیار است.

محدثان شیعی نیز در نیشابور حوزه درسی داشتند. محدثانی همچون: حمدان بن سلیمان نیشابوری، (3) علی بن محمد بن قتیبه، (4) ابامحمد علوی، (5) یحیی بن محمد، (6) شاگرد فضل بن شاذان و استاد ابوعمرو کثی، و مهم تر از همه، فضل بن شاذان از این دیار برخاسته اند. خاندان فضل بن شاذان، همچون پدر و فرزندانش، خانواده ای مشهور و معتبر از محدثان بوده اند. مقبره فضل بن شاذان در نیشابور است.

شیعیان نیشابور آنقدر زیاد بودند که ابراهیم بن عبده از زمان امام هادی علیه السلام به عنوان وکیلی خاص برای آن دیار منصوب شد؛ وی از اصحاب امام هادی علیه السلام بود که زمان امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و غیبت صغری را نیز درک کرده است. (7)

قتال نیشابوری و روضة الواعظین

ابوعلی محمد بن حسن فتال نیشابوری از محدثان این دیار در قرن پنجم است. وی در نیشابور و بغداد تحصیل کرد. اساتید بغدادی او شیخ طوسی و سید مرتضی

ص: 127

- 1- (1) ر.ک: رجال طوسی، ص 405 به بعد.
- 2- (2) غلمان در لغت جمع غلام به معنای فرزند است و در اینجا مراد شاگردان است.
- 3- (3) رجال نجاشی، ص 138.
- 4- (4) همان، ص 259.
- 5- (5) همان، ص 422.
- 6- (6) همان، ص 443.
- 7- (7) ر.ک: اختیار معرفة الرجال، ج 2، ص 846-848؛ رجال طوسی، ص 397 و 384.

بوده اند. ابن شهر آشوب نیز از شاگردان او بوده است. وی در سال 508 در نیشابور در گذشت، (1) شیخ منتجب الدین او را شهید خوانده است. (2)

کتاب مشهور او روضة الواعظین و بصیرة الْمُتَعِظِينَ نام دارد که در پی جمع آوری مباحث بنیادین عقیدتی و بیان آداب و اخلاق و مواعظ بوده و آن را به صورت ابواب و مجالس (در صد مجلس) سامان داده است.

خاتمه

افراد دیگری با القاب سَرخسی، هَرَوی، مَرَوزی، بلخی، بیهقی و... در این دوران بوده اند که در حوزه خراسان تحصیل و تدریس می کرده اند، (3) ولی شهر آنان حوزه حدیثی نداشته است. مثلاً منطقه بیهقی، به ویژه سبزوار، منطقه ای شیعه نشین بوده ولی گزارش معتبری از حوزه حدیثی شیعه دوازده امامی در این دیار در دست نیست.

نکته مهم این است که شماری از روایان منطقه خراسان، به تفکر غالگیری متهم هستند. (4)

حوزه طبرستان و دیلم

به دلیل کوهستانی بودن منطقه طبرستان و فاصله زیاد آن با شام و بغداد، بسیاری از سادات و شیعیان فراری از حکومت، به این منطقه مهاجرت کردند که حضور عالمان و سردمداران زیدیه در این دیار شاهدی بر این مدعاست. یحیی بن عبدالله بن حسن، از اصحاب امام صادق علیه السلام و از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام، از جمله کسانی بود که پس از قیام شهید فخر (5) به این منطقه گریخت.

چون طبرستان در مسیر حرکت شیعیان به سمت خراسان بود، بنابراین حوزه های حدیثی در آمل، گرگان و... تأسیس شد. نجاشی به نقل از ابومحمد حسن بن حمزه

ص: 128

1- (1). مقدمه کتاب روضة الواعظین.

2- (2). فهرست منتجب الدین، ص 108. [1]

3- (3). ر.ک: تاریخ تشیع در ایران، ج 1، ص 260 به بعد. [2]

4- (4). ر.ک: همان، ص 265.

5- (5). حسین بن علی بن حسن، از نوادگان امام حسن علیه السلام بود که در زمان خلافت هادی از خلفای بنی عباس قیام کرد و در سال 169. در منطقه فخر، در نزدیکی مکه، به شهادت رسید.

أَنَّ أَبَا الْعَبَّاسِ أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدٍ الدِّينَوْرِيَّ حَدَّثَهُمْ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ بِكُتْبِهِ وَ جَمِيعِ مُصَنَّفَاتِهِ عِنْدَ مُنْصَرَفِهِ مِنْ زِيَارَةِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَيَّامَ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ النَّاصِرِ بِأَمْلِ طَبْرِسْتَانَ سَنَةَ ثَلَاثِمِائَةٍ (1).

ابوالعباس احمد بن محمد دینوری هنگام بازگشت از زیارت امام رضا علیه السلام در آمل طبرستان، به روزگار [حکومت] جعفر بن حسن ناصر، سال سیصد [قمری]، کتابها و تمامی نگاشته های حسین بن سعید را بر آنان روایت و بدانان منتقل کرد.

مرعشیان طبرستان نیز گروهی کهن و پرجمعیت بودند که به بغداد و شهرهای دیگر رفته و در منطقه خویش نیز حوزه علمی و حدیثی داشتند.

کثرت راویانی که با لقب طبری در کتابهای رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی آمده، از وجود حوزه ای پررونق در این مناطق حکایت دارد؛ همچنین وجود سلسله سند راویان که از یک منطقه برخاسته و در همان منطقه زیسته اند، نشانه عدم مهاجرت این افراد از منطقه خویش است.

مثلاً کتاب المُسْتَرَشِد، نگاشته محمد بن جریر بن رستم طبری آملی، به وسیله شاگردش حسن بن حمزه طبری روایت شده است. (2) محمد بن جریر بن رستم، زاده ساری و محمد بن حسن بن عبیدالله نیز ساکن آمل بوده اند. (3)

وجود کتابی با نام جوابات اهل طبرستان (4) از تألیفات شیخ مفید، حاکی از ارتباط این منطقه با مدرسه علمی بغداد است.

گرگان (جرجان) نیز منطقه ای بوده است که عالمان فراوانی داشته که با وصف جرجانی در اسناد و کتابهای رجال یاد شده اند؛ سید مرتضی و شیخ مفید نیز هر دو در اسناد شیخ صدوق، که گاه به محل تحمل روایت نیز اشاره می شود، به مواردی از نقل کدام کتابهایی با نام المسائل الجرجانیه نگاشته اند. (5) شیخ مفید کتابهایی با نام المسائل المازندرانیه نیز دارد. (6)

1- (1). رجال نجاشی، ص 60.

2- (2). همان، ص 376.

3- (3). همان، ص 395.

4- (4). همان، ص 401.

5- (5). فهرست شیخ طوسی، ص 165 238.

6- (6). همان.

حدیث در مناطق مختلف طبرستان اشاره شده است. (1) پیدایش آل بویه از این منطقه نیز دلیل دیگری بر رواج باورهای شیعی در این منطقه است.

عبدالجلیل قزوینی در کتاب النقص دربارهٔ مدرسه های شیعیان در این مناطق نوشته است:

اگر به تعدید مدارس سادات مشغول شویم، در بلاد خراسان و حدود مازندران و شهرهای شام، از حلب تا حَرَّان، و از بلاد عِراق چون قم و کاشان و آبه، که مدارس چند است؟ و کی بوده است؟ و اوقاف چند؟ طومارات کتب خواهد! (2)

حوزه ری

در قرن چهارم و پنجم شیعیان ری، گروهی بانفوذ و رو به پیشرفت بوده اند، هر چند اکثریت مردم و عالمان این دیار سنی بودند.

در میان اصحاب امامان علیهم السلام از راویانی با وصفِ رازی یاد شده است. (3) برخی، از شهرهایی چون کوفه به این شهر مهاجرت کرده اند که یحیی بن عَلاء بَجَلی کوفی از این گروه است. (4)

حضور حضرت عبدالعظیم حسنی در ری (قرن سوم) و مدفن آن بزرگوار، سبب ترویج فرهنگ شیعی در این شهر شد. خاندان ثقة الاسلام کلینی نیز از عالمان این دیار بودند. علی بن محمد رازی مشهور به عَلَّان کلینی، استاد و دایی ثقة الاسلام کلینی است که کتابی با نام اخبار القائم نگاشته است. کلینی زادهٔ کلین در نزدیکی شهر ری است که با عبارت «شَيْخُ اصْحَابِنَا بِالرِّي» توصیف شده است.

نزدیکی ری به قم موجب ارتباط بین عالمان این دو شهر بود. اگرچه مدرسهٔ حدیثی قم بسیار مهم تر بود و بر حوزهٔ حدیثی ری بیشتر تأثیر داشت، ولی آزادی عمل در ری، باعث شد برخی از تبعیدیان قم به این شهر هجرت کنند که سهل بن زیاد رازی از این گروه است. از این رو برخی از افراد محدثِ ری، به غلو متهم شدند و برخی نیز با این اتهام از قم به ری مهاجرت کردند. (5)

ص: 130

1- (1) ر.ک: توحید، ص 381، خصال، ص 165.

2- (2) ر.ک: تاریخ تشیع در ایران، ج 1، ص 380، [1] به نقل از کتاب النقص، ص 34. [2]

3- (3) رجال نجاشی، ص 109، 126، 228 و....

4- (4) همان، ص 443.

5- (5) ر.ک: رجال ابن غضائری، ص 51، 66، 79، 97، 125 و 43.

سیطره آل بویه بر ری و به قدرت رسیدن وزیران دانشمندی همچون صاحب بن عبّاد، موجب رواج فرهنگ شیعی در این شهر شد. کتابخانه مشهور صاحب، در این شهر آکنده از کتابهای کلامی، حدیثی و ادبی بود. شیخ صدوق، کتاب عیون الاخبار را برای صاحب بن عباد نوشت و به کتابخانه او هدیه کرد.

خاندان شیخ صدوق تا سالها بعد، از عالمان این دیار بوده اند. وجود افرادی چون محمد بن عبدالرحمن بن قبه رازی، شیخ جعفر دوزیستی (1) (طرشتی)، محمد بن حسان رازی، عبدالله بن احمد رازی و بسیاری دیگر با این عنوان، نشان می دهد که عالمان شیعی در نسلهای متفاوت در این شهر می زیسته اند.

در کتاب فهرست مُنتَجَب الدین، از نوادگان شیخ صدوق، بسیاری از دانشمندان و مؤلفان این شهر نام برده شده است. نام دهها دانشمند شیعی این حوزه را، با مراجعه به کتاب مفاخر ری نیز می توان یافت. (2)

هجوم سلطان محمود غزنوی در سال 420 هجری، اگر چه موجب سقوط آل بویه در این شهر و خراب شدن مدارس و کتابخانه های شیعی گشت، ولی حوزه آموزشی و معرفتی شیعه در این شهر، همچنان پا برجا ماند و سالهای زیادی به ترویج مکتب اهل بیت علیهم السلام پرداخت.

حوزه مصر

ارتباط مصریان با اهل بیت علیهم السلام پیشینه ای کهن دارد. درخواست مردم مصر برای حکمرانی محمد بن ابی بکر، فرزندخوانده امام علی علیه السلام، بیانگر دوری گزیدن آنان از امویان و اشتیاق ایشان به نزدیکی به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است. اسماعیل، فرزند امام کاظم علیه السلام، نیز به مصر مهاجرت کرد و فرزندانش در آنجا ساکن شدند.

راویان دیگری نیز در مصر می زیسته و یا در آنجا حدیث خوانده و گفته اند که

ص: 131

1- (1). دُوزِیْسْت مِّنْ فُرَى الرَّیِّ (معجم البلدان، ج 2، ص 484).

2- (2). ر. ک: مجموعه آثار کنگره بزرگداشت حضرت عبدالعظیم علیه السلام، ج 17؛ حسن صادقی، مفاخر ری، ص 278-286. (نامهای محدثان این دیار فهرست شده است).

احمد بن محمد جرجانی، (1) محمد بن احمد صابونی، (2) عبیدالله فضل (3) و محمد بن محمد بن اشعث (4) از این جمله اند.

محمد بن محمد بن اشعث متولد کوفه است که به مصر مهاجرت کرد. کتابی با نام اشعثیات و یا جعفریات به او منسوب است که مجموعه روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله است که امام صادق علیه السلام آنها را از طریق پدران پاک نهاد خود روایت کرده است. مرحوم فضل الله راوندی خلاصه ای از آن با نام النوادر تهیه کرده است. (5)

قرن چهارم و پنجم، دوران قدرت یافتن فاطمیان در مصر بود. اگرچه آنان تفکر اسماعیلی داشتند، ولی تکیه گاه احکام حقوقی و آداب اجتماعی آنان برگرفته از تفکر شیعی بود. تشکیل مدرسه علمی عظیم الازهر در مصر، موجب رواج آموزش آموزه های معرفتی اهل بیت علیهم السلام در آنجا گردید.

قاضی نعمان مغربی، عالم مشهور این دوره (م 363 ق) است. او دو کتاب مشهور خود، دعائم الاسلام و شرح الأخبار، را از مجموعه روایات شیعه فراهم آورده است.

پیشینیان در مذهب قاضی نعمان اختلاف کرده اند. عده ای او را سنی مذهب دانسته اند و برخی همانند علامه مجلسی (6) و محدث نوری (7) بر امامی بودن او تأکید کرده و گفته اند که وی به تقیه عمل می کرده است؛ علامه مجلسی می گوید: «اکثر روایات او در مصادر شیعی موجود است و این دلیل بر تشیع او است.» (8)

کتاب دعائم، فقه حکومتی اسماعیلیه مصر را تدوین کرده و با استناد به روایات اهل بیت علیهم السلام آن را اثبات کرده است. تمامی روایات کتاب، مرسل و مطابق با نظر مؤلف آن صحیح شمرده می شود.

ص: 132

1- (1). رجال نجاشی، ص 86.

2- (2). همان، ص 126.

3- (3). همان، ص 232.

4- (4). همان، ص 379.

5- (5). ر. ک: نوادر راوندی، مقدمه.

6- (6). بحار الأنوار، ج 1، ص 36.

7- (7). خاتمه مستدرک، ج 1، ص 40 به بعد.

8- (8). بحار الأنوار، ج 1، ص 36.

کتاب دیگر او شرح الاخبار است که به فضایل امامان تا امام صادق علیه السلام پرداخته است. تأمل در این دو کتاب و چگونگی نگاه قاضی نعمان به موضوع مهدویت، این نکته را به اثبات می‌رساند که او شیعه دوازده امامی نیست؛ چرا که حاکم فاطمی را به عنوان امام مهدی و امام عصر مطرح می‌کند (1) که به هیچ وجه با عقاید شیعی تناسب ندارد. مباحث انتهایی کتاب که درباره مهدویت است، همه بر خلفای فاطمی تطبیق شده است.

وی اگر چه شیعه دوازده امامی نیست، ولی از مصادر حدیثی شیعیان بسیار استفاده کرده و باعث انتقال میراث حدیثی پیشینیان به ما شده است.

ص: 133

1- (1). شرح الأخبار، ص 58-88.

درس هفتم: حدیث در سده های ششم و هفتم

اشاره

ص: 135

وضعیت علم حدیث، حوزه ها و دانشوران حدیث در سده های ششم و هفتم

تسلط ترکان سلجوقی بر بغداد در نیمه قرن پنجم، موجب از هم پاشیدگی حوزه شیعی بغداد گشت. حوزه شیعی بغداد در زمینه فقه، کلام و حدیث، مبانی و معیارهایی نو وضع کرده بود و شادابی و نشاط فراوان داشت.

پس از قدرت گرفتن سلجوقیان، این تحرک علمی از میان رفت و به رکود و سکون گرایید. سلجوقیان، که تا اواسط قرن هفتم به حکومت داری مشغول بودند، بغداد را برای شیعیان ناامن ساخته بودند. آنان انتقام عباسیان از سالهای طولانی وزارت آل بویه از شیعیان و عالمان این دوره می گرفتند. همین وضعیت موجب شد شیخ طوسی به نجف هجرت کند و حوزه نجف را بنیان نهد.

بدین سبب در قرن ششم و نیمه اول قرن هفتم وضعیت اجتماعی و سیاسی برای فعالیت شیعیان مناسب نبود. خفقان و سخت گیری سیاسی و اجتماعی، سبب پدید آمدن نوعی رکود در این حوزه و حوزه های دیگر شیعی شده بود. هر چند سخت گیریهای اجتماعی و درگیری با اکثریت سنی، در میان جامعه وجود داشت، اما در سالهای پایانی خلافت عباسیان، وضعیت شیعیان بهبود یافت و برخی از آنان مقام وزارت بنی عباس را در اختیار گرفتند و به بازسازی اماکن شیعی و ترمیم آسیب های پدید آمده پرداختند. آخرین وزیر بنی عباس، ابن علقمی بود که باور شیعی داشت و با خواجه نصیرالدین طوسی دوستی و مشاوره می کرد.

هجوم مغولان به رهبری هلاکُو به بغداد موجب سقوط خلافت عباسی در سال 656 هجری گشت. سقوط خلافت عباسی آزادیهای سیاسی را برای توده در بند و به ویژه شیعیان به ارمغان آورد. درباریان و خاندان خلیفه، که در سخت گیری بر شیعیان و حتی

قتل و غارت آنان از هم سبقت می گرفتند، برکنار شدند و حکومت جدید بر سر کار آمد. این حکومت از هیچ دین و مذهبی حمایت نمی کرد و سعی داشت نوعی آزادی مذهبی را در جامعه رواج دهد. نیک اندیشی عالمان شیعی در مصون ماندن برخی از شهرهای شیعی و آینده نگری آنان، به ویژه خواجه نصیرالدین طوسی، در رویارویی با مغولان در زمینه سازی برای آزادی عمل شیعیان مؤثر بود. خواجه نصیرالدین طوسی در دوران آخرین خلیفه عباسی و همچنین در زمان هلاکو، در میان درباریان مقامی خاص و ویژه داشت.

وضعیت شیعیان در مناطق دیگر نیز چندان مناسب نبود. ایوبیان (صلاح الدین ایوبی و...)، که در نیمه قرن ششم بر مصر مسلط شده بودند، سلسله فاطمیان را برانداختند و شیعه ستیزی را آغاز کردند.

اگرچه معمولاً به رو در روی ایوبیان با مسیحیان در جنگهای صلیبی اشاره می شود و ایوبیان را تحسین می کنند، ولی به نقطه ضعف مهم آنان در گسترش دشمنی علیه شیعیان کمتر اشاره می شود.

ایوبیان با سخت گیری بر شیعیان مصر موجب از بین رفتن این تفکر در سرزمین مصر گشتند. در مجموع می توان گفت که در این دوران، جامعه شیعی در وضعیت مناسبی به سر نمی برد. نامساعد بودن فضای سیاسی و اجتماعی موجب پدید آمدن روحیه سرخوردگی در محیط علمی جامعه شیعی گشت.

پس از سالهای 450 هجری، نگارشهای مهم و تأثیرگذار بر جامعه شیعی کمتر به چشم می آید. این تنها، وضعیت علم حدیث نبود، بلکه دیگر علوم نیز وضعیتی این چنین داشتند.

تا سالیانی دراز پس از شیخ طوسی (رحمه الله)، فقیه صاحب نظر و مشهوری در میان عالمان شیعه وجود نداشت؛ از این رو، این زمان را دوران مقلده، یعنی دوران حضور عالمان پیرو شیخ طوسی نامیده اند.

شیخ سدیدالدین حمّصی از عالمان قرن ششم گفته است:

پس از شیخ طوسی هیچ مفتی و فقیه صاحب نظری وجود نداشت و همه فقیهان شیعه ناقل و گزارشگر نظرات شیخ بودند (1).

ص: 138

برخی پدید آمدن این دوران را ناشی از عظمت و بزرگی شیخ طوسی دانسته اند؛ (1) اگرچه بزرگی شیخ طوسی و نبوغ ایشان مورد تأیید همگان است، ولی عامل اصلی در نبود نشاط فکری در جامعه شیعی، نامساعد بودن اوضاع سیاسی و اجتماعی بوده است. این محیط نابسامان، فضای مناسب برای تفکر و جهش فرهنگی در حوزه های فقه، حدیث و معارف را فراهم نمی کرد. البته دوران سکون و رکود فقه، در اواخر قرن ششم به پایان رسید و با تلاش و کوشش عالمانی همچون ابن ادریس حلی (م 598ه) دوران طراوت فقه شیعی آغاز گشت.

ولی در حوزه حدیث، این تحرک پدید نیامد. معارف حدیثی و گونه های متفاوت نگارش و کوشش در آن به کندی به حرکت خویش ادامه می داد. حوزه ها و مدرسه های حدیثی در شهرهای کوچک و بزرگ وجود داشت و کتابهای حدیثی دست به دست می گشت و به نسل پسین منتقل می شد. گزارش این تلاش در سلسله اجازات راویان و محدثان به خوبی منعکس شده است.

سوگمندانه باید گفت: این تلاش و کوشش در خور جامعه عظیم و فرهیخته شیعی نبود. در طول این دوران، اثری تأثیرگذار و ماندگار پدید نیامد. آثار نگارش یافته در این زمان از گستره و اهمیت آثار مدرسه قم و بغداد برخوردار نیست.

برخی ویژگیهای فعالیتهای حدیثی این دو سده

رواج فضایل نگاری

فضایل نگاری در این دوران رواج یافته است. در این زمان، اهل سنت کتابهایی درباره نقل فضایل و مناقب اهل بیت نگاشته اند؛ مناقب خوارزمی (م 586ه) و مطالب السئول محمد بن طلحة شافعی متوفی 656 هجری از آن جمله است.

در نگارشهای شیعی، مناقب ابن شهر آشوب (588-489ه) مشهورترین اثر در مناقب نگاری این دوره است که برگرفته از دهها کتاب اهل سنت در منقبت نگاری امامان است.

ص: 139

برخی دلیل رواج منقبت نگاری در این دوران را رواج تفکر نقل گرا و افول تفکر عقل گرا دانسته اند. در این دوران گروه معتزله نابود شد و تفکر اهل حدیث رونق گرفت. شیعیان نیز از این روش برای پیشبرد آرمانهای خویش استفاده کردند. شاید اثر تخریبی سلجوقیان و هجوم اهل سنت به باورهای شیعی نیز در این رویکرد مؤثر بوده باشد.

مبادلات حدیثی

مبادلات حدیثی بین شیعه و اهل سنت نیز در این دوران دیده می شود. در این دوران نگاهشسته های حدیثی حساسیت کمتری نسبت به موضوعات فرقه ای دارند و مؤلفین شیعی از متون حدیثی اهل سنت استفاده کردند و برخی از نویسندگان اهل سنت نیز این روش را پی گرفتند. نقل روایات اهل سنت در کتابهایی همچون مجمع البیان، مکارم الأخلاق و مشکاة الانوار فراوان یافت می شود. این شیوه تنها در آثار برخی از قداما همچون شیخ صدوق دیده می شود.

ظهور خاندانهای دانشور

در این دوران به خاندانهای عالم و نگارشگران شیعی برمی خوریم. خاندان طبرسی، نمونه زیبایی از چند نسل عالمان را به جامعه شیعی عرضه کرده است.

خاندان علامه حلی نمونه دیگری است که علوم دینی را در طول چند نسل پاسداری کرده است. خاندان سید بن طاووس نیز در زمره این گروه قرار دارد.

فعالیت حدیثی شهرهای کوچک و ظهور دانشورانی برجسته در آن

اگرچه مناطقی بزرگ و مهم همچون بغداد، مصر، خراسان و قم در این دوران شاهد فعالیتهای چشمگیر حدیثی نبود، ولی شهرهایی کوچک را می توان یافت که نام خویش را در این دوران جاودانه ساخته اند.

شهر حله، مشهورترین شهر در این دوران است. این شهر که در اواخر قرن پنجم ساخته شد، محل زندگی عالمان بسیاری در این زمان است. ابن ادریس حلی، که پیشتر از او یاد کردیم، از آن جمله است. او در پایان اثر ماندگار فقهی خویش،

السراير، مجموعه ای حدیثی فراهم آورد که با نام *مُسَدِّ تَطَرُّفَاتِ السَّرَائِرِ* ماندگار شده است. ابن ادریس نواده دختری شیخ طوسی است و کتابهایی از مجموعه غنی کتابخانه شیخ طوسی را در اختیار داشته که احادیث آنها را در این بخش آورده است.

خاندان سید بن طاووس نیز از جمله عالمان حله هستند. علی بن موسی (664 589ه) که با لقب سید بن طاووس شهره است، نماد ادعیه نگاری در مجموعه میراث حدیثی شیعی است. برادر او احمد بن موسی (م 673ه) نیز محدثی گران قدر و در مباحث رجال و نقد حدیث صاحب نظر بود. تقسیم بندی چهارگانه حدیث به صحیح و حسن و موثق و ضعیف از ابتکارات اوست که در زمان شاگردش، علامه حلی، فراگیر شد.

خاندان علامه حلی از قبیل پدر، دایی، که به محقق حلی معروف است و کتاب شرایع الإسلام را نگاشته است، و فرزند علامه حلی، فخر المحققین، از مشاهیر عالمان حله هستند. ابن بطریق، (متوفی اواخر قرن ششم) مؤلف کتاب العمده نیز از عالمان حله در این دوران است.

شهر راوند کاشان از دیگر مناطقی است که در این دوران عالمان و مؤلفانی را در خود پرورش داده است. سعید بن هبة الله مشهور به قطب راوندی (م 573ه)، فرزندش محمد بن سعید (متوفی اواخر قرن ششم) و فضل الله راوندی (م 571ه) از این جمله اند.

امین الإسلام طبرسی و خاندان او، که در منطقه بیهق می زیستند و سالیانی دراز در مدارس آن دیار به تلاش علمی مشغول بودند، هم از عالمان و دانشوران برجسته سده ششم و هفتم هجری به شمار می روند.

برخی از محدثان سرشناس این دوره و آثار حدیثی آنان

اشاره

در بالا به برخی از محدثان و عالمان این دوره و آثار آنان اشاره کردیم. بعضی دیگر از این افراد و آثار نیز شایسته یادآوری هستند:

عبدالواحد آمدی (متوفی نیمه قرن ششم) مؤلف کتاب *عُرر الحکم و دُرر الکلم*؛

عمادالدین طبری (متوفی نیمه قرن ششم) مؤلف کتاب *بشارة المصطفى لشيعة المرتضى*؛

ابن حمزة طوسی (نیمه قرن ششم) نگارشگر کتاب الثاقب فی المناقب؛

مُنْتَجِبُ الدین بن بابویه (م 585ه) نگارنده کتاب رجالی فهرست منتجب الدین؛

قطب الدین کَیْدَری (اواخر قرن ششم) مؤلف کتاب دیوان امام علی علیه السلام؛

ابوعبدالله مشهدی (اواخر قرن ششم) مؤلف کتاب المَازِ الْکَبیر؛

وَرَّام بن ابی فَرَّاس (م 605ه) نگارنده کتاب تَنْبیه الخَوَاطِر؛

احمد بن علی طَبْرسی (م 620ه) نویسنده کتاب الإحتجاج؛

ابن نَمَا حَلّی (م 645ه) نگارنده کتاب ذَوْب النَّضَار و مُثِیرُ الْأَحْزَان؛

ابن میثم بحرانی (م 679ه) نویسنده کتاب شرح نهج البلاغه؛

شاذان بن جبرئیل (نیمه قرن هفتم) نویسنده کتاب الفضائل؛

محمد بن محمد شَعیری سبزواری (متوفی اواخر قرن هفتم) نویسنده کتاب جامع الأخبار؛

علی بن عیسیٰ اَزْبَلی (م 693ه) نگارنده کتاب کشف الغمّة.

این فهرست نشان می دهد که با وجود حوادث پدیدآمده در این دوران، عالمان شیعی نگاشته های متعددی را فراهم آورده اند؛ اگرچه این آثار از تألیفات دوره پیشین اهمیت کمتری دارد.

اکنون چند فرد از مجموعه عالمان و محدثان این دوران را به تفصیل معرفی می کنیم.

خاندان طبرسی

ابوعلی فضل بن حسن طبرسی مشهور به امین الإسلام، از بزرگان عالمان امامیه در قرن ششم هجری است.

مرحوم حسین کریمان معتقد است: طبرسی منسوب به طبرستان نیست، زیرا اگر این گونه بود باید طبری خوانده می شد؛ بنابراین، طبرسی منسوب به طبرس، معرّب تفرّش است. ایشان می نویسند:

در تاریخ بیهق که مؤلف آن از معاصران طبرسی بوده است و با هم آشنایی داشته اند، آمده است: «طبرس منزلی است میان قاشان و اصفهان و اصل ایشان از آن بَقَعَت است» (1).

ص: 142

طبرسی بیشتر عمر خود را در مشهد گذراند و بیش از بیست سال نیز در سبزوار به فراگیری علوم اسلامی مشغول بود. ظاهراً کتابهای مشهور او در محیط شیعی سبزوار نگارش یافته است.

نزدیک به بیست کتاب به امین الإسلام منسوب است. تفسیر مجمع البیان، کتاب أعلام الوری، کُنُوز النَّجَاح و... از نگاشته های اوست.

اگرچه تفسیر مجمع البیان به شدت تحت تأثیر تفسیر تبیان شیخ طوسی است، ولی شهرتی بس افزون یافته و مشهورترین تفسیر کهن در زمان ما گردیده است. او تفسیر دیگری به نام جوامع الجامع نیز دارد.

کتاب دیگر او أعلام الوری بأعلام الهدی در فضایل و احوال معصومین علیهم السلام است. این کتاب به گونه گزارشی و بسیار خلاصه، زندگی شخصی، سیره و مناقب اهل بیت را جمع آوری کرده است. (1)

کتاب کُنُوز النَّجَاح نیز به ایشان منسوب است. این کتاب شامل ادعیه است و یکی از مصادر سید بن طاووس در نگارش کتابهای دعا محسوب می شود.

طبرسی در سال 548 هجری در سبزوار درگذشت و در نزدیکی حرم امام رضا علیه السلام به خاک سپرده شد.

حسن بن فضل طبرسی، فرزند امین الإسلام و شاگرد ایشان است. مشهورترین کتاب موجود او کتاب مکارم الأخلاق است که به جمع آوری احادیثی پرداخته است که به بزرگواریه‌های اخلاقی مردم اشاره دارد. احادیث این کتاب بدون سند است و مؤلف از مصادر شیعه و اهل سنت استفاده کرده است.

علی بن حسن طبرسی، نواده امین الإسلام است. او کتابی با نام مِشْکَاةُ الْأَنْوَارِ نگاشته است که متمم کتاب مکارم الأخلاق محسوب می شود.

ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، مؤلف کتاب الإحتجاج نیز طبرسی است، ولی با خاندان پیشین ارتباطی ندارد. او معاصر امین الإسلام طبرسی بوده است. کتاب احتجاج، مجموعه مباحثات و احتجاجات معصومین علیهم السلام و یاران ایشان با

ص: 143

1- (1). برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به مجله آیین پژوهش شماره 46، ص 34 مقاله «طبرسی و کتاب أعلام الوری»؛ همچنین مقدمه کتاب أعلام الوری، ص 30 21.

مخالفان خود را جمع آوری کرده است. همچنین در پایان کتاب توقیعاتی از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمده است. در توصیف و مدح این کتاب فراوان سخن گفته اند، (1) ولی مرسل بودن متون و ضعف محتوایی برخی از آن متون، اعتماد کلی به کتاب را می زداید.

لازم به ذکر است که متون موجود در کتاب احتجاج ماهیت جدلی دارند و نباید آنها را عقاید حقیقی شیعه تلقی کرد. تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، کتاب سلیم بن قیس و کتابهای شیخ صدوق و سید مرتضی از جمله مصادر طبرسی در کتاب احتجاج است. (2)

ابن شهر آشوب 588 489ه

ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی، مفسر، محدث و فقیه امامی در سده ششم هجری است. تحصیل و تدریس او در شهرهای مختلف خراسان، بغداد، حله و حلب بوده است. (3) اساتید شیعه و سنی فراوانی داشته است که از آن جمله می توان به ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، قطب راوندی، جارالله زمخشری و خطیب خوارزمی اشاره کرد. ابن ادریس حلی، ابن بطریق حلی و ابن زهره هم شاگرد او بوده اند که حکایت از تدریس او در حله و حلب دارد.

ابن شهر آشوب در سال 588 هجری در حلب درگذشت و در آنجا مدفون گشت.

مشهورترین نگاهته های او سه کتاب هستند که اکنون نیز در دسترس است:

1. متشابه القرآن و مُخْتَلَفُهُ: مؤلف آیات متشابه را به ترتیب موضوعی بررسی و طبقه بندی کرده است.
2. معالم العلماء: از مهم ترین کتابهای فهرست و رجال شیعه در سده های پنجم تا هفتم است. این کتاب تلخیص فهرست شیخ طوسی است که زیاداتی درباره عالمان پس از شیخ طوسی به آن اضافه شده است.

ص: 144

1- (1) ر.ک: مقدمه کتاب الإحتجاج.

2- (2) درباره خاندان طبرسی رجوع شود به دائرة المعارف تشیع، ج 10، ص 470 به بعد؛ مقدمه کتاب الإحتجاج.

3- (3) دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 4، ص 90.

3. مناقب آل ابی طالب: مشهورترین کتاب ابن شهر آشوب است که به تفصیل و به گونه گسترده مناقب پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را مطرح کرده است. بیشترین بخش کتاب به نقل مناقب و فضایل امام علی علیه السلام اختصاص دارد که رکن مهم و تأثیرگذار امامت شیعی است.

مصادر مورد استفاده او در این کتاب بسیار فراوان است. فهرستی از اسامی بسیاری از این کتابها و طریق ابن شهر آشوب به آنها در مقدمه کتاب آمده است. (1)

او در مقدمه کتاب نوشته است:

وقد قَصَدْتُ فِي هَذَا الْكِتَابِ مِنَ الْاِخْتِصَارِ عَلَى مَتُونِ الْأَخْبَارِ وَعَدَلْتُ عَنِ الْإِطَالَةِ وَالْإِكْثَارِ وَالْاِحْتِجَاجِ مِنَ الظَّوَاهِرِ وَالْاِسْتِدْلَالِ عَلَى فَحْوَاهَا وَمَعْنَاهَا وَحَدَفْتُ أَسَانِيدَهَا لِشُهْرَتِهَا وَإِلِشَارَتِي إِلَى زُؤَانِهَا وَطُرُقِهَا وَالْكِتَابِ الْمُنْتَزَعَةِ مِنْهَا (2).

در این کتاب متون را مختصر کردم و از زیاده گویی و احتیاج و استدلال بر مفهوم و معنای آنها دست کشیدم و اسناد را به جهت شهرت آنها و اشاره به راویان و طرق و کتب مأخذ حذف کردم.

برخی از مصادر مورد استفاده ابن شهر آشوب اکنون در اختیار ما نیست. پاره ای از گزارشهای موجود در این کتاب مفصل تر از کتابهای دیگر است؛ داستان فطرس ملک در جریان تولد امام حسین علیه السلام از این جمله است. (3)

سید بن طاووس

آل طاووس خاندانی مهم در حله بودند که در چند نسل عالمانی را تربیت کرده و مقام و موقعیت نقابت علویان را نیز یافتند.

مشهورترین فرد این گروه و پرتألیف ترین نگارنده این سده، علی بن موسی بن جعفر (664-589ه) است که به سید بن طاووس مشهور شده است.

او نواده دختری شیخ ورام بن ابی فراس حلی، مؤلف کتاب تنبیه الخواطر است. پدر او نیز نواده دختری شیخ طوسی (م 460ه) است. سید بن طاووس در مواردی

ص: 145

1- (1). ر.ک: مناقب، ج 1، ص 14-7.

2- (2). همان، ص 14.

3- (3). مناقب، ج 3، ص 229.

به این دو جدّ خویش اشاره کرده و به آن می‌بالد.

سید بن طاووس دوران عمر خود را در حِلّه، بغداد، نجف، کربلا، کاظمین و سامرا گذراند. او نزد خلیفه عباسی، سرشناس و مورد اعتماد بود و با مُسْتَنْصِر، روابط خوبی داشت.

با وجود این، اصرارهای خلیفه عباسی برای پذیرفتن مقامی از جانب او، حتی نقابت سادات و...، سودی نبخشید و هیچ منصبی را نپذیرفت. او پس از هجوم مغول به رهبری هلاکو، در جلوگیری از گسترش خونریزی تلاش کرد. ارتباط او با خواجه نصیر طوسی نیز این موقعیت را برای او فراهم کرد که در تلاش خود موفق باشد. نظریه مشهور او در پاسخ هلاکو نشان از تیزبینی وی دارد. هلاکو خان مغول، از عالمان مسلمان پرسید: پادشاه عادل کافر برتر است یا فرمانروای مسلمان ستمگر؟

سید بن طاووس در جواب نوشت: پادشاه عادل کافر برتر است. بقیه عالمان نیز این مطلب را تأیید کردند. جواب سید بن طاووس برگرفته از حدیث نبوی است که فرمود:

«الْمَلِكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَلَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ.» او در این زمان و به اصرار خواجه نصیرالدین طوسی، منصب نقابت علویان را پذیرفت.

گذشته از شخصیت اجتماعی سید بن طاووس، مقام علمی او نیز بسیار والا و ارزنده بود. اساتید و شاگردان سید فراوان بوده‌اند. علامه حلی، پدر علامه حلی و برادرزاده سید بن طاووس از مشهورترین شاگردان او هستند.

زهد، تقوا و قداست سید بن طاووس از زمان حیات او شهره است. او را صاحب کرامات شمرده‌اند که با امام مهدی علیه السلام نیز ارتباط داشته است. شیفتگی وی به امام مهدی علیه السلام در نوشته‌های گوناگون او مشهود است.

سید بن طاووس در سال 664 هجری در بغداد از دنیا رفت و در نجف اشرف مدفون گشت. (1)

آثار

شهرت ابن طاووس به نگاشته‌های فراوان او در حدیث، تاریخ و اخلاق است. ابن طاووس نماد ادعیه نگاری در میان مؤلفان شیعی است.

ص: 146

1- (1). زندگی مفصل او در ابتدای کتاب کتابخانه سید بن طاووس و مقدمه برخی از کتابهای او آمده است.

مجموعه نگاشته های او نزدیک به شصت عنوان است (1) که بسیاری از آنها در دسترس بوده و ماندگار شده اند. نقل حکایت و اشاره به حوادث تاریخی در نوشته های او فراوان به چشم می آید.

او بر خلاف برادر خویش، سخت گیری سندی در احادیث و ادعیه را به کناری نهاده و با این امور با تساهل رو به رو می شود.

کتابخانه غنی و پرشمار او، مجموعه ای از نفیس ترین کتابهای حدیث و دعا بوده است. اتان گلبرگ، مستشرق یهودی، تحقیقی ویژه درباره وی انجام داده و با نام کتابخانه سید بن طاووس منتشر کرده است. (2) از مشهورترین کتابهای ماندگار او، به این گروه می توان اشاره کرد:

1. اقبال الأعمال یا الإقبال لصالح الأعمال

مهم ترین و مفصل ترین کتاب در زمینه دعانگاری است. این کتاب مجموعه اعمال و ادعیه یازده ماه سال است. اعمال ماه رمضان در قسمتی مجزا با نام المصنم آمده و بدان ملحق شده است. (3) برخی از بزرگان، کتاب اقبال الأعمال را دربردارنده عالی ترین مراتب عرفان شیعی دانسته اند. (4)

سید بن طاووس ضمن نقل ادعیه و آداب، نکات فراوانی از جانب خود در تحلیل آن متون و تجلیل از آن بیان می کند.

سید بن طاووس، کتاب اقبال الأعمال را همراه با هفت کتاب دعایی دیگر خویش متمم و مکمل مصباح المتهجد شیخ طوسی معرفی کرده است. (5)

2. مصباح الزائر

مجموعه زیاراتی مناسب با قبور پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت در این کتاب جمع آوری شده است. برخی از زیارتها مأثور بوده و از جانب امامان علیهم السلام صادر شده است. برخی

ص: 147

1- (1) ر.ک: کتابخانه سید ابن طاووس، ص 111-50.

2- (2) این کتاب در سال 1372 به فارسی ترجمه و منتشر شده است. تلاش و کوشش مؤلف برای نزدیک شدن به کتابخانه سید بن طاووس و ظرافتهای زندگی و نگارشی او، جالب است.

3- (3) این کتاب در جلد اول از چاپ سه جلدی اقبال الاعمال آمده است (اقبال الأعمال ج 1 ص 23 به بعد).

4- (4) ر.ک: نور علی نور، ص 11.

5- (5) اقبال الأعمال، ج 1، ص 17-18.

نیز از سوی عالمان و از جمله سید بن طاووس انشا شده است.

3. اللُّهُوفُ عَلَى قَتْلَى الطُّفُوفِ

مجموعه ای دربارهٔ حوادث کربلا و حرکت امام حسین علیه السلام و قیام ایشان است. این کتاب از نخستین نگاه‌ها به سید بن طاووس است. او این متن را برای خواندن سخنرانان در ایام عزاداری نوشته است.

4. فَلَاحُ السَّائِلِ

در تبیین و توضیح نمازهای واجب و مستحب در شبانه روز و آداب شرعی مربوط به آن است. مؤلف در هر مورد، به تفصیل، به تمامی موضوعات مرتبط با مناسک شرعی می پردازد.

5. كَشْفُ الْمَحْجَةِ لِثَمَرَةِ الْمَهْجَةِ

نوشته ای سفارش گونه از سید بن طاووس به دو فرزندش محمد و علی است که در آن زمان کودکانی خردسال بوده اند. او در مقدمه کتاب به تفصیل به فهرست دقیق مطالب کتاب می پردازد. علاوه بر وصایای پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام به برخی از مباحث کلامی نیز اشاره می کند.

احمد بن موسی م 673ه

احمد بن موسی برادر علی بن موسی است که در علم رجال، فقه، حدیث، ادب و... مهارت داشته است. او در کتابهای رجالی و ادبی، نه کتابهای حدیث و دعا، با عنوان سید بن طاووس شهره است.

اساتید و شاگردان او با برادرش مشترک است. از نگاه‌ها به او می توان به دو کتاب فقهی اشاره کرد که مجموعاً در ده مجلد بوده است و اکنون این مجموعه در اختیار ما نیست.

بیشترین شهرت او در رجال است. تقسیم بندی چهارگانه حدیث به صحیح، حسن، موثق، ضعیف را به ایشان نسبت می دهند. این نظریه ملاک اعتبار حدیث در میان متأخرین است که به واسطهٔ دو شاگرد ایشان، علامه حلی (م 267ه) و ابن داود حلی (م 740ه) منتشر شده است.

از تألیفات رجالی او می توان حلّ الإشکال فی معرفة الرجال را نام برد که از کتابهای رجالی کهن شیعه فراهم آمده است. این کتاب از نگاشته های رجالی مشهوری بوده است. اکنون در اختیار ما نیست. صاحب معالم گزیده ای از آن را با نام التحریر الطاووسی فراهم کرده است که از این رهگذر می توان با مبانی رجالی ایشان آشنا شد. در این کتاب به آرای رجالی ابن غضائری توجه شده و مطالب زیادی از آن نقل شده است.

پرسش و پژوهش

دیگر آثار دعایی و غیر دعایی سید بن طاووس را نام برده و درباره آنها تحقیق کنید.

ص: 149

درس هشتم: حدیث در سده هشتم و نهم

اشاره

ص: 151

سده هشتم هجری، از دیدگاه سیاسی و اجتماعی، دورانی مطلوب برای شیعیان محسوب می شود. برافتادن عباسیان در میانه قرن هفتم، موجب شد که سخت گیری حکومت و اهل سنت، که بیشتر مردم را در اختیار داشتند، نسبت به شیعیان کمتر شود. تساهل مذهبی که ایلخانان مغول، همانند هلاکو و جانشینان او داشتند، سبب شد که شیعیان در آرامش و آسایش نسبی باشند؛ به ویژه آنکه افرادی مانند خواجه نصیرالدین طوسی در دربار مغول حضور داشتند و زمینه تسهیل ترویج تفکر شیعی را فراهم می کردند.

نسلهای بعدی پادشاهان مغول، به اسلام گرایش پیدا کردند. غازان خان (م 703ه) اولین حاکم مغول بود که اسلام را پذیرفت و در سال 694 هجری اسلام را دین رسمی قلمرو حکومت خویش اعلام کرد. او اگرچه مذهب خاصی نداشت، ولی با عقاید شیعیان با عطفوت برخورد می کرد و حتی گرایش شیعی داشت. (1) آغاز قرن هشتم، با حکمرانی سلطان محمد خدابنده یا الجایتو همراه بود. در زمان او محدوده تحت سلطه ایلخانان مغول بسیار گسترده بود و نظام حکومتی آنان استقرار یافته بود.

الجایتو در سال 703 هجری به قدرت رسید. او مناظرات مذهبی را نکوهش می کرد و به بدگویی عالمان هر فرقه نسبت به فرقه دیگر معترض بود.

حضور عالمان شیعی چون سید تاج الدین آوجی در دربار او سبب شد که الجایتو

ص: 153

1- (1). تاریخ تشیع در ایران، ج 2، ص 648. [1]

به مذهب تشیع گرایش پیدا کند و در نهایت شیعه شود. او مذهب شیعه را سال 709 هجری مذهب رسمی اعلام کرد. پس از آن اوضاع سیاسی مطابق با نظر شیعیان تغییر کرد و زمینه برای ترویج باورهای شیعی فراهم شد.

دعوت او از عالمان شیعی برای حضور در دربار، به همین منظور بود. هجرت علامه حلّی (م 726ه) به ایران و همراهی او با سلطان محمد خدابنده، تأثیری بسیار عمیق بر پادشاه و مردم نهاد. مباحثات مذهبی ایشان با دانشمندان دیگر فرقه‌ها، سبب شد تا شخصیت علامه حلّی به عنوان یک دانشمند شیعی دقیق در علوم عقلی و نقلی همراه با زبانی بسیار عقیف و پاک و پرهیز از هر گونه بدگویی نسبت به مخالفان شیعه، بروز پیدا کند و در چشم و ذهن همه افراد به بزرگی و بزرگواری شهره شود. (1)

علامه حلّی، سه کتاب مهم و تأثیرگذار کلام شیعی را در این دوران نوشته و به سلطان محمد خدابنده اهدا کرده است. نهج الحق و کشف الصدق، منهاج الکرّامه و کشف الیقین سه کتاب مشهور او است.

سفرهای بسیار سلطان محمد خدابنده، سبب شد تا فکر تأسیس «المدرسة السیّارة» به همراه سلطان و به پیشنهاد خواجه رشیدالدین فضل الله پدید آید. علامه حلّی در این مدرسه سیّار با تدریس و تحقیق شاگردان شیعی را پرورش می داد و کتابهای خود را می نگاشت. (2) آغاز و انجام نگارش برخی از کتابهای او در نقاط جغرافیایی مختلف بوده است.

الجایتو در سال 713 درگذشت و علامه حلّی به شهر حلّه بازگشت. او تحقیقات حدیثی، کلامی، فقهی و عقلی خود را در این شهر ادامه داد. شهر حلّه در آن دوران، نقطه امید دانشمندان شیعی بود. در نیمه اول سده هشتم افزون بر ایلخانان مغول، حکومت‌های منطقه ای شیعه نیز در برخی از نواحی به وجود آمدند.

ص: 154

1- (1) ر.ک: تاریخ تشیع در ایران، ج 2، ص 645-676. [1]

2- (2) علامه حلّی جلد دوم [2] کتاب الفین را در سال 712 هجری در دینور نزدیک کرمانشاه پایان داده است: تاریخ تشیع در ایران، ص 662. محمد بن ابراهیم دشتکی، شاگرد علامه نیز کتاب قواعد علامه را در سال 713 هجری در مدرسه سیاره کتابت کرده است: همان، ص 673.

یکی از حکومت‌های منطقه ای، حکومت سربداران (783-738ه) در منطقهٔ بیهق بود که تفکری متمایل به عقاید شیعی داشت. این گروه پس از اعدام شیخ خلیفه، از صوفیان منطقهٔ بیهق، به دست حاکمان مغول، به رهبری شیخ حسن جوری شورش کردند و لقب سربداران را برای خود برگزیدند. آنان در سال 738 هجری منطقهٔ سبزوار تا نیشابور و دامغان را به تصرف درآوردند و حکومت سربداران را بنیان نهادند. (1)

خواجه علی مؤید آخرین حکمران سربدار (783-766ه) است. او در ترویج علم و ادب و استحکام مبانی تشیع تلاش کرد. خواجه علی مؤید به شیخ شمس الدین محمد مکی، مشهور به شهید اول، نامه نوشت و از او خواست که به عنوان رهبر مذهبی سربداران به ایران بیاید. (2) شهید اول در سال 782 هجری کتاب *لمعة دمشقیة* را برای آنان نگاشت و از آمدن عذر خواست. (3)

سرانجام، دولت سربداران در سال 783 هجری و پس از حضور تیمور در این منطقه منقرض شد.

سلسلهٔ سادات مرعشی، مشهور به مرعشیان (795-760ه) نیز سلسله ای شیعی بود که بر مناطق گسترده ای از مازندران تا قزوین حکمرانی می کرد. به باور برخی، قیام این سلسله به پیروی از تفکر سربداران شکل گرفته است. (4)

با این همه، در اواخر قرن هشتم اوضاع سیاسی نامساعد گشت. یورش تیمور لنگ به ایران پس از سال 770 هجری خرابیهای اقتصادی و اجتماعی زیادی به بار آورد. اما جانشینان تیمور در اوایل قرن نهم، به موضوعات فرهنگی اهمیت می دادند و دانشمندان را می نواختند.

ص: 155

1- (1). تاریخ تشیع در ایران، ج 2، ص 677. [1]

2- (2). غایة المراد، ج 1، ص 164.

3- (3). تاریخ تشیع در ایران، ص 683. [2]

4- (4). دائرة المعارف تشیع، ج 4، ص 376.

1. حوزه حله

(1)

مشهورترین و پررونق ترین حوزه شیعی در سده های هفتم تا نهم هجری، حوزه حدیثی حله است. این حوزه دانشمندان مشهور و معتبری را به جامعه شیعی هدیه کرده و نام خود را جاودانه ساخته است.

در بحث پیشین برخی از بزرگان این حوزه را معرفی کردیم. حضور افرادی چون ابن ادریس حلی، محقق حلی، علامه حلی و فخر المحققین به این حوزه رنگ فقهی بخشید. محقق حلی و علامه حلی، دو شخصیت شاخص در فقه شیعی هستند.

مصون ماندن حله از حمله مغول که با درایت و تیزی پدیده علامه حلی و محقق حلی صورت پذیرفت موجب رونق این شهر در سده هشتم شد. حله مرکز و پناهگاه عالمان و دانش پژوهان شیعه بود. با نظر به شاگردان علامه حلی و نسخه برداران کتابهای او می توان حضور پرنشاط عالمان را در این شهر مشاهده کرد. بیشتر این عالمان از مناطق خراسان، اصفهان، طبرستان و سایر نواحی به حضور ایشان می رسیدند. (2)

2. حوزه جبل عامل

حوزه جبل عامل، که یکی از حوزه کهن در این سده است، شاهد شکوفایی یکی از نواخ بود که پس از شهادت به شهید اول شهره گشت. علاوه بر شهید اول عالمان

ص: 156

1- (1). با وجود دانشمندان و عالمان تأثیرگذاری چون ابن ادریس حلی، سید بن طاووس، علامه حلی و ابن فهد در این شهر، عنوان مدرسه و یا مکتب حله را برای این شهر مناسب ندانستیم؛ بنابراین، از آن با عنوان حوزه حدیثی حله یاد کردیم. علت این نام گذاری روشن است. اگرچه این حوزه حدیثی جایگاه عالمان و دانشمندان بزرگی بوده است، ولی از یک روش و معیار واحد پیروی ننموده است. سید بن طاووس و برادرش دارای دو سبک و مبنای متفاوت و حتی متضاد هستند. ابن ادریس حلی شیوه ای خاص دارد. علامه حلی نیز در مباحث رجالی از سبک احمد بن علی بن طاووس، پیروی می کند و در شیوه کلامی و حدیثی، راه و روشی مخصوص به خویش دارد. همه این افراد را نمی توان در مدرسه ای حدیثی با ویژگیهای خاص و مشخص جای داد؛ بنابراین، واژه حوزه حدیثی حله برای این شهر و گروه مناسب تر است.

2- (2). رسول جعفریان، تاریخ پژوه معاصر، با استفاده از نسخه های به جای مانده از کتابهای علامه حلی، گزارشی از این افراد ارائه داده است. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: تاریخ تشیع در ایران، ج 2، ص 669 676. [1]

بسیاری در این شهر می زیستند. شیخ حر عاملی در کتابی با نام *أمل الأمل في علماء جبل عامل* عالمان این دیار را معرفی کرده است. او می نویسد:

وَقَدْ سَمِعْتُ مِنْ بَعْضِ مَشَايِخِنَا أَنَّهُ اجْتَمَعَ فِي جَنَازَةِ فِي قَرْيَةٍ مِنْ قُرَى جَبَلِ عَامِلٍ سَبْعُونَ مُجْتَهِدًا فِي عَصْرِ الشَّهِيدِ وَمَا قَارَبَهُ (1).

گفتنی است شهرت فقهی حوزه جبل عامل بیش از شهرت حدیثی یا کلامی آن است.

درباره شهید اول پس از این سخن خواهیم گفت.

3. حوزه ایران و عراق

در این سده محدثان متوسطی در ایران و عراق نیز حضور داشته اند که در سلسله اجازات از آنان یاد شده است.

رخدادهای حدیثی

مهم ترین رویداد حدیثی این سده، تغییر مبانی نگرش به اعتبار روایات است. اگرچه این تغییر مبنا از سوی احمد بن طاووس ارائه شد، ولی پیگیری و نهادینه کردن این مبنا و جایگزینی آن به جای ملاک اعتبار حدیث در نزد قداما به همت مرحوم علامه حلی (رحمه الله) صورت گرفت.

او در کتابهای فقهی خویش چهارگونه بودن اسناد احادیث و بی اعتباری حدیث ضعیف از منظر سندی را به کار گرفت و آن را در علم و روش درسی خویش در پرورش شاگردانش الگو ساخت.

تأثیر تفکر علامه بر نسلهای پس از خود انکار نکردنی است. شیوه و نگرش رجالی و حدیثی علامه در مبانی نسلهای پس از او نهادینه گشت و ملاک اعتبار قدمایی، فراموش شد. رویداد دیگر، گسترش گرایش کلام نقلی بود که به سبب تألیفات علامه حلی در این دوران رخ داد. نگارش کتابهای نهج الحق و منهاج الکرامه، جامعه حدیثی اهل سنت را تکان داد. ابن تیمیّه (م 728ه) که معاصر با علامه حلی بود برای رفع این چالش، کتاب منهاج السنّة النبویّه را نگاشت. این کتاب که مهم ترین

ص: 157

1- (1). *أمل الأمل*، ج 1، ص 15؛ گفتنی است، حتی اگر این سخن را مبالغه آمیز بدانیم باز هم نشانگر حضور عالمان بسیار خواهد بود.

کتاب در بیان افکار او و دیگر پیروان اهل حدیث در اهل سنت است، هم اکنون نیز مهم ترین کتاب مرجع در عقاید وهابیان است.

مقدمه ابن تیمیّه بر این کتاب، سرشار از تهمت‌ها و افتراءات بدون سند و مدرک است که عمق یکسونگری و تعصب و لجاجت درونی مؤلف را آشکار می‌سازد. علامه حلّی (رحمه الله) پس از مطالعه کتاب منهاج السنّه گفت: «لَوْ كَانَ يَفْهَمُ مَا أَقُولُ أَجَبْتُهُ.»؛ (1) اگر او می‌توانست مقصود مرا درک کند جواب اشکالاتش را می‌گفتم. این نقض و ابرام نشانگر آن است که نگاشته علامه حلّی در مدت زمان کوتاهی به شام رفته و ابن تیمیّه بر آن نقد نوشته است. این نقد در اختیار علامه قرار گرفته و او آن را وارد ندانسته است.

کتابهایی را که در فضایل اهل بیت علیهم السلام و دیگر امور مربوط به آنان است نیز در این حوزه می‌توان جای داد؛ کتابهایی چون کشف الیقین، المُستَجَاد مِنْ كِتَابِ الْإِرْشَادِ (هر دو از علامه حلّی).

رخداد دیگر آغاز نگرش و نگارش صوفیانه حدیثی در میان شیعیان است. سید حیدر آملی یکی از عالمان این دوره و از شاگردان فخر المحققین است که با این شیوه به نگارش کتابهای جامع الأسرار و... پرداخته است. به نظر می‌رسد اولین مؤلف حدیثی شیعه که از این دید به متون نگریسته و آنان را برای رواج تفکر صوفیانه (یا عارفانه) تدوین کرده است، سید حیدر آملی باشد. پس از سید حیدر، احادیث مورد استشهاد او به کتابهای پسین فیلسوفان، عارفان و صوفیان شیعی راه یافت. (2)

نگارش کتابهای رجالی ماندگار نیز در این سده به چشم می‌آید. علامه حلّی، خلاصه الأقوال را نگاشته است و ابن داوود کتاب رجال را سامان داده است.

علامه، کتابی دیگر با نام إیضاح الأشتباه دارد که پیرامون علم رجال است و در آن به ضبط دقیق نامهای راویان پرداخته است. (3)

ص: 158

1- (1). لسان المیزان، ج 2، ص 318.

2- (2). ر.ک: علی نقی خدایاری، «رویکرد حدیثی سید حیدر آملی»، مجله علوم حدیث، شماره 28.

3- (3). برای آشنایی بیشتر ر.ک: علی نقی خدایاری، تاریخ حدیث شیعه [1] در قرن هشتم و نهم، انتشارات دارالحدیث.

نکته آخر اینکه تاریخ حدیث اهل سنت در سده های هشتم و نهم بسیار پربار است. برخی از مشهورترین محدثان اهل سنت که بر نحوه تفکر حدیث اهل سنت تأثیر گذارده اند در این دوران می زیسته اند. حافظ جمال الدین یوسف مزّی (م 742ه) از این جمله است. او مهم ترین رجال نگار متأخر اهل سنت است که کتابش و گزیده های مختلف آن، از آن زمان تا کنون از مهم ترین گروه کتابهای رجالی اهل سنت شمرده می شود.

شمس الدین ذهبی (م 748ه) نیز کتابهای گوناگونی در رجال، حدیث و تاریخ دارد. ابن تیمیّه (م 728ه) و شاگردان مکتب او چون ابن قیّم جُوزی (م 751ه)، تقی الدین سُبکی (م 756ه)، و ابن کثیر دمشقی (م 774ه) نیز در سده هشتم می زیستند.

آشنایی با برخی از محدثان سده هشتم

اشاره

حدیث نگاران این دوره چندان زیاد نیستند. بسیاری از آنان نیز به علوم دیگر، مانند فقه، شهره اند. مشهورترین آنان علامه حلّی (م 726ه) و شهید اول (م 786ه) هستند. افراد دیگری نیز از حدیث نگاران این دوره شمرده می شوند؛ افرادی چون حسن بن ابی الحسن دیلمی، نویسنده کتابهای إرشاد القلوب و أعلام الدین، فخر المحققین، مؤلف ثلاث و أربعون حدیثاً نبویاً، سید حیدر آملی، شاگرد فخر المحققین و نویسنده جامع الأسرار، ابن معیّه (م 776ه)، استاد حدیث و انساب، [\(1\)](#) ابن عتّاقی (اواخر قرن هشتم)، نگارنده شرح نهج البلاغه و چند کتاب دیگر. [\(2\)](#)

علامه حلّی

جمال الدین حسن بن یوسف بن علی بن مُطهر حلّی، مشهور به علامه حلّی، در سال 648 هجری در حلّه متولد شد. خانواده او از عالمان مشهور حلّه بودند؛ پدر او عالمی فرهیخته و مشهور بود، محقق حلّی دایی او است و برادرش علی نیز عالم و

ص: 159

1- (1). ر.ک: مفاخر اسلام، ج 4، ص 310-320.

2- (2). ر.ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل ابن عتّاقی.

محدث بود. علامه حلّی مشهورترین عالم این حوزه حدیثی است. به واقع او را باید از معدود چهره های بسیار شاخص در قله معارف شیعی دانست. او از پرآوازه ترین عالمان فقیه، متکلم و محدث در تاریخ اسلام محسوب می شود که در تمامی شاخه های معرفتی، تحصیل و تدریس کرده و کتاب نوشته است. لقب علامه به طور مطلق تنها درباره او به کار می رود.

ابن داوود حلّی، دانشمند معاصر او، نوشته است:

شَيْخُ الطَّائِفَةِ وَعَلَامَةٌ وَقْتِهِ وَصَاحِبُ التَّحْقِيقِ وَالتَّدْقِيقِ، كَثِيرُ التَّصَانِيفِ نَتَهَتْ إِلَيْهِ رِيَاسَةُ الْإِمَامِيَّةِ فِي الْمَعْقُولِ وَالْمَنْقُولِ (1).

تفرشی، مؤلف نقد الرجال، نیز در توصیف او می نویسد:

در ذهن من این موضوع خلجان داشت که زندگی علامه را ذکر نکنم؛ زیرا کتاب من گنجایش توصیف بزرگی او را ندارد. هر خوبی و فضیلتی را که تصور کنید او برتر از آن است. (2)

ابن حجر، دانشمند سنی، درباره او چنین نظر داده است:

عالمُ الشَّيْعَةِ وَإِمَامُهُمْ وَمُصَنِّفُهُمْ وَكَانَ آيَةً فِي الذِّكَاةِ... وَاشْتَهَرَتْ تَصَانِيفُهُ فِي حَيَاتِهِ... وَكَانَ ابْنُ الْمُطَهَّرِ مُشْهَرًا الذِّكْرَ وَحَسَنَ الْأَخْلَاقِ (3).

دانشمند شیعه و پیشوای آنان، و نویسنده پرکاری که در ذکاوت شهرة آفاق بود. کتابهایش در زمان خود شهرت داشت. ابن مطهر در یادها مشهور و در اخلاق بی نظیر بود.

او نزد اساتیدی چون پدرش، یوسف بن مطهر، و دایی خود، محقق حلّی، سید بن طاووس و برادرش، خواجه نصیر طوسی و ابن میثم بحرانی دانش آموخت.

بیشتر عالمان سده هشتم هجری از نقاط مختلف ایران شاگرد او هستند.

بیشترین شهرت علامه حلّی در فقه و کلام است.

چند کتاب مشهور فقهی او با نامهای مُخْتَلَفُ الشَّيْعَةِ، قَوَاعِدُ الْأَحْكَامِ، التَّذْكَرَةُ،

ص: 160

1- (1). رجال ابن داوود، ص 78.

2- (2). نقد الرجال، ج 2، ص 69.

3- (3). لسان المیزان، ج 2، ص 317.

تبصرة المتعلمين و إرشاد الأذهان، نمونه های زیبایی از کار و تلاش فقهی هستند. کتاب مختلف الشیعه به اختلاف عالمان شیعه در موضوعات و مسائل فقهی پرداخته است و کتاب التذکره به آرای فقیهان اهل سنت نظر دارد.

می توان ادعا کرد که عالمان اهل سنت کتابی به گستردگی کتاب التذکره نگاشته اند.

مجموعه نگاشته های علامه حلّی نزدیک به 120 عنوان است (1) که برخی از آنها در مجلدات متعدد تدوین شده است.

کتابهایی که در ارتباط با حدیث و یا کلام نقلی نوشته است نزدیک به پانزده عنوان است. متأسفانه مهم ترین نگارشهای حدیثی علامه اکنون در اختیار ما نیست. مهم ترین نگاشته در این مجموعه کتاب استقصاء الاعتبار فی تحریر معانی الأخبار است.

به ظاهر این کتاب به شرح الحدیث (فقه الحدیث) توجه داشته؛ علامه حلّی در معرفی این کتاب گفته است:

ذَكَرْنَا فِيهِ كُلَّ حَدِيثٍ وَصَلَّ إِلَيْنَا وَبَحَثْنَا فِي كُلِّ حَدِيثٍ عَلَى صِدْقِهِ سَدِّ نَدْوِهِ أَوْ إِبْطَالِهِ وَكَوْنِ مَتْنِهِ مُحْكَمًا أَوْ مُتَشَابِهًا وَمَا اللَّهُ تَمَلَّ عَلَى الْمَتْنِ مِنَ الْمَبَاحِثِ وَالْأَدْلَةِ وَمَا يُسْتَنْبَطُ مِنَ الْمَتْنِ مِنَ الْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ وَغَيْرِهَا وَهُوَ كِتَابٌ لَمْ يُعْمَلْ مِثْلُهُ (2).

در این کتاب هر روایتی را که به ما رسیده، آوردیم و از درستی یا نادرستی سند آن و نیز محکم یا متشابه بودن و دیگر مباحثی که به متن حدیث بازمی گردد، سخن راندیم و احکام شرعی حاصل از متن را به نقد نشستیم. این کتابی است که مانند آن به منصفه ظهور نرسیده است.

با توصیف علامه از این کتاب باید آن را مهم ترین کتاب فقه الحدیثی شیعه شمرد. متأسفانه این مجموعه اکنون در دسترس نیست، اما بسیار محتمل است که رویکرد این کتاب بررسی احادیث فقهی بوده باشد. (3)

ص: 161

1- (1) ر.ک: مکتبه العلامة الحلّی، ص 223-25.

2- (2) خلاصة الأقوال، ص 110. [1]

3- (3) دیگر آثار حدیثی علامه حلّی [2] از این قرار است: 1- جامع الأخبار 2- مصابیح الأنوار فی جمع جمیع الأخبار آن گونه که از نام این کتاب پیدا است، کتاب حاضر به جمع آوری احادیث پرداخته و مجموعه نگری را مورد توجه قرار داده است. 3- الدرر و المرجان فی الأحادیث الصحاح و الحسان 4- النهج الوضاح فی الأحادیث الصحاح این دو کتاب نیز به روش رجالی و معیار پذیرش حدیث در نزد علامه حلّی [3] اشاره دارند. ایشان با توجه به تغییر مبانی قدمایی و پذیرش تقسیم چهارگانه حدیث، نگارشهای جدیدی را از احادیث صحیح و یا صحیح و حسن، سامان داده است.

در زمینه رجال دو کتاب خلاصه الأقوال و إيضاح الاشتباه از ایشان در دسترس است. کتاب بزرگ دیگری نیز در رجال داشته است که با عنوان کشف المقال یا کتاب الکبیر از آن یاد می‌کند. در بحث آشنایی با کتب رجال شیعه با این دو کتاب آشنا خواهید شد.

دیگر نگاشته های علامه حلی کتابهای کلام نقلی ایشان است. این کتابها عبارت اند از: نهج الحق و کشف الصدق، منهاج الکرامه فی إثبات الإمامه و کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین، که پیشتر از آنها یاد کردیم.

گزیده ای از کتاب إرشاد شیخ مفید با عنوان المُستَجاد من کتاب الإرشاد نیز به علامه حلی منسوب است. این کتاب هم اکنون در دسترس است و چون از زاویه دید دو تن از بزرگ ترین عالمان شیعه نگارش یافته است، منبعی بسیار مفید و مطمئن برای دست یابی به تاریخ و سیره معصومان علیهم السلام است.

شهید اول 786 734 ه

حوزه جبل عامل، بزرگ ترین حوزه حدیثی و فقهی شیعه در منطقه شام بوده که دانشمندان فراوانی را پرورش داده است. محمد بن مکی عاملی، مشهور به شهید اول، مشهورترین چهره فقه و حدیث حوزه جبل عامل است. او متولد جزین و تحصیل کرده جبل عامل و عراق است. شهید شاگرد فخر المحققین، فرزند دانشمند علامه حلی، است. فخر المحققین درباره او گفته است:

الإمام العلامة الأعظم، أفضل علماء العالم سيّد فضلاء بني آدم مولانا شمس الحقّ والدین (1).

ص: 162

به نظر می‌رسد برای تبیین مقام شهید اول، هیچ توصیفی به اندازه این سخن استادش فخر المحققین اهمیت ندارد.

سخن دیگری نیز به فخر المحققین منسوب است که فرمود:

اسْتَفَدْتُ مِنْهُ أَكْثَرَ مِمَّا اسْتَفَادَ مِنِّي (1).

شیوخ اجازة او فراوان بوده اند. علاوه بر عالمان شیعی، اساتید فراوان سنی هم داشته است. شهید اول در اجازة خود به ابن خازن درباره مشایخ اهل سنت خود گفته که از حدود چهل تن از اساتید حدیثی اهل سنت در شهرهای مکه، مدینه، بغداد، مصر، دمشق و بیت المقدس حدیث شنیده است. (2) بسیاری از افراد از او روایت کرده اند. شهید اول یکی از چهره های شاخص و انگشت شمار در طرق اجازات است. شیخ آغا بزرگ در این زمینه می نویسد: طرق اجازات بالجمله به او ختم می شود. (3)

آثار حدیثی مشهور او عبارت اند از: کتاب المزار، الدرّة الباهرة و الأربعون حدیثاً. او در زمینه های دیگر نیز فردی کوشا و پرتلاش بوده است. کتابهای دروس، ذکر و اللّمة الدمشقیة مشهورترین آثار فقهی او هستند.

شهید اول در شرایط سخت اجتماعی زندگی می کرد و عاقبت در زمان سلطنت برقوق و به فتوای مفتیان مالکی و شافعی پس از تحمل یک سال حبس در قلعه شام در سال 786 هجری در سن 52 سالگی به شهادت رسید.

کتاب الدرّة الباهرة گزیده ای از سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام است که به گونه مسند ائمه نگاشته شده است. حدود 70 درصد آن برگرفته از کتاب نزهة الناظر نگاشته حسین بن محمد حلوانی (قرن 5) است. (4)

سید حیدر آملی و نگارش احادیث عرفانی

از رخدادهای حدیثی مهم در قرن هشتم، رویکرد عارفانه صوفیانه به احادیث شیعی است.

ص: 163

1- (1). أعيان الشیعة، ج 1، ص 145. [1]

2- (2). الحقائق الراهنة، ص 206.

3- (3). همان، ص 205.

4- (4). برای آشنایی بیشتر مراجعه شود به: مقدمه عبدالهادی مسعودی، مصحح و مترجم کتاب الدرّة الباهرة.

اگرچه عالمان اهل سنت به این موضوع پرداخته و نگاشته‌هایی را فراهم کرده‌اند، اما این گونه نگارش در سده‌های پیشین، در منابع حدیثی شیعه نظیر نداشته است.

آثار ابن عربی با نگاه عارفانه است و برخی از آثار غزالی از نگاه صوفیانه او نشأت گرفته است. با توجه به آغاز این حرکت از سوی سید حیدر آملی و تأثیر عمیق کتابهای او بر نگاشته‌های عرفانی شیعی در سده‌های پسین، مناسب است با توجه و دقت بیشتر به این موضوع پرداخته شود. (1)

سید حیدر آملی در اوایل سده هشتم در آمل به دنیا آمد. پس از تحصیل و تاسی سالگی در دربار حاکمان طبرستان خدمت می‌کرد و به مال و منال فراوان دست یافت. با تحول درونی ای که در خویش احساس کرد، از دربار و مال کناره گرفت و پس از زیارت خانه خدا به گروه صوفیه پیوست. او افزون بر خرقة پوشی و ریاضت به تحصیل متون مهم عرفانی پرداخت و هم‌زمان نزد برخی از مشهورترین عالمان شیعی چون فخر المحققین تحصیل کرد و از او اجازه روایت گرفت.

آملی آثار متعددی در زمینه‌های عرفان و تصوف نگاشته است که مشهورترین آنها جامع الأسرار (با رویکرد حدیثی) و المحيط الأعظم (در تأویل آیات قرآن) است.

جامع الأسرار

هدف سید حیدر آملی در جامع الأسرار، سازگار نشان دادن مبانی دینی و شیعی با دیدگاه صوفیان در مباحث مهم اعتقادی مانند توحید، نبوت، ولایت و ایمان است. (2) یکی از محققان، احادیث جامع الأسرار را به چند دسته تقسیم کرده و گفته است:

برخی از احادیث این کتاب در منابع معتبر حدیثی کهن شیعه آمده است، ولی سید حیدر بدون اشاره به منبع و مأخذ آنها را نقل می‌کند. بیشتر احادیث این کتاب از این گروه است که با مشرب عرفانی سید حیدر آملی معنا شده است. (3) گروه دیگر از احادیث این کتاب با منابع کهن شیعی متفاوت بوده و اضافاتی دارد که آن زیاده مورد نظر و استدلال سید حیدر است.

ص: 164

1- (1). برای اطلاع و آگاهی بیشتر ر. ک: مجله علوم حدیث، شماره 28، ص 65-96.

2- (2). جامع الأسرار، ص 611.

3- (3). مجله علوم حدیث، شماره 28، ص 73.

گروه سوم متونی هستند که رنگ شیعی دارند، ولی در منابع کنونی در دسترس ما وجود ندارد؛ خطبه‌البیان، خطبه‌افتخار، حدیث حقیقت و... از این جمله‌اند. این متون در روزگارهای پسین مورد اعتماد تفکر غالبانه قرار گرفته است (1).

گروهی از احادیث کتاب، احادیث اهل سنت است که در ظاهر با تفکر شیعی تباین دارد؛ مانند: «سَتَرُونَ رَبَّكُمْ كَمَا تَرَوْنَ الْقَمَرَ لَيْلَةَ الْبَدْرِ» (2). روایات رؤیت در این کتاب نسبتاً فراوان است. (3)

گروه دیگر احادیث با مضامین عرفانی و تصوف است که در منابع معتبر حدیثی شیعه و اهل سنت یافت نمی‌شود؛ مانند: «الشَّرِيعَةُ أَقْوَالِي وَالطَّرِيقَةُ أَعْمَالِي وَالْحَقِيقَةُ أَحْوَالِي...» (4)

پس از سید حیدر آملی بسیاری از این متون، به ویژه متونی که رنگ سنی نداشت، به کتابهای پسین منتقل شد. ابن ابی جمهور احسانی در دو کتاب عَوَالِي اللَّئَالِي وَ الْمَجَلِّي، این متون را نقل کرد و از آن راه به کتابهای عرفانی و حتی حدیثی ما وارد شد.

برخی از این متون نیز به دست شیخ رجب بُرُسی و از راه کتاب مَشَارِقُ أَنْوَارِ الْيَقِينِ به کتابهای متأخر راه یافته است. (5)

گستره تاریخی و دامنه فکری این گروه، گسترده و درازدامن است و رویکرد عارفانه و صوفیانه به احادیث، محتاج دقت و تأمل بیشتری است.

تاریخ حدیث شیعه در قرن نهم

روند رو به رشد گسترش تشیع در جامعه ایران که در قرن هشتم آغاز شده بود، در قرن نهم نیز ادامه یافت و در نهایت به تأسیس حکومت شیعی صفوی در قرن دهم منجر شد.

ص: 165

1- (1). همان، ص 77-75.

2- (2). صحیح بخاری، ج 1، ص 138.

3- (3). ر.ک: مجله علوم حدیث، شماره 28، ص 78-79.

4- (4). جامع الأسرار، ص 346.

5- (5). برای آگاهی بیشتر ر.ک: مجله علوم حدیث، شماره 28، ص 93-90؛ مؤلف در این مقاله برخی از متون کتاب جامع الأسرار را ردیابی کرده و نشان آن را در کتابهای حدیثی و عرفانی پسین ارائه داده است.

از جمله حوادث ناگوار سده های هشتم و نهم باید به هجوم تیمور لنگ به ایران و سرزمین های اطراف آن اشاره کرد. او در سه یورش گسترده خود در بین سالهای 770 تا 807 هجری خسارت های فراوان بر جامعه ایران وارد کرد. علاوه بر خسارتهای اقتصادی، برافتادن حکومت های محلی کوچک، همچون سرداران، از پیامدهای هجوم تیمور لنگ به ایران است.

جانشینان تیمور یعنی شاهرخ، الغ بیک و سلطان حسین بایقرا روش آسیب رساندن به بنیان های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را رها کردند و به تقویت بنیان های فرهنگی پرداختند. آنان هرات (در افغانستان کنونی) را پایتخت خویش قرار دادند و به از هنرمندان و عالمان دلجویی و حمایت کردند. این شیوه موجب رواج نگارش های علمی و پدید آمدن آثار هنری در این دیار شد.

برخی از حکومت های محلی نیز در مناطقی از سرزمین پهناور ایران پدید آمدند که سلسله قراویونلو و آق قویونلو و خاندان اینجو، از این گروه اند.

روشن است که در فضایی این گونه نامساعد همراه با هجوم و یورش مغولان، توقع ایجاد یک فرهنگ مستقر و پیشرفته در جامعه شیعی، سنجیده نیست.

بنابراین، میراث حدیثی شیعه به روال سالهای پیشین به نسلهای پسین انتقال می یافت و نگارش های محدود و انگشت شمار به جامعه علمی عرضه می شد.

مجموعه آثار پدید آمده در این سده چندان پربرگ و بار نیست.

نگارش گران شاخص حدیث در این دوران به چند نفر محدود است: حسن بن سلیمان حلّی، شیخ رجب برسی (م 813)، ابن فهد حلّی (م 841) و کفعمی (م 905).

1. حسن بن سلیمان حلّی: متولد حله و از شاگردان شهید اول است. شهید اول در اجازه روایی به وی، او را ستوده است. کتاب مشهور او مختصر بصائر الدرجات و یا کتاب المحتضر گزیده بصائر الدرجات سعد بن عبدالله اشعری و نه محمد بن حسن صفّار (1) همراه با اضافاتی دیگر است و به بیان فضایل اهل بیت پرداخته است. علاوه بر فضایل اهل بیت، روایات مربوط به رجعت در این کتاب به گونه ای مفصل بیان شده است. (2)

ص: 166

1- (1). الضیاء اللامع، ص 34.

2- (2). بحار الأنوار، ج 1، ص 10.

2. شیخ رجب بُرسی: او از محدثان قرن نهم و مؤلف کتاب مشارق أنوار الیقین است. تفکر صوفیانه و شبه‌غالیانه او موجب رواج نگرشی خاص در حدیث شده است که همانند تفکر غالیانه در سده‌های پیشین است.

شیخ حرّ عاملی او را فاضل، محدث، شاعر و ادیب دانسته و درباره کتاب او نوشته است: «وَفِي كِتَابِهِ إِفْرَاطٌ وَنُسْبٌ إِلَى الْغُلُوِّ». (1)

علامه مجلسی نیز اعتماد به کتاب او را روا ندانسته و آن را حاوی مطالب غلوآمیز دانسته است. (2)

در مقابل علامه امینی به دفاع از او برخاسته است. خطبه افتخار، خطبه البيان، خطبه تطنجیه و بسیاری از سخنان نامتعارف دیگر که اکنون نیز در میان مردم شهرت دارد معمولاً از این کتاب اخذ شده‌اند. این متون در مصادر کهن و معتبر شیعی یافت نمی‌شوند.

3. ابن فهد حلّی (م 841): عالم عابد و محدث اخلاق پژوه این دوره است. اساتید او از شاگردان فخر المحققین و شهید اول هستند. تحصیل و تدریس او در حلّه و کربلا بوده است. مشهورترین کتاب او عُدَّة الدّاعی است. این کتاب شامل احادیث مربوط به دعا و آداب آن است. اعتبار این کتاب در نزد دانشمندان متأخر موجب شهرت ابن فهد گشته است.

4. کفعمی (م 905): محدث پرتألیف دعانگار قرن نهم، ابراهیم بن علی کفعمی است، مشهورترین کتابهای دعایی او بلد الامین و جُنَّة الامان، مشهور به مصباح کفعمی، است.

ترتیب کتاب بلد الامین شباهت فراوان به کتاب مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی دارد. ادعیه روزانه، دعاهاى هفته، اعمال و دعاهاى مربوط به ماههاى قمری در این کتاب جمع آوری شده و در ادامه زیارات معصومان، ادعیه و مناجاتهای مربوط به امامان را آورده است. مصباح کفعمی، نگارش جدیدتر از کتاب بلد الامین است که ترتیب و شیوه آن را حفظ کرده است.

ص: 167

1- (1). الغدير، ج 7، ص 33. [1]

2- (2). برای آگاهی بیشتر از نظرات متفاوت ر.ک: مجله علوم حدیث، شماره 22 و 25، مقالات «معرفی مشارق انوار الیقین» و نگاهی به «خطبة البيان و تطنجية».

درس نهم: حدث پژوهی در قرن دهم

اشاره

ص: 169

سدهٔ دهم هجری دورانی جدید و مهم در حیات سیاسی و فرهنگی شیعه است. دوران فترت و رکود در علوم و معارف شیعی به ویژه معارف حدیثی، که پس از نیمهٔ قرن پنجم هجری آغاز شده بود، در این زمان پایان یافت و دوره ای جدید و سرنوشت ساز آغاز گشت. گسترش فعالیت‌های حدیثی چون رواج نگارش‌های حدیثی و تألیفات پیرامون حدیث در زمینه های مختلف، احیا و تکثیر نسخه های صحیح از متون کهن حدیثی، ترجمهٔ حدیث به زبان فارسی، نگارش جوامع حدیثی گوناگون، نگارش‌های متنوع فقه الحدیثی و... به این دوران جلوهٔ خاصی بخشیده است.

تحلیل جامعه شناختی و روان شناختی از این تغییر و تحول ژرف، محتاج به دقتی فراوان و عمیق است که باید به دور از حُب و بغض و با منطق صحیح تاریخی انجام گیرد.

روشن است که تلاش عالمان شیعی برای ترویج فرهنگ و باورهای مذهب تشیع، در سایهٔ پیدایش حکومت صفوی در ایران و با حمایت آنان انجام گرفته است. نزدیک شدن عالمان دینی به دربار و استفاده از امکانات دولتی با شعار شیعی، تحلیل‌ها و انگاره هایی را در موضوع رابطهٔ دین (مذهب) و دولت پدید آورد که برخی از آن نظریه ها محتاج به نقد، درست بینی، درست پنداری و سنجش است.

در این جلسه تصویری صحیح از وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوره ارائه خواهد شد و از رهگذر آن، تحلیلی صحیح و مبتنی بر واقعیت‌های موجود در آن زمان به دست خواهد آمد.

آغاز سدهٔ دهم هجری با قدرت یافتن سلسلهٔ صفویه در ایران هم زمان است. نوادگان صفی الدین اردبیلی، صوفی شهرهٔ قرن هشتم، خرقه و خانقاه را به کناری نهادند و به تشکیل سلسله ای جدید همت گماردند. شیخ حیدر اردبیلی (قرن نهم) با استفاده از نیروی میدان خانوادهٔ خویش، فعالیت را آغاز کرد که در نهایت به تشکیل حکومت صفویه در سال 907 هجری به دست شاه اسماعیل صفوی منجر شد.

بررسی چگونگی قدرت یافتن صفویان با موضوع این نوشتار بی ارتباط است. آنچه مهم است آنکه شاه اسماعیل صفوی پس از به دست گرفتن قدرت در تبریز، به ترویج فرهنگ و شعائر شیعی پرداخت. تأمل در این شیوهٔ نوپدید بسیار مهم است، زیرا پیشینهٔ خاندان صفوی، ارتباط روشنی با مذهب تشیع ندارد. آنان صوفیانی بودند که به اهل بیت علاقه نشان می دادند، ولی از نظام فکری و معرفتی شیعه پیروی نمی کردند.

ترویج باورهای شیعی از سوی شاه اسماعیل صفوی به گونه ای افراطی آغاز شد. او بیزاری جستن و بدگویی از کسانی را که اهل سنت نسبت به آنها حساس بودند آشکارا ترویج می کرد و به آن اهمیت می داد.

تحلیل روش شاه اسماعیل در این رابطه نیازمند دقت و تأمل است. باید به این سؤال پاسخ داد که آیا این اقدام، تنها یک اقدام سیاسی برای تمایز با حکومت عثمانی است و یا اقدامی مبتنی بر فرهنگ و باور شیعی و نشئت گرفته از اعتقادات اوست؟ (2)

نیت شاه اسماعیل و برخی از جانشینان او هرچه باشد نهال پربار و برگی را پدید آورده است. صفویان با این روش در پی متحد ساختن ایرانیان برآمدند و نخستین دولت

ص: 172

1- (1). برای آشنایی بیشتر با اوضاع سیاسی و فرهنگی این دوره نک: تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه از دکتر عبدالحسین نوایی و دکتر عباسقلی غفاری فرد (انتشارات سمت 1385/ش) و کتاب صفویّه در عرصهٔ دین، فرهنگ و سیاست از رسول جعفریان (انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، 1379 ش).

2- (2). توجه به هوش و سیاست شاه اسماعیل و قدرت او در طراحی نظام حکومتی جدید می تواند مؤید نظریهٔ سیاست مداری او در ترویج فرهنگ شیعی باشد؛ اما دقت در مخالفتهایی که با شاه اسماعیل در این رابطه می شد و یا سخت گیری او در لعن خلفا و دست نیافتن به سود سیاسی زودحاصل در این رابطه، این نظر را تأیید نمی کند.

شیعی در ایران را به تمام معنا پایه ریزی کردند. تمامیت ارضی، وحدت ملی و استقلال از دولت عثمانی، از جمله شاخصهای مهم در ایده های حاکم بر تفکر سلسله صفویه است.

این اقدام برای عرض اندام در مقابل حکومت مقتدر و گسترده عثمانی بود. امپراتوری عثمانی با ادعای تجدید خلافت اسلامی، گستره وسیعی از سرزمینهای اسلامی را زیر سلطه داشت و قدرتی متحد و واحد در سرزمین خویش برقرار ساخته بود. تفکرات سنی گری که گاه با تعصب و خشونت آمیخته می شد بر تمامی سرزمین عثمانی سایه افکننده بود. در پاره ای از مناطق همانند شام، برخی از بزرگ ترین عالمان شیعی همانند شهید ثانی (1) تحت تأثیر این تفکر کور، به شهادت رسیدند. (2)

اعلام تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران نشان داد که میان حکومت تازه و حکومت عثمانی تفاوت آشکاری وجود دارد. حکومت جدید برای دست یابی به هویت مستقل و قابل ارائه، نیازمند نهادینه ساختن فرهنگ و معارف شیعی در تمامی زمینه ها بود. ایجاد، تقویت و نهادینه سازی فرهنگ شیعی به بستری نیاز داشت که در آن بنیانهای فقهی، اعتقادی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی پی ریزی شده باشد. پیشینه صوفیانه سردمداران حکومت جدید و دادوستد آنان با فرهنگ غیرتشکیلاتی صوفیان، این نیاز جدید را برآورده نمی ساخت؛ بنابراین، آنان به گروهی ژرف نگر، ورزیده و دارای تفکر عالمانه نیاز داشتند که این وضعیت را سامان بخشند و فرهنگ جدید را ایجاد کنند و آن را نهادینه سازد. بدین منظور، آنان به عالمان، فقیهان و متفکران شیعی روی آوردند. شاه اسماعیل صفوی در آغاز سلطنت خویش نامه ای برای عالمان بحرین، کوفه، حله و جبل عامل نوشت و آنان را برای نشر معارف و اجرای احکام تشیع به ایران دعوت کرد. (3)

مهاجرت عالمان شیعه از نقاط مختلف به ویژه جبل عامل به ایران، تأثیر فراوانی بر فرهنگ شیعی و باورهای مردمان این دیار داشت. به واقع ارتباط حکومت صفوی و عالمان شیعی گونه ای از هم زیستی مسالمت آمیز بود که دو طرف این ارتباط، منافع

ص: 173

1- (1). برای نحوه شهادت ایشان نک: أمل الأمل، ج 1، ص 90-91.

2- (2). نام شماری از این عالمان شهید در کتاب شهداء الفضیله آمده است.

3- (3). ایران در عصر صفویه، ص 29.

مورد نظر خویش را به دست می آوردند. حکومت صفوی با داعیه داری تشیع، خود را حکومتی مبتنی بر دین و مذهب معرفی می کرد و از وجهه عالمان شیعی و نگاهشته ها و آرای آنان در این راه سود می برد. عالمان شیعی نیز که پس از سالیان دراز فرصت جمع آوری متون، نظریه پردازی، تقویت هویت شیعی و رواج باورهای شیعی را به دست آورده بودند از این فرصت نهایت استفاده را کردند و به نهادینه سازی این تفکر پرداختند. طبیعی است که این همزیستی، ارتباط مسالمت آمیز و دست یابی به اهداف، تنها در صورتی پدید می آمد که نفع دو طرف ماجرا در آن لحاظ شده باشد.

بنابراین، انتظار اقدامات انقلابی و قیام در برابر برخی از مظاهر بیدادگری حاکمان صفوی در برخی از موارد انتظار صحیحی نبود و حتی گاه لازم بود ارکان حکومتی که استقلال فرهنگ شیعی را پاس می داشت، تقویت شود. (1)

موضع گیری مجموعه عالمان شیعی، خواه افرادی که از مناطق دیگر به ایران مهاجرت کرده بودند و با شاهان ارتباط داشتند (همانند شیخ بهایی) و یا آنان که ایرانی بودند و در دربار حضور می یافتند (همانند علامه مجلسی) و آنان که از همکاری و ارتباط با دربار تن می زدند (همانند فیض کاشانی و مقدس اردبیلی) مجموعه ای زیبا از تفکر اعتدال، مصلحت سنجی و ابعاد مختلف سلوک دینی در مواجهه با حکومت صفوی را پدیدار ساخته بود.

مهاجرت عالمان شیعی به ایران

تشکیل حکومت مذهب محور با داعیه ترویج فرهنگ شیعی پس از سالها محرومیت و مهجوری، سبب روی آوردن عالمان و فقیهان به سوی ایران گشت. شاهان صفوی از این گرایش استقبال کردند و عالمان را گرامی داشتند. درخواست آنان از فقیهان و گروههای علمی دیگر، نشانه احتیاج آنان به این گروه فرهنگ ساز بود. از جهت دیگر سخت گیری دولت عثمانی بر شیعیان (2) و عالمان شیعی موجب رونق مهاجرت به ایران گردید. نفرت عالمان

ص: 174

1- (1). ستایش علامه مجلسی از حاکمان صفوی و یا همراهی شیخ بهایی با شاه عباس صفوی از این منظر باید مورد بررسی قرار گیرد. نشناختن موقعیت زمانی و مکانی و رعایت مصلحتهای اجتماعی در فضای آن دوران موجب بر ساختن تحلیلهایی غلط و دور از منطق در این زمینه می گردد.

2- (2). تنها در یک واقعه بیش از چهل هزار شیعه در حکومت عثمانی به قتل رسیده اند. (تاریخ تشیع در ایران، ج 2، ص 765) [1]

جبل عامل، که چند تن از عالمان مشهور خود همانند شهید اول و شهید ثانی را در این راه از دست داده بودند، موجب شد که هجرت از این منطقه به سوی ایران شتاب بیشتری گیرد. (1)

اولین عالم شیعی که با مهاجرت به ایران شیوة پذیرش ترویج مذهب در حکومت جدید ایران را بنیان نهاد شیخ علی بن عبدالعال کرکی مشهور به محقق ثانی (940-870ه) است. او در سال 916 هجری، مدت زمانی پس از فتح بغداد به دعوت صفویان به ایران آمد. شهرت محقق کرکی در فقه و تسلط او بر مبانی کهن و استوار این علم ریشه دار موجب شد که دوره ای جدید در فقه شیعی آغاز شود و فقیهان از حوزه مسائل خصوصی و شخصی مکلفین خارج و به حوزه مسائل اجتماعی و حکومتی وارد شوند. (2)

ظاهراً سالهای پایانی حکومت شاه اسماعیل صفوی، دوران مناسبی برای حضور محقق در ایران نبود؛ بنابراین، او در اواخر حکومت شاه اسماعیل به عراق رفت و پس از هجرت چندین ساله به عراق و روی کار آمدن شاه تهماسب صفوی (در سال 930 هجری) به ایران بازگشت.

موفقیت محقق ثانی و همکاری شاه تهماسب در این زمینه، موجب شد که موج دیگری از مهاجرت عالمان جبل عامل به ایران آغاز گردد. کمال الدین درویش، علی بن هلال کرکی، شیخ علی منشار (پدر همسر شیخ بهایی) و حسین بن عبدالصمد حارثی (م 984ه) پدر شیخ بهایی به همراه فرزندش به ایران مهاجرت کردند. در سالهای بعد افرادی چون شیخ حر عاملی و شماری از عالمان بحرین، که با عنوان بحرانی شناخته می شوند، نیز به ایران آمدند. (3)

اگرچه تعداد مهاجران به ایران چندان پرشمار نیست، ولی دقت در نگرش و تفکر آنان، نشان می دهد که تنها کسانی که از جهت فرهنگی و اجتماعی، قدرت تأثیرگذاری و فعالیت سازنده داشتند به ایران آمده و فرهنگ سازی کرده اند. به واقع

ص: 175

1- (1). دین و دولت در ایران، ص 54.

2- (2). ر. ک: مقدمه ای بر فقه شیعه، ص 56.

3- (3). درباره مهاجرت عالمان شیعی کتابها و مقالات مستقلی نوشته شده است. برخی از این نگاشته ها عبارت اند از: جعفر المهاجر، الهجرة العاملية إلى إيران في العصر الصفوی، [1] أسبابها التاريخية و نتائجها الثقافية و السیاسی؛ مهدی فرهانی، مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران؛ محمدکاظم رحمتی، مهاجرت علمای جبل عامل به ایران در مطالعات عصر صفوی، و... .

حکومت صفوی در جذب نخبگان همت داشت، نه دانش آموختگان معمولی و متوسط؛ در نتیجه افراد مهاجر به طور معمول از اشخاص ویژه محسوب می شدند. (1)

حدیث نگاران مشهور قرن نهم

اشاره

با وجود دعوت حاکمان صفوی و مهاجرت عالمان شیعی و رونق گرفتن حوزه های فقه و حدیث شیعه در ایران میراث ماندگار حدیثی در قرن نهم، حاصل تلاش عالمانی چون شهید ثانی است. با آنکه عالمان شیعی مذهب از نقاط مختلف به ایران آمده بودند، مشهورترین محدثان و ماندگارترین نگارشها مربوط به حوزه ایران، جبل عامل و عراق است. ابن ابی جمهور آحسائی، زین الدین بن علی جبعی عاملی، مشهور به شهید ثانی، حسن بن زین الدین عاملی، پسر شهید ثانی و حسین بن عبدالصمد حارثی، پدر شیخ بهایی از عالمان حدیث و نگارندگان متون حدیث و علوم حدیث در این دوره هستند.

اکنون به معرفی این عالمان و آثار ایشان می پردازیم.

1. ابن ابی جمهور آحسائی

نام او محمد بن زین الدین و متولد منطقه احساء (در شرق کشور عربستان) است. او در احساء و عراق و حجاز دانش آموخته است. اساتید و شاگردان، به استثنای محقق کرکی، او چندان شهره نیستند. او را عارف، متکلم، فقیه و محدث دانسته اند. بر احسائی به سبب گرایش به تصوف و کوتاهی در نقل حدیث، خرده گرفته اند.

آثار حدیثی او نسبتاً فراوان است، ولی شهرت او به سبب نگارش کتاب عوالی اللئالی است که مهم ترین کتاب او شمرده می شود. (2)

ص: 176

1- (1). شخصیت استثنا در این مجموعه، شهید ثانی (م 966ه) است. او با وجود تبخّر در علوم مختلف، به ویژه فقه و حدیث و درایه، در منطقه شام ماند و به تبلیغ مبانی شیعی ادامه داد و در نهایت به شهادت رسید. پیشگامی او در برخی از عرصه های علوم پیرامونی حدیث روشن است. علت ماندگاری او در سرزمین اجدادی و نیامدن به ایران محتاج دقت و تأمل بیشتر است. فرزند او نیز به عراق رفت، ولی در ایران حضور نداشت.

2- (2). برای آگاهی بیشتر رجوع شود به: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل ابن ابی جمهور؛ تاریخ حدیث شیعه در قرن 9، 8 و 10، ص

[1]. 50

عوالی اللثالی (یا عوالی اللثالی) مجموعه ای حدیثی است که بیشتر به ابواب فقهی نظر دارد و کاربردی است. ابن ابی جمهور روایات خود را به صورت مرسل نقل کرده و تنها در مقدمه کتاب برخی از طرق و اسناد خود را به علامه حلی و شیخ طوسی برشمرده است، ولی ارتباط سند با متن را معلوم نکرده است.

برخی از متون موجود در کتاب از مصادر اهل سنت نقل شده اند. برخی محدثان و فقیهان به این دو نکته انتقاد کرده اند. علامه مجلسی درباره کتاب عوالی نوشته است:

کتاب عوالی اللثالی وإن کان مشهوراً ومؤلفه فی الفضلِ معروفاً لکنه لم یُمیز القسّرَ مِنَ اللبَابِ وَأَدخَلَ أخبارَ مُتَعَصِّبِ الْمُخالفینَ بَینَ روایاتِ الأصحابِ فَلذا اقتصَرنا منه علی نقلِ بعضها (1).

کتاب عوالی اللثالی با وجود شهرت خود و نویسنده اش، احادیث سره را انتخاب نکرده و روایات مخالفان تدرور را در میان روایات اصحاب امامیه آورده است؛ بنابراین، از این کتاب کمتر حدیث نقل می کنیم.

صاحب وسائل این کتاب را معتبر ندانسته و از آن نقل نکرده است. (2) صاحب حدائق نیز گفته است:

و ما علیه کتابُ المذكور من نسبة صاحبه إلى التساهل فی نقل الأخبار و خلط غثها بِسَمینها و صحیحها بسقیمها (3) صاحب کتاب مذکور در نقل اخبار متساهل بوده و احادیث ضعیف را در کنار روایات قوی و متون صحیح را همراه با گزارشهای ناصحیح در کتاب با هم آورده است.

اصولیان نیز سخن صاحب حدائق را تأیید کرده اند، (4) اما برخی همانند محدث جزائری، محدث نوری و آیه الله مرعشی مؤلف و کتاب را تأیید کرده و در موافقت با آن سخن گفته اند. (5)

اگرچه اعتراض به صاحب حدائق نسبتاً گسترده است، ولی به جهت کاربردی بودن روایاتی که در کتاب است گاه اصولیان و کسانی که تفکر اخباری ندارند، به این

ص: 177

1- (1). بحار الأنوار، ج 1، ص 31. [1]

2- (2). وسائل الشیعه، ج 30، ص 160.

3- (3). حدائق الناضره، ج 1، ص 99.

4- (4). فوائد الأصول، ج 2، ص 116؛ فوائد الأصول، ج 3، ص 389؛ أصول الفقه، ج 2، ص 219.

5- (5). رجوع شود به: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل ابن ابی جمهور؛ عوالی اللثالی، مقدمه آیه الله مرعشی.

کتاب استدلال می کنند.

برخی روایات مهم مانند

«الناس مسلطون علی أموالهم» (مردم مالک اموال خویش اند) و یا مرفوعه زراره در جمع بین اخبار متعارض، از جمله احادیثی هستند که تنها از طریق کتاب عوالی اللئالی به مصادر فقهی و حدیثی متأخر راه یافته اند. (1)

به نظر می رسد با وجود آنکه دانشمندان شیعی به برخی از روایات اختصاصی کتاب عوالی اللئالی به شدت نیاز داشته اند، ولی ضعفهای موجود در کتاب و یا مؤلف آن (همانند اتهام غلو و یا صوفیگری) موجب گشته که اعتماد کلی آنان به کتاب کاهش یابد و عالمان شیعی از آن استفاده و به آن استناد نکنند.

2. شهید ثانی

سرآمد نویسندگان شیعه در این دوره و نخستین دانشمند شیعی است که در علم درایة الحدیث (مصطلحات الحدیث) کتاب نوشته است. ایشان با وجود عمر نسبتاً کوتاه، (965-911ه) در تمامی زمینه های علوم اسلامی صاحب نظر بوده است. فقه، تفسیر، علوم عقلی، هندسه، هیئت، ادبیات، حدیث، کلام، تاریخ و... او را به دانشمندی جامع در علوم اسلامی تبدیل کرده است.

شهید ثانی در جبل عامل لبنان متولد شد و تحصیلات خود را در این منطقه آغاز کرد. در شام و مصر افزون بر عالمان شیعی، از استادان اهل سنت نیز استفاده نمود.

علاوه بر نگارشهای مهم فقهی همانند مسالک الأفهام و شرح لمعه، نگاشته های حدیثی ایشان نیز مورد استقبال قرار گرفته است. (2)

کتاب البدایة فی علم الدرایة و کتاب الرعاية فی علم الدرایة مهم ترین کتابهای درایه ای او هستند که بر نگارشهای بعدی در علم درایه تأثیر زیادی گذاشته اند. شهید ثانی کتاب دیگری با نام غنیة القاصدین فی اصطلاحات المحدثین دارد. الرعاية فی علم الدرایة اگرچه جزء نخستین نگاشته های شیعی در این علم است، ولی از قوام و استحکام خاصی برخوردار است؛ زیرا از تمامی نوشته های اهل سنت در این موضوع استفاده کرده و فواید آنها را جمع آوری نموده است.

ص: 178

1- (1). نک: عوالی اللئالی، ج 1، ص 222 و ج 4 صفحه 133.

2- (2). برای اطلاع از زندگی شهید ثانی، ر. ک: مقدمه کتاب منیة المرید به قلم رضا مختاری.

کتابهای الأربعون حديثاً فی الفضائل و شرح حديث الدنيا مزرعة الآخرة نیز نگارش حدیثی و فقه الحدیثی شهید ثانی است.

کتاب منیة المرید فی آداب المفید والمستفید مشهورترین کتاب اخلاقی حدیثی شهید ثانی است که در آن، آداب و وظایف معلم و دانشجو را با بهره‌گیری از قرآن و حدیث بیان کرده است. دانشمندان و عالمان شیعی بر خواندن و تدریس این کتاب اصرار داشته‌اند و آن را چندین و چند بار مطالعه می‌کرده‌اند. (1) بر هر دانشجوی علاقه‌مند به هر رشته از علوم لازم است که این کتاب را بخواند. (2)

کتابهای دیگر شهید ثانی همچون کشف الریبه، حقائق الإیمان و مُسکَن الفوائد نیز رنگ حدیثی دارند. کشف الریبه فی أحكام الغیبه یکی از زیباترین نگارشهای اخلاقی، فقهی از منظر قرآن و حدیث است. شهید ثانی کتابی با نام الإجازات نیز نوشته است که جایگاه ایشان را در سلسله اسناد شیعی و طبقات محدثان مشخص می‌کند.

شهید ثانی در سال 965 هجری در پی کینه‌توزی برخی از متعصّبان اهل سنت در شهر مکه دستگیر و به اسلامبول، مرکز خلافت عثمانی، منتقل شد و در آنجا به شهادت رسید.

او پیش از دستگیری، مشغول به نگارش کتاب مسالک الأفهام بود. کتاب منیة المرید را نیز در سال قبل از آن به پایان رسانده بود. (3)

3. حسین بن عبدالصمد حارثی 984-918ه

از عالمان حدیث پژوه جبل عامل، معاصر شهید ثانی و شاگرد اوست. وی پدر شیخ بهایی دانشمند پرآوازه سده دهم و یازدهم شیعه است آگاهی او از فقه، ادب، تاریخ، لغت و حدیث را ستوده‌اند. او یکی از آغازگران پژوهش حدیثی در ایران شمرده می‌شود.

ص: 179

1- (1). مقدمه منیة المرید، ص 55، به نقل از میرزای شیرازی، سید محسن امین عاملی، مامقانی و....

2- (2). علی اصغر حکمت توصیف این کتاب را از یکی از دانشمندان غربی شنیده و به خواندن آن راغب شده است. مقدمه منیة المرید، ص 56.

3- (3). مقدمه منیة المرید، ص 15؛ تحقیق، تصحیح و مقدمه رضا مختاری این کتاب را خواندنی تر کرده است.

حارثی در زمان شاه تهماسب به ایران آمد و در اصفهان ساکن شد. شاه صفوی که آوازه او را شنید او را به قزوین، که پایتخت آن دوره بود، فرا خواند. مدتی شیخ الإسلام قزوین و سپس مشهد گشت. پس از فتح افغانستان، به مدت هشت سال به هرات مهاجرت کرد و بذر تشیع را در آن دیار پراکند. در آخر عمر نیز در بحرین زندگی می کرد. (1) مجموع نگاشته های او نزدیک به سی عنوان است که در موضوعات فقهی، کلامی، حدیثی و ادبی نوشته شده اند.

از جمله کتابهای حدیثی او کتاب الأربعین حدیثاً، تعلیقات بر صحیفه سجادیه و وصول الأخیار إلى أصول الأخبار است. کتاب وصول الأخیار، با مقدمه ای مفصل در مباحث امامت، مباحث و اصطلاحات موضوع علم درایه را به تفصیل مطرح نموده است. (2)

4. حسن بن زین الدین 1011-958

او فرزند شهید ثانی است که به سبب نگارش کتاب معالم الدین به صاحب معالم شهره گشته است. صاحب معالم هفت ساله بود که پدرش به شهادت رسید. تحصیلات خود را همراه با دایی خویش (صاحب مدارک) در جبل عامل آغاز کرد و در عراق ادامه داد. این دو، شاگرد مقدس اردبیلی و مولی عبدالله یزدی و... بودند. ارتباط او و صاحب مدارک آنقدر صمیمی و دوستانه بود که در میان دانشمندان ضرب المثل گشت. نگاشته های فراوان او همراه با ارزیابی صاحب مدارک بوده است. شهرت او در اصول، فقه، حدیث و ادب است.

او با تألیف متنی مرتب و پاکیزه در علم اصول فقه به عنوان مقدمه ای بر کتاب معالم الدین خود، راه را برای بحثهای متمرکز در اصول فقه گشود. (3)

علم، آگاهی و ذوق او را بسیار ستوده اند. (4) شیخ حر عاملی درباره او گفته است:

كان عالماً فاضلاً متبحراً محققاً ثقةً ثقةً فقيهاً وجيهاً نبياً محدثاً جامعاً للفنون

ص: 180

1- (1) ر. ک: أعيان الشيعة، ج 6، ص 66 56. [1]

2- (2) برای آشنایی بیشتر با جایگاه این کتاب در علم درایه نک: رسائل فی درایة الحدیث، ج 1 ص 325.

3- (3) مقدمه ای بر فقه شیعه، ص 15. [2]

4- (4) أعيان الشيعة، ج 5، ص 92. [3]

أديباً شاعراً زاهداً عبداً ورعاً جليل القدر عظيم الشأن كثير المحاسن وحيد دهره أعرف أهل زمانه بالفقه والحديث والرجال. (1)

علاوه بر کتابهای فقهی چند اثر نفیس حدیثی از او بر جای مانده است.

نگارش رجالی او با نام التحریر الطاووسی، تصنیف و بازنویسی کتاب حل الإشکال فی معرفة الرجال نگاشته سید احمد بن طاووس است. نکته مهم در این کتاب آن است که او به نسخه دست نویس سید بن طاووس دسترسی داشته و ایشان نیز برخی از کتابهای مهم رجالی همانند رجال ابن غضائری را در اختیار داشته است. در واقع می توان گفت که ما از راه کتاب التحریر الطاووسی به کتاب ابن غضائری دست می یابیم.

مهم ترین نگاشته حدیثی صاحب معالم، کتاب منتقى الجمان فی الأحادیث الصحاح و الحسان است. او در این کتاب احادیث صحیح السند را از کتب اربعه استخراج نموده و آنها را تنظیم کرده است.

احادیثی را که خود صحیح می شمرد و در بررسی سندی آن بسیار سخت گیری می کند با رمز «صحی»، یعنی «صحیح عندی» مشخص کرده و احادیث صحیح در نزد مشهور را با رمز «صحو» معین کرده است. در ادامه نیز احادیث «حسن» را ذکر می کند.

ظاهراً این شیوه نگارش تنها در آثار علامه حلی بوده است و پیشینه دیگری ندارد.

مؤلف پس از نقل روایت به شرح دقیق آن می پردازد. الفاظ غریب آن را توضیح می دهد و با بیانی رسا فقه الحدیث زیبایی را ارائه می کند. مؤلف مشکلات احتمالی در متن را مشخص می کند و راه حل لازم برای حل اشکال و یا نفی تعارض را ارائه می دهد. او در قسمت رفع اختلاف، از شیوه شیخ طوسی استفاده کرده است.

مقدمه طولانی او بر کتاب منتقى الجمان، بیانگر معیارهای رجالی او است. این مقدمه مشتمل بر دوازده فایده است. فایده سوم از این مجموعه به تبیین مبنای ایشان در کافی بودن توثیق یک عادل اختصاص دارد. او توثیق را نوعی شهادت می شمرد که به دو نفر شاهد نیاز دارد.

این کتاب تنها تا ابواب حج نوشته شده و اجل مهلت تکمیل آن را نداده است.

ص: 181

درس دهم: حدیث پژوهی در سده های یازدهم و دوازدهم

اشاره

ص: 183

حدیث پژوهی و نگارش آثار ماندگار و تلاش در زمینه های گوناگون حدیثی در قرن یازدهم و دوازدهم هجری شکل گرفت و رواج یافت. اگرچه حکومت صفویه در قرن دهم تشکیل شد و فعالیت های علمی عالمان شیعی را پیگیری می کرد، ولی آثار فعالیت های حدیثی عالمان در قرن یازدهم پدیدار گشت.

کوشش افرادی چون پدر شیخ بهایی، شیخ علی منشار (پدر همسر شیخ بهایی)، ملا عبدالله شوشتری، محمدتقی مجلسی، ملا محمد استرآبادی، ملا محمد امین استرآبادی و... در این دوره ثمر داد و آثاری ماندگار در حوزه حدیث شیعه منتشر شد. فعالیت اخباریان که در سده یازدهم آغاز شده بود به این جریان کمک می کرد و فعالیت های حدیثی را در صدر می نشانند. این جنبش حدیثی نو بنیاد، زمینه های متفاوت پژوهشی را مد نظر قرار داد.

فعالیت های اصلی دانشمندان و محدثان این دوره در هفت محور اصلی و چند محور فرعی طبقه بندی می شود. محورهای اصلی فعالیت های محدثان شیعی از این قرار است:

1. تکثیر نسخه ها؛

2. تک نگاری؛

3. جامع نگاری؛

4. شرح نویسی و فقه الحدیث؛

5. تفسیر مأثور؛

6. ترجمه؛

7. علوم حدیث (رجال، درایه و...).

ص: 185

در ادامه نوشتار، مصادیق عناوین بالا و شخصیت‌هایی که در این زمینه فعالیت کرده اند، به بحث گذاشته می شود.

تکثیر نسخه ها

فضای خفقان آلود سیاسی و اجتماعی نسبت به شیعیان و باورهای آنان در سده های پیشین به گونه ای بود که به طور معمول امکان فعالیت آشکار و بدون دغدغه را از عالمان شیعی می گرفت.

این وضعیت موجب شده بود که نگاشته های کهن حدیثی شیعه، گسترش عمومی درخور شأن خویش نیابند. در فضای پیشین، در پیش گرفتن تقیه و آشکار نکردن عقاید خود از سوی شیعیان سبب مخفی ماندن نسخه های اصیل و دقیق حدیثی می گشت. بسیاری از نسخه ها در هجوم متعصبان اهل سنت نابود شد و برخی از آنها در پستوهای نَمور خانه ها از بین رفت و به دست نسلهای پسین نرسید.

تلاش عالمان شیعی که با زحمت فراوان در پی نقل و روایت نسخه های کهن حدیثی بودند بسیار پراکنده بود. ممکن بود نسخه ای در روستایی دورافتاده باشد که عالمان شهرهای بزرگ از آن بی اطلاع باشند.

قدرت یافتن عالمان شیعی در این دوران و امکان فعالیت آزاد در گسترش باورهای شیعی، آنان را به این فکر واداشت که نسخه های اصیل، معتبر و کهن را احیا کنند و در دسترس دیگران قرار دهند.

شیخ علی منشار، شیخ الاسلام اصفهان و پدر زن شیخ بهایی، در سفر به هند نسخه های خطی بسیاری تهیه کرد و به اصفهان آورد. گفته اند که او چهار هزار نسخه خطی فراهم کرد که بعدها در اختیار شیخ بهایی قرار گرفت. (1)

علامه محمدتقی مجلسی نیز از کسانی است که در این مسیر تلاش فراوان کرده است. او خود در این باره نوشته است:

در این شهر اصفهان دو یا سه کس کتب حدیث داشتند و آن نیز در کتابخانه بود که کسی ندیده بود و الحال (1066ه) قریب به چهل سال است که سعی نمودم... و به مرتبه ای رسیده است که در بسیاری از کتابخانه ها جمیع کتب مکرر هست. والحمد لله

ص: 186

1- (1). ریاض العلماء، ج 4، ص 266. [1]

رب العالمین که اکثر فضیله‌های عصر اوقات شریف ایشان صرف حدیث می‌شود. (1)

علامه محمدباقر مجلسی نیز به این کار بسیار اهمیت می‌داد. او به عنوان شیخ الإسلام اصفهان موقوفات خاصی در اختیار داشت که برای گسترش حدیث و تکثیر نسخه‌های خطی هزینه می‌شد. نگاهی به فهرست کتابهای خطی و تاریخ نگارش آنها، تفاوت آشکار این دوران با زمان پیشین را مشخص می‌کند. بیشتر نسخه‌های خطی موجود در زمان ما در این روزگار فراهم آمده است.

علامه مجلسی به گروههای مختلف علمی مأموریت داد تا نسخه‌های دور از چشم را در نقاط مختلف بیابند و نمونه‌ای از آن را به اصفهان منتقل کنند. در پی این تلاش مجموعه‌ای گسترده از نسخه‌های خطی فراهم آمد و زمینه‌ای مناسب برای مقایسه نسخه‌ها و گزینش برترین آنها به وجود آمد. پس از گزینش و انتخاب بهترین نسخه، آن نسخه تکثیر می‌شد و در اختیار عالمان قرار می‌گرفت.

مجموعه این امکانات موجب شد که علامه مجلسی در نگارش بحار الأنوار از بهترین نسخه‌های زمان خویش استفاده کند. این کتاب اکنون نیز به عنوان گزارشگر نسخه‌های کهن صحیح مورد توجه مصححان کتب حدیثی است.

تک نگاری

نگارش متون حدیثی در این دوران بیش از پیش گسترش یافت. در این زمان کتابهایی نگارش یافت که بسیاری از آنها تا کنون به صورت نسخه خطی باقی مانده و به چاپ نرسیده است. تقریباً تمامی محدثان این دوره نگارشهایی این گونه داشته‌اند.

شیخ حر عاملی کتابهایی با نام الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه، الإیقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، إثبات الهداة والفصول المهمة فی معرفة الأئمة نوشته است. سید هاشم بحرانی هم کتابهای گوناگونی در زمینه‌های مختلف، به ویژه معرفت امامان، نگاشته است. معالم الزلفی فی معارف النشأة الأولى و الأخری، حلیة الأبرار، مناقب أمير المؤمنين، المحجبة فیما نزل فی القائم الحجة، غایة المرام و... از نگاشته‌های اوست.

ص: 187

نور البراهین سید نعمت الله جزائری، قصص الأنبيای حویزی، نوادر الأخبار و معادن الحکمه هر دو از ملا محسن فیض کاشانی، مسار الشیعه فراهانی و دهها کتاب دیگر از جمله تک نگاریهای این دوران است.

یکی از زیرشاخه های مهم در تک نگاری احادیث شیعی، اربعین نویسی (چهل حدیث) است که در این دوران رشد گسترده ای یافت. اربعین نویسی شاخه ای کهن در نگاشته های حدیثی شیعی و سنی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً ینتفعون مما یحتاجون إلیه فی أمر دینهم بعثه الله عزّ وجلّ یوم القیامة فقیهاً عالماً (1).

هر کس از امت من چهل حدیث از احادیثی که امتم در امر دین بدانها نیاز دارند، حفظ کند خدا در قیامت او را فقیه و عالم محشور خواهد کرد.

نگارندگان چهل حدیث موضوعی عام یا خاص را هدف قرار می دادند و به نگارش و یا شرح چهل حدیث در آن باره می پرداختند. مباحث اخلاقی، اعتقادی، فضایل و مناقب، سنن، آداب، احکام و... موضوعات مورد توجه عالمان شیعی بوده است. الأربعین فی فضائل أمیرالمؤمنین علیه السلام، نوشته جمال الدین محمدشاه شاهرودی (م 930ه)، الأربعون حدیثاً نگارش حسین بن عبدالصمد حارثی (م 984ه)، الأربعون حدیثاً فی أحوال النصاب و المخالفین نوشته عبدالقاهر حسینی تفرشی (م 1025ه)، الأربعین شیخ بهایی، الأربعین علامه محمدتقی مجلسی، الأربعون حدیثاً، نوشته قاضی سعید قمی (همراه با شرح روایات معارفی)، الأربعون حدیثاً فی أصول الدین و فروع الدین علامه مجلسی، الأربعون حدیثاً، نوشته فخرالدین طریحی و چندین کتاب دیگر از این گروه است. (2)

جامع نویسی

مشهورترین کتابهای جامع حدیثی پس از کتب اربعه در این دوران نگاشته شده است. شهرت این نگارشها موجب تمایز این دوران با زمان پیش و پس از خود گشته است.

ص: 188

1- (1). خصال، ج 2، ص 50؛ [1] کافی، ج 1، ص 49، و....

2- (2). برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به مقاله چهل نویسی و حدیث «الأربعین»، مجله علوم حدیث، شماره 1.

تا پیش از این دوران، عالمان و فقیهان برای اطمینان از یافته های خود نیازمند مراجعه به تمامی کتابها و بررسی آنها بودند؛ همچنین آنها مجبور بودند به کتب اربعه مراجعه کنند. در بسیاری از مباحث اعتقادی (همانند معاد) کتابی جامع و مطمئن در دسترس نبود. تاریخ و سیره معصومان، مباحث اخلاقی و... نیز وضعیتی این چنین داشت. کتابی جامع که تمامی احادیث ابواب فقه و یا معارف را در بر داشته باشد نیز در اختیار عالمان نبود.

ملا- محسن فیض کاشانی (م 1091ه) اولین جامع نگار احادیث فقهی در این دوران است. او با جمع آوری و ترکیب کتب اربعه شیعه، کتاب وافی را سامان داد. این کتاب بیشتر برای فقیهان کارآمد بود، ولی مباحث اعتقادی و اجتماعی کتاب کافی را هم در بر داشت.

شیخ محمد بن حسن حر عاملی، با نگاشتن وسائل الشیعه ماندگارترین جامع فقهی شیعه را سامان داد. او علاوه بر کتب اربعه، روایات فقهی بیش از هشتاد کتاب حدیثی دیگر را نیز جمع آوری و به شیوه ای کاملاً کاربردی تنظیم کرد. همسانی ترتیب و دسته بندی مباحث این کتاب با مباحث کتاب شرایع الإسلام- یکی از اصلی ترین مراجع معتبر فقه شیعه- و توجه کامل به جزئیات موجود در مباحث فقهی، آن را شهره ساخته است؛ به گونه ای که این کتاب مرجع مجتهدان در استنباط و اجتهاد قرار گرفته است.

مهم ترین جامع حدیثی شیعی یعنی بحار الأنوار نیز در این دوران نوشته شده است. در این مجموعه مرحوم علامه مجلسی همّت اصلی خود را به جمع آوری احادیث غیرفقهی اختصاص داده است؛ زیرا روایات فقهی در مجموعه های دیگر فراهم آمده اند. (1)

همت و تلاش مرحوم علامه (رحمه الله) در پی جویی و جمع آوری احادیث و تنظیم دقیق آنها در موضوعات متفاوت، آن مقدار بلند و گسترده است که انسان را به تعجب وامی دارد.

ص: 189

1- (1). گفتنی است که بخش فقه بحار الأنوار نیز بسیار گسترده و نزدیک به بیست جلد است.

پس از علامه مجلسی، مرحوم شیخ عبدالله بحرانی با نگارش کتاب عوالم العلوم سعی کرد تا کاری بزرگ تر و وسیع تر از بحار الأنوار را سامان دهد، ولی مزایای فراوان کتاب بحار الأنوار و شهرت علامه مجلسی موجب گمنامی کتاب عوالم العلوم گشته است. این کتابها در درس جوامع حدیثی شیعه به تفصیل بررسی می شود؛ بنابراین، در این بحث به این مختصر بسنده می کنیم. (1)

شرح نویسی و فقه الحدیث

تا پیش از این دوران، شرح نویسی بر احادیث چندان گسترش نداشت. فقیهان در لا- به لای مباحث فقهی به شرح احادیث فقهی می پرداختند، ولی سایر احادیث، همچون احادیث اعتقادی، که گاه بسیار مهم تر و دقیق تر از روایات فقهی بودند در حاشیه به سر می بردند؛ حتی مهم ترین کتاب حدیثی شیعه، یعنی کتاب کافی تا آن دوران شرح پسندیده ای نداشت. مرحوم میرداماد در مقدمه کتاب کافی ضمن مدح و ستایش ثقة الإسلام کلینی و کتاب کافی نوشته است:

در مدت هفتصد سالی که از تألیف کتاب کافی گذشته است کسی از عالمان به شرح احادیث و حل مشکلات آن نپرداخته است. اما در روزگار ما بیش از سی شرح و حاشیه بر کتاب کافی نوشته شده است و این تعداد نشانگر اهمیت دادن عالمان شیعه به این شیوه است (2).

یکی از کهن ترین شروح صحیفه سجاده، شرح مرحوم شیخ بهایی (م 1030ه) بر این کتاب است. اگرچه تنها یک قسمت از این نوشته با نام الحدیقة الهلالیه، در شرح دعای امام سجاد علیه السلام به هنگام رؤیت هلال، در دست است، ولی این کتاب مختصر نشانگر دقت و تیزبینی شیخ بهایی در موضوعات حدیثی، نجومی و پیروی از معیارهای صحیح و علمی در شرح حدیث و فقه الحدیث است.

ص: 190

1- (1). برای آگاهی بیشتر از کتاب بحار الأنوار، ر.ک: آشنایی با بحار الأنوار نوشته احمد عابدی، مقدمه معجم ألفاظ بحار الأنوار، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، جوامع حدیثی شیعه، هادی حجت، تاریخ حدیث در قرن دهم و یازدهم، نوشته الیاس پورا کبر، مدخل بحار الأنوار در دانش نامه جهان اسلام و....

2- (2). الرواشح السماویه، ص 4؛ مقایسه این سخن با تعداد شروح کتاب بخاری که نزدیک به چهارصد عنوان است عجیب و عبرت آموز است.

با وجود آنکه ملاصدرا (م 1050ه) در فلسفه و علوم عقلی شهره است، ولی او را باید یکی از اولین شارحان حدیث شمرد. نگاه دقیق او به روایات اعتقادی موجب شد که نگاه نقلی و تعبدی صرف به متون تغییر کند و آیات و روایات چونان متون برهانی و همسان با احکام عقلی جلوه کند. اگرچه شرح ملاصدرا بسیار ناقص است و تنها پانصد حدیث اول کتاب کافی را دربرمی گیرد، ولی به جهت آنکه این مضمون مربوط به کتاب عقل و کتاب توحید است اهمیت بسیاری دارد. به گفته علامه شعرانی، این شرح تأثیری بسیار ژرف بر شروح پس از خود گذاشته و آنها را نیز متحول ساخته است. (1)

علامه محمدتقی مجلسی (م 1070ه) نیز دو شرح بر کتاب من لا یحضره الفقیه نوشته است؛ روضه المتقین به زبان عربی و لوامع صاحبقرانی به زبان فارسی. لوامع صاحبقرانی جزء نخستین شروح درازدامن فارسی بر کتب حدیثی شیعه است. ایشان دو شرح فارسی و عربی بر صحیفه سجادیه هم نگاشته است.

ملا خلیل قزوینی (م 1089ه) دو شرح فارسی و عربی مفصل بر کتاب کافی دارد. هر چهار کتاب، به ویژه شروح فارسی کتاب کافی و من لا یحضره الفقیه، به درخواست شاه عباس دوم انجام گرفته است. (2) علامه مجلسی نیز دو شرح بر دو کتاب از کتب اربعه دارد و کتاب مرآة العقول را در شرح کتاب کافی و کتاب ملاذ الأخیار را در شرح کتاب تهذیب الأحکام نوشته است.

ملا صالح مازندرانی بر اصول و روضه کافی شرح نوشت و رفیع الدین نائینی بر آن کتاب حاشیه نگاشت که با نام «الحاشیة علی أصول الکافی» به چاپ رسیده است.

سید نعمت الله جزائری (م 1112ه) دو کتاب در شرح تهذیب الأحکام و یک کتاب در شرح استبصار با نام الأسرار فی شرح الاستبصار نوشته است. او همچنین کتاب توحید و عیون الأخبار شیخ صدوق را نیز شرح کرده است. شرح کتاب التوحید با نام «نور البراهین أو أنیس الوحید فی شرح التوحید» به چاپ رسیده است.

ص: 191

1- (1). شرح ملا صالح مازندرانی، ج 5، ص 169؛ رضا استادی، «ده نکته درباره شرح اصول کافی ملاصدرا»، مجله علوم حدیث، شماره 13.

2- (2). عباس نامه، ص 184 و 185.

در گزارش مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی شروح فراوانی بر کتاب کافی، صحیفه سجادیه، تهذیب الأحکام و من لا یحضره الفقیه نام برده شده است. همچنین در شرح احادیث خاص و مشکل رساله های فراوانی نوشته شده که در این کتاب نیز به آن اشاره شده است. حاشیه های گوناگونی نیز بر کتابهای حدیثی در این دوران موجود است. (1)

شرح سید علیخان مدنی با نام ریاض السالکین مهم ترین شرح بر کتاب صحیفه سجادیه است که در هفت جلد منتشر شده است.

کتاب بحار الأنوار مهم ترین کتاب شرح حدیثی در این مجموعه است. علامه مجلسی پس از ذکر روایت، شرح و تبیین خویش را زیر عنوان های «بیان»، «تبیین»، «ایضاح»، «توضیح» و... آورده است. او به غریب الحدیث، شرح حدیث، تعارض و اختلاف حدیث پرداخته است و سعی در حل مشکل الحدیث دارد. کتاب بحار الأنوار جامع ترین شرح روایات شیعی است و از شیوه صحیح و پسندیده فقه الحدیث پیروی می کند.

تفسیر مآثور

نگارش تفسیر روایی یا تفسیر مآثور نیز در این دوران فراوان است. گسترش فعالیت های حدیثی و رواج اخباریگری در این دوره رواج تفسیر مآثور را در پی داشته است. به اعتقاد اخباریان فهم آیات قرآن بدون استفاده از کلام معصوم ممکن نیست. در سایه این باور، آنها به روایات تفسیری توجه ویژه داشتند و کتابهایی در این زمینه نگاشتند. مشهورترین این تفاسیر عبارت اند از:

1. تفسیر صافی و اصفی

تفسیر صافی از مشهورترین تفاسیر شیعی، نگاشته ملا محسن فیض کاشانی

(م 1091ه) است. در این تفسیر، به روایات اهل بیت و درایت آن اهمیت بسیار داده شده است. این تفسیر به تفاسیر کهن مآثور همانند تفسیر قمی و عیاشی توجه ویژه دارد. به باور فیض، تاکنون تفسیری مهذب، شفاف، کامل، کافی و منحصر به احادیث

ص: 192

1- (1). نکته قابل توجه اینکه شروح نهج البلاغه در این دوران کمتر از حد انتظار است. این نکته نیازمند دقت و تأمل است.

اهل بیت نوشته نشده است؛ از این رو، او این تفسیر را با هدف رسیدن به این نتیجه به انجام رسانده است. مقدمات دوازده گانه فیض کاشانی در ابتدای تفسیر صافی، مخاطب را با نحوه تفکر و روش کار او آشنا می سازد. فیض کاشانی این تفسیر را خلاصه کرده و نام اصفی را بر آن نهاده است.

2. البرهان فی تفسیر القرآن

این تفسیر نگاشته سید هاشم بحرانی (م 1107ه)، گسترده ترین تفسیر روایی است که به جمع آوری تمامی متون حدیثی، بدون جداسازی سره از ناسره پرداخته و آنها را در کتاب خود نقل کرده است. شیوه اخباریگری نویسنده در نقل روایات به طور کامل دیده می شود. او روایات مورد نظر خود را از حدود 57 کتاب حدیثی جمع آوری کرده و در تفسیر آیات آورده است. بیشتر توجه بحرانی به نقل روایات است و از نقد متون به شدت دوری می گزیند.

3. تفسیر نور الثقلین

عبدالعلی حویزی (م 1112ه) نگارنده این تفسیر با جمع آوری روایات تفسیری سعی کرده است تا روایاتی مقبول و خوش مضمون ارائه دهد. او اسناد روایات را حذف و تنها متن آنها را ذکر کرده است. هر چند این تفسیر برتر از تفسیر البرهان است، اما همان گونه که در برخی از تفاسیر دیگر نقلی نیز دیده می شود برخی از متون اسرائیلیات به این تفسیر راه پیدا کرده است. با وجود این، علامه طباطبایی، مؤلف تفسیر المیزان، تلاش مؤلف را در تنظیم و نگارش این کتاب ستوده است. (1)

4. تفسیر کنز الدقائق

این کتاب تألیف میرزا محمد مهدی (م 1125ه) و شبیه به کتاب نور الثقلین است. دو سوم انتهایی این دو کتاب دقیقاً مشابه هم هستند و این نشان می دهد که یکی از این دو کتاب از دیگری گرفته شده است.

ص: 193

بایسته است که کتاب بحار الأنوار نیز یکی از تفاسیر مآثور در این دوره شمرده شود. علامه مجلسی در هر باب و عنوان این کتاب، ابتدا آیات مربوط با آن عنوان و سپس روایات هم مضمون با آیات را ذکر و در ادامه، روایات آن باب را نقل می کند. این شیوه موجب شده است که بحار الأنوار مفصل ترین تفسیر روایی جلوه کند. همچنین این شیوه در همراهی آیات و روایات تفسیری با دیگر روایات اهل بیت زمینه فهم برتر را در هر عنوان قرآنی فراهم می سازد. شیوه علامه مجلسی در انتخاب آیات مرتبط در یک موضوع و مضمون، گونه ای تفسیر موضوعی آیات را نیز پدید آورده و از روش تفسیر قرآن به قرآن نیز استفاده شده است.

ترجمه فارسی نویسی

رسمی شدن مذهب شیعه در ایران که زبان رسمی مردم آن فارسی بود، نیاز به آن داشت که برای آشنایی مردم عادی با متون معرفتی امامان گامهای اساسی برداشته شود. پیش از این دوران، معارف علمی و حدیثی تنها به زبان عربی، که زبان علمی و دینی مسلمانان بود، نوشته می شد. این زبان رسمی، رایج و مشترک برای ارتباط جوامع مختلف مورد نیاز بود، ولی گرهی از کار مردم نمی گشود.

بنابراین، توده مردم تنها از راه جلسات سخنرانی اطلاعات دینی و مذهبی خود را به دست می آوردند؛ در حقیقت فرهیختگان و طلاب رابط بین مردم و متون دینی بودند.

حکومت صفوی تلاش کرد متون معرفتی شیعه به زبان فارسی نوشته شود و در اختیار مردم قرار گیرد. شاه اسماعیل از عالمان خواست که متون فقهی را به زبان فارسی و برای توده مردم بنویسند.

علی بن حسن زواره ای (م 947ه) کتابهای کشف الغمه، الطرائف، احتجاج، مکارم الأخلاق، نهج البلاغه و... را به زبان فارسی ترجمه کرد. شیخ بهایی جامع عباسی را به عنوان اولین رساله عملیه فارسی نگاشت. علامه محمدتقی مجلسی، یکی از دو شرح خود را بر من لا یحضره الفقیه به زبان فارسی و با نام لوامع صاحبقرانی به

درخواست شاه عباس دوم نوشت. ملا خلیل قزوینی نیز شرح خود بر کتاب کافی را به دوزبان عربی و فارسی نگاشت.

بسیاری دیگر از عالمان چون ملا محسن فیض کاشانی، قاضی سعید قمی، آقا جمال خوانساری، ملا محمد صالح روغنی و... نیز متون حدیثی و معرفتی فارسی فراوانی نوشته اند. در میان این همه تلاش و کوشش، فعالیت علامه محمدباقر مجلسی جلوه ای دیگر دارد. علامه مجلسی فارسی نویسی و ساده نویسی را در آثار خود، در کنار هم آورده است. او به مخاطب عام، و نه فرهیخته، نظر دارد و متن خویش را به دور از صنایع ادبی می نگارد. شهرت علامه مجلسی و ساده نویسی او موجب شد که آثارش در زمان خودش گسترش پیدا کند.

بیش از نیمی از عناوین کتابهای علامه مجلسی به زبان فارسی است. ایشان نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر، توحید مفصل، زیارت جامعه، دعای کمیل، دعای سمات و دعای مباحله را به فارسی ساده ترجمه کرده است. شرح فارسی دعای جوشن کبیر و شرح فارسی برخی از احادیث مشکل و... نیز در زمره این نگاهشته هاست.

شاگرد او، میر محمدصالح خاتون آبادی، در توصیفی اغراق آمیز گفته است:

کمتر خانه ای در شهرهای شیعه نشین وجود دارد که نگاهشته ای از آثار فارسی مجلسی در آن نباشد (1).

علوم پیرامونی حدیث رجال، درایه و...

علوم پیرامونی حدیث چون غریب الحدیث، درایه الحدیث و رجال نیز در این دوران رونق فوق العاده ای یافتند و کتابها و رساله های فراوانی در این موضوعات نوشته شد.

پس از نگارش الرعایه به قلم شهید ثانی، حسین بن عبدالصمد حارثی کتاب وصول الأخیار إلى أصول الأخبار را در علم درایه نگاشت. میرداماد نیز اگرچه در علوم عقلی شهره است، ولی جزء دوم کتاب الرواشح السماویه را به علوم حدیثی اختصاص داد و مباحث رجال و درایه را مطرح ساخت. همچنین شیخ بهایی کوچک ترین و زیباترین رساله در علم مصطلح الحدیث را با نام الوجیزه در این زمان نوشت.

ص: 195

در علم رجال، نگاشته های فراوانی در این دوره نوشته شد. تفرشی (م 1021ه) کتاب رجال مفیدی نوشت. میرزا محمد استرآبادی نیز سه کتاب در علم رجال نوشت؛ کتاب کبیر، متوسط و صغیر.

کتاب رجال کبیر او با نام منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال بزرگ ترین کتاب رجالی تا آن زمان است. نویسنده تمامی راویان کتب اربعه و دیگر افراد موجود در کتابهای رجالی پیشین را به گونه الفبایی آورده است. او اقوال عالمان پیشین و حتی نظرات اهل سنت را درباره راویان شیعی نقل کرده است.

عنایت الله قهپایی (م 1016ه) نیز ترتیب رجال کشی و ترتیب فهرست شیخ طوسی را نوشته است. کتاب مشهور او مجمع الرجال فی معرفة أحوال الرجال، جامع کتب رجالی پیشین است.

عبدالنبی بن سعد جزائری (م 1021ه) در کتاب خویش «حاوی الأقوال فی معرفة الرجال» شیوه جدیدی به کار گرفت و راویان را در چهار گروه صحیح، حسن، موثق و ضعیف طبقه بندی کرد.

علامه محمدتقی مجلسی مشیخه فقیه را شرح کرد. علامه محمد باقر مجلسی نیز نگاشته ای در علم رجال دارد.

یکی از بهترین نگارشهای رجالی در شناخت راویان و طبقات آنان با استفاده از اساتید و شاگردانشان کتاب جامع الرواة نوشته محمد بن علی اردبیلی است. آیت الله بروجردی (رحمه الله) بزرگ رجالی قرن اخیر به این کتاب اهمیت فراوان می داده اند. با مراجعه به کتابهایی چون الذریعه و مصفی المقال فی علم الرجال می توان نام و مشخصات شماری دیگر از کتابهای رجالی را به دست آورد. (1)

غریب الحدیث نیز در این دوران مورد توجه قرار گرفت. مرحوم فخرالدین طریحی (م 1085ه) کتاب مجمع البحرین و مطلع البدرین را در غریب القرآن و غریب الحدیث نگاشت. او در نگارش این کتاب از تمامی کتابهای غریب الحدیث اهل سنت که پیش از او نوشته شده بود استفاده کرد. افزون بر آن بسیاری از واژه ها و متون حدیثی شیعی را نیز بدان اضافه نمود. (2)

ص: 196

1- (1). توضیحات بیشتر درباره برخی از کتابهای رجالی این دوره را در مبحث کتاب شناسی کتب رجالی خواهید یافت.

2- (2). ر. ک: عبدالهادی مسعودی، سیر تدوین غریب الحدیث، مجله علوم حدیث، شماره 13.

مرحوم فیض کاشانی هم در نگارش کتاب وافی به واژه های غریب توجه کرده و به تبیین و توضیح آنها پرداخته است. نگاه فقیهانه و محققانه او در تبیین برخی از واژه ها بسیار جالب توجه است.

در این حوزه نیز بیشترین کوشش را علامه محمدباقر مجلسی در نگارش بحار الأنوار متحمل شده است. یکی از اهداف او در نگارش کتاب بحار الأنوار شرح و تبیین واژه های غریب موجود در روایات بوده است. تسلط شگفت انگیز ایشان بر کتابهای لغت و غریب الحدیث و آشنایی گسترده با متون مختلف حدیثی موجب شده است که از این زاویه نیز کتاب بحار الأنوار سرآمد نگاهشته های معاصر و مشابه خود باشد.

ص: 197

درس یازدهم: کجدهان شاخص سده های یازدهم و دوازدهم

اشاره

ص: 199

سده های یازدهم و دوازدهم مملو از حدیث پژوهان و حدیث نگارانی است که به آموختن، آموزش، پژوهش، نگارش و مباحثه در متون و علوم حدیثی اشتغال داشته اند. در این دوران حدیث پژوهی سرآمد دیگر علوم شیعی محسوب می شد و بر فقه، اصول و علوم عقلی مقدم بود.

آشنایی با تمامی محدثان این دوره و آثار آنان، به تحقیقاتی گسترده در منابع، متون و کتابخانه های شخصی و عمومی که نسخه های خطی این دوران را جمع آوری کرده اند، نیازمند است. در این دوران شهر اصفهان، پایتخت دولت صفوی، مرکز علمی شیعه محسوب می شد و عالمان بسیاری در این شهر می زیستند که همگی به معارف دینی، به ویژه حدیث، اهتمام زیادی داشتند که دهها تن از این عالمان، در قبرستان تخت فولاد اصفهان مدفون هستند. (1)

علامه شیخ آقابزرگ تهرانی در الذریعه، علامه سید محسن امین در اعیان الشیعه، مرحوم خوانساری در روضات الجنات و مرحوم افندی در ریاض العلماء بسیاری از این افراد را نام برده اند. در این گزارش اجمالی، تنها مهم ترین حدیث پژوهان این دوره را، به ترتیب طبقات و بر حسب سال فوت آنان، ذکر و مختصری از زندگی نامه آنان را بیان می کنیم.

قاضی نورالله شوشتری 1019-956ه

او در شوشتر متولد شد و پس از اتمام تحصیلات خود، در پی ناپسامانی اوضاع خوزستان به مشهد و سپس در سال 992 به هند مهاجرت کرد. اکبر شاه (م 1104ه) او را گرامی داشت و مقام قضاوت را به او واگذار کرد.

ص: 201

1- (1). برای آشنایی بیشتر ر.ک: تذکره القبور، ملا حبیب الله گزی؛ روضه رضوان، محمدحسین ریاحی؛ دانش نامه عالمان مدفون در تخت فولاد.

تبلیغ باورهای شیعی در هند، از او چهره ای مشهور و مورد احترام ساخت. مهم ترین اقدام او پاسخ گویی به شبهات مخالفان شیعه با استفاده از متون مقبول آنان بود. علاوه بر این، او کتاب الصوارم المهرقه را در ردّ الصواعق المخرقه و کتاب إحقاق الحق را در ردّ کتاب إبطال نهج الباطل (1) نوشت. او در کتاب إحقاق الحق به تفصیل از مبانی شیعه در زمینه امامت امام علی علیه السلام دفاع کرده است. (2)

نگاشته های او را نزدیک به 140 عنوان ذکر کرده اند (3) که برخی از آنها رجالی و برخی شرح کتابهای حدیثی است که شرح تہذیب الأحکام، شرح صحیفه سجادیه و تعلیقه بر کتاب کافی از این جمله است. او پس از مرگ اکبر شاه (1014 ه) و قدرت گرفتن افراطیان متعصب، به جرم دفاع از کیان تشیع به شهادت رسید. (4)

ملا عبدالله شوشتری م 1021 ه

او از شاگردان مقدس اردبیلی و با شیخ بهایی معاصر است. همگان، علم، فضل و تقوای او را ستوده اند. علامه محمدتقی مجلسی گسترش دروس حدیثی در اصفهان را به او نسبت داده و نوشته است:

می توان نشر فقه و حدیث را بر اثر مساعی او دانست... آن هنگام که او به اصفهان آمد، عدد طلاب علوم دینی به پنجاه نفر نمی رسید، در حالی که در زمان وفات او بیش از هزار نفر از فضلا در این شهر بودند (5).

بیشتر محدثان نسل بعد، مانند ملا محمدتقی مجلسی (مجلسی اول) و سید مصطفی تفرشی صاحب نقد الرجال شاگرد او هستند. (6) او حاشیه هایی بر تہذیب،

ص: 202

-
- 1- (1). این کتاب ردیه ای بر کشف الحق و نهج الصدق علامه حلّی است.
 - 2- (2). این کتاب در سالهای اخیر همراه با ملحقات فراوان آن توسط آیه الله مرعشی نجفی چاپ شده است. ویرایش جدید این مجموعه با تغییرات کاربردی فراوانی به نام موسوعة الإمامة فی نصوص أهل السنه منتشر شده است.
 - 3- (3). ر.ک: مقدمه آیه الله مرعشی نجفی بر کتاب إحقاق الحق، ج 1، ص 97-90.
 - 4- (4). برای آگاهی بیشتر، ر.ک: ریاض العلماء، ج 5، ص 265 به بعد؛ [1] شهداء الفضیله، ص 175 به بعد؛ مقدمه إحقاق الحق.
 - 5- (5). لوامع صاحبقرانی، ج 14، ص 382. [2]
 - 6- (6). مقدمه ای بر فقه شیعه، ص 58.

استبصار و رجال ابن داود نگاشته است. تأثیرگذاری او در گسترش معارف حدیثی بیشتر به علت فعالیت‌های پیگیر او در درس و بحث است نه به آثار ماندگار.

شیخ بهایی 1031-953ه

بهاءالدین محمد بن حسین عاملی، مشهور به شیخ بهایی (1031-953ه)، از مشهورترین و اثرگذارترین عالمان شیعی در دوران صفویه است. او در جبل عامل متولد شد و در سن هفت سالگی همراه با پدرش به ایران مهاجرت کرد. تخصص و تبحر او در فلسفه، حدیث، فقه، ادب، ریاضی، معماری و تمامی علوم عصر خویش، جامعیتی به او بخشید که نماد و اسطوره دانایی و توانایی شده بود.

او در سنین جوانی و هنگام حضور در قزوین، در دانشهای دینی چهره ای شاخص بود، به گونه ای که پس از مهاجرت پدرش به هرات، او جانشین پدر در قزوین، مرکز حکومت صفوی، شد. او پس از مهاجرت به اصفهان، به تربیت شاگردان زبده همت گماشت. علامه محمدتقی مجلسی در توصیف او می نویسد:

الشیخُ الأعظمُ والوالدُ المُعظَّمُ الإمامُ العَلَّامةُ، مَلِكُ الفُضلاءِ والأدباءِ والمُحدثین، بهاء المِلَّةِ والحقِّ والدین (1).

استاد بزرگ و پدر بزرگوار، راهبر دانشمند و سرسلسله بزرگان، ادیبان و محدثان، آبروی دین و حق و حقیقت.

تأثیرگذاری شیخ بهایی در تمامی امور مربوط به علم و ادب و هنر زبانزد و شهره است. او درباره آموزش حدیث و تدبر و تأمل در آن می گوید:

پیمودن مسیر رسالت، جز از راه نقل حدیث، ضبط، روایت، درایت و تدبر در آن و صرف عمر در بررسی و مباحثه آن و سپری ساختن روزها و سالها در تمرین و همراهی با آن غیر ممکن است (2).

نگاشته های کوچک و بزرگ او بیش از صد عنوان است. برخی از رساله ها و کتابهای حدیثی او همانند وجیزه (در علم درایه) و الأربعون حدیثا (شرح چهل حدیث اخلاقی و اجتماعی) مشهور هستند. دو کتاب شایسته ذکر دیگر ایشان عبارت است از:

ص: 203

1- (1). روضة المتقین، ج 1، ص 22.

2- (2). الأربعون حدیثاً، ص 59.

این کتاب شرح دعای رؤیت هلال امام سجاد از صحیفه سجادیه است. علاوه بر نکات فراوان موجود در این شرح، ارائه مبانی فقه الحدیثی شیخ بهایی به شکلی کاربردی این رساله را پرفایده و با اهمیت ساخته است.

2. مفتاح الفلاح

این کتاب پیرامون آداب، اعمال و ادعیه روز و شب است. این کتاب با قسمتی از مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عباس قمی شباهت دارد، ولی شیوه بیان آن اخلاقی و فقیهانه تر است.

ملازمین استرآبادی م 1036 هـ

او سردمدار حرکت اخباری است که در درس بعدی درباره او سخن خواهیم گفت.

محمدباقر حسینی استرآبادی، مشهور به میرداماد م 1041 هـ

(1)

او از اساتید بزرگ فلسفه اسلامی است که تحصیلات خود را در مشهد تمام کرد و سپس به شهرهای دیگر، همچون قزوین و اصفهان رفت. ملاصدرا در توصیف او می نویسد:

سیدی و سندی و استادی و استنادی فی المعالم الدینیة والعلوم الإلهیة... علامه الزمان وأعجوبة الدوران (2).

بزرگ و تکیه گاه و استاد و شخصیت مورد استناد من در دانش های دین و علوم الهی؛ علامه روزگار و اعجوبه زمان خود بود.

او دوست و همنشین شیخ بهایی و در فقه، ادب و حدیث صاحب نظر بود. او را معلم ثالث لقب داده اند.

نگاشته های او بیش از هفتاد کتاب و رساله است. کتاب قبسات مهم ترین کتاب فلسفی اوست. وی کتابهای حدیثی فراوانی دارد که از آن میان کتابهای حاشیه بر صحیفه سجادیه، استبصار، رجال کشی و... را می توان نام برد. کتاب الرواشح السماویة، شرح او بر کتاب کافی است که تنها مقدمه ثقة الاسلام کلینی را توضیح

ص: 204

1- (1). پدر او داماد محقق گرگی بوده است، لذا وی به میرداماد مشهور شده است.

2- (2). شرح اصول کافی، ج 1، ص 214. [1]

داده و در ادامه به مباحث رجال و درایه نزدیک شده است. او در 39 بند، یا به تعبیر خود «راشحه»، موضوعات متنوعی را درباره برخی از مسائل مهم رجالی یا اصطلاحات حدیثی بیان کرده است. (1) مرحوم میرداماد را می‌بایست نمونه‌ای جالب از ترکیب تفکر عقلی و نقلی شیعی به شمار آورد که با همراه ساختن قرآن، حدیث، فقه، فلسفه و کلام، آثار زیبایی را در این زمینه‌ها پدید آورده است.

صدرالدین محمد شیرازی، مشهور به ملاصدرا 1050-979ه

بزرگ‌ترین فیلسوف اسلامی و شیعی در دوران متأخر صدرالدین محمد شیرازی است. او زاده شیراز و تحصیل کرده در شیراز و اصفهان است که در اطراف قم ساکن بوده است. مشهورترین اساتید وی شیخ بهایی و میرداماد هستند. او بنیانگذار حکمت متعالیه است که راه را برای همراهی فلسفه و عرفان گشوده است. کتاب أسفار أربعه مهم‌ترین کتاب فلسفی اوست.

تفکرات او از زمان حیات وی تاکنون مورد بحث و نقد و تأیید قرار گرفته است. فلسفه شیعی معاصر از مشرب وی پیروی می‌کند.

اگرچه شهرت ملاصدرا بیشتر در فلسفه است، ولی نگاهشته‌هایی در تفسیر قرآن و شرح حدیث نیز دارد.

شرح او بر کتاب کافی از مهم‌ترین شروح این کتاب است. نگاه عقل‌گرایانه ملاصدرا در شرح متون نقلی و توضیحات او پیرامون اسناد روایات به همراه بیان نکات رجالی و حدیثی، در این رساله نمایان است. او می‌نویسد:

ولقد ابْتُلِينَا بِجَمَاعَةٍ يَرَوْنَ التَّعَمُّقَ فِي الْأُمُورِ الرَّبَّائِيَّةِ بَدْعًا وَالتَّدْبِرَ فِي الْآيَاتِ الْإِلَهِيَّةِ خُدْعًا كَانَتْهُمْ الْحَنَابِلَةُ مِنْ كُتُبِ الْحَدِيثِ (2).

گرفتار جماعتی شده ایم که اندیشیدن در امور ربانی را بدعت و تدبر در آیات الهی را نیرنگ می‌پندارند. اینان، همچون حنبلیان، (کورکورانه) با کتب حدیث برخورد می‌کنند.

ص: 205

1- (1). برای آگاهی بیشتر ر.ک: مقدمه الرواشح السماویه، به قلم محمدحسین درایتی؛ «معرفی اجمالی کتاب الرواشح السماویه»، مجله علوم حدیث، شماره 10.

2- (2). شرح أصول کافی، ج 1، ص 168. [1]

او در پی آن است که روایات را از منظر برهان و استدلال توضیح دهد و منطقی بودن شیوه سخن و گویش امامان علیهم السلام را تبیین کند. او در شرح خویش به یافته ها و گفته های دیگران نیز نظر داشته و آنها را نقل و نقد می کند. شرح ملاصدرا در بخشهای اولیه کتاب کافی از گسترده ترین شروح این کتاب است. او حتی در مباحث سندی نیز به تفصیل سخن گفته است. آرا و نظرات ملاصدرا در کتابهای دیگر، که به شرح احادیث کافی پرداخته اند، نقد، اثبات و یا رد شده است. (1)

علامه محمدتقی مجلسی م 1070ه

او در سال 1003 هجری در اصفهان متولد شد. خاندان او از نسل ابونعیم اصفهانی مؤلف حلیه الاولیاء هستند. او نزد عالمانی همچون شیخ بهایی و ملا عبدالله شوشتری تحصیل کرد و سپس به نجف اشرف رفت و تحصیلات فقهی و حدیثی خود را در آن دیار ادامه داد. او پس از مرگ شاه عباس به اصفهان بازگشت و تدریس و تعلیم خویش را در این شهر آغاز نمود. گسترش حدیث پژوهی در اصفهان از نتایج فعالیتهای او است. او در این باره می نویسد:

آنچه از آن جمله بهره این بی بضاعت شده است، آن است که چون علم اخبار اهل بیت رسالت... به دلیل استیلای سلاطین جور و ائمه ضلال متروک و منسوخ شده بود... در احیای مراسم و تبیین معالم آن به نحوی تلاش کردم که اکنون، بحمد الله، تمامی علوم را نسخ کرده است و اکثر علمای زمان به ترویج و تحصیل آن رو آورده اند. (2)

آثار حدیثی علامه محمدتقی مجلسی فراوان است؛ زیرا او تمامی کوشش خویش را در این علم متمرکز نمود. افزون بر برخی نگاشته های رجالی، همانند حاشیه ای بر نقد الرجال و شرح مشیخه من لا یحضره الفقیه، آثار او را می توان در سه حوزه جای داد:

ص: 206

1- (1). برای آگاهی بیشتر، ر. ک: رضا استادی، «ده نکته درباره شرح اصول کافی ملاصدرا»، مجله علوم حدیث، شماره 13؛ نادعلی عاشوری، «دیدگاههای حدیثی ملاصدرا»، مجله علوم حدیث، شماره 19؛ علی نصیری، «شرح صدر المتألهین بر اصول کافی»، مجله علوم حدیث، شماره 24.

2- (2). لوامع صاحبقرانی، ج 1، ص 10. [1]

1. ترویج صحیفه سجادیه

گسترش نسخه برداری از صحیفه سجادیه و معرفی آن به جوامع علمی شیعی از جمله تلاشهای علامه مجلسی بوده است. او خود اشاره می‌کند که در حالتی، بین خواب و بیداری، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را دیده و از ایشان کتابی را درخواست کرده است. امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز کتاب صحیفه سجادیه را به او معرفی کرده اند. او پس از آن به ترویج این کتاب پرداخته و نسخه‌هایی متعدد از آن را در اصفهان منتشر کرده است. (1)

اگرچه این کتاب قبل از علامه مجلسی هم در دست دانشمندان بود، ولی رواج گسترده آن به تلاش مجلسی اول صورت گرفته است. او دو شرح فارسی و عربی نیز بر صحیفه سجادیه نگاشته است.

2. شرح کتاب من لا یحضره الفقیه

مشهورترین و ماندگارترین تلاش علمی و حدیثی علامه مجلسی، نگارش دو شرح مفصل به زبان عربی و فارسی بر کتاب من لا یحضره الفقیه است که شرح عربی آن روضه المتقین و شرح فارسی آن لوامع صاحبقرانی نام دارد.

او در این کتابها با استفاده از تمامی اندوخته‌های خویش و با به کارگیری مبانی مقبول در فهم و درک روایات، در پی دستیابی به مراد جدی معصوم علیه السلام و تبیین آن برای مخاطبان خویش بوده است. (2)

علاوه بر این، ایشان شرحی نیز بر کتاب تهذیب الأحکام با نام إحياء الأحادیث فی شرح تهذیب الحدیث نوشته است. (3)

3. فارسی نویسی

همان گونه که گفتیم، فارسی نویسی، از روشهای مجلسی اول در فراگیر کردن استفاده از متون حدیثی است. تألیف شرح فارسی بر صحیفه سجادیه و من لا یحضره

ص: 207

1- (1). الفیض القدسی، (مندرج در بحار الأنوار، ج 102) ص 114-116.

2- (2). برای آشنایی بیشتر ر. ک: عبدالهادی مسعودی، «تلاشهای مجلسی اول در فهم متن»، و «از مفهوم تا مقصود» مجله علوم حدیث، شماره 34.

3- (3). ر. ک: الذریعة، ج 1، ص 307. [1]

الفقیه از ابداعات او به شمار می رود. علاوه بر این، او خطبه امام علی علیه السلام در اوصاف متقین را نیز به زبان فارسی شرح کرده است.

تمایل به اخباریان در آثار مجلسی اول مشهود است. (1)

درباره تمایل ایشان به عرفان و تصوف و گرایش به کشف و شهود و ارتباط با برخی از چهره های صوفی شیعی معاصر نیز گفتارهایی نقل شده است، اما علامه محمدباقر مجلسی، که تفکر ضد صوفی گری دارد، در صدد نفی این انتساب برآمده و نوشته است:

وَإِيَّاكَ أَنْ تَطُنَّ بِالْوَالِدِ أَنَّهُ مِنَ الصُّوفِيَّةِ وَإِنَّمَا كَانَ يُظْهِرُ أَنَّهُ مِنْهُمْ لِأَجْلِ التَّوَصُّلِ إِلَى رَدِّهِمْ عَنِ اعْتِقَادَاتِهِمُ الْبَاطِلَةَ (2).

و بر حذر باش از اینکه والد ما را از صوفیه بینداری، زیرا او خود را از آنها نشان می داد تا بتواند آنان را از عقاید باطلشان بازگرداند.

ملا صالح مازندرانی م 1086 ه

حسام الدین محمد صالح بن احمد مازندرانی، داماد علامه محمد تقی مجلسی و شاگرد اوست. او در ابتدای تحصیل در اصفهان در نهایت فقر و عسرت زندگی می کرد. تحصیلات او در علوم عقلی و نقلی در اصفهان و نزد عالمان مشهور آن دیار بوده است.

آگاهی ما از زندگانی او چندان گسترده نیست. چیزی که باعث شهرت یافتن او شده است، شرح او بر اصول و روضه کافی است. علامه شعرانی درباره او می نویسد: «مَوْلَى الْعَظِيمِ الْعَارِفِ الْحَكِيمِ الْمُحَقِّقِ الْجَامِعِ لِلْفَضَائِلِ الْعَمَلِيَةِ وَالْفَنُونِ الْعَقْلِيَّةِ وَالشَّرْعِيَّةِ.» شعرانی همچنین شرح او را شرحی پرفایده، خوش عبارت و خالی از تکلف خوانده است. (3)

او در علوم عقلی از حکمت متعالیه بهره می جست و مانند ملا محسن فیض کاشانی به اخباریان تمایل داشت.

ص: 208

1- (1). در بحث مربوط به اخباریگری در این باره سخن خواهیم گفت.

2- (2). لؤلؤة البحرين، ص 60. [1]

3- (3). شرح ملا صالح مازندرانی، ج 1، ص 7.

وی در نگاشته خود به شرح ملاصدرا و میرداماد نظر داشته و آنها را نقل و نقد می کند.

روش او در شرح احادیث کافی با مبانی علامه محمدتقی و محمدباقر مجلسی مطابقت دارد.

چاپ جدید این کتاب در دوازده جلد با حواشی متعدد و پرفایده علامه شعرانی به طبع رسیده است که این حواشی فواید این کتاب را دو چندان کرده است. البته علامه شعرانی برخی از آرای ملا صالح را نپذیرفته و آنها را نقد کرده است. این کتاب تنها روایات اصول و روضه کافی را شرح کرده است.

ملا صالح مازندرانی کتاب من لا یحضره الفقیه و برخی از احادیث مشکل را نیز شرح کرده است.

شیخ فخرالدین طریحی م 1087ه

شیخ فخرالدین طریحی زاده نجف، تحصیل کرده در آن و استاد حوزه این شهر است. او از خاندانی مشهور و عالم پرور بود. وی در بسیاری از دانش ها متبحر بود و نگاشته هایی در علوم متعدد داشت. مجموعه نگاشته های او چهل عنوان است که برخی از آنها پیرامون شرح حدیث یا علوم مرتبط با آن، به ویژه رجال و درایه، است.

مشهورترین کتاب او مجمع البحرین، پیرامون غریب القرآن و غریب الحدیث است.

محرک اصلی او در نگارش این کتاب، نارسایی کتابهای غریب الحدیث اهل سنت، در بهره دهی نسبت به احادیث اهل بیت علیهم السلام و ذکر نکردن شاهد مثال از این روایات است. این نگاشته از معدود نگاشته های شیعی در علم غریب الحدیث با عنایت به احادیث اهل بیت است.

فیض کاشانی 1091-1007ه

او در خانواده ای عالم و پیشینه دار در کاشان (یا قم) به دنیا آمد. تحصیلات خود را در موطن خویش آغاز کرد و در اصفهان ادامه داد. او شاگرد میرداماد، ملاصدرا، مجلسی اول و سید ماجد بحرانی است.

او داماد و همراه ملاصدرا در تنهایی های او بوده است. مشرب فلسفی او نیز برگرفته از حکمت متعالیه است.

او در علوم مختلف از قبیل فلسفه، فقه، حدیث، تفسیر قرآن، اعتقادات و علوم ادبی متخصص و صاحب نظر بود. تخصص او در خلط نکردن علوم مختلف با یکدیگر، ستایش محققان را برانگیخته است. (1) نگاشته های او بیش از 130 عنوان کتاب است که بسیاری از آنها پیرامون حدیث و علوم مرتبط با آن است.

کتاب وافی، مهم ترین و مشهورترین نگاشته حدیثی اوست. این کتاب را می توان از اولین جامع نگاریهای دوران صفویه برشمرد که علاوه بر جامعیت، غریب الحدیث و شرح الحدیث را نیز در بر می گیرد.

تفسیر صافی او نشانگر روش معتدل و مقبول تفسیر مأثور است.

کتاب نوادر الأخبار او، مجموعه ای از احادیث اعتقادی و مرتبط با اصول دین است که در کتب اربعه ذکر نشده است.

المحجة البيضاء (إحياء الإحياء/تهذيب الإحياء) نگارشی از کتاب إحياء العلوم غزالی است که با نگاهی شیعی و از منظر احادیث اهل بیت آن را اصلاح کرده است. او علاوه بر زدودن برخی از مطالب سست و ناروا از این کتاب، روایات اهل بیت را نیز به این کتاب افزوده و آن را مستندتر و مقبول تر کرده است. آثار فراوان دیگر او در اخلاق و معارف نیز از احادیث اهل بیت علیهم السلام سرچشمه یافته است.

أصول المعارف (در چند جلد)، أصول العقائد، علم اليقين، حق اليقين، عين اليقين و... نیز از جمله آثار اعتقادی اوست.

اگرچه ملا محسن فیض کاشانی از دانشمندان اخباری است، ولی از تعصب و سخت گیریهای اخباریان افراطی به دور است. او آثار زیبایی در شعر و ادب نیز دارد و دیوان شعر او مشهور است.

محمد بن حسن حرّ عاملی 1104-1033هـ

او در روستای مشغره از توابع جبل عامل، در جنوب لبنان، متولد شد. تحصیلاتش را در آنجا آغاز کرد و در چهل سالگی به ایران آمد و در مشهد ساکن شد. او در مدت حضور خود در مشهد شیخ الإسلام این شهر بود.

ص: 210

1- (1) ر.ک: مهر تابان، ص 26، [1] به نقل از علامه طباطبایی.

بیشتر شهرت شیخ حر عاملی به خاطر نگارش کتاب وسائل الشیعه است. از این رو، او را با لقب صاحب وسائل نیز نام می‌برند.

آثار حدیثی او، به غیر از وسائل الشیعه، نیز فراوان و پر بار است که برخی از آنان این گونه‌اند:

1. الجواهر السنّیة فی الأحادیث القدسیّه

2. الصّحیفة الثّانیة السّجّادیّه

مؤلف در این کتاب 67 دعا از امام سجاد علیه السلام را افزون بر ادعیه صحیفه سجادیه، جمع آوری کرده است.

3. الإیقاظ من الهجعة بالبهران علی الرجعه

در این کتاب روایاتی که رجعت مردمان و امامان علیهم السلام را در آخر الزمان اثبات می‌کند، جمع آوری شده است.

4. إثبات الهداة

مؤلف در این کتاب روایاتی را که پیرامون نبوت، امامت و همچنین پیامبران و امامان علیهم السلام وجود دارد، گردآوری کرده است.

5. الفصول المهمّة فی أصول الأئمّه

وی در این کتاب به جمع آوری قواعد کلی که از امامان علیهم السلام درباره اصول و فروع دین و سایر علوم، همچون علم اصول فقه، طب و غیره وارد شده، پرداخته است.

سید هاشم بحرانی م 1107ه

اوزاده بحرین و دانش آموخته بحرین و نجف است. دوران حیات او با دوران اوج حرکت اخباریگری در بحرین و عراق مقارن است. او نیز تحت تأثیر این حرکت به جمع آوری متون حدیثی برای بازگویی معارف شیعی پرداخته است. مرحوم شیخ یوسف بحرانی، پس از علامه مجلسی، او را سرآمد حدیث نگاران می‌داند. (1)

ص: 211

1- (1). لؤلؤة البحرین، ص 64.

مجموعه نگاشته های او نزدیک به شصت عنوان است که تمامی آنها رنگ حدیثی دارند و در موضوعاتی همچون تفسیر قرآن، اعتقادات، امامت، تاریخ و سیره است.

البرهان فی تفسیر القرآن، مدینه المعاجز، المَحَجَّة فیما نَزَلَ فی القائم الحَجَّة، مَعَالِمُ الزُّلْفَى، ترتیب التهذیب، حلیة الأبرار، غایة المرام و... از جمله نگاشته های او هستند. تفکر اخباری او موجب شده است که برخی از متون ضعیف یا ناصحیح نیز در برخی از کتابهای او جلوه گر شود. بنابراین، مواجهه با نگاشته های او باید با نقد و تیزبینی همراه باشد.

علامه محمدباقر مجلسی م 1112ه

او مشهورترین چهره حدیثی این دوران و تأثیرگذارترین آنهاست. او با استفاده از نیروی تفکر خدادادی و امکانات فراهم آمده در دوران صفوی، به تلاش و کوشش در تمامی زمینه های علمی و عملی در نشر معارف حدیثی پرداخت. نگارش کتاب بحار الأنوار، بستری برای دیگر فعالیت های او شد. (1)

مجموع نگاشته های او نزدیک به صد عنوان است که بیشتر آنها حدیثی است. مرآة العقول در شرح کافی، ملاذ الأخیار در شرح تهذیب الأحکام، شرح الأربعین حدیثاً، الفرائد الطریفة فی شرح الصحیفة، از جمله کتابهای او در شرح حدیث است.

علامه مجلسی 74 عنوان کتاب و رساله به زبان فارسی نگاشته است که برخی فقهی و بیشتر آنها حدیثی است. ترجمه ادعیه ای همچون دعای کمیل، مباحله، سمات، جوشن صغیر، زیارت جامعه، شرح دعای جوشن، ترجمه احادیث مهمی مانند توحید مفضل، توحید امام رضا علیه السلام، حدیث عبدالله بن جندب، حدیث رجاء بن ابی ضحاک، حدیث سته اشیاء و ترجمه عهدنامه مالک اشتر از دیگر اقدامات حدیثی او است.

متون اعتقادی همچون رساله فی البداء، رساله فی الجبر و التفویض، رساله فی الجنة و النار، رساله فی الرجعة و متون اخلاقی و تاریخی همانند عین الحیاة، حق الیقین، حلیة المتقین، حیاة القلوب، جلاء العیون و... از جمله نگاشته های فارسی ایشان است. (2)

ص: 212

1- (1). برای آگاهی بیشتر ر.ک: آشنایی با بحار الأنوار، احمد عابدی.

2- (2). ر.ک: آشنایی با بحار الأنوار، ص 66-60. [1]

گفتنی است که بسیاری از این مطالب از کتاب جامع ایشان، یعنی بحار الأنوار، اخذ و به زبان فارسی ترجمه شده است.

آقا جمال خوانساری م 1122هـ

خاندان خوانساری، خاندانی عالم پرور بوده اند. آقا حسین خوانساری و دو فرزندش آقا جمال و آقا رضی از فقیهان حدیث شناس و حدیث نویس این خانواده اند.

آقا جمال خوانساری، افزون بر شرح لمعه و سایر نگارشهای فقهی، برخی از آثار حدیثی را نیز به فارسی ترجمه کرده است. مشهورترین اثر او شرح و ترجمه غرر الحکم است که در هفت جلد به چاپ رسیده است. دقت و تیزبینی آقا جمال خوانساری در نقل و ترجمه صحیح روایات غرر الحکم جالب و ستودنی است. این کتاب به همت مرحوم جلال الدین محدث ارموی به چاپ رسیده است.

علاوه بر این، ایشان صحیفه سجادیه، الفصول المختاره و چند رساله حدیثی دیگر را نیز ترجمه کرده است.

خاتمه

علاوه بر دانشمندان و حدیث پژوهان یادشده، شمار دیگری از عالمان حدیث نگار نیز در این دوران می زیسته اند. اسامی برخی این محدثان به قرار زیر است:

1. سید نعمت الله جزائری (م 1112هـ): وی نزدیک به پنجاه کتاب و رساله تألیف کرده است که بیشتر آنها حدیثی است. از جمله این آثار می توان نور البراهین و النور المبین فی قصص الأنبياء و المرسلین را نام برد.

2. محمد بن محمد محسن فیض کاشانی (م 1115هـ)، فرزند فیض کاشانی و نویسنده کتاب معادن الحکمة فی مکاتیب الأئمة و کتابهای دیگر.

3. سلیمان بن عبدالله ماحوزی (محقق بحرانی) (م 1121هـ)، نویسنده بیش از یکصد کتاب و رساله که بیشتر آنها پیرامون شرح حدیث یا علوم مرتبط با آن است.

4. شیخ عبدالله بن صالح سماهیجی (م 1135هـ)، نویسنده الصحیفة العلویة و التحفة المرتضویة. او از اخباریان افراطی است و نگاشته هایی در ردّ مجتهدین و تقویت مسلک اخباری دارد.

ابتدای قرن یازدهم هجری، مصادف با آغاز فعالیت گروهی بود که با عنوان اخباری شناخته و توصیف می شوند. گرایش گسترده آنان به روایات معصومین علیهم السلام و دوری گزیدن از منابع معرفتی دیگر، همانند قرآن و عقل، علت اصلی نام گذاری این گروه به «اخباریان» است.

سرسلسله این گروه، محمدمین استرآبادی (م 1033) است که با نگارش کتاب الفوائد المَدَنِيَّة این حرکت را آغاز کرد. این حرکت، در دوره های بعد با بهره گرفتن از فضای مناسبی که در دوران صفویه ایجاد شده بود و نیز تفکر تهاجمی نسلهای اولیه اخباریان، توانست در حوزه های علمی نیز جلوه گری کند و تفکر اجتهادی شیعه را مدت زمانی تحت تأثیر خود قرار دهد. نسلهای بعدی اخباریان با کاستن از تندروییهای اولیه به تفکر متعادل نزدیک تر شدند و در نهایت، در اواخر قرن دوازدهم، تفکر اجتهادی توانست بر تفکر اخباری غلبه کند و آن را از صحنه علمی شیعه خارج سازد. مرحوم وحید بهبهانی (م 1205) سردمدار مبارزه مجتهدین با تفکر اخباری است. تفکر اجتهادی پس از ظهور صاحب جواهر (م 1266) قدرت بیشتری یافت و با شیخ اعظم، مرتضی انصاری (م 1281)، به اوج خود رسید.

بحث درباره اخباریان از دو زاویه می تواند مورد توجه قرار گیرد:

1. بررسی اخباریان به عنوان گروهی تأثیرگذار در تاریخ حدیث شیعه؛

2. بررسی و نقد و تحلیل ویژگیهای تفکر اخباریگری و اصول و مبانی معرفتی آن، به دور از مباحث تاریخی آن.

ظهور و پیدایش اخباریگری

پیدایش و گسترش اخباریگری، به عنوان یک مکتب حدیثی، حاصل تفکر و تلاش میرزا محمدمین استرآبادی (م 1033) است. او از شاگردان صاحب مدارک

(م 1009) و صاحب معالم (م 1011) بوده و از ایشان اجازه اجتهاد دریافت کرده است. (1)

او شاگرد میرزا محمد استرآبادی (م 1028)، از رجالیان نامدار آن دوره نیز بود که تأثیر عمیقی بر وی گذاشت. میرزا محمد به او توصیه نمود تا شیوه قدامی امامیه را در اعتماد بر حدیث احیا کند. (2)

محمدامین استرآبادی تحصیلات خود را در ایران و عراق به پایان رساند، سپس در مدینه اقامت گزید و کتاب مشهور خود، الفوائد المدتیة، را در آن دیار نگاشت.

او در بیان انگیزه تألیف این کتاب می نویسد:

تا آنکه نوبت به أعلم العلما متأخرین در علم حدیث و رجال و استاد کل، میرزا محمد استرآبادی، رسید. پس ایشان بعد از آنکه جمیع احادیث را به فقیر تعلیم کردند، اشاره کردند که طریقه اخباریین بکن و شبهاتی که معارضه با آن طریق دارد را دفع کن. چرا که این معنا در خاطر می گذشت، لیکن رب العزه تقدیر کرده بود که این معنا بر قلم تو جاری شود.

پس فقیر، بعد از آنکه جمیع علوم متعارفه را از اعظم علمای آن فنون اخذ کرده، چندین سال در مدینه منوره سر به گریبان فکر فرو بردم و تضرع به درگاه الهی می کردم و توسل به ارواح اهل بیت عصمت علیهم السلام می جستم و مجدداً نظر به احادیث عامه و خاصه می کردم، از روی کمال تعمق و تأمل؛ تا اینکه به توفیق پروردگار و سید المرسلین و ائمه طاهرین، به اشاره لازم الإطاعه امتثال نمودم و به تألیف فوائد مدنیه موفق شدم. به مطالعه شریف ایشان مشرف شد. پس تحسین این تألیف کردند و مثابه مؤلفش گفتند (3).

استرآبادی معتقد است که تفکر اخباریگری شیوه کهن اصحاب امامیه است.

او می نویسد:

عِنْدَ قُدَمَاءِ أَصْحَابِنَا الْأَخْبَارِيِّينَ، قَدَّسَ اللَّهُ أَرْوَاحَهُمْ، كَالشَّيْخِينَ الْأَعْلَمِينَ الصَّدُوقِينَ وَالْإِمَامِ الثَّقَةِ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبِ الْكَلِينِيِّ... وَشَيْخِهِ عَلِيِّ بْنِ اِبْرَاهِيمَ...

ص: 218

1- (1). روضات الجنات، ج 1، ص 120.

2- (2). میرزا محمد استرآبادی سه کتاب به نامهای رجال کبیر، رجال متوسط و رجال صغیر دارد که رجال کبیر او مفصل ترین کتاب رجالی تا آن زمان است.

3- (3). روضات الجنات، ج 1، ص 121، [1] به نقل از رساله دانش نامه شاهی.

وَمَنْ تَقَدَّمَ لَهُمْ مِمَّنْ أَدْرَكَ صُحْبَةَ بَعْضِ الْأُئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَوْ قَرَّبَ عَهْدُهُ بِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا مَدْرَكَ لِلْأَحْكَامِ الشَّرْعِيَّةِ النَّظَرِيَّةِ، فَرَعِيَّةً كَانَتْ أَوْ أَصْلِيَّةً، إِلَّا أَحَادِيثَ الْعِتْرَةِ الطَّاهِرَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَتِلْكَ الرِّوَايَاتِ الشَّرِيفَةِ مُتَّصِمَةً لِقَوَاعِدَ قَطْعِيَّةٍ تَسُدُّ مَسَدَ الْخَيَالَاتِ الْعَقْلِيَّةِ الْمَذْكُورَةِ فِي الْكُتُبِ الْأَصُولِيَّةِ (1).

علمای پیشین حدیث، که خداوند روانشان را منزّه گرداند، همچون دو دانشمند اعلم، شیخ صدوق و پدر ایشان (صدوقین) و امام ثقه، محمد بن یعقوب کلینی و استاد وی، علی بن ابراهیم و راویانی که پیش از اینان محضر یکی از امامان را درک کرده اند یا در زمانی نزدیک به عصر حضور ائمه می زیستند، بر این باورند که تنها منبع دریافت احکام شرعی، اعم از اصول و فروع، احادیث ائمه اطهار و روایات ارجمند و حاوی مبانی قطعی است که جایگزین تصورات و خیال پردازیهای عقلانی موجود در کتب اصولی می شوند.

گروهی از عالمان شیعی نیز این دیدگاه استرآبادی را پذیرفته اند، چنان که علامه محمدتقی مجلسی (مجلسی اول) در این باره می نویسد:

تا آنکه سی سال تقریباً قبل از این، فاضل متبحر، مولانا محمدامین استرآبادی (رحمه الله) مشغول مقابله و مطالعه اخبار ائمه معصومین علیهم السلام شد و مذمت آرا و مقایسه نمود و طریقه اصحاب حضرات ائمه معصومین علیهم السلام را دانست. فوائد مدنیه را نوشت و به این بلاد فرستاده و اکثر اهل نجف و عتبات عالیات طریقه او را مستحسن دانستند و رجوع به اخبار نموده اند و الحق اکثر آنچه مولانا محمدامین گفته است، حق است (2).

حوزه علمیه اصفهان، که بزرگ ترین حوزه علمی شیعی ایران بود، تحت تأثیر این موج قرار گرفت و پاره ای از محدثان، فقیهان و حتی فیلسوفان را به خود جذب کرد. اگر چه مجتهدان و اصولیان، همچنان حاکمیت علمی و قدرت نفوذ خود را حفظ کرده بودند.

ظاهراً منظور مرحوم مجلسی اول (قدس سرّه) در عبارت فوق، توده طلاب حوزه نجف و کربلا است، زیرا عالمان مشهور آن دیار را نمی توان اخباری شمرد.

در سالهای بعد، برخی از عالمان بزرگ، به این شیوه گرایش پیدا کردند که ملا-محسن فیض کاشانی (م 1091)، شیخ حر عاملی (م 1104ه)، سید هاشم بحرانی (م 1107ه)، سید نعمت الله جزائری (م 1112ه) و شیخ یوسف بحرانی

(م 1186ه) از این جمله هستند.

ص: 219

1- (1). فوائد المدنیه، ص 92.

2- (2). لوامع صاحبقرانی، ج 1، ص 16. [1]

تاریخ گویای آن است که این تفکر در منطقه بحرین، طرفداران بیشتری یافت؛ به گونه ای که این سامان در دوره های بعد به مرکزی برای اخباریان تبدیل شد.

اگر چه لحن سخن اخباریان گاه با شدت و گاه با ملایمت همراه بود و برخی مانند شیخ عبدالله سَمَهاهیچی و شیخ محمد اخباری به مجتهدان ناسزا می گفتند و برخی مانند شیخ یوسف بحرانی افرادی معتدل و میانه رو بودند، اما مبانی فکری ایشان پس از استرآبادی دچار تغییر و تحول چندانی نشد.

نگرش اخباریگری، به سبب جمود و پاسخ گو نبودن به نیازهای زمانه، امکان استمرار نداشت. بنابراین، در مقابل تفکر اصولی تاب مقاومت نیافت.

زمینه های پیدایش اخباریگری

درباره زمینه های بروز تفکر اخباریگری، نظرات متفاوتی وجود دارد.

خود اخباریان مدعی وجود پاره ای از عناصر تأثیرگذار اهل سنت در اصول فقه شیعه هستند و انگیزه جنبش خویش را زدودن این آثار می دانند.

برخی احتمال داده اند که ملا محمدامین، به هنگام سکونت در مکه، تحت تأثیر اندیشه های افراطی ابن حزم اندلسی، از عالمان قرن پنجم فرقه ظاهریه اهل سنت، قرار گرفته است. (1)

برخی دیگر احتمال داده اند که عقل گریزی اخباریان تحت تأثیر جنبش اروپایی طرفدار حس و تجربه سامان یافته است. (2)

هیچ کدام از این احتمالات، با دلیل اثباتی همراه نیست؛ بنابراین، اثبات یا ابطال آنها امکان پذیر نیست. توجه به سخنان ملا امین استرآبادی و تعصب شدید او علیه اهل سنت، نظریه اول را مستبعد می سازد. همچنین اهتمام به نقل و روایت و دوری گزیدن از هرچه غیر آن است، نظریه تأثیرگذاری حسّیون اروپا بر استرآبادی را نیز تضعیف می کند.

ص: 220

1- (1). یادنامه علامه مجلسی، ج 2، ص 270؛ به نقل از: دکتر محمدجعفر لنگرودی، مکتبهای حقوقی در اسلام، ص 285.

2- (2). شهید مطهری، این احتمال را از حضرت آیت الله بروجردی نقل کرده است؛ ر.ک: ده گفتار، ص 70.

به احتمال قوی عقل‌گرایی افراطی و بی‌اعتنایی به نقل در قرن هشتم تا دهم هجری موجب پدید آمدن نظریهٔ تقریپی اخباریان در این زمینه شده است. زیرا هر افراط‌گری، تقریپی را نیز به دنبال خود دارد. (1) سخت‌گیری صاحب‌مدارک و صاحب‌معالم در تصحیح اخبار و ردّ روایات ضعیف هم در پیدایش زمینه‌های توجه به روایات در شخصیت ملا محمد امین استرآبادی بی‌تأثیر نبوده است به ویژه آنکه وی شاگرد آن دو بزرگوار بوده است.

آشنایی با ویژگیهای تفکر اخباریگری

ایدهٔ اصلی اخباریان این بود که تنها راه رسیدن به صلاح و فلاح، تمسک روایات معصومین علیهم السلام و دوری گزیدن از سایر منابع معرفتی است.

آنان، بر خلاف مجتهدان، اجماع و عقل و قرآن بدون تفسیر معصوم علیه السلام را شایستهٔ احتجاج و استناد نمی‌دانستند. استرآبادی در توضیح این مجمل می‌نویسد:

روش صحیح نزد من، راهی است که اخباریان کهن پیموده‌اند. نظر آنان این بوده است که هر آنچه امت اسلامی تا روز قیامت به آن نیاز دارد، از جانب خداوند و از راه قطعی در اختیار او قرار گرفته است، حتی دیهٔ جراحی کوچک. و بسیاری از احکام و آموزه‌هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله با کتاب و سنت برای ما آورده است، دچار نسخ و تقیید و تخصیص و تأویل است و این موارد نزد عترت طاهره به ودیعت نهاده شده است. علاوه بر آن، بیشتر آیات قرآن به گونه‌ای است که برای مردم عادی نامفهوم است. سنت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز همین حالت را دارد. بنابراین، ما برای دست‌یابی و شناخت احکام شرعی نظری، اصلی یا فرعی، چاره‌ای جز مراجعه و شنیدن از ائمهٔ معصومین علیهم السلام نداریم. در نتیجه استنباط احکام نظری از ظاهر کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله امکان‌پذیر نیست، مگر آنکه از ناحیهٔ امامان علیهم السلام تبیین گردد و احوال آنها معلوم شود.

باید تا زمانی که تبیین معصومین به دست نیامده است، در متون قرآن و سنت نبوی توقف و احتیاط نمود (2).

توجه به این سخن ما را با بسیاری از مبانی فکری اخباریان آشنا می‌کند.

برخی از ویژگیهای تفکر اخباریگری از این قرار است:

ص: 221

1- (1) ر.ک: آیت الله بروجردی، حاشیه بر کفایة الأصول، مقدمه، ص 36.

2- (2) الفوائد المدنیة، ص 104.

1. بیشتر آیات قرآن کریم، برای مردم قابل فهم نیست و تنها امامان معصوم علیهم السلام قدرت فهم مراد همه آیات قرآن را دارند. بنابراین، استناد به آیات قرآن برای به دست آوردن حکم و نظریه شارع صحیح نیست. و تنها تفسیر اهل بیت معصوم علیهم السلام معتبر و قابل تبعیت است.

گفتنی است این نظریه در دوران بعد مورد قبول برخی از اخباریان میانه رو قرار نگرفت. شیخ یوسف بحرانی و ملا محسن فیض کاشانی، از جمله اخباریانی هستند که فهم قرآن را در انحصار معصومان نمی دانند. (1)

2. تمامی امور نظری و عملی که انسان به آن محتاج است، در میراث حدیثی اهل بیت علیهم السلام موجود است. بنابراین، در هر موضوع و مبحث، باید با مراجعه به روایات اهل بیت علیهم السلام حکم و نظریه ایشان را استخراج نمود.

3. عقل انسان توان درک و فهم احکام و نظریات شرعی را ندارد؛ بنابراین، اعتماد بر ادراکات عقلی در فهم این موارد جایز نیست. امین استرآبادی در این باره نوشته است:

در علمومی که اساس و شالوده آن غیر محسوس اند، تنها ائمه اطهار علیهم السلام از خطا مصون می مانند و قواعد منطقی در این موارد هیچ کارکردی ندارند. تنها فایده این قواعد، تنظیم شکل ظاهری استدلال، همچون موجه بودن صغری و کلی بودن کبری است. (2)

استرآبادی به سخن امامان علیهم السلام در نفی قیاس استدلال می کند و در پی اثبات این نظریه است که عقل در محدوده احکام شرعی، حق دخالت ندارد و نور افشانی نمی کند. او در نهایت دخالت عقل را در تمامی موارد شرعی انکار می کند؛ (3)

4. اجماع دلیل شرعی برگرفته از اهل سنت است و نمی تواند به عنوان دلیل حکم شرعی قرار گیرد. اگر همه فقیهان بر حکم مسئله ای اجماع کنند آن نظریه حجت نخواهد بود؛ زیرا هیچ یک از آنان معصوم نیستند. پس، بود و نبود اجماع یکسان خواهد بود.

ص: 222

1- (1) ر.ک: الدرّة النجفیه، ص 171.

2- (2) الفوائد المدنیه، ص 471؛ لا یُعصَمُ عَنِ الخَطَا فی مادّة المَوَادِّ فی العِلْمِ التّی مَبَادِئُهَا بَعیدَةٌ عَنِ الإحْسَاسِ إِلَّا أَصْحَابُ العِصْمَةِ علیهم السلام وَأَنَّ القَوَاعِدَ المنطقیةَ غیرَ نَافِعَةٍ فی هَذَا البَابِ وَإِنَّمَا نَفَعُهَا فی صُورَةِ الأَفْکَارِ کِإِجَابِ الصُّغْرَى وَکُلّیةِ کُبْرَى.

3- (3) الفوائد المدنیه، ص 77.

اخباریان اجماع را ساخته و پرداختهٔ اهل سنت می‌شمارند که از دست یابی به معارف اهل بیت محروم بوده‌اند.

5. روایات کتب اربعه قطعی الصدور و عمل به آنها لازم است. تقسیم بندی احادیث به چهار گروه، که از دوران علامه حلی رواج پیدا کرده است، نادرست و ناروا است. استرآبادی در این باره می‌گوید:

احادیث به دستور امامان و به دست اصحاب آنها مکتوب شده است تا راهنمای شیعیان در عقاید و اعمالشان، به ویژه در زمان غیبت کبری، باشد؛ از این رو، تقسیم بندی این احادیث به اقسام چهارگانه باطل است (1).

او دوازده دلیل بر این مطلب ارائه می‌کند که مهم ترین آن تأثیرپذیری این نظریه از اهل سنت است. اگر چه سخن استرآبادی همهٔ احادیث را شامل می‌شود، ولی اخباریان بعدی تصریح کرده‌اند که صحت احادیث، تنها مربوط به کتب اربعه است. (2)

6. اجتهاد و تقلید، بدعت و نادرست است؛ زیرا این گونه اجتهاد و تقلید، در زمان معصومین علیهم السلام پیشینه‌ای نداشته و از طریق اهل سنت به جامعهٔ شیعی منتقل شده است. اصحاب امامان علیهم السلام از شیوهٔ اجتهادی آگاهی نداشته‌اند و تنها منبع علمی آنان، روایات معصومین علیهم السلام بوده است که بر اساس آن عمل می‌کرده‌اند. امامان هرگز آنان را به اجتهاد فرانخوانده و از عمل به روایت منع نکرده‌اند، بلکه آنان را از استحسان و قیاس بر حذر داشته‌اند. این شیوه، روش عالمان و فقیهان کهن نیز بوده است. اجتهاد و مباحث اصولی از زمان ابن ابی عقیل و ابن جنید در میان عالمان شیعی راه یافت. (3)

7. همهٔ شیعیان مقلد ائمه علیهم السلام هستند و اگر با زبان عربی آشنا باشند، باید با بررسی احادیث، تکالیف خود را به طور مستقیم از اخبار استخراج کنند. بنابراین، ارتباط عالمان با تودهٔ مردم در مقام مجتهد و مقلد صحیح نیست.

8. نتیجهٔ پدیدآمده از ویژگی قبل آن است که همهٔ مردم مقلد معصومین علیهم السلام هستند؛ بنابراین، تقلید از میت جایز است.

ص: 223

1- (1). الفوائد المدنیة، ص 30، موضع گیری امین استرآبادی نسبت به علامه حلی بسیار تند است.

2- (2). ر.ک: هدایة الأبرار، ص 17.

3- (3). الفوائد المدنیة، ص 78.

9. اصول عملی عقلی هیچ گونه حجیتی ندارد، زیرا عقل شایستگی ورود به مباحث دقیق شرعی را ندارد. بنابراین، قبیح بودن «تکلیف ما لا یطاق» و یا «عقاب بلا بیان» معلوم نیست. حتی اگر عقل انسانی این دو مورد را قبیح بشمارد، این فهم و درک عقل حجیت ندارد و قابل پذیرش نیست. نتیجه سخن آنکه اگر دلیل شرعی بر عدم عقاب بلا بیان وجود داشته باشد، آن دلیل حجت است و الا نمی توان به حکم عقل بر «قیح عقاب بلا بیان» استناد کرد و برائت شرعی را اثبات نمود.

10. چون برائت عقلی، (1) مورد پذیرش نیست، بنابراین، اگر جواز یا عدم جواز عملی خاص، مشکوک باشد، آن عمل، مورد شبهه است و باید نسبت به آن احتیاط شود و آن عمل ترک شود. بر پایه این نظریه، کشیدن سیگار و قلیان حرام است، چون دلیل شرعی بر جواز آن وجود ندارد. (2)

11. اندیشیدن در مدلول نص و لوازم سخن معصومین علیهم السلام ناپسند است و باید از آن اجتناب شود. استناد به قرینه و سیاق و حیثیهای دیگر کلامی نیز صحیح نیست و نمی تواند مدرک حکم شرعی تلقی شود.

12. سازماندهی اصول فقه، به دست اهل سنت بوده است که از منبع معرفتی معصومین علیهم السلام فاصله گرفته اند. روش اهل سنت در پردازش علم اصول، مورد پذیرش معصومین علیهم السلام نبوده است و امامان علیهم السلام به صراحت با برخی از آن نظرات (همانند قیاس) مخالفت کرده اند؛ بنابراین، استناد به اصول فقه، استناد به اصول فاسده و کاسده است. (3)

ص: 224

1- (1). عقل، عقاب و مجازات کردن مکلف را تنها در صورتی جایز می داند که او با علم به حرمت فعل، آن را انجام داده باشد. بنابراین اگر حرمت کاری معلوم نباشد، مکلف مجاز است آن را انجام دهد. این قانون را «قیح عقاب بلا بیان» و نتیجه حاصل از آن را برائت عقلی گویند. شرع هم این قانون عقلی را تأیید کرده است. بنابراین هر کار و عملی مجاز و حلال است مگر آنکه خلافش ثابت شود.

2- (2). اخباریان آنچه را که مردم در زندگی روزمره خود با آن رو به رو هستند، به سه دسته تقسیم کرده اند: الف) حلال بین، که جواز انجام آن روشن است؛ ب) حرام بین، که حرمت انجام آن معلوم است؛ ج) مشتبه، یعنی مواردی که حلیت یا حرمت آن روشن نیست. مجتهدان با استناد به اصل برائت معتقدند که هر چیز حلال است مگر آنکه حرمت آن ثابت شود. (کل شیء لک حلال حتی تعرف أنه حرام بعینه). ولی اخباریان معتقدند که درباره امور مشتبه باید احتیاط نمود و از آن اجتناب کرد.

3- (3). این دو وصف را فیض کاشانی در طعن بر اصول فقه مجتهدین به کار برده است؛ ر.ک: مقدمه کتاب وافی.

اشاره

مبانی اخباریان را به دو دسته می توان تقسیم کرد:

1. منابع معرفتی؛

2. روش دست یابی به آموزه های دینی.

در گروه اول، آنان تنها سنت منقول از امامان علیهم السلام را منبع معرفتی می شمارند و کتاب، عقل و اجماع را مصدر معرفت نمی دانند.

در محدوده روش نیز روش اجتهادی را نقد و اجتهاد و تقلید، بهره گیری از علم اصول و بهره گیری از اصول عملیه را نفی می کنند.

اکنون به طور خلاصه، برخی از مهم ترین مبانی آنان را بررسی و نقد می کنیم. این بررسی می تواند شما را در نقد سایر فرضهای اخباریان نیز یاری کند.

الف قرآن

حذف قرآن، که مهم ترین منبع معرفتی آموزه های دینی است، مهم ترین و خطرناک ترین شیوه در تفکر اخباریگری است. قرآن اصیل ترین سند مکتوب مسلمانان و تنها منبع قطعی الصدور آنان است که مورد قبول تمامی فرقه های اسلامی قرار گرفته است.

قرآن خود را کتاب هدایت معرفی کرده و آیات آن را بیان و مبین بر شمرده است:

(هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ)، 1 (وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ). 2

نکته مهم تر آنکه قرآن، مردمان و حتی غیر مسلمانان را به تفکر و تدبر در آیات قرآن ترغیب می کند و می فرماید:

(أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا) 3

(أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا) 1

قرآن، حتی مردم را به تحدی و مبارزه فراخوانده است که اگر می توانند همانند قرآن و یا سوره ای از قرآن بیاورند. تحدی و به مبارزه خواندن در صورتی درست است که فهم قرآن و مقایسه آن با دیگر متون، برای مردم میسر باشد.

این نظریه با سنت نیز مخالف است، چرا که حدیث شریف ثقلین، که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آن می فرماید:

أَتَى تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترتی؛ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا وَلَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ .

و از جهت سندی نیز متواتر و صحیح است، بر تمسک به قرآن دلالت دارد و استناد نکردن به قرآن را موجب گمراهی می شمارد.

روایات فراوان عرضه حدیث بر قرآن و سنجش متون حدیثی با متن و روح قرآن و آیات آن، نیز دلیل دیگری بر امکان فهم قرآن است. (1)

اگر فهم قرآن ممکن نبود، دستور به عرضه حدیث بر قرآن، به گونه ای کلی یا در هنگام تعارض اخبار، لغو و بیهوده بود.

ب عقل

درباره عقل، که منبع معرفت یا راه فهم و دست یابی به مراد آیات و روایت است، فراوان می توان سخن گفت. عقل از آن نظر که منبع معرفتی احکام شرعی (اعتباریات شارع) یا منبع معرفتی دیگر آموزه های دینی است، به بررسی دقیق تر محتاج است. به نظر می رسد اخباریان با استناد به روایات نفی قیاس در پی آن بودند تا نقش عقل را در تمامی موارد (اعتبارات شرعی و غیر آن) و به هر عنوان (منبع معرفتی یا روش معرفت) نفی کنند. آنان حتی برائت عقلی را نیز به این بهانه نفی کرده اند؛ در حالی که این روایات در صدد نفی روش ناصحیح استفاده، از عقل در احکام شرعی هستند. احکام شرعی از اعتبارات شارع است و فلسفه آن برای عقول

ص: 226

انسانی روشن نیست. (1) این سخن نمی تواند دستاویز اخباریان بر روشنگر نبودن عقل در تمامی موارد گردد. (2)

ج اجتهاد و تقلید

تقلید، روشی عاقلانه و برگرفته از سیره عقلا و به معنای مراجعه غیر متخصص به متخصص است. این شیوه، با سیره عقلا سازگار و مورد تأیید قرآن و روایات است. آیه نقر:

(فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ) 3

بر این نکته دلالت دارد که قرآن، این سیره عقلایی را امضا کرده است. قرآن به صراحت فرمان داده است که گروهی مهاجرت کرده و احکام و معارف را بیاموزند و پس از بازگشت به دیگران آگاهی بخشند.

اگر اصل مراجعه غیر عالم به عالم نفی شود، این معنا جلوه گر می شود که تمامی مردم می باید با مراجعه به اصول علمی، نیاز شرعی خود را برآورند؛ امری که هیچ گاه اتفاق نیفتاده است و به صورت عادی نیز امکان پذیر نیست.

ص: 227

-
- 1- (1). مقصود از قیاس فقهی، همان تمثیل منطقی است؛ یعنی، به مجرد مشابهت دو موضوع، حکم یکی از آنها را به دیگری سرایت دهیم. این شیوه، که مورد استناد فقیهان اهل رأی، همانند ابوحنیفه بود، مورد انکار شدید امامان معصوم علیهم السلام به ویژه امام صادق علیه السلام، قرار گرفت. تفاوت این شیوه با قیاس منطقی کاملاً آشکار است. بنابراین، نمی توان با استناد به روایات نفی کننده قیاس، قیاس اولویت را نادرست شمرد. مقصود از قیاس اولویت آن است که اگر قرآن، نسبت به پدر و مادر و احترام به آنان می فرماید: (فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ)، می توانیم نتیجه بگیریم که هر اهانت دیگر یا کتک زدن آنها نیز حرام و ناپسند است. نکته مهم تر آنکه عقل در شناخت مفاسد و مصالح احکام راهی ندارد و اعتبارات شارع را درک نمی کند. قبول این سخن بدان معنا نیست که عقل به عنوان چراغ هدایت و آفرینش، امکان بازنمایی، شفاف سازی و انتخاب برتر را در تمامی زمینه ها از دست داده است.
- 2- (2). ر.ک: جایگاه سیاسی عالم دین در دو مکتب اخباری و اصولی، ص 117-154.

اگرچه مکتب اخباریگری، حرکتی پویا و پیشرو نیست؛ ولی نمی توان تأثیرگذاری آن را بر جامعه شیعی انکار کرد. این تفکر حدود دو قرن به فعالیت خود ادامه داد و آثار منفی و مثبتی را از خود بر جای نهاد.

مقاومت در برابر حرکت اجتهادی و نظریه پردازی مجتهدان، ثمره منفی فعالیت‌های طرفداران این تفکر بود. منزوی شدن فقیهان ژرف اندیش و میدان داری عالمان متوسط در ساماندهی فرهنگ توده ای، از دیگر اثرات منفی این تفکر بود.

اگر چه تندروی، تکروی، بی احترامی به عالمان پیشین، مهجوریت تدبر در قرآن، جمود فکری، پرهیز از نوآوری و مبارزه با آن، بی اعتنایی به تدبر و اجتهاد و... در تفکر و عمل برخی از اخباریان مشهود است؛ ولی این عوامل نباید موجب نادیده انگاشتن خدمات این گروه گردد. گرایش به آموزه های نقلی و اعتنای فراوان به حدیث به عنوان منبع معرفتی، جامع نگاریهای حدیثی، تدبر و تأمل در متون حدیثی، تربیت نسلی جدید از محدثان شیعی و... از جمله خدمات این گروه به معارف شیعی است. به عبارتی دیگر، اوج گرایش عالمان به متون حدیثی، در قرنهای یازدهم و دوازدهم است. جامع نگاریهای ماندگار حدیثی همچون وسائل الشیعه، وافی و بحار الانوار از مهم ترین ثمرات این تفکر است. اندیشه بازگشت به متون نقلی نیز در این زمان آغاز شده و گسترش یافته است. شرح نویسی بر کتابهای حدیثی، همچون روضة المؤمنین، لوامع صاحبقرانی، ملاذ الأخیار، شروح گوناگون کتاب کافی و صحیفه سجادیه نیز با این تفکر حدیثگرا مرتبط است. بنابراین از آثار و فواید باقی مانده از این تفکر نیز می بایست قدردانی شود.

تعداد دانشمندان اخباری، با توجه به فعالیت دویست ساله اخباریان چندان پرشمار و چشم‌گیر نیست. این گروه معدود نیز خود به دو دسته اخباریان تندرو و اخباریان معتدل تقسیم می‌شوند. البته در این میان، برخی از افراد

نیز به غلط اخباری شمرده شده‌اند. ذکر این نکته شایسته است که میان اخبارگرایی و اخباری‌گری تفاوت اساسی وجود دارد. اخبارگرایی یعنی گرایش به روایات به عنوان یک منبع معرفتی می‌تواند با منابع معرفتی دیگر همچون قرآن اجماع و عقل، جمع شود در حالی که اخباری‌گری در حالت شدید خود، تمام منابع معرفتی دیگر را کنار می‌نهد و تنها منبع معرفتی شایسته را روایات اهل بیت می‌شمرد. (1)

ملازمین استرآبادی

در مباحث پیشین پیرامون شخصیت و اندیشه‌های ملازمین استرآبادی به تفصیل سخن گفتیم.

علامه محمدتقی مجلسی

او پدر علامه محمدباقر مجلسی و از شاگردان شیخ بهایی است. مجلسی اول به ستایش از تفکر ملازمین استرآبادی پرداخته و مبانی اخباریان را ستوده است. شرح نویسی او بر کتاب من لا یحضره الفقیه نیز از این دیدگاه نشئت گرفته است. اخباریان، خود را پیرو محدثان کهن شمرده است و به مکتب حدیثی قم، به ویژه شیخ صدوق (رحمة الله علیه)، اعتنا و احترام ویژه داشتند. علامه محمدتقی مجلسی، در مواجهه با مجتهدان، تندروهای امین استرآبادی را ندارد. از این رو، باید او را در گروه اخباریان معتدل و یا حتی متمایل به اخبارگرایان جای داد.

ص: 232

1- (1). برای آشنایی بیشتر با این دو اصطلاح، به مقاله «اخباری‌گری و اخبارگرایی» به قلم محمدرضا حکیمی در کتاب یادنامه آیه الله مرعشی مراجعه کنید. مؤلف سعی در روشن ساختن این مطلب که گرایش به اخبار به عنوان یکی از مبادی معرفت دینی، پسندیده، شایسته و لازم است. ایشان اخذ آموزه‌های دینی از احادیث معصومان را اخبارگرایی نامیده است و آن را ارج می‌نهد. همچنین مؤلف گرایش به اخبار را از اخباری‌گری، با معیارهای ذکرشده، جدا می‌داند و ضمن رد اخباری‌گری، اخبارگرایی را تقویت می‌کند.

در مباحث پیشین با زندگی نامه ملا محسن فیض آشنا شدیم. اکنون نگرش حدیثی او را بررسی می کنیم.

ملا محسن فیض کاشانی یکی از پایه های اصلی اخباریان معتدل در نظام فکری اخباریگری است. ایشان در بسیاری از نوشته های خویش، تمسک به اخبار و دوری گزیدن از اجتهاد غیر مأثور را مطرح و از آن دفاع کرده است.

مرحوم فیض کاشانی در مقدمه کتاب وافی، به تبیین این نظریه پرداخته و نوشته است:

پس از پایان دوره حضور و غیبت صغری، شیعیان با ستیان همراه شدند و اصول فقه را از آنان برگرفتند. این اصول بر پایه تفکر اجتهادی ستیان بنیان گذاری شده بود. مجتهدان سنی، بسیاری از احکام شرعی را به عقل و رأی خویش استنباط می کردند و نظر خود را در کنار حکم خدا و رسول حجت می شمردند. برخی از شیعیان نیز روش استناد به اخبار را کنار نهاده و اجتهاد و استناد به آرای انسانی را جایز شمردند. آنان، آیات و روایات مربوط به منع از اجتهاد و عمل به آرا را تأویل نموده و نهی از پیروی از ظن را به مسائل اعتقادی مربوط دانستند. در نتیجه، تفکر اجتهادی در احکام و آرا اختلافهای شدیدی را پدید آورد و مقلدان آنان نیز به این تفرقه دچار شدند. در حالی که آنان می بایست به جای تقلید از مجتهد، از امام معصوم علیه السلام تقلید می کردند (1).

فیض کاشانی (رحمة الله علیه) رساله های الأصول الاصلیه، الحق المبین و سفینه النجاة را برای تشریح دلایل خویش در گرایش به اخبار و دوری گزیدن از منابع معرفتی دیگر در بدست آوردن احکام شرعی نوشته است. برخی از عناوین و سرفصلهای کتاب الأصول الاصلیه به شرح زیر است:

1. کسی که دین خویش را از کتاب خدا و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله فرا گیرد، هرگز گمراه نخواهد شد. (استناد به سنت در کنار استناد به قرآن)

2. روایات معصومان علیهم السلام در مصادر حدیثی ما جمع آوری شده است.

3. اهل بیت علیهم السلام اصول و قواعدی را بیان کرده اند که با استفاده از آنها می توان فروع مختلف را تبیین کرد.

ص: 233

4. شارع مقدس در هر مسئله حکم مشخصی دارد که تنها از طریق اهل بیت به دست می آید.

5. تکیه کردن بر «ظن» و «گمان» در اصول اعتقادات و احکام عملی جایز نیست.

6. بر هر مکلف واجب است که به تفقه در دین بپردازد و آموزه های دینی را فرا گیرد. تقلید از مفتی نیز یکی از راههای فراگیری آموزه های دینی است. (1)

ایشان در رساله الحق المبین به بهره گیری خویش از امین استرآبادی اشاره کرده و نوشته است:

برخی از نکاتی را که فهمیده ام، یکی از دانشوران شیعی نیز، که اهل استرآباد است، بدان دست یافته است. او دیرزمانی ساکن مکه بود و من در آنجا به مصاحبت او نائل آمدم. او بر این باور است که باید به اخبار عمل کرد و روش اجتهاد و باور آرای پیرساخته را رد نمود و از به کارگیری اصول فقه ساخته شده، (غیر معصوم) اجتناب کرد.

به جانم سوگند که وی سخن به صواب می گوید. او این در را به روی ما باز نموده و ما را به روش درست رهنمون کرده است (2).

ایشان در ادامه سخن، به کار امین استرآبادی دو اشکال وارد کرده است:

1. تندروی و غلو درباره اخبار و ادعای قطعیت روایات کتب اربعه؛

2. بدگویی و نکوهش مجتهدان و ناسزاگویی آنان.

به گفته فیض کاشانی، این دو اشتباه موجب رویگردانی عالمان شیعه از سخن امین استرآبادی شده است.

نکته

بررسی نظرات فیض کاشانی بیانگر استقلال او در این نظریه است. او بسیاری از نظرات بنیادین اخباریان را نمی پذیرد و ظاهر قرآن را حجت می شمارد و بر این حجیت تأکید می کند. تقلید را تا حدودی باور دارد و اجتهاد را در محدوده ای خاص

ص: 234

1- (1) ر.ک: کتاب الأصول الأصیله، ص 152-44. خلاصه این متون در پایان کتاب و به قلم مرحوم محدث ارموی آمده است: همان، ص 195-199.

2- (2) الحق المبین، ص 12.

می پذیرد، همچنین او ناسزاگویی به مجتهدان را روا نمی داند، اگرچه به برخی از مبانی مجتهدان اشکال وارد می کند و آنها را اصول خود ساخته می خواند. فیض کاشانی احکام عقلی تأیید شده شرع را می پذیرد و عقل را به عنوان نور الهی معرفی می کند. در حقیقت، فیض کاشانی، تفکری خاص دارد که میان اخباری و اصولی قرار دارد. بنابراین، می توان گفت که مرحوم فیض، مروج اخبارگرایی است، نه اخباریگری.

شیخ حرّ عاملی 1104-1033ه

صاحب وسائل نیز یکی از طرفداران غیرافراطی طریقه اخباری و از مخالفان روش اجتهادی است. پافشاری او بر این نظریه، سخت گیرانه تر از فیض کاشانی است به گونه ای که برخی گفته اند:

او شهادت و گواهی طلبه ای را به جهت خواندن کتاب اصولی شیخ بهایی به نام زبده پذیرفته است (1).

ایشان در فواید پایانی کتاب وسائل الشیعه آورده است:

قَدْ عَرَفْتَ هُنَا فِي أَوَّلِ كِتَابِ الْقَضَاءِ مُعْظَمَ طَرِيقَةِ الْأَخْبَارِيِّينَ وَتُبْدَأُ مِنْ أَدْلَتِهِمْ (2).

اینجا و در ابتدای کتاب القضاء با بخش اعظم روش اخباریان و شمه ای از دلایل آنها آشنا شدید.

چینش ابواب و روایات وسائل الشیعه نیز ناظر به این موضع گیری است. برخی از سرفصلهای کتاب القضاء به شرح زیر است:

باب (3) جایز نیست کسی جز امام یا راوی حکم امام، که بر پایه آن حکم می کند، حکمی شرعی صادر کند (3).

باب (5): حرمت حکم کردن به غیر از قرآن و سنت. (4)

ص: 235

1- (1). ر.ک: روضات الجنّات، ج 7، ص 104.

2- (2). وسائل الشیعه، ج 30، ص 69. [1]

3- (3). همان، ج 27، ص 31.

4- (4). همان.

باب (10): تقلید از غیر معصوم در آنچه که استنباط خود اوست و در آنچه که بر پایه قول معصوم عمل نمی کند، جایز نیست.

باب (13): استنتاج احکام نظری از ظواهر قرآن جایز نیست، مگر آنکه تفسیر آن از طریق معصومان علیهم السلام فهمیده شود.

باب (14): جایز نبودن استنباط احکام نظری، از ظاهر کلام نبوی که از طریق غیر از طریق اهل بیت روایت شده باشد تا زمانی که تفسیر آن کلام توسط ایشان معلوم نگردد. (1)

تفکر اخباری ایشان در برخی موارد بسیار شفاف است؛ برای مثال او پس از نقل روایات عرضه حدیث بر قرآن می نویسد:

عرضه (حدیث) بر قرآن به تنهایی در روایات تصریح نشده است، بلکه احتمال دارد بر پایه حمل مطلق بر مقید، مراد، عرضه بر کتاب و سنت با هم بوده باشد و احتمال دارد در خصوص دو روایت متعارض، یا از باب تقیه باشد (2).

عناوین ابواب و سخن آخر ایشان، یعنی حمل روایات عرضه حدیث بر تقیه، بیانگر تفکر اخباریگری ایشان است که در مباحث پیشین به آن اشاره شده است.

صاحب وسائل، ذیل روایت

«فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِتًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلَّدُوهُ» می نویسد: می گویم: منظور از تقلید اجازه داده شده در این حدیث، فقط پذیرش آنچه روایت می کند، است نه پذیرفتن رأی و اجتهاد و گمان وی و این معنایی است که هیچ اختلافی در آن نیست. با این حال اصولیان معتقدند که اعتماد بر حدیث نامبرده در اصول و فروع روا نیست؛ زیرا این حدیث، مرسل؛ سند آن مشکوک؛ متن آن ضعیف است و با حدیثی که متواتر و متن آن قطعی و یقینی است، در تعارض است. اما با این همه احتمال حمل آن بر تقیه نیز وجود دارد (3).

ص: 236

1- (1). همان، ص 206.

2- (2). همان، ص 124.

3- (3). همان، ص 132.

پیشتر گفتیم که جواز ندانستن تقلید از غیر معصوم، یکی از مبانی اصلی اخباریان بوده است.

نکته آخر آنکه صاحب وسائل در کتاب گرانقدر خویش، تمامی روایات مربوط به هر فرع فقهی را مطرح کرده، ولی به آیات مربوط به آن موضوع، هیچ اشاره ای نکرده است مگر آنکه آیه در ضمن حدیثی نقل شده باشد. این شیوه، برگرفته از نگرش اخباریان به آیات قرآن و تمسک نکردن بدان، بدون استفاده از احادیث اهل بیت علیهم السلام است.

شیخ یوسف بحرانی 1186-1107ه

شیخ یوسف بحرانی از گروه فقیهان متتبع اخباری است. او تلاش دقیق مجتهدان را با گرایش معتدل اخباری ترکیب نموده و مجموعه مناسب و قابل نمونه برداری را با نام الحقائق الناصره سامان داده است. او در سال 1107 هجری در بحرین متولد شد، در میانه عمر در ایران زیست و در سال 1186 هجری در کربلا وفات کرد.

دوران زندگی او دورانی پر آشوب، پر خطر و سراسر گرفتاریهای شخصی و اجتماعی بود که این دوران در بحرین، ایران و عراق گذشت.

بیست سال پایانی عمر ایشان در کربلا سپری شد و موجب رونق حوزه علمی آن دیار شد. جناب شیخ یوسف بحرانی، تفکر معتدل اخباری داشت. زبان او پاک و عقیف بود و به گونه ای منطقی با مجتهدان و اخباریان رو به رو می شد.

تبیین مبانی نظری اخباریگری در مقدمه مفصل ایشان بر کتاب الحقائق الناصره آمده است. ادب سخن، زیبایی کلام، احترام به فقیهان و پرهیز از درشت گویی در این مقدمه بلند، بیانگر سلامت نفس شیخ یوسف بحرانی است. (1)

ایشان با اشاره به تفکر اخبارگرای شیخ صدوق و آرای اصول گرایانه شیخ مفید و سید مرتضی این گونه تفاوت در اجتهاد را، امری عادی می شمارد که به هیچ وجه شایسته نكوهش نیست. صاحب حقائق در ادامه می نویسد:

آوازه این اختلاف و وقوع این بی پروایی تا زمان صاحب الفوائد المدنیّه، که خدا با

ص: 237

رحمت واسع خود او را پیامرزد، برنیامده بود. اما او زبان نکوهش را بر دانشوران گشود و بسیار در آن زیاده روی کرد و تعصبات بسیاری به خرج داد که شایسته چنین دانشمند فرهیخته ای نبود (1).

او در متن کتاب حدائق، از فقهای شیعه با احترام یاد می کند و در تحلیل و نقد نظرات آنان از سیره علمی و مقبول پیروی می کند. شیخ یوسف بحرانی، روش خود را همانند روش علامه مجلسی می داند و آن را طریق میانه می شمارد. (2)

او در فهم آیات قرآنی، نظر شیخ طوسی را تأیید می کند و نظریه افراطی برخی از اخباریان مبنی بر فهم ناپذیری ظواهر تمامی آیات قرآن را مردود می شمارد. (3) قبول قواعد فقهی و معیارهای برگرفته از احادیث، همانند استصحاب و اباحه اصلیه (به تعبیر مرحوم بحرانی) بیانگر نزدیک تر بودن او به مجتهدان است؛ اگرچه تمایز تفکر او و مجتهدان اصولی در تمامی این کتاب دیده می شود. او در مسئله برائت، قائل به توقف است و نظر مجتهدان را درباره اصل برائت نمی پذیرد. (4) علم اصول را از اهل سنت می داند و آن را نفی می کند. (5) تقسیم چهارگانه احادیث را نمی پذیرد و مطابق با نظر اخباریان عمل می کند. (6)

بحرانی معمولاً از بررسی اسناد روایاتی که از کتب مشهور شیعی نقل شده است، خودداری می کند و تنها به بررسی دلالت متن می پردازد. شیوه او در نقل اقوال فقیهان پیشین، مبتنی بر تفکر نقادانه است. او دلایل غیرنقلی ارائه شده را نمی پذیرد و با استناد به روایات، به نقد این تفکر و نتیجه حاصل از آن می پردازد. تتبع فراوان و دقیق در اخبار، شیوه رایج مرحوم بحرانی در این کتاب است. از این رو، کتاب او در روزگاران به عنوان کتاب مرجع از سوی فقیهان پذیرفته شده است و برای نقل اقوال و جمع آوری احادیث بدان استناد می شود. (7)

ص: 238

1- (1). الحدائق الناصره، ج 1، ص 170.

2- (2). همان، مقدمه دوم.

3- (3). همان، مقدمه سوم.

4- (4). همان، ج 10، ص 121.

5- (5). همان، ج 18، ص 144.

6- (6). دُرر النجفیّه، ص 165.

7- (7). ر.ک: دانش نامه جهان اسلام، ج 2، ص 314-317.

میرزا محمد اخباری، افراطی ترین فرد از گروه اخباریان است که پس از غلبه مرحوم وحید بهبهانی بر اخباریان، به ترویج این مسلک پرداخته است.

او به سال 1178 هجری در هندوستان زاده شد و پس از تحصیلات اولیه به عراق مهاجرت کرد. او فردی باهوش و سخنور بود که در علوم مختلف تخصص داشت و به زبان فارسی و عربی سخن می گفت و شعر می سرود. میرزا محمد اخباری در مباحثه و جدل نیز تخصص و تبحر داشت و همین موضوع سبب رواج تفکر او در میان توده مردم شد. او از علوم غریبه، جفر و طلسمات نیز مطلع بود و از آن برای پیشبرد مقاصد خویش استفاده می کرد.

تعصب شدید او در اخباریگری، سبب دشمنی او با مجتهدان و ناسزاگویی وی به آنان شده بود، از این رو مجتهدان به مخالفت با او برخاستند و او را مجبور به ترک عراق و مهاجرت به ایران کردند. اقامت او در تهران مصادف با سلطنت فتحعلی شاه و درگیریهای ایران و روسیه بود. در این زمان از سوی حکومت و شخص شاه محترم دانسته می شد. انجام برخی از کارهای خارق العاده، به ویژه پیشگویی او درباره قتل فرمانده سپاه روس، موجب شد که او نزد شاه مقامی فوق العاده بیابد. نقل کرده اند که او پیشنهاد کرد که چهل روز چله نشینی کند و به دنبال آن سر فرمانده سپاه روس را در تهران حاضر کند به شرط آنکه شاه نیز روش اخباریان را رواج دهد و تفکر اجتهادی را منسوخ کند. پس از انجام این عمل، خانواده سلطنتی از بیم آنکه این چله نشینی ها موجب زیان آنها شود، عذر او را خواستند و او را روانه عتبات کردند.

او در عتبات نیز در امور اختلافی سرداران عثمانی دخالت کرد و بالاخره با حکم برخی از مجتهدان شیعه، واجب القتل شمرده شد و در سال 1232 هجری به دست توده مردم به قتل رسید. (1)

میرزا محمد اخباری نمونه شاخص تفکر افراطی اخباریگری است که از همه وسایل ممکن برای مبارزه با مجتهدان بهره گرفته است. مبارزه او با مجتهدان، از نقاط تاریک و تأسف بار تاریخ حدیث شیعه است. در این دوران مباحثات علمی جای

ص: 239

خود را به بدگویی و ناسزا داده و استمداد از قدرتهای محلی و حتی سنی برای پیشبرد دیدگاه و رأی، جایز شمرده شده است. به عبارتی دیگر، اخباریگری در این زمان به صورت یک فرقه و نه یک تفکر علمی بروز کرده است.

دیگر عالمان اخباری

اشاره

از دیگر عالمان اخباری، خواه میانه رو و یا افراطی، به افراد زیر می توان اشاره کرد:

سید نعمت الله جزائری (م 1112ه)؛

شیخ عبدالله س ماهیجی (م 1135ه)؛ او نگارنده کتاب مُنْبِئَةُ الْمُمارِسین است و تفاوتهای کلی و جزئی روش اخباری و اجتهادی را در چهل ماده بر شمرده است.

شیخ حسن اخباری (م 1181ه)؛

میرزا علی اخباری (م 1275 ه. در خرمشهر)؛

میرزا حسین اخباری (م 1318ه)؛

شیخ عنایت الله اخباری (م 1372ه).

علامه مجلسی؛ اخباری یا اصولی؟

حیات علامه مجلسی هم زمان با رواج تفکر اخباریگری بود. همچنین ایشان در گرایش به اخبار اهل بیت شهره بودند؛ از این رو، تصور شده است که علامه مجلسی (رحمه الله) نیز از پیروان و حتی از سردمداران این تفکر است.

علاوه بر موارد فوق، قرائن و شواهد زیر نیز به این تصور کمک کرده است و آن را تقویت می کند:

1. پدر علامه مجلسی به اخباریان گرایش داشته و علامه مجلسی نیز شاگرد وی بوده است. از این رو طبیعی است که متأثر از پدرش باشد.

2. مهم ترین و بزرگ ترین جامع حدیثی شیعه، بحار الأنوار، به دست ایشان و در این دوران نگاشته شده است.

3. نقد تفکر عقل گرایانه و مخالفت با فیلسوفان در آثار علامه مجلسی مشهود است. (1)

ص: 240

4. نقل روایات ضعیف و سعی در توجیه آن متون نیز در نوشته های ایشان مشاهده می شود.

5. برخی از استادان و پاره ای از شاگردان علامه مجلسی تفکر اخباری داشته اند.

با این همه، برخی از محققان، علامه مجلسی را فردی میان اخباری و اصولی می شمارند، زیرا علامه با برخی از مبانی اخباریگری مخالفت کرده است. (1)

اما دقت و تأمل در آثار علامه مجلسی بیانگر آن است که با وجود فعالیت های فراوان حدیثی و اعتماد شدید ایشان بر روایات اهل بیت علیهم السلام، مبانی فکری ایشان با تفکر اخباریگری به طور کامل متفاوت است. با وجود آنکه در زمان او تفکر اخباریگری در دوران اوج خود بود، با این همه وی قواعد اجتهاد و روش مجتهدان را پذیرفته بود و مطابق آنها فتوا می داده است. تذکر این نکته شایسته است که شاخصه اصلی اخباریان نفی اجتهاد و علم اصول فقه است. بنابراین مخالفت با تفکر عقلی و یا نفی فلسفه و عرفان مرادف با اخباریگری نیست.

از این رو می باید علامه مجلسی را نیز از عالمان اخبارگرا دانست، و حتی نمی توان او را در زمره اخباریان میانه رو قلمداد کرد.

نحوه تعامل علامه مجلسی با مبانی تفکر اخباریگری

چگونگی رویارویی علامه مجلسی با مبانی اخباریان از جمله مهم ترین مسائلی است که در تبیین دیدگاه ایشان در موضع اخباریگری بسیار مؤثر است؛ از این رو در این بخش چگونگی مواجهه ایشان با مبانی اخباریان را بررسی می کنیم.

علامه مجلسی، همانند اصولیان و بر خلاف مجتهدان، اجتهاد را واجب کفایی می داند و تقلید غیر مجتهد از مجتهد را واجب عینی قلمداد می کند. (2)

ایشان همانند مجتهدان، تقلید از میّت را نفی می کند و لزوم وجود مجتهد زنده و تقلید مردمان از وی را لازم می شمرد. (3)

ص: 241

-
- 1- (1) ر.ک: علی دوانی، علامه مجلسی بزرگ علم و دین، ص 428؛ حسن طارمی، علامه مجلسی، ص 200؛ حسین مدرسی طباطبایی، مقدمه ای بر فقه شیعه، ص 59؛ [1] مصلح الدین مهدوی، زندگی نامه علامه مجلسی، ج 1، ص 251 و....
 - 2- (2) مرآة العقول، ج 1، ص 98.
 - 3- (3) نظم اللثالی، ص 13 و 14.

ایشان آشنایی با علم اصول را از مقدمات اجتهاد شمرده است (1) و در صدد بوده تا رساله ای در علم اصول تألیف کند و آن را در جلد بیست و پنجم بحار الأنوار بیاورد. (2)

علامه مجلسی اجماع را حجت می شمرد و بدان احتجاج می کند. (3) مقصود از اجماع در سخن ایشان، اجماع دخولی (4) است که موارد آن محدود است.

ایشان ظواهر قرآن را حجت می داند و تمامی ابواب فقهی و غیرفقهی بحار الأنوار را با آیات قرآن آغاز می کند. استناد به آیات قرآن در بحار الأنوار آن مقدار گسترده است که می توان این کتاب را نوعی موضوع بندی آیات قرآن به شمار آورد.

اخباریان اعتقاد داشتند که در موارد شبهه باید احتیاط کرد و دلیلی بر اصل برائت وجود ندارد. اما علامه مجلسی در این زمینه با آنان مخالف و همسان با اصولیان قائل به اباحه و حلیت است. (5)

سخنی از علامه مجلسی در تفسیر آیه وَ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (6) در دست است که شاهد زیبایی بر تفکر اصولی ایشان، به ویژه در موارد پیش گفته، است. ایشان می نویسد:

آیه به شکل عام و مطلق خود بر جواز نماز بر غیر قبله دلالت می کند و صحت نمازی را که بر غیر قبله انجام شود، تأیید می کند، در حالی که نسخ آیه نیز معلوم نیست. پس مواردی که با یکی از دلایل اجماع یا جز آن از حکم جواز آیه خارج شود، پذیرفته است و دیگر موارد در حکم آیه داخل است.

اما آیه قبله، که بعد از این خواهد آمد، (فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ) : بقره 144/ در بسیاری از احکام با این آیه در تضاد است و آیه اول با اصل برائت تأیید می شود. بنابراین، تا زمانی که دلیل دیگری چون اجماع یا نص در آن مورد نیاید، عمل به آیه اول لازم است (6).

ص: 242

-
- 1- (1). همان، ص 10 و 11.
 - 2- (2). ملاذ الأخیار، ج 1، ص 20.
 - 3- (3). یادنامه علامه مجلسی، ج 2، ص 288.
 - 4- (4). اجماع عالمان شیعی بر یک حکم یا نظریه، دلالت می کند که معصوم علیه السلام نیز همین نظر را دارد و در میان اجماع کنندگان است. بنابراین، حجیت اجماع به سبب داخل بودن معصوم علیه السلام در گروه اجماع کنندگان است. این برداشت از اجماع را اجماع دخولی می گویند.
 - 5- (5). نظم اللثالی، ص 11 و 181؛ بحار الأنوار، ج 81، ص 33. [1]
 - 6- (7). بحار الأنوار، ج 81، ص 33 و 34.

در این سخن فقیهانه حجیت اجماع، اصل برائت و ظاهر قرآن پذیرفته شده است.

بر خلاف اخباریان که دسته بندی چهارگانه احادیث را منکرند، علامه مجلسی در بسیاری از کتابهای خویش از این روش استفاده کرده است. بدین گونه که او در شرح کتاب شریف کافی، بسیاری از متون آن را «ضعیف علی المشهور» خوانده است.

گفتنی است که اعتماد علامه مجلسی به کتب کهن، به ویژه کافی، بسیار زیاد است، با این همه وی در مرآة العقول (شرح کافی) و همچنین مَلاذُ الأَخبار (شرح تهذیب الأحکام) از مبنای فقیهان استفاده کرده است.

علامه مجلسی در مباحث اعتقادی به عقل فطری استناد می کند و به حُسن و قبح ذاتی عقلی معتقد است. ایشان در بحث وحدت صانع، ادله عقلی را بر ادله نقلی مقدم کرده است. (1) البته نمی توان علامه را عقل گرا نامید، زیرا در موارد تعارض بین عقل و نقل، او جانب نقل را مقدم می دارد و بر دلایل عقلی اعتماد نمی کند. در اعتباریات شرعی نیز عقل را حجت نمی شمرد و امامان معصوم علیهم السلام را عقل کامل معرفی می کند و سخن آنان را حجت می داند. علامه عقول غیر معصومان را عقل ناقص و فاقد حجیت مطلق می داند. (2) به نظر ایشان، عقل در مرحله شناخت خدا و وحدانیت ذات باری تعالی و شناخت حجت کاربرد دارد. به باور علامه عقل پس از شناخت پیامبر و امامان علیهم السلام، به ناتوانی خود در فهم اعتبارات شرعی و آموزه های دینی اعتراف می کند و نظر آنان را بر خویش مقدم می دارد. (3)

ناهمگونی نظرات ایشان با فیلسوفان و متکلمان عقلی نیز مشهود و نمونه بارز آن در حاشیه های علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) بر مجلدات اول کتاب بحار الأنوار نمایان است.

بنابراین، در ارتباط با عقل و نقل، نظرات علامه مجلسی به اخباریان نزدیک تر است، اگرچه با آن مطابقت تام ندارد؛ (4) یعنی، به گونه ای اجمالی، حجیت عقل را می پذیرد، ولی محدوده کاربرد آن را بسیار کم می شمرد.

ص: 243

1- (1). همان، ج 3، ص 231.

2- (2). همان، ج 1، ص 143.

3- (3). همان.

4- (4). ر.ک: علی ملکی میانجی، علامه مجلسی؛ اخباری یا اصولی، ص 70-82.

اخباریان، موضع گیری خصمانه ای نسبت به فقیهان، به ویژه علامه حلی، دارند، ولی علامه مجلسی نسبت به فقیهان بسیار با احترام برخورد می کند و نام آنان، به ویژه علامه حلی، را با احترام فراوان یاد می کند. (1)

او با متکلمان عقل گرا همانند خواجه نصیر طوسی نیز برخوردی این گونه دارد. (2)

فرجام اخباریگری

اخباریگری واکنشی تند به برخی از مبانی و معیارهای اصولیان و فقیهان بود که قدرت تخریبی مناسبی داشت، ولی نمی توانست بستری برای سازندگی معیارها و تفکر مقبول و مستمر باشد.

این تفکر در مواجهه با حوادث پیش آمده در جامعه، منفعل بود. قطع ارتباط بین مجتهد و مقلد و بی توجهی به میراث فقیهان پیشین نیز مشکل را افزون می کرد. در چنین وضعیتی، طبیعی می نمود که این حرکت ناتمام و ناقص بماند.

فاصله گرفتن از دوران تأسیس این نظریه و به وجود آمدن نحله های فکری گوناگون و متنوع در میان اخباریان موجب تضعیف این تفکر شد.

وجود برخی از اخباریان افراطی و حملات شدید آنان به مجتهدان نیز، اسباب بی اعتمادی عالمان و مردم به اخباریان را فراهم آورد. همچنین ظهور برخی از اخباریان میانه رو و منصف، که برخی از مبانی اصلی مجتهدان را پذیرفته بودند و حالتی میان اخباری و اصولی داشتند، به افول این تفکر یاری رساند.

اخباریان متأخر، همانند شیخ یوسف بحرانی، به صراحت از تندروی ملا امین استرآبادی انتقاد می کردند و برخی از مبانی اصلی او را نمی پذیرفتند.

از منظر دیگر، در سالهای اول تشکیل این تفکر، گروهی از عالمان فرهیخته، همچون مجلسی اول، فیض کاشانی و صاحب وسائل، با آن هم فکر و هم گام بودند، ولی پس از گذشت پنجاه سال، شخصیت‌های عالم و تأثیرگذار در میان آنان کمتر به

ص: 244

1- (1) ر.ک: همان، ص 48-49.

2- (2) برای آشنایی بیشتر در این موضوع رجوع کنید به همان، ص 1797. مؤلف محترم در این نگاشته بلند به زیبایی، مبانی فکری علامه مجلسی را تبیین کرده و تنافی آن را با تفکر اخباری روشن نموده است. نوشته کوتاه ما نیز برگرفته از این مقاله است.

چشم می آمد. علاوه بر این، این تفکر در نقاطی همانند بحرین و خوزستان گسترش یافته بود که قدرت تأثیرگذاری بر کل جامعه اسلامی را نداشت.

نسلهای پسین اخباریان، مردانی ساده و عادی بودند که نسبت به تفکر خود و مخالفت با فقیهان متعصبانه برخورد می کردند. آنان از عمق بخشیدن به مبانی تفکر خویش عاجز بودند. حتی در برخی از موارد، همانند اجماع، که امکان اثبات نظریه اخباریان بسیار ساده بود، از نوشته های امین استرآبادی فراتر نمی رفتند. (1) با وجود این اشکالات، اخباریگری به مسیر خود ادامه می داد.

زوال این تفکر مرهون شخصیت فرزانه ای است که با مبارزه علمی و عملی پیگیر خود، این تفکر را به حاشیه راند. این شخص، استاد کل محمدباقر اصفهانی، مشهور به وحید بهبهانی است.

گفتنی است که شخصیت مرحوم شیخ یوسف بحرانی، به عنوان چهره برجسته اخباری، و رویا رو نشدن او با مرحوم وحید بهبهانی نیز در پیروزی تفکر اصولی و اجتهادی مؤثر بوده است. برخی گفته اند که مرحوم بحرانی در اواخر عمر خویش، تفکر اخباری را کنار نهاده و به مجتهدان نزدیک شده بود. (2)

وحید بهبهانی 1205-1117هـ

علامه وحید بهبهانی مشهورترین چهره اصولی در مبارزه با اخباریان است. استدلال محکم و قوی او در تبیین روش اجتهادی، همراه با مبارزات عملی با اخباریان، به چیره شدن تفکر اجتهادی و اضمحلال تفکر اخباری انجامید.

کتاب الإجتهد و الأخبار او بیانگر معیارهای ایشان در تفکر اجتهادی خویش است. علاوه بر آن، در کتاب الفوائد الرجالیه، مبنای قبول خبر را به گونه ای سامان داده است که حجیت خبر موثوق به جانشین حجیت خبر ثقه شده است؛ یعنی، از افراط و تفریط پیشینیان (اخباری و اصولی) در قبول روایات دوری کرده است.

ص: 245

1- (1). نظریه اخباریان درباره حجیت نداشتن اجماع در دورانهای بعد با موافقت برخی از عالمان و فقیهان شیعه رو به رو شد و نظریه اجماع دخولی قوت گرفت. مطابق این نظریه، حجیت اجماع با فرض دخول امام علیه السلام در افراد صاحب نظر است و گرنه اجماع، به خودی خود، هیچ گونه حجیتی ندارد. این تلقی از اجماع، آن را از اجماع اهل سنت متمایز می سازد و اجماع را راهی برای دست یابی به نظر معصوم علیه السلام می داند.

2- (2). مفاخر اسلام، ج 9، ص 165.

مرحوم وحید، زاده و تحصیل کرده اصفهان بود که به علت شیوع تفکر اخباریگری در آن دیار به بهبهان هجرت کرد. (1) او در بهبهان تفکر اجتهادی را در مقابل تفکر اخباری، ترویج داد و پس از مدتی به کربلا- مهاجرت کرد. کربلا در آن زمان محل استقرار شیخ یوسف بحرانی، فقیه معتدل اخباری، بود. مردم کربلا و نجف به اخباریان تمایل داشتند. آنها به قدری بر اخباریگری پای بند بودند که اگر یک نفر از آنان می خواست کتابی از کتب مجتهدان را به دست بگیرد، برای اینکه دستش نجس نشود، آن را در دستمالی می پیچید و به دست می گرفت. (2)

حضور مرحوم وحید در کربلا موجب رونق یافتن حوزه اجتهادی در این شهر شد و برخی از شاگردان مرحوم بحرانی، همانند علامه بحر العلوم و سید محمد مهدی شهرستانی نیز مجذوب اندیشه های مرحوم وحید شدند. وحید بهبهانی در تمامی نوشته های خود به نقد تفکر اخباری می پرداخته و در مباحثه و جدل نیز بر اخباریان پیروز می شد. (3) به نظر می رسد مباحثات فراوانی بین ایشان و مرحوم بحرانی وجود داشته است. (4)

وحید بهبهانی، شاگردان خویش را از شرکت در درس و حتی نماز جماعت مرحوم شیخ یوسف بحرانی منع می کرد. چنانچه در کتاب تنقیح المقال آمده است:

مرحوم وحید بهبهانی حکم کرد که نماز خواندن به امامت شیخ یوسف بحرانی باطل است، ولی صاحب حدائق حکم نمود که نماز گزاردن پشت سر وحید بهبهانی صحیح است. زمانی که حکم وحید بهبهانی را برای او گفتند، در جواب گفت: «تکلیف شرعی وی همان است که می گوید و تکلیف شرعی من نیز همین است که می گویم» (5).

حکم مرحوم وحید بهبهانی و پذیرش آن از ناحیه صاحب حدائق نشانه پاک طینتی و خلوص هر دو فرد است. مرحوم بحرانی وصیت کرد که پس از مرگش، وحید بهبهانی بر او نماز گزارد.

ص: 246

1- (1). وحید بهبهانی، ص 159.

2- (2). مفاخر اسلام، ج 9، ص 163، به نقل از منتهی المقال، ج 6، ص 178.

3- (3). همان، ص 166.

4- (4). همان، ص 167.

5- (5). تنقیح المقال، ج 2، ص 85.

پس از شکست اخباریان در کربلا، شخصیت علمی وحید بهبهانی و شاگردان او باورهای علمی و عمومی جامعه شیعی را تحت تأثیر قرار داد.

شاگردان وحید بهبهانی به ویژه علامه بحر العلوم و پس از او صاحب جواهر و در نهایت شیخ انصاری، تفکر اجتهادی و فقیهانه را گسترش دادند و آن را منضبط نمودند.

بنیان علم اصول، به شیوه جدید، به دست شیخ مرتضی انصاری بود. مباحث تدوین شده به دست ایشان، به طور خاص به مبانی اخباریان نظر دارد. حجیت ظواهر کتاب، حجیت قطع حاصل از مقدمات عقلی و تقدم آن بر ادله ظنی نقلی، اصول عملیه، به ویژه اصل برائت، اجتهاد و تقلید، مباحث ظن و... در کتابهای شیخ انصاری به حد کمال رسیده است. از ایشان نقل شده است: «اگر امین استرآبادی زنده بود، این علم اصول را می پذیرفت».

تفکر اخباریگری، که در زمان وحید بهبهانی پایان یافته تلقی می شد، در سالهای بعد به گونه ای پراکنده در برخی نقاط، به ویژه خوزستان، به حیات خویش ادامه داد.

در دوران کنونی، این شیوه، مدافعی ندارد. هرچند که برخی از مبانی اخباریان در لایه های ناپسند تفکر برخی از دانشمندان دینی وجود دارد.

درس چهاردهم: تاریخ حدیث شیعه در قرن سیزدهم

اشاره

ص: 249

ترویج فرهنگ و باورهای شیعی در ایران، عراق و دیگر مناطق شیعه نشین، در قرون یازدهم و دوازدهم، موجب نهادینه شدن این فرهنگ در میان شیعیان شد. استقرار این فرهنگ موجب شد که پس از پایان دوره صفویه و پدید آمدن اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی، آسیبی جدی به فرهنگ شیعی وارد نشود. با این همه، ضعف صفویان در سالهای پایانی حکومت و سپس هجوم اشرف و محمود افغان به مناطق شیعه نشین، موجب کند شدن رشد معارف شیعی، به ویژه معارف حدیثی، شد. برای تبیین تاریخ حدیث شیعه در این دوران، اشاره ای گذرا به تحولات سیاسی، اجتماعی و صنعتی، لازم و ضروری می نماید.

تحولات سیاسی

روال متعارف در حکومت‌های سلطنتی این است که بنیان گذار این سلسله ها فردی جسور، شجاع و مدیر است. اما از آنجا که در نظام سلطنتی، حکومت، به جای اینکه به افراد لایق و شایسته سپرده شود، در میان افراد خانواده دست به دست می شود؛ بنابراین، طبیعی است که با این شیوه، در ادامه حکومت افرادی ضعیف، هوسران و نازپرورده به قدرت می رسند و زمینه های زوال و انحلال آن سلسله آماده می شود.

سلسله صفویه با تلاش شاه اسماعیل و شاه تهماسب استقرار یافت و در زمان شاه عباس به اوج قدرت خود رسید. اما در دوره های بعد فساد سیاسی و اخلاقی پدید آمده در میان شاهان، زمینه زوال این حکومت را نیز آماده ساخت. سلطان حسین (1134-1105ه)، آخرین پادشاه صفوی، ضعیف ترین حاکم این سلسله بود که بر اثر بی کفایتی

او، آسیبهای جدی بر کشور ایران و مردمان آن وارد آمد. شکست او از محمود افغان و سلطه برخی از جنگجویان افغان بر ایران (1148-1134ه) خرابی فراوانی را به بار آورد و حتی برخی از قسمتهای ایران در زمان او به تصرف بیگانگان درآمد. نادر شاه (1160-1148ه) با جنگاوری و تلاش خود توانست وحدت جغرافیایی ایران را سامان دهد و از گسترش تعرضات بیگانگان به آن جلوگیری کند.

او اگرچه سربازی شجاع و فرماندهی مقتدر بود، ولی بی رحمی و شقاوت فراوان او در کنار ادعای اصلاح طلبی مذهبی وی، ضربه های فراوانی به فرهنگ شیعی، مردم ایران و اطرافیان او وارد کرد. او مذهب شیعه را از رسمیت انداخت و آن را پس از مذاهب چهارگانه سنی قرار داد. نادرشاه بر عالمان شیعه بسیار سخت گرفت و بسیاری از آنان را به قتل رسانید. ^[1] او به گمان اصلاح طلبی، معاهده ای را با عنوان وثیقه نجف در رمضان سال 1156 با حضور عالمان شیعی و نماینده دولت عثمانی نگاشت که در ظاهر به تأیید و امضای آنان رسید. در این وثیقه برخی از ناراستی های فرقه ای ذکر و در نهایت به وحدت مذهبی اشاره شده بود. سخت گیریهای او نسبت به نزدیکان خویش و همچنین جنایتهای او در لشکرکشی به هند و غارت اموال ایشان، تصویر نازیبایی از فرهنگ ایران در اذهان عمومی ایجاد کرد.

عالمان شیعی در دوران او مصون نبودند و باید با اجبار به خواسته های حکومت تن می دادند. دوران کوتاه سلطنت نادر در سال 1160 هجری به پایان رسید و از آنجا که وی تمامی افراد شاخص، مدیر و مدبر اطراف را پس از اندکی اغتشاش به قتل رسانده بود، لذا سلسله نادری نیز با قتل او به دست اطرافیانش به پایان آمد.

زندیه در فاصله سالهای 1163 تا 1193 به قدرت رسیدند و بر مناطقی از ایران حکم راندند. اما پس از آن، دوران اغتشاش و هرج و مرج دوباره شروع شد. قاجاریه در سال 1209 هجری قدرت را به دست گرفتند و حکومتی واحد بر ایران برقرار کردند. آنان نیز در سالهای طولانی سرگرم جنگ و برخوردهای مرزی، به ویژه با روسیه، شدند. طبیعی است که در دورانی این چنین و با اوضاع سیاسی و اجتماعی نابسامان، انتظار پدید آمدن آثار گران بها و ماندگار فرهنگی، چندان روا نیست.

ص: 252

1- (1). ر.ک: تاریخ تشیع در ایران، ج 2، ص 841-845. [1]

قاجاریه از دوران فتحعلی شاه، به ویژه در دوران امیرکبیر (م 1267ه) به گسترش و ترویج فرهنگ شیعی پرداختند. بنابراین، زمینه رشد فرهنگ شیعی، به ویژه معارف حدیثی، در این دوران دوباره فراهم آمد.

تحولات فرهنگی

حرکت اخباریگری در سالهای پایانی قرن دوازدهم، مقهور تفکر اجتهادی شده بود. مجتهدان با تدوین و نگارش کتابهای جدید اصولی، قواعد کلی استنباط را به گونه ای دقیق تر بیان کردند و آن را مدون ساختند. بنابراین، مهم ترین فعالیت‌های اصولی، در قرن سیزدهم انجام و توسط شیخ انصاری (م 1281ه) به مرحله جدیدی وارد شد. علاوه بر این، نگرش اجتهادی دقتی ژرف تر در معارف داشت. بنابراین، تأثیر آن بر زمینه های معرفتی غیرفقهی نیز گسترده بود. از این رو، با گسترش و تعمیق تفکر اصولی و اجتهادی، دست یابی به تمامی آموزه های دینی به گونه ای دقیق تر فراهم آمد و بدین ترتیب فهم حدیث و آموزه های معرفتی نیز عمیق تر و کارآمدتر شد. از این منظر امکان گسترش معارف و دقت ورزی آن نیز افزون شد.

نگرش دیگری که در این سده بروز یافت، تفکر شیخیّه به رهبری شیخ احمد احسائی (م 1241ه) و سید کاظم رشتی (م 1259ه) بود. تفکر شیخیه بر توجه به روایات و امتزاج آن با عرفان و فلسفه تأکید داشت. به ادعای برخی، اساس شیخیه بر مبنای امتزاج تعبیرات فلسفی متأثر از آثار سهروردی با اخبار آل محمد علیهم السلام بود. (1) اعتنای شیخیه به روایات اهل بیت علیهم السلام امری روشن است، ولی شیوه استفاده آنان از این متون، دقیق و علمی نیست.

تأویل آیات قرآن و روایات اهل بیت، زمینه را برای توجیه و تحمیل هر سخن بر این متون آماده می ساخت. رمزآلود نمودن این معارف، ضربتی سخت بر فرهنگ شیعی بود که به همراه عقاید غالبانه و ناهمخوان با معارف دیگر، زمینه را برای انحراف برخی از افراد و گروهها آماده کرد.

شیخیه بر این نکته تأکید می کردند که انسان شناسی و هستی شناسی بر معارف اهل بیت علیهم السلام استوار است، ولی انتقال معارف را در روایات منحصر نمی دانستند، بلکه

ص: 253

در کنار آن به وجود خارجی و تکوینی نماینده ای که او را رکن رابع و شیعه کامل می خوانند نیز، اعتقاد داشتند.

بایگری از دل این تفکر سر بر آورد. سید علی محمد شیرازی (1266-1235ه) از شاگردان سید کاظم رشتی بود که پس از مرگ او ادعای باب بودن برای امام عصر (عج الله فرجه) کرد و سپس ادعای امامت و در ادامه ادعای پیامبری کرد. بهائیت نیز ثمره حرکت علی محمد باب بود. دستاویز قرار دادن معارف والای شیعی از سوی این گروه و افراد دیگری از پیروان شیخیه، حادثه ناگواری در تاریخ حدیث شیعی محسوب می شود. (1)

با این همه، تفکر رایج و غالب در تمامی مناطق شیعی، تفکر اصیل مبتنی بر قواعد صحیح اجتهادی و استفاده از معارف موجود در کتاب الله و روایات اهل بیت علیهم السلام بود. این تفکر آمادگی مواجهه با تمامی تفکرات انحرافی موجود را داشت. از این رو، عالمان و محدثان شیعه با تدوین معارف شیعی، علاوه بر مقابله با تفکرات منحرف، به تعمیق باورهای شیعی در همه زمینه ها پرداختند.

گفتنی است که تفکر و هابگیری در جامعه اهل سنت نیز اندکی قبل از این دوران سر بر آورد. محمد بن عبدالوهاب (1206-1115ه) با بهره گیری از تعلیمات ابن تیمیه (م 728ه) و با استفاده از اتحاد سیاسی خود با محمد بن سعود، دعوت به سلفیگری و مبارزه با عقایدی را که آنها را انحرافی می خواند، آغاز کرد که هجوم وهابیان به کربلا در سال 1216 از اثرات این تفکر است.

نکته مهم در بررسی تحولات فرهنگی، آشنایی مسلمانان، به ویژه ایرانیان، با دانشهای موجود در اروپا و تأثیر پذیری ایشان از اروپائیان در علوم تجربی، فلسفه، ادبیات و... بود. این آشنایی و تأثیر پذیری، فضای جدیدی در میان فرهیختگان پدید آورد که به طور معمول با خدشه در مبانی دینی و مذهبی همراه بود. بنابراین، لزوم پاسخ گویی به این شبهات و حفاظت از باورهای عمومی دینی و مذهبی، وظیفه جدیدی بر عهده عالمان و دانشمندان دینی گذارد.

ص: 254

1- (1) ر.ک: تاریخ حدیث شیعه در قرن 12 و 13، ص 25، جریانهای فرهنگی قرن دوازدهم و سیزدهم.

تحولات اجتماعی در این دوران سریع تر از زمانهای پیشین بود. گرایش اجتهادی زمینه را برای ایجاد رابطه ویژه مجتهد و مقلد آماده می ساخت. این ارتباط گونه ای از نظام اجتماعی خاص را در کنار نظام سیاسی حاکم پدید می آورد که ویژگیهایی منحصر به فرد داشت. این ارتباط در سالهای پسین سبب پدید آمدن تحركات اجتماعی، معرفتی و حتی آغازگر انقلاب اسلامی شد. برخی از مظاهر تمدن غرب نیز به تحولات سرزمینهای اسلامی سرعت بخشید و بدان یاری رساند. افزون بر گسترش این ارتباط، پدیدار شدن چاپخانه، تلگراف و چاپ سنگی نیز سه عامل تأثیرگذار در این زمینه بود.

دو عامل اول، ارتباط بین عالمان و مردم و همچنین ارتباط بین عالمان دینی سرزمینهای دور را فراهم ساخت. این ارتباط علاوه بر انتقال اطلاعات لازم، موجب پدید آمدن مرجعیت واحد، مثلاً در زمان شیخ انصاری، شد. مرجعیت اعلم و قدرت تأثیرگذاری او بر حوادث سیاسی اجتماعی در زمان میرزای شیرازی، بروز یافت. در جریان تحریم تنباکو همه از این قدرت نهفته، که تازه آشکار شده بود، اطلاع یافتند.

در زمینه مباحث حدیثی و معرفتی نیز، انتشار کتاب با استفاده از صنعت چاپ سنگی از اهمیتی افزون برخوردار است. بسیاری از کتابها و مصادر معرفتی و حدیثی، به وسیله این صنعت، در میان توده مردم منتشر شد و تأثیرگذاری متون حدیثی را گسترش داد. علم و معرفت فراوانی که در سالیان دراز در نسخه های خطی دست نویس جمع آوری شده بود، در این سده در اختیار مردم و دانشمندان دیگر قرار گرفت. بسیاری از آثار حدیثی کهن و نو، در دوران قاجاریه به چاپ رسید و در نسخه های فراوان تکثیر شد.

چاپ بحار الأنوار به همت مرحوم حاج محمدحسن کمپانی، امین دارالضرب

(م 1314ه) از نمونه های پرافتخار در نشر حدیث شیعی است. او با صرف اموال فراوان و با بهره گیری از اساتید علمی و خوش نویسان دوران خویش، این کتاب عظیم را به چاپ رسانید و نام خود را جاودانه کرد. شمار کتابهایی که در این دوران با استفاده از چاپ سنگی منتشر شده اند، بسیار فراوان است.

اشاره

عالمان حدیثی و نگاشته‌های آنان در سده سیزدهم هجری بسیار فراوان است. به گونه‌ای که شمارش آنان در محدوده نگاشته‌های مفصل نیز نمی‌گنجد. نوشتارهای حدیثی فراوانی همچون جامع نگاری، تک نگاری، اربعین نویسی، مناقب نویسی، اعتقادات، آداب و اخلاق، ادعیه و زیارات، شرح نویسی بر کتب اربعه و سایر کتابهای حدیثی مهم، همچون نهج البلاغه و صحیفه سجادیه، شرح احادیث مهم و مشکل، حاشیه نویسی بر کتابهای جامع، ترجمه حدیث، کتابهای رجال، درایه و همچنین اجازات حدیثی فراوانی در این سده به وجود آمد.

(1)

ما در این مجموعه تنها به یادکرد برخی از افراد و چهره‌های شاخص و تأثیرگذار این دوران و نیز برخی از نوشته‌های آنان می‌پردازیم.

وحید بهبهانی م 1205ه

زندگی وحید بهبهانی و مبارزات او علیه تفکر اخباریگری را در درس پیش بررسی کردیم. مرحوم وحید بهبهانی در نوشته‌های خویش به تبیین مبانی خود درباره حدیث و اعتبار آن پرداخته است. شیوه او شیوه‌ای مقبول و معتدل در پذیرش خبر موثوق به است. (2) او از افراط سنگریان و تقریط اخباریان دوری می‌کند. کتاب الفوائد الرجالیه، با وجود آنکه حجم کوچکی دارد، مجموعه‌ای از دانسته‌های ضروری برای هر پژوهشگر حدیث است. ایشان حواشی مفیدی نیز بر کتاب تهذیب الأحکام، وافی و منهج المقال نوشته‌اند.

علامه محمد مهدی بحرالعلوم م 1212

علامه محمد مهدی بحرالعلوم متولد کربلا در سال 1155 و تحصیل کرده در کربلا، نجف و مشهد است. او از شاگردان محدث بحرانی، صاحب الحدائق الناضره، و وحید

ص: 256

1- (1) ر.ک: تاریخ حدیث شیعه در قرن دوازدهم و سیزدهم، جناب آقای حسین صفره. نویسنده محترم بیش از دو سوم انتهای کتاب خویش را در حجمی بیش از سیصد صفحه به گزارش نگاشته‌های این دو سده اختصاص داده است.

2- (2) مقصود از خبر موثوق به روایتی است که قراین متفاوت بر اعتبار آن وجود دارد، اگرچه وثاقت سندی این روایت ثابت نشده باشد. علو مضمون، شهرت، مقبولیت نزد عالمان، همانند نهج البلاغه و... از جمله قراین مورد نظر مرحوم وحید بهبهانی است. ر.ک: الفوائد الرجالیه.

بهبهانی است. شاگردان او که تعدادشان بسیار زیاد است، به شدت به او عشق می ورزیدند. فضیلت‌های او بی شمار و مشهور است. او علاوه بر آثار علمی فراوان، به ویژه در فقه، آثار اجتماعی فراوانی نیز از خود به جا گذاشته است. خودسازی و تهذیب نفس و کرامات او، همچون دیدارش با امام مهدی (عج الله فرجه) امری مشهور است. کتاب الفوائد الرجالیه مهم ترین اثر رجالی اوست که در چهار جلد منتشر شده است. (1)

سید عبدالله شبر م 1242

سید عبدالله شبر در سال 1188 در نجف اشرف در خانواده ای دانشمند متولد شد و در بغداد و نجف تحصیل کرد.

او پرکارترین نویسنده دینی در آن دوران است. تخصصش در حدیث، کلام، فقه، اصول و تفسیر همراه با دقت نظر و سرعت نگارش، او را چهره ای اسطوره ای و زبانزد کرده است.

مجموع نگاشته های او بیش از شصت عنوان در بیش از صد جلد قطور است. کتاب جامع المعارف و الأحکام او با کتاب بحار الأنوار مقایسه می شود. سید عبدالله در این کتاب به جمع آوری روایات اهل البیت در ابواب مختلف فقهی و غیرفقهی پرداخته و آنان را در کنار هم جای داده است. شاگردانش وی را با علامه مجلسی مقایسه کرده و به او لقب مجلسی ثانی داده اند. سرعت نگارش او چنان بود که نویسندگان و منشیان از همراهی او باز می ماندند.

کتاب زیبای دیگر او با نام مصابیح الأنوار فی حل مشکلات الأخبار، نمونه روشنی از احاطه او بر حدیث و کتب پیرامون حدیث است. او در این کتاب بسیاری از متون حدیثی را به دقت بررسی کرده و سخنان پیشینیان را در آن مورد نقل کرده است. آن گاه به استنتاج پرداخته و نظر صحیح را بیان و گاه ابداع کرده است. این کتاب از معدود کتابهای گسترده پیرامون مشکل الحدیث است. جلد اول این کتاب به بررسی 85 حدیث غیرفقهی پرداخته است. جلد دوم نیز به احادیث فقهی اختصاص دارد.

ص: 257

1- (1). برای آشنایی با علامه بحر العلوم ر. ک: مقدمه الفوائد الرجالیه.

کتابهای الأصول الأصلية و القواعد المستنبطه من الآيات و الأخبار المروية، الأنوار اللامعة في شرح زيارة الجامعة، أعمال الأسبوع، أنيس الزائر، جامع المقال في معرفة الرواة و الرجال، شرح نهج البلاغه، طب الأئمة و دهها کتاب دیگر از جمله کتابهای حدیثی او هستند که متأسفانه بیشتر آنها به چاپ نرسیده است. عجیب آنکه عمر او نسبت به تألیفاتش بسیار کوتاه (54 سال) بوده است. نکته مهم آنکه با وجود تخصص و تبحر مرحوم شبر در حدیث، ایشان تفکر اخباریگری نداشت و از شیوه مجتهدان پیروی می نمود. (1)

شیخ احمد احسائی م 1241 هـ

شیخ احمد احسائی متولد سال 1166 در منطقه احساء است. اجداد او از اهل سنت بوده اند. وی کراماتی از خود در زمان کودکی نقل می کند. او شاگرد وحید بهبهانی و علامه بحر العلوم است که در ابتدا به اخباریان تمایل داشت. وی در زمان مسافرت به ایران علاوه بر مسافرت و سکونت در برخی از شهرها، با فتحعلی شاه نیز ملاقات کرد و مورد احترام قرار گرفت. (2) او بنیانگذار فرقه شیخیه است که تفکر و روشی بر خلاف شیوه رایج عالمان داشتند. ترکیب تفکر فلسفی و حدیثی با جلوه ای رمز آلود، و تأویل بسیار در کنار تفکر شبه غالیانه از مظاهر تفکر شیخیگری و شیخ احمد احسائی است. این تفکر به مخالفت با مبانی فکری اهل ظاهر، مسلمانان و دانشمندان سنتی، پرداخته است و شیوه صوفیان در کنار نهادن شریعت را نیز نمی پذیرد. نظریه آنان پیرامون معاد و ابداع جسم لطیف با عنوان هورقلیا مشهور است. برخی از عالمان معاصر او به مخالفت با وی پرداخته و حتی وی را تکفیر کرده اند. (3)

هواداران شیخیه رساله های گوناگون او در شرح احادیث، به ویژه احادیث اعتقادی یا احادیثی را که مورد استناد صوفیان قرار گرفته است، به چاپ رسانده اند. همچنین شرح مفصل او بر زیارت جامعه در چهار جلد چاپ شده است که نشان دهنده تفاوت نظرات او با نظرگاه مشهور شیعی است.

ص: 258

1- (1) برای آشنایی بیشتر ر. ک: مقدمه مصابیح الأنوار.

2- (2) ر. ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل شیخ احمد احسائی.

3- (3) ر. ک: أعيان الشیعه، ج 2، ص 590 به بعد. [1]

پس از احساسی، شاگردان او راه و روش وی را ادامه دادند. سید کاظم رشتی (م 1259) نگارشهای فراوانی در مباحث حدیث و عقاید شیخیه نوشت که از نگاشته‌های احساسی افراطی تر بود. محمدکریم خان کرمانی (م 1288) نیز نوشته‌های بسیاری در عقاید شیخیه و برخی از مباحث حدیثی دارد. (1)

میرحامد حسین م 1306ه

علامه میرحامد حسین موسوی در سال 1246 هجری در خانواده‌ای کهن، دانشمند در کشور هندوستان متولد شد. او در ادامه راه پدرش سید محمدقلی به دفاع از مبانی تشیع پرداخت. در آن دوران مناظرات نوشتاری فراوانی بین شیعیان و اهل سنت در جریان بود. بیشتر نگاشته‌های میرحامد حسین نیز به مباحث کلام، به ویژه امامت، اختصاص داشت. استقصاء الأفهام در ده جلد به زبان فارسی، ردیه‌ای بر شبهات کتابهای معاصر اوست.

مشهورترین کتاب میرحامد حسین، *عبارات الأنوار فی مناقب الأئمة الأطهار* است. این کتاب پاسخ نامه مفصلی بر کتاب *ضد شیعی تحفه* اثنا عشریه، نگاشته مولوی عبدالعزیز دهلوی، است. میرحامد حسین در این کتاب با استناد به آیات قرآن، اصل امامت را اثبات کرده است و با اثبات تواتر و صحت روایات غدیر، حدیث ثقلین، حدیث منزلت، حدیث ولایت و... امامت امام علی علیه السلام را ثابت کرده است. این کتاب در سی جلد و به زبان فارسی نگاشته شده و تمامی طرق روایات مختلف را به دقت نقل کرده است. هر جلد قطور این کتاب بیش از هزار صفحه است.

آقای سید علی حسینی میلانی این کتاب را تلخیص و به زبان عربی ترجمه کرده و در بیست جلد با نام *نفحات الأزهار* منتشر کرده است.

گفتنی است که مجموعه کتاب *عبارات الأنوار* تا کنون به چاپ نرسیده و تنها دوازده جلد از این مجموعه عظیم منتشر شده است. (2)

ص: 259

1- (1). برای آگاهی از انحرافات این گروه ر.ک: *مجله انتظار*، شماره 3-1.

2- (2). برای آگاهی بیشتر ر.ک: دانش نامه امام علی علیه السلام، ج 12، ص 294-309.

درس پانزدهم: حدیث در سده چهاردهم

اشاره

ص: 261

حدیث شیعه در سده چهاردهم را باید در دو دوره زمانی بررسی کرد. پژوهشهای حدیثی در نیمه اول این قرن استمرار حرکت‌های حدیثی در سده سیزدهم است. فعالیت‌های حدیثی این نیمه با فعالیت‌های سده سیزدهم در نگرش، روش و نوع شباهت زیادی دارد.

نیمه دوم قرن چهاردهم وضعیتی متفاوت دارد. سقوط دولت عثمانی و از هم پاشیدگی مناطق تحت سلطه آن، موجب پدید آمدن کشورهای کوچک از دل این امپراطوری بزرگ گردید. این کشورها به تقویت باورها و فرهنگ محلی علاقه داشتند. ورود صنعت چاپ به وسیله حروف و سپس چاپ پیشرفته و زیبا سبب فراوانی کتابهای حدیثی و در دسترس بودن آنها گشت. استفاده از متون حدیثی و نتایج تفکر و پژوهش عالمان برای عالمان دیگر و مردم عادی بسیار آسان شد.

گسترش سوادآموزی و عمومیت یافتن مطالعه و کتاب خوانی، زمینه را برای ارتباط مستقیم توده مردم با متون حدیثی آماده ساخت. پیشرفت و رفاه پدیدآمده در دوران معاصر، اوقات فراغت بیشتری برای مردم فراهم آورد. این اوقات فراغت، فرصت مناسبی برای مشتاقان معارف و حیانی فراهم ساخت.

عمومیت یافتن استفاده از مصادر حدیثی، لزوم پدید آوردن شیوه‌های جدید در استفاده از متون همانند تلخیص، ترجمه، حاشیه نویسی، معجم لفظی و موضوعی، تصحیح متون با روش علمی و مقبول، تک نگاری و جامع نگاری موضوعی، مستندسازی، پژوهش در علوم پیرامون حدیث و... از شیوه‌های نوپدید در استفاده از متون حدیثی بود.

اکنون به اجمال، برخی از شیوه‌های پیش گفته را بررسی می‌کنیم و سپس به بازگویی فعالیت‌های حدیثی دانشمندان این دوره خواهیم پرداخت.

1. احیای تراث بازآفرینی متون کهن

تکثیر نسخه‌های حدیثی و استتساخ آن همواره با اهمیت بوده است. عالمان پیشین با درک این اهمیت، همت خویش را در تکثیر نسخه‌های دقیق و صحیح به کار می‌بستند. آنان با استفاده از کاتبان صحیح نویس، مقابله دوباره با متن اصلی و عرضه متن جدید بر اساتید حدیثی، کوشش در ارائه نسخه صحیح تر را به حد کمال می‌رساندند. با وجود همه این تلاشها، در پاره‌ای موارد تصحیف، تحریف و اشتباهات سهوی و عمدی رخ می‌داد که امری پذیرفته و غیرقابل انکار است. با گسترش صنعت چاپ در نیمه دوم قرن چهاردهم، امکان تولید انبوه نسخه‌ها فراهم شد.

بالا رفتن شمارگان نشر کتاب، اقتضا می‌کرد تا تلاش فراوان برای دست‌یابی به نسخه اصیل و صحیح صورت گیرد و متون کم‌غلط و به دور از خطاهای عمدی و غیرعمدی پیشین چاپ شود.

تصحیح متون کهن، ابتدا در غرب و به کوشش دانشمندان غربی آغاز شد. آثار ادبی شرق، به ویژه کتابهایی که به زبان عربی و یا مطابق با فرهنگ اهل سنت نوشته شده بود، در درجه اول اهمیت قرار داشت.

کتابهای حدیثی شیعی در این نیمه و به همت محققین شیعی، تصحیح و چاپ شد. بسیاری از کتابهای اصیل و کهن شیعی با استفاده از نسخه‌های موجود، به شکلی دقیق و پذیرفتنی به جامعه فرهنگی عرضه شد. مرحوم علی اکبر غفاری (م 1383.ش) و میرجلال‌الدین محدث (م 1358.ش) شاخص‌ترین چهره‌ها در تصحیح متون حدیثی شیعی هستند. پژوهشگرانی چون ربانی شیرازی، بحرالعلوم، خراسان، بهبودی، علامه شعرانی و فیض‌الاسلام از دیگر تلاشگران این عرصه‌اند.

کتاب کافی و من لا یحضره الفقیه که به دست استاد علی اکبر غفاری تصحیح شده‌اند از بهترین نمونه‌های تصحیح متون به روش علمی و مقبول در این دوره به شمار می‌روند. او در سالهای پایانی عمر خویش، کتاب‌های تهذیب الاحکام و الاستبصار را نیز تصحیح نمود.

ترجمه قرآن، حدیث و متون معارفی به زبان فارسی در این نیمه گسترش یافت و پس از انقلاب اسلامی به اوج رسید. بسیاری از متون اصیل شیعی همانند نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، اصول کافی، کتابهای شیخ صدوق و شیخ مفید و... از گروه کتابهای ترجمه شده به زبان فارسی است. ترجمه متون حدیثی که در ابتدا به صورت فردی و با عشق و علاقه شخصی آغاز شده بود کم کم به یک علم همراه با هنر تبدیل شد و دلبستگان ویژه ای یافت. شیوه ترجمه و چگونگی دست یابی دقیق تر به مفاهیم متون و تبیین صحیح تر آن به زبان مقصد در این سالها و پس از پیروزی انقلاب اسلامی دقیق تر شده است و رو به تکامل می رود.

3. حاشیه نویسی علمی و منتقدانه

حاشیه نویسی پیشینه ای کهن در تاریخ حدیث شیعه دارد. دانشمندان شیعی به بسیاری از متون حدیثی توجه داشته اند. آنان نکات علمی و قابل ذکر را در حاشیه متون می نوشتند و به آیندگان هدیه می دادند.

بیشتر این حواشی در توضیح و تبیین متون مشکل و یا مشتبه بود. نمونه زیبای جامع این گونه حواشی در کتاب کافی به تصحیح استاد علی اکبر غفاری مشهود است. ایشان با مراجعه به متون کهن، بسیاری از این حواشی را جمع آوری کرده و در پاورقی کتاب کافی آورده اند.

حاشیه نویسی منتقدانه، نمونه هایی بسیار زیبا در این دوران یافته است. حواشی علامه طباطبایی بر مجلدات آغازین بحار الأنوار، نمایانگر دو طرز تفکر در مواجهه با متون مقدس است.

حاشیه های علمی و توضیحی علامه شه عرانی بر کتاب وافى و حاشیه بر شرح ملا صالح مازندرانی و... نیز بسیار زیبا و خواندنی هستند. بسیاری از حاشیه های ایشان بر کتاب شرح ملا صالح مازندرانی، از دیدگاه انتقادی و با رویکرد عقل گرایانه تر نسبت به متون حدیثی است. مرحوم ملا صالح مازندرانی تفکری متمایل به اخباریان دارد و از این زاویه به شرح احادیث پرداخته است.

او بیش از 1600 حاشیه بر این کتاب نگاشته است. این حاشیه ها نمایانگر تفکر متفاوت علامه شعرانی است و علامه شعرانی زمینه مقایسه میان مبانی و معیارهای آنان را فراهم می سازد.

حواشی و تعلیقات مرحوم محدث از موی بر بسیاری از کتابها نیز خواندنی و پرفایده هستند مانند تصحیح و تعلیق المحاسن برقی، و تصحیح و تعلیق شرح غرر الحکم از آقا جمال خوانساری و تصحیح و تعلیق الأصول الأصيلة فیض کاشانی و تعلیق بر کتاب النقص عبدالجلیل قزوینی رازی.

4. نگارشهای رجال

نگارشهای نوپدید در مباحث رجالی، موجب تحرک این علم و دست یابی به افقهای جدید در این حوزه گشت. منابع اصلی و اولیه رجال، در قرن پنجم تألیف شده و در سالهای بعد با تغییرات جزئی رویه رو شده بود. تحقیقات رجالی در نیمه دوم قرن چهاردهم با تحقیقات پیشین تفاوتهای اساسی یافته است. علامه مامقانی نگارش درازدامنی با نام تنقیح المقال عرضه کرده است که سعی در جامع نگری در علم رجال و تراجم داشته است.

آیت الله بروجردی در چند کتاب به تبیین مبنای خویش در شناخت تخصص ص راویان و شناخت طبقات آنان و مقایسه بین اسناد پرداخته اند که با عناوین ترتیب أسانید الکافی، ترتیب أسانید التهذیب و... به چاپ رسیده است.

آیت الله خوبی با نگارش معجم رجال الحدیث گسترده ترین اثر رجالی را پدید آورد که علاوه بر دارا بودن متون کهن به استنتاج و رسیدگی متون و دست یابی به نظرات مقبول تر پرداخته است. علامه تُستری (شوشتری) حواشی انتقادی خود بر تنقیح المقال را با تکمیل و اضافات به صورت کتابی با نام قاموس الرجال در دوازده جلد منتشر کرده است. (1)

5. پیرایش و نقد حدیث

نگاشته های عالمان شیعی درباره احادیث موضوع (مجمعول) و یا نقد متون حدیثی چندان پربرگ و بار نیست. گرایش نداشتن عالمان شیعی به این موضوع دو دلیل دارد:

ص: 266

1- (1). برای آشنایی تفصیلی با این کتابها به کتاب آشنایی با کتب رجالی شیعه مراجعه شود.

الف) پیرایش نسبی متون حدیثی اصلی شیعی از احادیث مجعول.

ب) در اقلیت بودن شیعیان نسبت به اکثریت سنی جهان اسلام. این ویژگی اقتضا می کرد تا دفاع از باورها و متون، جلوه بیشتر یابد و به بحث انتقادی کمتر پرداخته شود.

گسترش ارتباطات شیعیان با دیگر اقوام و ملل، موجب آشنایی آنان با متون شیعی و برفراز آوردن متون ضعیف و ناصحیح به دست آنان گشت. برخی از نویسندگان شیعی با درک موقعیت زمانه به بررسی متون حدیثی پرداخته و متون ناصحیح و غیرمقبول را مشخص کردند.

برخی از نگارشها به صورت مستقل به این موضوع پرداخته اند. علامه شوشتری (م 1374.ش) در کتاب الأخبار الدخیله، برخی متون تصحیف و یا تحریف شده را مطرح کرده است.

مرحوم هاشم معروف حسنی، به گونه گسترده به مناقب نگاری و فضایل نویسی توجه کرده است. همچنین علامه شعرانی، در حواشی زیبای خود بر کتابهای مختلف، به ویژه شرح ملا صالح مازندرانی، به نقد حدیث پرداخته است. برخی از مصححان کتاب بحار الأنوار همانند آقایان بهبودی و مصباح یزدی نقطه نظرات خاص خویش در نقد متون را در حواشی این کتاب آورده اند.

مکتب تفکیک

این سده، دوران پدیداری روش و شیوه ای در فهم معارف است که در سالیان اخیر با نام «مکتب تفکیک» شهره گشته است. بنیانگذار این شیوه مرحوم میرزا مهدی اصفهانی (م 1356ه) در خراسان است.

او پس از اتمام تحصیلات فقه، اصول، فلسفه و عرفان در نجف به خراسان آمد و حوزه مشهد را رونق بخشید. محور تفکر مکتب تفکیک، جداسازی معارف قرآن و حدیث از معارف فلسفی و عرفانی است. بر اساس این نظریه، معارف قرآن و حدیث معارف الهی هستند در حالی که آگاهیهای فلسفی و عرفانی، معرفتی بشری شمرده می شوند که همپوشانی کامل با معارف الهی ندارند؛ بنابراین، اعتماد بدین گونه معرفت شایسته نیست. اگر اختلاف و تعارض میان این گروه از معارف با معارف

قرآنی و حدیثی پدید آید، لازم است که از معرفت الهی پیروی شود و معارف بشری به کناری نهاده شوند. تأویل متون و حیانی با استناد به معارف بشری، تمام و خالص نیست و....

بیشترین اعتراض این مکتب به سوی فلسفه، به عنوان علم یونانی، و عرفان، به عنوان علمی با خاستگاه هندی، نشانه رفته است. اعتراض فراوان نسبت به فیلسوفان، به ویژه ملاصدرا، و نقد تفکر عقل گرا در این حوزه مشهود است. (1)

شیوه علمی و عملی مکتب تفکیک در معارضه با شیوه عالمانی همچون علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) است که تنافی معارف سه گانه را نمی پذیرند و شیوه ای خاص در جمع بین معارف دارند.

آشنایی با برخی از پژوهشگران حدیثی این دوره و آثار آنان

اشاره

حدیث پژوهی در قرن چهاردهم، رشد محسوسی داشته است. پژوهشهای حدیثی این دوره، تنها به محدثان و کسانی که به طور خاص به حدیث و علوم حدیثی اشتغال دارند، محدود نمی شود. بسیاری از پژوهشهای حدیثی به دست فقیهان، اصولیان، فیلسوفان و اهل کلام نوشته شده است؛ از این رو، شمار افراد در این دوران نسبتاً افزون است. در اینجا ما تنها به گزارشی اجمالی از این دوران می پردازیم.

میرزا حسین نوری م 1320ه

در سال 1254 در شهرستان نور مازندران متولد شد. تحصیلات خود را در تهران آغاز کرد و در عراق ادامه داد. حوزه اصلی تخصص او حدیث و علوم حدیثی بود. حافظه نیرومند همراه با مطالعه و پشتکار بسیار، سبب موفقیت او در این زمینه گشت.

شمار نگاشته های او نزدیک به چهل عنوان است. مشهورترین تألیفات او عبارت اند از:

ص: 268

1- (1). برای آشنایی بیشتر، ر.ک: کتابهای مکتب تفکیک، اجتهاد و تقلید در فلسفه، معاد جسمانی در حکمت متعالیه، هر سه به قلم استاد محمدرضا حکیمی. نقد این تفکر نیز در کتاب رؤیای خلوص به قلم آقای سید حسن اسلامی در دست است. گزارش اجمالی این کتاب در مجله علوم حدیث، شماره 33 آمده است. آقای محمد اسفندیاری در کتاب راه خورشیدی به بیان معیارها و مبانی مکتب تفکیک پرداخته و آنها را تدوین کرده است.

1. مستدرک الوسائل (به همراه خاتمه ای درازدامن در کتاب شناسی و مباحث رجالی)؛

2. الصحيفة الثانية العلوّية؛

3. الصحيفة الرابعة السجادية؛

4. النجم الثاقب في أحوال الإمام الغائب؛

5. فصل الخطاب.

کتاب مستدرک الوسائل در تکمیل کتاب وسائل الشیعه، تألیف شیخ حرّ عاملی، نگارش یافته است و ابواب و عناوینی مشابه آن دارد. او در صدد آن بوده است تا احادیثی را که در وسائل الشیعه به آنها توجه نشده است با عنوان دهی منظم، مطابق با وسائل الشیعه سامان دهد. همچنین روایاتی که در وسائل الشیعه موجود است، ولی در ابواب دیگر نیز می تواند مورد استفاده قرار گیرد، در ابواب جدید جای دهد.

عنوان بندی روایات، بر اساس کتاب وسائل الشیعه، استفاده از این کتاب (مستدرک الوسائل) را آسان ساخته است. اما مجتهدان به این کتاب به عنوان مصدر اجتهاد، توجه چندانی نکرده اند؛ زیرا احادیث و کتابهای معتبر در وسائل الشیعه مورد توجه بوده اند در حالی که مصادر کتاب مستدرک الوسائل معمولاً ضعیف و غیر معتبر هستند.

برخی از مجتهدان همانند آخوند خراسانی و شیخ آقابزرگ تهرانی، مراجعه به کتاب مستدرک را لازم شمرده اند، [\(1\)](#) ولی بسیاری از مجتهدان از آن کتاب به عنوان منبع استنباط استفاده نمی کنند. امام خمینی (رحمة الله علیه) با استدلال به ضعف روایات و همچنین ضعیف بودن مصادر آن مراجعه به آن کتاب و استنباط از آن را مفید نمی شمارد. [\(2\)](#)

مباحث پایانی کتاب مستدرک الوسائل، مجموعه ای بزرگ از موضوعات کتاب شناسی، رجال و امور پیرامونی حدیث است. [\(3\)](#) جلد اول از این مجموعه، مباحث کتاب شناسی مفیدی دارد.

ص: 269

1- (1). الذریعه، ج 2، ص 110 و 111.

2- (2). أنوار الهدایه، ج 1، ص 244.

3- (3) اصل کتاب در هیچده جلد و خاتمه آن در دوازده جلد چاپ شده است.

گفتنی است شیوهٔ مرحوم محدث نوری در اعتماد بر اخبار و گزارشهای ضعیف در مباحث کتاب شناسی و توثیق مصادر نیز بروز دارد؛ بنابراین، شایسته است با دیدی نقادانه بررسی شود. کتاب فصل الخطاب، پُر سر و صداترین کتاب محدث نوری است. این کتاب در بردارندهٔ مجموعه ای از متون ضعیف و بی اعتبار شیعه و سنی است که می توان از آن تحریف قرآن را برداشت نمود. جمع آوری این گزارشهای بی اعتبار، دستاویزی برای مخالفان تشیع برای حمله به باورهای شیعی شد. گفته شده است که محدث نوری پس از انتشار کتاب، از نگاشتن آن اظهار نارضایتی کرده و تحریف قرآن را ناصحیح شمرده است. (1)

شیخ عبدالله مامقانی م 1351ه

او در سال 1290 در نجف در خانواده ای عالم زاده به دنیا آمد و در آنجا تحصیل و تدریس نمود.

بیشتر نگاهشته های او فقهی و اصولی است. مهم ترین کتابهای مرتبط با حدیث ایشان عبارت از تنقیح المقال فی علم الرجال و مقباس الهدایة فی علم الدرایه است.

کتاب مقباس الهدایه گسترده ترین نگارش شیعی در باب مصطلحات حدیث است. مؤلف در این مجموعه، که با مستدرک آن در هفت جلد منتشر شده است، تمامی اصطلاحات موجود در علوم حدیث را بررسی کرده و نظر اجتهادی خویش را بیان نموده است.

تنقیح المقال نیز یکی از نگارشهای گسترده در علم رجال و تراجم (سرگذشت نامه) است.

کتاب قاموس الرجال، تألیف علامه محمدتقی شوشتری، حاشیه ای انتقادی و تکمیلی بر این کتاب است.

شیخ عباس قمی 1319/1359.ش

شیخ عباس قمی در حدود سال 1294 قمری در قم متولد شد. او تحصیلات خود را در قم و نجف به انجام رسانده است. محدث قمی شاگرد خاص مرحوم محدث

ص: 270

1- (1). برای آشنایی بیشتر، ر.ک: کتابهایی در موضوع تحریف ناپذیری قرآن که افرادی چون آیت الله معرفت، سید علی میلانی، رسول جعفریان و فتح الله نجارزادگان نوشته اند.

نوری و یار و همکار استاد در پژوهشهای حدیثی آخر عمر او بوده است. احترام او به استاد خویش در نوشته هایش فراوان دیده می شود. ذوق نگارش همراه با اخلاص فراوان او، کارهای مبارکی پدید آورده و نام او را جاودان ساخته است. کتاب مفاتیح الجنان گزیده ای دقیق، منطقی و منظم از تمامی کتابهای دعای نسلهای پیشین است. شهرت این کتاب، مؤلف آن را نیز مشهور خاص و عام ساخته است. کتابهای منتهی الآمال در تاریخ و سیره چهارده معصوم علیهم السلام، نفس المهموم در مقتل حضرت امام حسین علیه السلام، بیت الأحران درباره زندگی حضرت فاطمه (سلام الله علیها) از جمله کتابهای تاریخی ایشان است. مهم ترین کتاب حدیثی مرحوم محدث قمی، کتاب ارجمند سفینه البحار است که تدوین فهرست موضوعی بحار الأنوار همراه با اشاره به مهم ترین روایات هر عنوان و مشخص کردن جایگاه عنوان در کتاب بحار الأنوار است. این مجموعه که به صورت الفبایی ریشه کلمات تدوین یافته است یکی از ابداعات مرحوم محدث قمی و کاربردی ترین اثر در زمان نگارش بوده است.

مطالعه و فیش برداری بحار الأنوار در مدت بیست سال انجام شده است. اضافات محدث قمی بر کتاب بحار الأنوار، این مجموعه را تبدیل به گنجینه ای از علوم و فنون نموده است. چاپ اول کتاب در دو جلد و چاپ جدید آن در هشت جلد منتشر شده است. (1)

علامه سید محسن امین عاملی 1331/1371.ش

در سال 1284 قمری در جبل عامل به دنیا آمد. تحصیلات خود را در لبنان و نجف به پایان برد و برای ارشاد مردم به سوریه و لبنان بازگشت. مشهورترین اثر او دایرة المعارف بزرگ اعیان الشیعه است که بزرگان، دانشمندان و شایستگان شیعی را یاد کرده است.

کتاب دیگر او با نام البحر الزخار فی شرح أحادیث الأئمة الأطهار، از منظر حدیثی بسیار مهم و تأثیرگذار است. او در این کتاب با استفاده از قواعد مقبول فقه الحدیثی

ص: 271

1- (1). برای آشنایی بیشتر ر.ک: نقباء البشر، ج 3، ص 998-1000؛ مفاخر اسلام، ج 1، ص 170-169.

به تبیین و توضیح مفصل روایات پرداخته است. در این مجموعه بررسیهای سندی همراه با بررسی متن احادیث مورد نظر بوده است. متأسفانه با آغاز جنگ جهانی اول، نگارش این کتاب متوقف شد و تنها سه جلد آن به چاپ رسید. با وجود این، ارائه شیوه صحیح در شرح حدیث، به این کتاب اهمیت خاصی داده است.

آیت الله بروجردی م 1340. ش

آیت الله سید حسین طباطبایی بروجردی در سال 1292 هجری در بروجرد متولد شد و تحصیلات خود را در بروجرد و نجف به پایان برد. او از جوان ترین شاگردان مرحوم آخوند خراسانی (م 1329ه) و سید کاظم طباطبایی یزدی بود. 35 سال حضور او در بروجرد به دور از گرفتاری های مرجعیت و همراه با مطالعه و پژوهش و درس و بحث موجب غنای فکری او در زمینه های مختلف گردید. وی در سال 1364 هجری به قم آمد و مرجعیت واحد شیعه را پدید آورد.

شهرت ایشان در فقه، مانع بروز جنبه های علمی ایشان شده است.

در مباحث رجال، یکی از دقیق ترین مبانی را ارائه و به شاگردان خویش منتقل نموده است. ایشان به شناخت طبقات، تخصص راوی، مشایخ، شاگردان و... اهتمام ویژه داشت.

نزدیک به ده نگاشته رجالی از ایشان باقی مانده است. مهم ترین کتاب، ترتیب أسانید الکافی یا تجرید أسانید الکافی است که با در کنار هم قرار دادن اسناد مربوط به هر راوی، زمینه تشخیص او، اساتید، شاگردان و تخصص فقهی راوی فراهم می آید.

طرح کتاب جامع احادیث الشیعه نیز نشانگر دقت نظر ایشان در استفاده از متون است. آیت الله بروجردی با تبیین اشکالات موجود در کتاب وسائل الشیعه، طرحی را با عنوان «جامع الأحادیث» پیشنهاد کردند تا مجموعه روایات شیعی در کنار هم قرار گیرد و ارتباط بین روایات، روشن و واضح باشد.

ایشان در آغاز تصمیم داشت روایات اهل سنت را نیز در کنار روایات شیعی ذکر کند تا فضای صدور روایات شیعی روشن شود، ولی بعدها از این کار منصرف شد.

این مجموعه به همت شاگردان ایشان تنظیم شد و پس از رحلت آیت الله بروجردی در سال 1380 هجری (1340.ش) به کوشش آقای شیخ اسماعیل معزی منتشر گشت. (1)

علامه شعرانی م 1352.ش

در سال 1320 هجری در تهران متولد شد و در تهران، قم و نجف تحصیل کرد. علاوه بر دانشهای مرسوم حوزوی، در علوم دیگر همچون ریاضی و فلسفه و بر زبانهای بیگانه مسلط بود.

فعالیت ایشان در مباحث قرآن و حدیث بیش از موضوعات فقهی و اصولی است. تصحیح و یا نگاشتن حواشی بسیاری از کتابهای تفسیری همانند مجمع البیان، صافی، تفسیر ابوالفتح و منهج الصادقین، جلوه ای از کارهای قرآنی ایشان است.

حاشیه های ایشان بر کتاب وافی و کتاب شرح ملا صالح مازندرانی از آثار ماندگاری است که موجب در کنار هم قرار گرفتن نظرات و دیدگاههای متفاوت در فهم حدیث گشته است. بیش از 1600 حاشیه از ایشان بر کتاب شرح ملا صالح مازندرانی موجود است. دقت نظر علامه شعرانی در فهم روایت، دوری گزیدن از افراط و تفریط، استفاده از معانی مقبول و قابل دفاع و عفت قلم و کلام، حواشی ایشان را از اهمیت خاصی برخوردار ساخته است.

علامه شوشتری م 1374.ش

(2)

در سال 1320 هجری در نجف اشرف متولد شد. تحصیلات خود را در نجف به پایان رسانید و پس از سقوط رضاخان به ایران و شهر شوشتر نقل مکان کرد. فعالیتهای حدیثی علامه شوشتری نزدیک به شصت سال ادامه داشت.

بَهج الصِدِّ باغَة فی شرح نهج البلاغه، قاموس الرجال، الأخبار الدخيلة، قضاء أمير المؤمنين، الأربعون حديثاً و فوائد الأخبار از جمله کتابهای حدیثی ایشان است.

ص: 273

-
- 1- (1). برای آشنایی بیشتر، ر.ک: مجله حوزه، سال هشتم، شماره (1) و (2)، مقدمه جناب آقای واعظزاده بر کتاب ترتیب أسانید الکافی.
 - 2- (2). برخی از افرادی که در قرن پانزدهم رحلت کرده اند، فعالیتهای علمی مؤثر آنان در سده پیشین و قبل از انقلاب اسلامی ایران بوده است؛ از این رو، در این درس از آنان یاد شده است.

بَهج الصِّبَاغِ شرحی مفصل و در چهارده جلد بر کتاب نهج البلاغه است. این شرح به گونه‌ی موضوعی ترتیب یافته است و مؤلف مباحث هر موضوع را در کنار هم جای داده است. علامه شوشتری در این اثر حدیثی همچنن به آثار پیشین نظر داشته و با حالتی منتقدانه، روش و کتاب را نقد کرده است.

قاموس الرجال، حواشی انتقادی ایشان بر کتاب تنقیح المقال علامه مامقانی است. این مجموعه که با تکیه بر حافظه خارق العاده و مطالعات بی نظیر ایشان پدید آمده است موجب تکمیل و تتمیم کتاب تنقیح المقال گشته است.

الأخبار الدخيلة از جمله کتابهای ابتکاری ایشان است. علامه شوشتری در این اثر به بررسی روایات مختلف پرداخته و نارساییهای موجود در متن را که معمولاً از سوی ناسخان پدید آمده است، معرفی و برطرف می سازد.

در مباحث پیشین، سه دوره طلایی تاریخ حدیث شیعه را برشمردیم:

1. عصر صادقین علیهم السلام؛

2. سده های چهارم و پنجم قمری؛

3. قرن یازدهم و دوازدهم قمری.

چهارمین دوره طلایی حدیث شیعه با انقلاب اسلامی ایران هم زمان است. انقلابی که با بهره گیری از آموزه های و حیانی اهل بیت علیهم السلام آغاز شد و تلاش در راه نهادینه سازی این معارف را سرلوحه کارهای خویش قرار داد.

رهبری امام خمینی (رحمة الله علیه)، به عنوان فقیهی ژرف نگر، متعبد، آینده نگر و سیاست مدار، موجب گشت تا بهترین موقعیت برای رواج فرهنگ شیعی فراهم گردد. موقعیتی این گونه، برای اولین بار در تاریخ شیعه پدید آمده بود؛ از این رو، فرصت سوزی و هدر دادن امکانات موجود به هیچ روی، توجیهی نداشت.

پیدایش امکانات ارتباطی و ابزارهای پیشرفته مطالعاتی و تحقیقاتی، حضور نیروهای جوان و تحصیل کرده، افزایش اوقات فراغت عمومی برای یادگیری، نگاه کاربردی به حدیث، امکان فراهم آوردن بودجه تحقیقاتی، گسترش پژوهشهای گروهی، نگاه دقیق و معرفت شناسانه به حدیث و... از ویژگیهای این دوره محسوب می شود که تأثیر مهمی بر گسترش حدیث پژوهی داشته است.

اکنون به بازگویی و توصیف برخی از مهم ترین ویژگیهای حدیث پژوهی در این دوره می پردازیم.

ویژگیهای حدیث پژوهی در دوره معاصر

1. عمومی شدن حدیث

از مهم ترین ویژگیهای حدیث در این دوره، فراگیر شدن مراجعه به معارف حدیثی است.

این فراگیری و گسترش مرهون عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خاصی بود که در زمانهای پیشین پدید نیامده بود.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری روحانیت و با تکیه بر معارف ناب اهل بیت علیهم السلام، سبب گرایش شدید به این طرز تفکر شد. مردم ایران به عنوان مهم ترین و پرجمعیت ترین کشور شیعی، به معارف حدیثی روی آوردند. مردمان دیگر نقاط دنیا، به ویژه آزاداندیشان مسلمان و غیرمسلمان نیز، به این پدیده قرن با تعجب می نگریستند و در پی دست یابی به مبانی معرفتی این تفکر بودند. رشد گُرسیهای شیعه شناسی در دانشگاههای غرب، نمونه بارزی از این رویکرد در جوامع غربی است. حتی دشمنان شیعه، همانند وهابیان، و دشمنان اسلام، همانند صهیونیست ها و مسیحیان تندرو، نیز به پژوهش در متون حدیثی شیعه پرداختند. (1)

نسل جدید و فرهیخته مسلمان، که تا پیش از این دوران تحت تأثیر فرهنگ غرب و شرق قرار داشت، به بازشناسی میراث خویش پرداخت.

گروههای مختلف فکری، با سطح سواد و تفکر گوناگون، شیفته یادگیری و بازخوانی حدیث بودند. به جرئت می توان ادعا کرد که این اقبال عمومی در هیچ دوران، همانندی نداشته است.

طبیعی است که نگاشته های حدیثی پیشین در این دوران، به بازنویسی و آماده سازی نیاز داشت. نگارشهای گوناگون از معارف شیعی، به ویژه آموزه های حدیثی، در پی این نیاز پدید آمد. در همین راستا احیای میراث کهن شیعی به شیوه علمی و مقبول نیز مد نظر قرار گرفت.

اشتیاق فراوان گروههای مختلف اجتماعی، نیازمند پاسخ گویی به شیوه های متفاوت بود. احساس نیاز به معارف حدیثی، تنها به گروههای تحصیل کرده و فرهیخته محدود نمی شد. توده مردم، به ویژه نسل انقلاب و جنگ، به معارف حدیثی اقبال بیشتری داشتند؛ بنابراین، تفکر ترویج حدیث در میان تمامی مردم از اهمیت فراوانی برخوردار بود.

ص: 278

1- (1). تذکر این نکته مفید است که یکی از بزرگ ترین مجموعه های شیعه شناسی، به ویژه با تأکید بر شناخت حدیث، در کشور اسرائیل قرار دارد. اتان کلبگ، پژوهشگر یهودی و نویسنده کتابها و مقالاتی همچون کتابخانه سید بن طاووس، اصول اربعمانه و... از این گروه است.

عمومی شدن حدیث، آسیبها و آفتهایی نیز داشت. عامی نگری و یا نگارش عوام گرایانه در این بستر پدید آمد. مقصود از گرایش عوام زده آن است که برای پاسخ گویی به نیازهای جدید بدون پیش بینی لازم، به تولید و تکثیر آثاری بدون مبانی دقیق و عمیق علمی پرداخته شود.

آگاهی نداشتن اقشار فرهیخته مذهبی در استفاده از اقیانوس معارف شیعی و صید دژ و مرجان موجود در آن طبیعی بود. حوزه های علمیه بیشتر به سمت فقه و اصول گرایش داشتند و آمادگی پاسخ گویی به این نیاز را در خود نمی دیدند. سخنان خطابی و یا توده گرانیز تنها در محدوده خاص مکانی و زمانی جلوه گر می شد و پس از آن فروغی نداشت.

اشتباهات و کج فهمی های سهوی و عمدی نیز در این میان پدید می آمد. منشأ این اشتباهات، سهل انگاری در مبانی و روشهای بازشناسی متون شیعی بود. حدیث اهل بیت علیهم السلام را می توان به گونه ای ساده فهمید، ولی دست یابی به عمق معارف آن محتاج به فراهم ساختن زمینه های لازم در شناخت مبانی و روشها است. این مهم، وظیفه حدیث پژوهان جوان و نسل جدید محققان حدیثی را سخت تر و بااهمیت تر می سازد.

2. نگاه علمی به حدیث

گسترش توجه به حدیث و منابع حدیثی، پیامدهای دیگری نیز داشت. پدیدار شدن سؤالات، شبهات و اشکالات درباره برخی متون طبیعی بود. این سؤالات گاه از سوی معتقدان به مکتب و باورهای شیعی و برای دست یابی به فهم برتر بود و گاه از سوی مخالفان و معاندان برای ایرادگیری و آشکار نمودن جلوه ای نازیبا از فرهنگ شیعی رخ می نمود.

بسیاری از متون حدیثی که با وصف

«صَدَّ عَنِ الْمُسْتَضَعِّ عَبٌّ» معرفی شده بودند و از اسرار شمرده می شدند اکنون به مدد وسایل ارتباطی در اختیار توده مردم، خواه موافق و خواه مخالف قرار داشت.

فهم نامناسب برخی از متون، زمینه را برای تهاجم به فرهنگ شیعی آماده می ساخت. گفتنی است که در سالهای اخیر از سوی متعصبان، چندین کتاب در نقد

کتاب کافی، مهم ترین کتاب حدیثی شیعی، نوشته شده و در آن، به این کتاب، که تجلیگاه فرهنگ شیعی است، حمله شده است.

برخی دیگر از متون ناصحیح که با حيله گری واضعان به درون کتابهای حدیثی شیعه راه یافته بود و با متون اصیل و فرهنگ شیعی ناهمخوان بود از سوی مخالفان برفراز می آمد و با هوشیگری و تبلیغات، به عنوان فرهنگ شیعی معرفی می شد.

پیدایش این مسائل، با توجه به موقعیت تفکر شیعی و انقلاب اسلامی در جهان بسیار طبیعی است تأثیر شگرف معارف و حیانی شیعی موجب بررسی دقیق و موشکافانه تمامی متون، معتقدات و حتی فرهنگ محلی شیعیان شد. مخالفان اندیشه های شیعی از رهگذر این فعالیت، بر آن بودند تا ناهمگونی های فرهنگ و معارف و حیانی شیعه را با دیگر فرهنگ آشکار سازند و هرگونه کاستی در فهم آن را به مردم اعلام کنند.

سؤال، اشکال، اعتراض و تشکیک، پاسخی در خور و شایسته طلب می کرد و عدم پاسخ گویی نشانه ضعف تلقی می شد؛ بنابراین، عالمان و پژوهشگران به پاسخ گویی مطالب پیشین پرداختند.

خوشبختانه، مبانی دقیق و عمیق پژوهشهای حدیثی، کار پاسخ گویی را آسان کرده بود. نگارشهای فراوان در حل مشکلات حدیثی، اختلاف و تعارض اخبار، شرح احادیث بلند معرفتی و... که برخی تصحیح متون پیشین و برخی دیگر نوپدید بودند، در این سالها منتشر شد.

نقد حدیث و سنجش آن با معیارهای قطعی تر، از دیگر موضوعات مرتبط با حدیث بود که در این دوران مورد توجه قرار گرفت. نگاه دقیق به احادیث و کوشش در پیراستن متون ناصحیح جای گرفته در مصادر حدیثی شیعه از دیگر جلوه های نگاه علمی به حدیث بود.

3. نگارشهای نو

پدیداری نیازهای جدید و پاسخ یابی از متون حدیثی، در این دوران رونق گرفت. استفاده از ابزارهای جدید برای دست یابی صحیح و سریع به متون حدیثی و امکان جستجوی تمام و کامل موجب پدید آمدن تک نگاریها و جامع نویسی های جدید گشت.

مستندسازی متون، تمایز میان متون گوناگون، دست‌یابی سریع به متون مورد نیاز، امکان مقایسه میان متون مختلف، دسترسی به مجموعه کامل متون حدیثی و... موجب شد پژوهش‌های حدیثی با دقت بیش از پیش و در زمان کمتری انجام شود.

اکنون، مجموعه کامل متون حدیثی شیعه و اهل سنت به راحتی در اختیار تمامی حدیث پژوهان قرار دارد. بی‌شک تصور فراهم آمدن این امکانات در نیم قرن گذشته برای هیچ کس ممکن نبود.

این همه موجب پدید آمدن پژوهش‌های نو و نگارش‌های تازه گشت. نگارش‌هایی که در پی پرکردن خلل معرفتی در میان مردم بود. شمارش این نگاشته‌ها در دوران معاصر بسیار گسترده خواهد بود.

4. نگاه کاربردی به حدیث

رشد علوم جدید، به ویژه در حوزه علوم انسانی، سبب ارائه فرضیه‌های گوناگون در علوم و پیدایش تحقیقات در زمینه‌های مرتبط با آن بود. ارتباط علوم انسانی با جامعه، آشنایی مردم و پژوهشگران حوزه دین با این علوم، انتظار پاسخ‌گویی دین به مسائل و موضوعات اجتماعی و تربیتی از جمله عواملی بود که سبب شد تا نگاه کاربردی به حدیث و متون مقدس در این حوزه‌های فکری تقویت شود.

نگاه کاربردی به حدیث در برخی از موارد خاص همانند علوم تربیتی، مباحث اجتماعی و مسائل روان‌شناسی نمود و بروز یافته است. (1)

نگاه کاربردی به حدیث اگرچه کم‌پیشینه است، ولی به سرعت در حال گسترش و تعمیق است. این زاویه دید از جمله مباحث میان رشته‌ای است که مشکلات خاص خود را دارد. پژوهشگر این حوزه می‌باید در دو رشته علمی مجزا، تخصص داشته باشد و زمینه ارتباط میان این دو رشته را فراهم کند.

روشن است که مهارت در دو رشته به راحتی امکان‌پذیر نیست؛ از این رو، پژوهش‌های گروهی در این زمینه ضروری‌تر و کارسازتر است.

ص: 281

1- (1). برای نمونه مراجعه شود به تربیت اجتماعی از پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ دین و روان‌شناسی از دکتر گلزاری و عبدالهادی مسعودی؛ رضایت از زندگی، نوشته عباس پسندیده. نسیم حدیث، عبدالهادی مسعودی؛ جوان و اقتصاد زندگی، اصغر هادوی کاشانی؛ پژوهشی در فرهنگ حیا، عباس پسندیده؛ اندیشه اجتماعی در روایات امر به معروف، غلامرضا صدیق اورعی.

اقتضای زمانه، گستردگی حوزه پژوهش، مباحث و موضوعات میان رشته ای، ممکن نبودن دست یابی به مهارت‌های لازم در تمامی حوزه های تحقیق و... رواج پژوهش‌های گروهی در این دوران را در پی داشته است.

این شیوه، که در سایر علوم و فنون نیز کارآمد است و به رواج پژوهش کمک کرده است، در حوزه علوم دینی، پیشینه ای طولانی ندارد. بسیاری از نگاشته های بزرگ حدیثی، تراوش فکری یک عالم سرشناس بوده است. نگاشته هایی همچون کتب اربعه و یا وافی و وسائل الشیعه تألیف یک نفر است. برخی از نگارش‌های مفصل همانند بحار الأنوار، عوالم العلوم و جامع المعارف و الأحکام نیز، تراوش فکری مؤلفی مشخص بوده است. بنابراین، بر فرض پذیرش حضور برخی دیگر در نگارش مجموعه ای همچون بحار الأنوار، فعالیت آنان از حد استنساخ و کتابت فراتر نبوده است و آنان تأثیری در سیر پژوهش نداشته اند.

بنا بر دلایلی که در بالا ذکر شد شیوه تحقیق گروهی، به ویژه در مباحث میان رشته ای، شیوه ای موفق و پیشرفته برای استفاده از مهارت‌های گوناگون افراد مختلف در مسیر تحقیق است.

طبیعی است که مدیر پژوهش، از نگاه علمی و پژوهشی، فرد ارشد گروه است که تحقیق را اداره و هدایت می نماید.

6. احیای تراث

دست یابی به متون کهن و ارائه آن به شکل زیبا و روزآمد که در سالهای پیشین آغاز شده بود در این دوران به اوج رسید و بیشتر کتابهای شایسته و درخور تحقیق، با روشهای علمی و پسندیده زیر نظر اساتید و متخصصان این علم به چاپ رسید و در اختیار مشتاقان قرار گرفت. نهادهای خاص (همانند مؤسسه آل البیت و دیگران) و افراد ویژه (همانند مرحوم علی اکبر غفاری و دیگران) به عرضه متون تصحیح شده پرداختند. روش تصحیح متون نیز مورد بحث و نقادی قرار گرفت. در این میان، تشویق آثار برتر در زمینه های گوناگون، به ویژه در متون حدیثی، تأثیرگذار بوده و کتابهایی را به عنوان معیار تحقیق معرفی کرده است؛ تصحیح کتابهایی همچون منیه

المريد، الجَمَل وكتاب شريف كافي، تصحيح موسسه دارالحدیث (در پانزده جلد و همراه حواشی نسخه بدل های فراوان و پژوهش كامل در اسناد) از این جمله است. همچنان كه نقادی متون تصحيح شده و ارائه كاستیهای تحقیق زمینه را برای بیان آسیبها و چالشهای موجود در این رشته فراهم کرده است. (1)

7. معجم نگاری لفظی و موضوعی

آسان سازی استفاده از متون نقلی و دست یابی سریع تر به آیات و روایات، در گرو استفاده از ابزار و روشهایی است كه روز به روز پیشرفته تر و دقیق تر می شوند.

معجم الفاظ یکی از شیوه های پرکاربرد و موفق در این زمینه است. اولین معجم الفاظ آیات قرآن در قرن سیزدهم و در زمان ناصرالدین شاه پدید آمد، (2) اما معجم مشهور قرآن را اروپاییان پدید آوردند. آشنا بودن اروپاییان با آیات قرآن، لزوم نگارش معجم الفاظ را ضروری می ساخت.

معجم الفاظ احادیث اهل سنت نیز در اروپا پدید آمد. معجم الفاظ احادیث شیعی در آخرین سالهای سده چهاردهم برای برخی از کتابها آغاز شده بود. (3)

پس از انقلاب معجم نویسی شتاب گرفت و برای برخی از کتابها همانند نهج البلاغه، کافی و دیگر کتب اربعه، کتابهای شیخ صدوق، بحار الأنوار، غرر الحکم، وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل و... معجم الفاظ نگاشته شد.

در این میان معجم الفاظ نهج البلاغه و معجم بحار الأنوار با اقبال فزون تری روبه رو شدند.

گسترش استفاده از رایانه و پدید آمدن برنامه های نرم افزاری گوناگون، استفاده از معجم های مکتوب الفاظ را با رکود مواجه ساخت. مزایای استفاده از این برنامه بسیار بیشتر از معجم الفاظ بود. بنابراین، رونق استفاده از این روش پرفروغ نبود و چراغ معجم نگاری پس از یک دوره کوتاه به خاموشی گرایید.

ص: 283

1- (1). مراجعه شود به مجله آینه پژوهش. این مجله در طول انتشار خود بسیاری از میراث مکتوب کهن را معرفی کرده و در نقد و یا ستایش از آن متون کوشیده است.

2- (2). این معجم به نام کشف الآیات، در برخی از چاپهای قدیمی قرآن موجود است.

3- (3) الكاشف لآلِفاظ نهج البلاغه، توسط دکتر جواد مصطفوی.

معجم نگاری موضوعی، روش دیگری بود که مفیدتر و تخصصی تر از معجم الفاظ بود؛ زیرا از الفاظ موجود در متن فراتر می رفت و به محتوای متن می پرداخت، متون مشابه لفظی و معنوی را در کنار هم قرار می داد و موضوعات اصلی و ریز موضوعات را مرتب می کرد.

گسترده‌گی متون و موضوعات استخراج شده، این گونه نگارش را بسیار سخت و دشوار می کند؛ بنابراین، محدوده تحقیق به طور معمول به کتابهای خاص محدود می شود.

پژوهشهای قرآنی گوناگونی نیز با این شیوه منتشر شده است. رویکرد حدیثی این شیوه بیشتر به نهج البلاغه محدود می شود. الهادی الی موضوعات نهج البلاغه، تصنیف نهج البلاغه، المعجم الموضوعی لنهج البلاغه و فرهنگ آفتاب، (1) از جمله کتابهایی هستند که با دقت در متون علوی نهج البلاغه تألیف شده اند.

معجم موضوعی صحیفه سجاده و تصنیف موضوعی غرر الحکم نیز از گروه معجم های موضوعی هستند. شایان ذکر است که پژوهش در این زمینه به کار گروهی و دقت بیشتر و منسجم تری نیاز دارد. زیرا لازم است با مطالعه و دقت در تمامی متون، نمایه های مناسب با توجه به عناوین اصلی و فرعی ساخته شود و در یک بستر مناسب قرار گیرد. (2)

8. استفاده از رایانه

یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در گسترش پژوهشهای حدیثی، استفاده از رایانه در علوم اسلامی بود. رایانه های شخصی، مدت زمان کوتاهی پس از اختراع (کمتر از ده سال) به حوزه علوم اسلامی وارد شد و مورد استفاده قرار گرفت.

مزایای استفاده از رایانه در پژوهشهای حدیثی، سبب رشد سریع و گسترش روزافزون آن گشت. حجم بسیار کم، استفاده آسان، امکان جستجوهای پیچیده و ترکیبی، در اختیار گذاردن متون حدیثی فراوان، ارتباط مستقیم الفاظ و متن (بر

ص: 284

1- (1) این مجموعه به ترتیب به دست فرزانه گانی چون آیت الله مشکینی، لبیب بیصون، اویس کریم محمد و معادیخواه، نگارش یافته است.

2- (2). نمایه سازی از مطالب و موضوعات مورد بحث در حدیث، از شیوه های علمی و پرکاربرد است. نمایه سازی دقیق، پژوهش دشوار است که به مهارت های علمی و تجربی فراوان نیازمند است.

خلاف معجم مکتوب الفاظ)، تناسب قیمت برنامه ها با سطح درآمد افراد و امکان فیش برداری سریع از جمله خدمات پژوهشهای رایانه ای است که پژوهش حدیثی را در این دوره از دوره های پیشین متمایز می سازد.

مجموعه متون حدیثی شیعه و اهل سنت و حتی نسخه های خطی عکس برداری شده که اکنون به آسانی در اختیار تمامی افراد قرار گرفته و زمینه مراجعه آنان به این منابع را فراهم آورده است، در زمانهای پیشین برای هیچ کس قابل تصور نیز نبود.

اکنون با استفاده از برنامه های نرم افزاری مرتبط با حدیث، پژوهشهای حدیثی بسیار سریع، دقیق، آسان و پرمخاطب گشته است.

امروزه برنامه های گوناگون رایانه ای در بازار وجود دارد و هر روز در حال ارتقا و پیشرفت است. روشن است که استفاده بهینه از رایانه، محتاج به تخصص و مهارت است که بدون آن آفتها و آسیبهایی را به همراه دارد.

9. پیدایش مراکز تخصصی حدیث

پژوهشهای حدیثی شیعی در گذشته نوعی پژوهش جنبی تلقی شده و در سایه پژوهشهای دیگر قرار گرفته بود. پس از قرن پنجم، به جز برخی زمانهای خاص، در روند عمومی پژوهشهای دینی از حدیث استفاده می شد، ولی به گونه مستقل و تخصصی بدان نمی پرداخت. در سالهای ابتدایی نظامهای جدید تحصیلی در ایران و دیگر کشورهای اسلامی، دانشکده هایی با نام فلسفه، فقه و تاریخ به وجود آمد، ولی گرایش حدیث، مرکز ویژه ای برای خود نداشت. در دوران اخیر که به قرآن و حدیث نیز در کنار هم توجه شد حدیث در سایه قرآن قرار گرفت. افزون بر آن به علوم قرآنی و حدیثی بیش از متون قرآن و حدیث توجه شد. برخی از دانشکده های عراق، حدیث را به عنوان یک گرایش در نظر گرفتند، ولی این شیوه گسترش چندانی نیافت.

در سالهای اخیر، مراکز تخصصی حدیث تأسیس شده و رو به گسترش است. مؤسسه دار الحدیث اولین مجموعه عظیم و گسترده ای است که به گونه خاص، تحقیقات حدیثی را سرلوحه کار خویش قرار داده است. دانشکده حدیث نیز از درون این مجموعه و در کنار پژوهشکده حدیث این سیر علمی را دنبال می کند. مراکز و رشته های تخصصی

حدیث در حوزه علمیه قم و سایر شهرستانها نیز پدید آمده است. کتابخانه های تخصصی حدیث از جمله مراکزی هستند پژوهش در حدیث را تسهیل کرده اند.

پژوهشهای مربوط به نهج البلاغه و مراکز تخصصی در رابطه با این کتاب را نیز باید به مراکز تخصصی حدیث افزود.

همچنین پدید آمدن مجله های تخصصی و سایتهای اینترنتی در موضوع حدیث، جزئی از مراکز تخصصی حدیثی محسوب می شوند. مجلات تخصصی، مرکزی برای مبادله آخرین اطلاعات و پژوهشهای حدیثی است. این مجموعه ها که مخاطبان فراوان یافته اند زمینه پژوهشهای برتر و به روزتر حدیثی را فراهم کرده اند.

پایان نامه های گوناگون حدیثی نیز بخشی دیگر از این مجموعه است. در این دوره، علوم حدیث و متون روایی در نگارش پایان نامه ها مورد توجه قرار گرفته اند. رشد کمی این گونه تحقیقات، در دوران اخیر بسیار چشمگیر گشته است و اکنون زمینه لازم برای رشد کیفی این مجموعه ها نیز فراهم آمده است.

10. رواج علوم پیرامونی حدیث

برخی از علوم حدیثی پیشینه ای کهن دارد. علم رجال از قرن دوم و علم درایه از قرن چهارم تا کنون رواج داشته اند. اختلاف الحدیث و مشکل الحدیث نیز نمونه های پژوهشی کهن داشته اند. اما مباحثی همانند مبانی نقد حدیث و مصادیق آن، مبانی فقه الحدیث، تاریخ حدیث، تاریخ علوم حدیث، مکتبها و منهج های حدیثی، کتاب شناسی توصیفی و یا انتقادی و معنانشناسی حدیثی از مباحث روزآمد و دیدی هستند که پیشینه ای نداشته اند.

پس از پیدایش مراکز تخصصی حدیث، این مباحث مورد توجه محققان قرار گرفته و پژوهش درباره آنان آغاز گشته است. محیط فکری لازم برای مبادله اطلاعات و نقد و بررسی پژوهشها نیز آماده است. همچنین برخی پژوهشهای اولیه در پاره ای از این علوم منتشر شده و یا در دست انتشار است. (1)

ص: 286

1- (1). در سال های اخیر و پس از تاسیس مؤسسه دارالحدیث، نگاشته های فراوان پیرامون علوم حدیث منتشر شده است که در زمینه های تاریخ حدیث، فقه الحدیث، رجال و درایه و..... به پژوهش پرداخته اند. دانشکده علوم حدیث نیز در این زمینه ها، آثار ارزشمندی را ارائه کرده است. مجله های علوم حدیث (فارسی)، علوم الحدیث (عربی) و حدیث اندیشه نیز مقالات تخصصی پیرامون مباحث مرتبط با حدیث را منتشر کرده اند. این کتابها و مقالات مجموعه ای گسترده و دراز دامن است.

11. ارتباط فرهنگی صمیمانه تر شیعه و اهل سنت

ارتباط حدیثی شیعیان با اهل سنت و ارتباط متقابل آنان در طول تاریخ، سیر منظمی نداشته است. این ارتباط گاه در بعضی زمانها و مکانها، صمیمانه بوده و گاه با دشمنی همراه گشته است. رویکردهای سیاسی و اجتماعی نیز در ارتباط و عدم ارتباط فرهنگی تأثیر گذاشته اند. پس از تشکیل سلسله صفویه و در پی دشمنی و کینه توزی دولت عثمانی و بروز تفکرات افراطی، ارتباط فرهنگی شیعه و اهل سنت رو به کاهش گذاشت. در این دوران مباحث تنش زا بیشتر مطرح می شد و مسائل مشترک در سایه موضوعات اختلافی قرار می گرفت.

در دوران اخیر که اسلام در تمامی شکلها و قرائتها با هجوم بیگانگان روبه رو گشته است میل به ارتباط فرهنگی صمیمانه در میان شیعه و اهل سنت افزون شده است. اگرچه برخی از تفکرات افراطی همانند وهابیت و دیگر گروههای فکری، این صمیمت و ارتباط را برنمی تابند.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری روحانیت شیعی و موضع گیریهای بیگانه ستیز آن، به ویژه در رویارویی با قدرت حاکم غرب و یهودیان، موجب روی آوردن توده اهل سنت به این تفکر گشته است.

گرایش به آشنایی با متون معرفتی شیعه، با استفاده از امکانات ارتباطی جدید، ساده تر و دقیق تر شده است.

شیعیان نیز به مطالعه متون حدیثی اهل سنت، به عنوان نقل دیگری از سنت نبوی، اقبال نشان داده اند. آنان در کنار نقد برخی از متون اهل سنت به تبیین موارد مشترک پرداخته اند و استفاده از آن متون را در کنار متون اصیل شیعی پذیرا گشته اند. (1)

12. توجه مستشرقان به ویژه نسل جدید آنان به منابع شیعی

مطالعات اسلام شناسی در غرب، از چندین سده قبل آغاز شده است و به گونه ای خاص به مقابله و مواجهه با آموزه های معرفتی اسلام پرداخته است.

ص: 287

1- (1). مجموعه میزان الحکمه و موسوعه امام علی علیه السلام از این گروه اند.

نگاشته های حدیثی مستشرقان، معمولاً به احادیث اهل سنت و پی جویی اشکالات در آن یا برجسته کردن نقاط مبهم آن اشاره داشت. اگرچه برخی فعالیت های اصلاحی و شایسته نیز انجام گرفت. در سالیان اخیر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی آموزه های شیعی محور کار مستشرقان شد و نگاشته های فراوان در این باب پدید آمد. در این میان، حدیث پژوهی، سهمی شایسته داشت. شیوه تحقیق غربیان، موضوعات مورد علاقه آنان، نگاه های خاص آنان به آموزه های حدیثی، مطالعات آنان در تاریخ حدیث شیعه، توجه ویژه به فرقه های شیعه به ویژه فرقه های منحرف و... از جمله مباحث شایسته پیگیری هستند. برخی از نگاشته های شایسته بحث در این حوزه از این قرار است:

رابرت گلیو/مجموعه های رسمی احادیث امامیه، (جوامع حدیثی شیعه) مارسین کاوسکی/کلینی و کافی، بواجکلی/اغلات نخستین شیعه، بیوکار/پیدایش واقفه، اتان کلبرگ/کتاب خانه ابن طاووس، همو/از امامیه تا اثنا عشریه، همو/شیخ صدوق و نظریه تحریف قرآن. (1)

خاتمه

نگاشته های حدیثی فراوان که در این دوره کوتاه پدید آمده است، این دوره را بر تارک دوران طلایی پیشین قرار می دهد. این پژوهشها آن مقدار گسترده و درازدامن است که نام بردن و توصیف اجمالی آنان نیز از محدوده این نوشتار خارج است.

ص: 288

1- (1). برای آگاهی بیشتر: ر. ک: بولتن مرجع مقالات مستشرقان و حدیث: جلد اول تا چهارم، به کوشش علی راد، پژوهشکده علوم و معارف حدیث/موسسه دار الحدیث.

1. آشنایی با بحار الأنوار، احمد عابدی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

1378 ش، اول.

2. آشنایی با کتب رجال شیعه، محمد کاظم رحمان ستایش، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). دانشکده علوم حدیث، 1385 ش.

3. آل بویه حامیان فرهنگ تشیع، سیف الله نحوی، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام، انتشارات نور السجاد، 1381 ش.

4. آل بویه نخستین سلسله قدرتمند شیعه، علی اصغر فقیهی، تهران: انتشارات صبا، 1365 ش.

5. إثبات الوصیة للإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، المنسوب إلى علی بن الحسین المسعودی (م 346 ق)، بیروت: دار الأضواء، 1409 ق، دوم.

6. اجتهاد و تقلید در فلسفه، محمد رضا حکیمی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1378 ش، اول.

7. الاحتجاج علی أهل اللجاج، أحمد بن علی الطبرسی (م 620 ق)، تحقیق: إبراهيم البهادری و محمد هادی به، تهران: دار الأسوة، 1413 ق، اول.

8. إحقاق الحقّ و إزهاق الباطل، نور الله بن السید شریف الشوشتری (القاضی التستری) (م 1019 ق)، تصحیح و تعليق: السید شهاب الدین المرعشی، قم: مكتبة آية الله المرعشی، 1411 ق، اول.

ص: 289

9. اخبار الزمان، أبو الحسن علي بن الحسين المسعودي (م 345 ق)، بيروت: دارالأندلس، 1386 ق.
10. اخبارى گرى و اخبار گرابى (ضمیمه گنجینه شهاب ج 1)، محمد رضا حکیمی، قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
11. اختیار معرفة الرجال (رجال الکشفی)، محمد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) (م 460 ق)، تحقیق: السید مهدی الرجائی، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، 1404 ق، اول.
12. الاصول الاصلية، محمد بن شاه مرتضى الفيض الكاشاني، به تصحيح: مير جلال الدين المحدث الأرموي، تهران: سازمان چاپ دانشگاه، 1349.
13. اصول الفقه. شيخ محمد رضا المظفر (م 1388 ق)، قم: مكتب الاعلام الاسلامي، 1370 ش، چهارم.
14. الاعتقادات، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: عاصم عبد السيد، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، 1413 ق، اول.
15. إعلام الوري بأعلام الهدى، الفضل بن الحسن الطبرسي (م 548 ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، 1417 ق، اول.
16. أعيان الشيعة، السيد محسن الأمين الحسيني العاملي الشقراي (م 1371 ق)، به كوشش: السيد حسن الأمين، بيروت: دار التعارف، 1403 ق، پنجم.
17. الإقبال بالأعمال الحسنة في ما يعمل مرة في السنة: على بن موسى الحلبي (السيد ابن طاووس) (م 664 ق)، تحقيق: جواد القيومي، قم: مكتب الإعلام الإسلامي، 1414 ق، اول.
18. الألفين في إمامة مولانا أمير المؤمنين عليه السلام، العلامة الحسن بن يوسف الحلبي (م 726 ق)، قم: مؤسسة الدين و العلم، 1403 ق.
19. الأمالي، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، 1407 ق، اول.

20. أمل الآمل، محمّد بن حسن الحرّ العاملي، تحقيق: سيّد احمد حسيني، قم: دارالكتب الإسلامى، 1362 ش، أول.
21. أنوار الهداية فى التعليقة على الكفاية، [الإمام] السيّد روح الله الخمينى، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى، 1413 ق.
22. أوائل المقالات، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبىرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م 413 ق)، تحقيق: إبراهيم الأنصارى، قم: المؤتمر العالمى بمناسبة ذكر ألفية الشيخ المفيد، 1413 ق.
23. ايران عصر صفوى، راجر سيورى، ترجمه: كامبيز عزيزى، تهران: نشر مركز، 1372 ش.
24. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، محمّد باقر بن محمّد تقى المجلسى (العلامة المجلسى) (م 1111 ق)، بيروت: مؤسسة الوفاء، 1403 ق، دوم.
25. البداية و النهاية، إسماعيل بن عمر الدمشقى (ابن كثير) (م 774 ق)، تحقيق: مكتبة المعارف، بيروت: مكتبة المعارف.
- بزرگان رى مفاخر رى.
26. پیام رهبر انقلاب اسلامى حضرت آية الله خامنه اى به كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد رحمه الله، قم: دبیرخانه كنگره، 1372 ش.
27. تاريخ اسلام از طلوع تا غروب خوازم شاهيان، رسول جعفریان، تهران: مؤسسه فرهنگى دانش و اندیشه معاصر.
- تاريخ الامم والملوك تاريخ الطبرى.
28. تاريخ بغداد أو مدينة السلام، أحمد بن على الخطيب البغدادى (م 463 ق)، مدينه: المكتبة السلفيّة.
29. تاريخ بيهق، على بن زيد البيهقى (م 565 ق)، ترجمه و تحقيق: يوسف الهادى، دمشق: دار إقرأ، 1425 ق.
30. تاريخ تشيع در ايران از آغاز تا قرن دهم هجرى، رسول جعفریان، قم: انصاریان، 1375 ش.

31. تاریخ حدیث شیعه از آغاز سده چهاردهم هجری تا امروز، مرتضی و فایبی، قم: دار الحدیث، 1387 ش، اول.
32. تاریخ حدیث شیعه در سده های چهارم تا هفتم هجری، مهدی احمدی و محمد کاظم رحمتی، قم: دار الحدیث، 1388 ش، اول.
33. تاریخ حدیث شیعه در سده های دوازدهم و سیزدهم هجری، حسین صفره، قم: دار الحدیث، 1385 ش، اول.
34. تاریخ حدیث شیعه در سده های هشتم تا یازدهم هجری، علینقی خدایاری و الیاس پوراکبر، قم: دار الحدیث، 1385 ش، اول.
35. تاریخ الطبری (تاریخ الامم والملوک)، أبو جعفر محمد بن جریر الطبری (م 310 ق)، بیروت: دارالفکر، 1407 ق.
36. تتمه المنتهی، شیخ عباس القمی (م 1319 ق)، تصحیح: علی محدث زاده، قم: داوری.
37. تذکره القبور، عبد الکریم بن مهدی گزی برخواری (م 1339 ق)، بکوشش: ناصر باقری بیدهندی، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، 1371 ش.
38. تربیت اجتماعی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
39. ترتیب أسانید کتاب الکافی، حسین الطباطبائی البروجردی (م 1340 ق)، تنظیم: حسن النوری الهمدانی، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة، 1414 ق.
40. تصحیح اعتقادات الإمامیة، أبو عبد الله محمد بن محمد العکبری المعروف بالشیخ المفید (م 413 ق)، تحقیق: عدة من المحققین، قم: المؤتمر العالمی لألفية الشیخ المفید، 1417 ق.
41. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود السُّلمی السمرقندی (العیاشی) (م 320 ق)، تحقیق: السید هاشم الرسولی المحلّاتی، تهران: المكتبة العلمیة، 1380 ق، اول.
42. تنزیه الأنبیاء، علی بن الحسین الموسوی (السید المرتضی) (م 436 ق)، قم: الشریف الرضی.

43. تنقيح المقال في علم الرجال، عبد الله بن محمد حسن المامقاني (م 1351 ق)، تهران: جهان.
44. التوحيد، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: السيد هاشم الحسيني الطهراني، قم: مؤسسة النشر الإسلامية، 1398 ق، أول.
45. تهذيب الأحكام في شرح المقنعة، محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م 460 ق)، بيروت: دار التعارف، 1401 ق، أول.
46. جامع الأسرار ومنيع الأنوار، السيد حيدر بن علي الآملي (م 782 ق)، تهران: [بي جا]، 1369.
47. جامع البيان عن تأويل آي القرآن (تفسير الطبري)، محمد بن جرير الطبري (م 310 ق)، بيروت: دار الفكر، 1408 ق، أول.
48. جایگاه سیاسی عالم دینی در دو مکتب اخباری و اصولی، سید محسن آل غفور، تهیه: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی اسلام، قم: بوستان کتاب، 1384 ش.
49. جغرافیای ری (مجموعه آثار کنگره بزرگداشت عبدالعظیم علیه السلام)، علی ملکی، قم: دار الحديث.
50. جوابات أهل الموصل، أبو عبد الله محمد بن محمد العکبری المعروف بالشيخ المفيد (م 413 ق)، تحقيق: مهدي النجف و محمد الحسون، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، 1413 ق.
51. جوامع حدیثی شیعه، هادی حجت، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، دانشکده علوم حدیث، 1386 ش.
52. چهل مقاله، رضا استادی، قم: کتابخانه عمومی حضرت آية الله العظمی مرعشی نجفی، 1413 ق.
53. الحاشية على كفاية الاصول في الاصول آية الله بروجردی، بهاء الدين الحجتی البروجردی، قم: انصاریان، 1412 ق.
54. الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، يوسف بن أحمد البحراني (م 1186 ق)، تحقيق: محمد تقی الإيرواني، نجف: دارالكتب الإسلامية، 1377 ق.

55. الخصال، محمّد بن علي ابن بابويه القمّي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1414 ق، چهارم.
56. دلائل الإمامة، محمّد بن جرير الطبري الإمامي (ق 5 ق)، تحقيق: مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، 1413 ق، أوّل.
57. دائرة المعارف بزرگ اسلامي، زير نظر: كاظم موسوي بجنوردي، تهران: مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامي، 1369 ش، دوم.
58. دائرة المعارف تشييع، زير نظر: احمد حاج سيّد جوادى و ديگران، تهران: نشر شهيد سعيد محبّي، 1375 ش.
59. دانش نامه امام علي عليه السلام، زير نظر: علي اكبر رشاد، قم: پژوهشگاه فرهنگ و انديشه اسلامي، 1379 ش.
60. دانش نامه جهان اسلام، زير نظر: غلامعلي حدّاد عادل، تهران: بنياد دائرة المعارف، 1371 ش به بعد.
61. دانش نامه عالمان مدفون در تحت فولاد، زير نظر حسين منتظر القائم، اصفهان:
62. الدرر النجفية، يوسف بن أحمد البحراني (م 1186 ق)، بيروت: دارالمصطفى، 1423 ق.
63. دروس في اصول فقه الإمامية، عبد الهادي الفضلي، تصحيح: لجنة مؤلفات العلامة الفضلي، بيروت: مركز الغدير، 1428 ق.
64. الدرور الواقية، علي بن موسى الحلّي (السيّد ابن طاووس) (م 664 ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، 1414 ق، أوّل.
65. الدرّة الباهرة من الأصداف الطاهرة، محمّد بن مكّي العاملي (الشهيد الأوّل)، مشهد: مؤسسة الطبع والنشر التابعة للحضرة الرضوية المقدّسة، 1365 ش.
66. الدرّة النجفية، محمد الفاضل القائيني (م 1363 ق)، تحقيق: علي الفاضل القائيني، تهران: انتشارات كوشانپور، 1423 ق.
67. ده گفتار، مرتضى مطهرى (م 1358 ش)، تهران: انتشارات صدر، 1372 ش.
68. دين و دولت در ايران، حامد الكار، ترجمه: ابوالقاسم سري، تهران: توس، 1369 ش، دوم.

69. الذريعة إلى تصانيف الشيعة، محمد محسن بن علي المنزوي (آقا بزرك الطهراني) (م 1348 ق)، بيروت: دارالأضواء، 1403 ق، سوم.
70. راه خورشیدی (انديشه نامه و راه نامه استاد علامه محمد رضا حكيمى)، محمد اسفنديارى، قم: دليل ما، 1382 ش.
71. الرجال، أحمد بن الحسين الغضائري (م قرن 5 ق)، تحقيق: السيد محمد رضا الحسيني الجلالى، قم: دارالحديث، 1422 ق.
72. رجال ابن داوود، الحسن بن علي الحلّی (ابن داوود) (م 737 ق)، تحقيق: السيّد محمد صادق آل بحر العلوم، قم: منشورات الشريف الرضى، 1392 ق.
73. رجال السيد بحر العلوم المعروف ب (الفوائد الرجالية)، محمد المهدي بحر العلوم الطباطبائي (م 1212 ق)، تحقيق: محمد صادق بحر العلوم و حسين بحر العلوم، تهران: مكتبة الصادق، 1363 ش.
74. رجال الطوسي، محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م 460 ق)، تحقيق: السيّد جواد القيومي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1415 ق، أوّل.
75. رجال العلامة الحلّي (خلاصة الأقوال)، حسن بن يوسف الحلّي (العلامة) (م 726 ق)، قم: الشريف الرضى.
رجال الكشّي اختيار معرفة الرجال.
76. رجال النجاشي (فهرس أسماء مصنّفى الشيعة)، أحمد بن علي النجاشي (م 450 ق)، بيروت: دار الأضواء، 1408 ق، أوّل.
77. الرسائل العشرة، الإمام الخميني (م 1368)، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني رحمه الله، 1420 ق.
78. رسائل المرتضى؛ الشريف المرتضى عليّ بن الحسين الموسوي البغدادي المعروف بعلم الهدى (ت 436 ق). الإعداد و التحقيق: السيّد مهدي الرجائي، مطبعة سيّد الشهداء عليه السلام قم 1405 ق.
79. الرواشح السماوية في شرح الأحاديث الإماميّة، محمد باقر الحسيني الإستر آبادي الداماد (ميرداماد) (م 1041 ق)، قم: مكتبة آية الله المرعشي، 1405 ق، أوّل.

80. روضات الجنّات فى أحوال العلماء و السادات، محمّد باقر الخوانسارى (م 1313 ق)، تحقيق: أسد الله إسماعيليان، قم: مكتبة إسماعيليان.
81. روضة رضوان (مشاهير مدفون در تكيه گازروني)، محمد حسين رياحى، اصفهان: كانون پژوهش، 1385 ش.
82. روضة المتّقين، محمدباقر مجلسى (م 1111 ق)، تهران: بنياد فرهنگ اسلامى كوشان پور.
83. روضة الواعظين، محمّد بن الحسن الفتّال النيسابورى (م 508 ق)، تحقيق: حسين الأعلمى، بيروت: مؤسسة الأعلمى، 1406 ق، أوّل.
84. رياض العلماء و حياض الفضلاء، ميرزا عبد الله أفندى الإصفهانى (ق 12 ق)، تحقيق: السيّد أحمد الحسينى، قم: مكتبة آية الله المرعى، 1401 ق، أوّل.
85. رؤياى خلوص، سيد حسن اسلامى، قم: مؤسسه بوستان كتاب، 1387 ش.
86. زندگى سياسى و فرهنگى شيعيان بغداد، حسن موسى، قم: بوستان كتاب، 1381 ش.
87. زندگى نامه علامه مجلسى، سيّد مصلح الدين مهدوى، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، 1378 ش، أوّل.
88. سماء المقال فى علم الرجال، ابو الهدى الكلباسى (م 1356 ق)، تحقيق: محمد الحسينى القزوينى، قم: مؤسسة ولى العصر عليه السلام، 1419 ق.
89. سير أعلام النبلاء، محمّد بن أحمد الذهبى (م 748 ق)، تحقيق: شعيب الأرناؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1414 ق، دهم.
90. شرح الأخبار فى فضائل الأئمّة الأطهار، النعمان بن محمّد المصرى (القاضى أبو حنيفة) (م 363 ق)، تحقيق: السيّد محمّد الحسينى الجلالى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، 1412 ق، أوّل.
91. شرح اصول الكافى، محمّد صالح المازندرانى (م 1081 ق)، تصحيح: على عاشور، بيروت: دار إحياء التراث العربى، 1421 ق.
92. شناخت و تحليل مكتب حديثى قم از آغاز تا قرن پنجم هجرى، محمّد رضا جبارى، قم: نشر زائر، 1384 ش.

93. شهداء الفضيلة، عبدالحسين الأميني النجفي، نجف: مطبعة الغري، 1355 ق، أول.

94. صحيح البخاري، محمد بن إسماعيل البخاري (م 256 ق)، تحقيق: مصطفى ديب البغا، بيروت: دار ابن كثير، 1410 ق، چهارم.

95. العبر في خبر من غير، محمد بن أحمد الذهبي (م 748 هـ)، تحقيق: محمد السعيد بن بسيوني زغلول، بيروت: دار الكتب العلميّة.

96. العروس (ضميمة جامع الأحاديث)، أبو محمد جعفر بن أحمد ابن الزاوي القمي (م قرن 4 ق)، تصحيح: محمد الحسيني النيسابوري، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، 1413 ق.

97. علامه مجلسي اخباري يا اصولي؟، علي ملكي ميانجي، قم: دليل ما، 1385 ش.

98. علامه مجلسي بزرگمرد علم و دين، علي دواني، تهران: امير كبير، 1370 ش.

99. علامه مجلسي، حسن طارمي، تهران: طرح نو، 1375 ش، أول.

100. عوالي اللآلي العزيزية في الأحاديث الدينية، محمد بن علي الأحسائي (ابن أبي جمهور) (م 940 ق)، تحقيق: مجتبي العراقي، قم: مطبعة سيّد الشهداء عليه السلام، 1403 ق، أول.

101. عيون أخبار الرضا عليه السلام، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: السيّد مهدي الحسيني اللاجوردي، تهران: جهان.

102. غاليان، نعمت الله صفري فروشاني، مشهد: بنياد پژوهشهای اسلامي آستان قدس رضوي، 1378.

103. غاية المرام و حجة الخصام في تعيين الإمام، السيّد هاشم بن إسماعيل البحراني (م 1107 ق)، تحقيق: السيّد علي عاشور، بيروت: مؤسسة التاريخ العربي، 1422 ق.

104. الغدير في الكتاب والسنة والأدب، عبد الحسين بن أحمد الأميني (م 1390 ق)، بيروت: دار الكتاب العربي، 1387 ق، سوم.

105. الغيبة، محمد بن إبراهيم الكاتب النعماني (م 350 ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، تهران: مكتبة الصدوق.

106. الغيبة، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م 460 ق)، تحقيق: عباد الله الطهرانى و على أحمد ناصح، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، 1411 ق، أول.
107. الفصول المختارة من العيون والمحاسن، على بن الحسين الموسوى (الشريف المرتضى) (م 436 ق)، قم: المؤتمر العالمى بمناسبة ذكرى ألفية الشيخ المفيد، 1413 ق، أول.
- فقه الرضا الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام.
108. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام (فقه الرضا)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، مشهد: المؤتمر العالمى للإمام الرضا عليه السلام.
109. فوائد الأصول، محمد على الكاظمى الخراسانى (م 1946)، تحقيق: رحمت الله رحمتى الأراكى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، 1416 ق.
- الفوائد الرجالية رجال السيد بحر العلوم.
110. الفوائد المدنية، محمد أمين الاسترآبادى (م 1033 ق)، تحقيق: رحمت الله رحمتى الأراكى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، 1424 ق.
111. الفهرست، منتجب الدين على بن بابويه الرازى (م قرن 6 ق)، تحقيق: جلال الدين محدث الارموى، قم: كتابخانه عمومى آية الله مرعشى نجفى، 1366 ش.
112. الفهرست، محمّد بن إسحاق (ابن النديم) (م 380 ق)، ترجمه و تحقيق: محمّد رضا تجدد، تهران: اميركبير، 1366 ش، سوم.
113. الفهرست، محمّد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م 460 ق)، تحقيق: السيّد جواد القيومى، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، 1417 ق، أول.
114. الفيض القدسى فى ترجمة العلامة المجلسى، ميرزا حسين نورى، تحقيق: جعفر نبوى، مرصاد، 1419 ق، أول.
115. قاضى نعمان و مذهب او، امير جوان آراسته، فصلنامه هفت آسمان، سال سوم، شماره نهم و دهم.
116. الكافى، محمّد بن يعقوب الكلينى الرازى (م 329 ق)، تحقيق: على أكبر الغفارى، بيروت: دار صعب و دار التعارف، 1401 ق، چهارم.

117. الكامل فى التاريخ، على بن محمد الشيبانى الموصلى (ابن الأثير) (م 630 ق)، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، 1408 ق، أول.
118. الكامل فى التاريخ، على بن محمد الشيبانى الموصلى (ابن الأثير) (م 630 ق)، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، 1408 ق، أول.
119. كتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، اتان گلبرگ، ترجمه: على قرائى و رسول جعفریان، قم: كتابخانه عمومى حضرت آية الله العظمى مرعشى نجفى، 1371 ش.
120. كتاب من لا يحضره الفقيه، محمد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: على أكبر الغفارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، دوم.
121. كليات فى علم الرجال، جعفر السبحانى، قم: مركز مديريت حوزة علميه قم، 1410 ق.
122. الكلينى و الكافى، عبد الرسول عبد الحسن الغفار، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، 1416 ق.
123. كمال الدين و تمام النعمة، محمد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقيق: على أكبر الغفارى، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، 1405 ق، أول.
124. گنجينه آثار قم، عباس فيض، قم: چاپ خانه مهر استوار، 1347 1348 ش.
125. لسان الميزان، أحمد بن على العسقلانى (ابن حجر) (م 852 ق)، مؤسسة الأعلمى، 1406 ق، سوم.
126. لوامع صاحبقرانى، محمد تقى مجلسى، قم: اسماعيليان، 1375 ش.
127. لؤلؤة البحرين فى الإجازات و تراجم رجال الحديث، السيد يوسف البحرانى، تحقيق: سيد محمد صادق بحر العلوم، نجف: نعمان، بى تا.
128. مجالس المؤمنين، سيد نور الله شوشترى، كتابفروشى اسلاميه، 1365 ش، سوم.
129. مجله نگاه حوزة، قم: دفتر تبليغات اسلامى، ش 53 و 1378، 54 ش.

130. مجموعه آثار كنگره بزرگداشت عبد العظيم عليه السلام، قم: پژوهشكده علوم و معارف حديث.
131. مجموعه مقالات فارسی كنگره بين المللی ثقة الاسلام كلینی (ره)، كنگره جهانی شیخ مفید، قم: پژوهشكده علوم و معارف حديث.
132. مجموعه مقالات المؤتمر الدولي للشيخ ثقة الإسلام الكلینی (ره)، كنگره جهانی شیخ مفید، قم: پژوهشكده علوم و معارف حديث.
133. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر بن محمد تقي المجلسی (العلامة المجلسی) (م 1111 ق)، تحقیق: السيد هاشم الرسولي المحلاتی، تهران: دار الكتب الإسلامية، 1370 ش، سوم.
134. مروج الذهب و معادن الجواهر، علی بن الحسين المسعودی (م 346 ق)، تحقیق: محمد محیی الدين عبد الحمید، قاهره: مطبعة السعادة، 1384 ق، چهارم.
135. المسائل السّروية (مصنّفات الشيخ المفید)، محمد بن محمد بن النعمان العکبری (الشيخ المفید) (م 413 ق)، تحقیق: صائب عبد الحمید، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید، 1413 ق.
136. المسائل الصاغانية، أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العکبری المعروف بالشيخ المفید (م 413 ق)، تحقیق: عدة من المحققين، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید، 1413 ق.
137. المسترشد فی إمامة أمير المؤمنين علی بن أبي طالب عليه السلام، محمد بن جریر الطبری الامامی (ق 5 ق)، تحقیق: أحمد المحمودی، تهران: مؤسسة الثقافة الإسلامية لكوشانور، 1415 ق، اول.
138. المسلسلات فی الإجازات، شهاب الدين المرعشی النجفی، قم: مكتبة المرعشی، 1411 ق.
139. مسندنویسی در تاریخ حديث، سید کاظم طباطبایی، قم: بوستان کتاب، 1376 ش.
140. مصابيح الأنوار فی حل مشكلات الأخبار، السيد عبد الله الشبّر (م 1242 ق)، تحقیق: السيد علی الشبّر، بغداد: مطبعة الزهراء.

141. معاد جسمانی در حکمت متعالیه، محمد رضا حکیمی، قم: دلیل ما، 1381 ش.
142. معالم الدین و ملاذ المجتهدین، جمال الدین حسن بن زین الدین بن الشهید الثانی (م 1011 ق)، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، 1406 ق.
143. معانی الأخبار، محمد بن علی ابن بابویه القمی (الشیخ الصدوق) (م 381 ق)، تحقیق: علی أكبر الغفّاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، 1361 ش، اول.
144. معجم الأدباء، یاقوت بن عبدالله الحموی (م 626 ق)، تحقیق: إحسان عباس، بیروت: دار الغرب الإسلامی، 1993 م.
145. معجم البلدان، یاقوت بن عبد الله الحموی الرومی (م 626 ق)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، 1399 ق، اول.
146. معجم رجال الحديث، السید أبو القاسم الموسوی الخوئی (م 1413 ق)، قم: مدینه العلم، 1403 ق، سوم.
147. المعجم المفهرس لألفاظ أحادیث بحار الأنوار، تحقیق: مرکز الابحاث والدراسات الإسلامیة، مکتب الاعلام الاسلامی فی الحوزة العلمیة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1371 ش.
148. مفاخر ری (بزرگان ری)، محسن صادقی، قم: دارالحديث، 1382 ش.
149. مقدّمه ای بر فقه شیعه، سیّد حسین مدرّسی طباطبایی، ترجمه: محمد آصف فکرت، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، 1368 ش.
150. مکتب تفکیک، محمد رضا حکیمی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1376 ش.
151. مکتب حدیثی قم، محمد رضا جباری، قم: انتشارات زائر، 1384 ش.
152. مکتب های حقوقی در حقوق اسلام، محمد جعفر جعفری لنگرودی، تهران: کتابخانه گنج دانش، 1370 ش.
153. ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، محمدباقر بن محمدتقی المجلسی (العلامة المجلسی) (م 1111 ق)، تحقیق: السید مهدی الرجائی، قم: مکتبة آية الله المرعشي النجفی، 1406 ق.
154. مناسبات فرهنگي معتزله و شیعه، رسول جعفریان، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، 1372 ش.

155. مناقب آل أبي طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، محمد بن علي المازندراني (ابن شهر آشوب) (م 588 ق)، قم: المطبعة العلمية.
156. المنتظم في تاريخ الأمم والملوك، عبد الرحمان بن علي ابن الجوزي (م 597 ق)، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، 1412 ق، أول.
157. منتهى المقال في أحوال الرجال، لأبي علي الحائري محمد بن إسماعيل المازندراني (م 1216 ق)، تحقيق ونشر مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
158. منية المرید فی أدب المفید و المستفید، زين الدين بن علي العاملي (الشهيد الثاني) (م 965 ق) قم: مكتب الإعلام الإسلامي، 1415 ق.
159. موسوعة الامام علي بن ابي طالب عليه السلام في الكتاب والسنة، محمد محمدى ريشهرى، قم دارالحديث، 1420 ق، أول.
160. مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی، مهدی فرهانی منفرد، تهران: امیر کبیر، 1377 ش، أول.
161. مهر تابان (یادنامه و مصاحبات تلمیذ و علامه عالم ربانی محمد حسین طباطبائی)، محمد حسین حسینی طهرانی (م 1374 ش)، قم: انتشارات باقر العلوم.
162. میراث اسلامی ایران، رسول جعفریان، کتاب خانه آیه الله مرعشی، 1376 ش، أول.
163. میراث حدیث شیعه، به کوشش: مهدی مهریزی و علی صدرايي خويي، قم: دار الحدیث.
164. میزان الحکمة، محمد الریشهری، قم: دار الحدیث، 1416 ق.
165. نشوار المحاضرة وأخبار المذاكرة، أبو علي المحسن بن علي التنوخي (م 384 ق)، تحقيق: عبود الشالجي، بيروت: دار صادر، 1416.
166. نظم اللئالی معروف به سؤال و جواب، علامه محمد باقر مجلسی (م 1111 ق)، گردآورنده: محمد بن أحمد حسینی لاهیجانی، تحقيق: سيد مهدی رجایی، قم: دار الكتب الاسلامیة، 1411 ق.
167. نقباء البشر، آقا بزرگ الطهرانی، مشهد: دار المرتضى، 1404 ق، دوم.

168. نقد الرجال، مصطفى بن الحسين الحسينى التفرشى (قرن 11ق)، تحقيق مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، 1418ق.
169. النوادر، فضل الله بن علي الحسنى الراوندى (م 571ق)، تحقيق: سعيد رضا على عسكرى، قم: دار الحديث، 1377 ش، أول.
170. نور الثقلين، عبد علي بن جمعة العروسى الحوزى، اسماعيليان، 1415ق، چهارم.
171. نهج البلاغة عبر القرون، عبد العزيز طباطبايى
172. الوافى، محمّد محسن بن شاه مرتضى الكاشانى (الفيض الكاشانى) (م 1091ق)، تحقيق: ضياء الدين حسين اصفهانى، اصفهان: مكتبة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام، 1406ق.
173. وحيد بهبهانى، على دوانى، تهران: امير كبير، 1362 ش، دوم.
174. وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، محمّد بن الحسن الحرّ العاملى
- (م 1104ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، 1409ق، أول.
175. وصول الأخبار إلى أصول الأخبار، حسين بن عبدالصمد العاملى، تحقيق: سيّد عبد اللطيف كوهكمري، مجمع الذخائر الاسلاميّة، 1410ق.
176. وصيتنامه الهى سياسى امام خمينى رحمه الله، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى رحمه الله.
177. الهجرة العاملية إلى ايران فى العصر الصفوى، جعفر مهاجر، بيروت: دار الروضة، 1410ق، أول.
178. هداية الأبرار إلى طريق الأئمة الأطهار عليهم السلام، حسين بن شهاب الدين الكركى (م 1076ق) تصحيح: رؤوف جمال الدين، بغداد: المكتبة الوطنية، 1977م.
179. هداية المسترشدين فى شرح اصول معالم الدين، محمد تقى بن عبد الرحيم الرازى (م 1248ق)، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، 1429ق.
180. يادنامه مجلسى، به اهتمام: مهدي مهرىزى و هادى ربّانى، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، 1379ش، أول.

181. آيينه پژوهش، قم: سازمان تبليغات اسلامي.

182. علوم الحديث (فصل نامه عربي)، قم: دانشكده علوم حديث.

183. علوم حديث (فصل نامه)، قم: دانشكده علوم حديث.

184. كيهان اندیشه، قم: مؤسسه كيهان

ص: 304

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

